

# اباصالح المهدی (عج)

شناخت امام

((جلد اول))

مؤلفان:

ابوالحسن جباری

نظر علی کوشکی





# ابا صالح المهدي

عجل الله تعالى فرجه الشريف

«جلد اول»

شناخت امام

بانضمام

ولایت فقیه

ویرایش سوّم با تجدید نظر و افزوده‌ها

مؤلفان:

ابوالحسن جباری - نظر علی کوشکی

انتشارات نوید شیراز

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جباري، ابوالحسن.  
ابا صالح المهدی (عج) / مؤلفان: ابوالحسن جباري، نظر علی کوشکی. -- [ویراست ۲]. --  
شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۴ -

ISBN : 964-358-362-7 (ج. ۱)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

چاپ سوم.

کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. شناخت امام بانضمام ولایت فقیه. -  
۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. ۳. ولایت فقیه. الف. جباري.  
ابوالحسن، ۱۳۲۴ - ب. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

۲۲۲۴/ک۹۴ الف

۱۳۸۴

۸۴-۱۰۰۲۹ م

کتابخانه ملی ایران



## ابا صالح المهدی (عج)

مؤلفان: ابوالحسن جباري - نظر علی کوشکی

□ حروفچینی: پدیده □ گرافیک: واصف □ چاپ: ستاره □ تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

□ ویرایش سوم با تجدید نظر و افزوده‌ها: ۱۳۸۴ □ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن/نمبر ۲۲۲۶۶۶۲ - ۰۷۱۱ □ ص.پ.: ۷۱۲۶۵/۶۶۶

دفتر تهران - تلفن/نمبر ۸۹۰۵۹۴۵ - ۰۲۱

پست الکترونیکی: E-Mail: navid\_publication @ yahoo.com

ISBN : 964-358-362-7

شابک: ۹۶۴-۳۵۸-۳۶۲-۷

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۴۱	آیا پایان یافتن سلسله‌ی خاتمیت به معنی...	۱۳	پیش‌گفتار.....
۴۲	امامت از نظر قرآن و سنت.....		مقدمه - سخنی با جوانان عزیز و بزرگوار و
	مقام امامت انتصاب خداست نه انتخاب	۱۵	گرائقدر تشیع.....
۴۴	مردم.....		فصل اول: رهبری جامعه اسلامی از زمان
۴۶	ویژگی‌های امام.....		پیامبر(ص) تا عصر حاضر
	مزیت و برتری معصومین نسبت به سایر		رسول خدا، زمامدار مسلمانان.....
۵۱	انسانها.....	۲۳	در زمان غیبت.....
۵۱	الف - عقل معصومین.....	۲۷	وحی خداوند به پیامبر(ص) در شب معراج
۵۲	ب - علم معصومین (ع).....	۳۰	در باره‌ی ولایت بلافصل علی(ع).....
۵۲	ج - آیه ۲۳ سوره شوری.....	۳۳	حضرت مهدی (عج) در حدیث غدیر.....
۵۲	د - آیه تطهیر برهان روشن عصمت است.....	۳۳	چرا شیعه منتظر مهدی (عج) است؟.....
	ه - آیه مباحله یک سند زنده برای عظمت اهل	۳۷	لزوم امام در امت.....
۵۳	بیت.....		در هر عصر و زمانی انسان نیاز شدیدی به
	و - آیه ۳۳ سوره ال عمران دلیل بر	۴۰	پیشوایان الهی دارد.....
۵۳	عصمت.....		



صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۵۵	حج	۵۵	شأن نزول آیهی ۸ سورهی انسان (دهر) ..
۵۵	سندی بزرگ بر فضیلت اهل بیت پیامبر «ص» ..	۵۶	شنوندگان دعوت الهی سه دسته‌اند ..
۵۸	روایاتی که القاب تعیین شدهی ایشان را معنی می‌کند ..	۵۹	فصل دوم: باید امام زمان خود را شناخت و گرنه مرگمان مرگ جاهلیت است
۹۶	۱ - عوامل مادی ..	۶۷	میراث انبیا چیست؟ ..
۹۷	۲ - عوامل معنوی ..	۶۸	زندگانی حضرت ولی عصر (عج) ..
۹۸	«اجل مسمی» مرگ طبیعی و «اجل» مرگ زودرس کدام‌اند؟ ..	۶۹	کیفیت تولد امام مهدی (عج) ..
۹۸	عوامل و اسباب دیگر طول عمر ..	۷۲	رحلت نرجس خاتون در حیات امام حسن عسکری (ع) ..
۱۰۰	طول عمر امام زمان عج خلاف عادت نیست ..	۷۳	ماجرای تشریف فرمایی نرجس خاتون از روم به بغداد و سامراء ..
۱۰۴	پژوهشی دربارهی راز طول عمر بشر ..	۷۶	شناخت اجمالی از حضرت مهدی (عج) ..
۱۰۵	ژاپنی‌ها از بالاترین میانگین عمر در جهان برخوردارند ..	۸۰	فصل سوم: مهدی صاحب الزمان (عج) در قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام
۱۰۶	علت کاهش عمر انسان ..	۸۰	نویده‌های قرآن دربارهی مهدی (عج) ..
۱۰۸	شنوندگان دعوت الهی سه دسته‌اند ..	۸۷	قرآن و قیام مهدی (عج) ..
۱۰۹	تشریح این سه دسته و وظیفه‌ی امام در برابر هر یک از آنها ..	۸۹	روایات اسلامی دربارهی ظهور مهدی (عج) ..
۱۱۰	عمر بسیار طولانی ..	۹۳	علوم امامان ..
۱۱۰	عمر طولانی از نظر دانش و علم ..		
۱۱۱	۸۰۰ سال زندگی ..		
۱۱۲	۷۲ هزار سال عمر ..		
۱۱۴	طول عمر از نظر ادیان ..		
۱۱۴	ادیان همه به اتفاق از عمر طولانی جمعی از افراد بشر خبر داده‌اند ..		
۱۱۵	دین مقدس اسلام ..		

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
طول عمر از نظر تاریخ.....	۱۱۵	از اوضاع عمومی آخرالزمان.....	۱۵۷
اما طول عمر حضرت ولی عصر ارواح		خبر علقمه بن قیس از امیرالمؤمنین درباره	
العالمین له الفداء (عج).....	۱۱۶	وقایع آخرالزمان.....	۱۵۹
دیدگاه علامه طباطبایی و شیخ طوسی..	۱۱۸	آن چه بعد از قیام مهدی (عج) پدید	
دلیل زنده بودن مهدی موعود (عج)....	۱۲۲	می آید.....	۱۶۰
فصل پنجم: دلیل عقلی و نقلی بر وجود		تشخیص دو صدا در آخرالزمان چگونه	
امام زمان(عج)		است؟.....	۱۶۲
حکمت غیبت طولانی.....	۱۳۰	فصل ششم: چگونگی اوضاع بعد از قیام	
مهدی در سایر ادیان.....	۱۳۲	قائم(عج)	
عقیده به ظهور مهدی علیه السلام عقیده‌ای		اصحاب قائم.....	۱۶۷
اسلامی است.....	۱۳۴	صاحب الامر چنین کسی است.....	۱۶۷
تأثیر عقیده به ظهور مهدی در اخلاق..	۱۴۰	هنگامی که امام زمان در نجف قیام	
سخن سید مرتضی.....	۱۴۴	می کند.....	۱۶۸
فرقه‌های کیسانیه، ناروسیه و واقفیه چه کسانی		در روزگار سلطنت قائم (عج).....	۱۶۹
هستند؟.....	۱۴۴	روش حکومت قائم(عج).....	۱۶۹
چرا ظهور امام زمان(عج) و قیامت مخفی		پرچم قائم (عج) همان پرچم پیامبر(ص)	
است؟.....	۱۴۵	است.....	۱۷۰
نشانه‌های ظهور مهدی (عج).....	۱۴۶	نابودی شیطان به دست قائم (عج) است	۱۷۲
دجال کیست؟.....	۱۵۲	یاران امام مهدی(ع).....	۱۷۳
آمدن دجال برای چیست؟.....	۱۵۴	خلاصه‌ای از ویژگی‌های یاران امام	
سفیانی کیست؟.....	۱۵۴	مهدی(عج).....	۱۷۴
آمدن سفیانی و نشانه‌های دیگر.....	۱۵۵	سپاه امام مهدی(ع).....	۱۷۵
خبر جابر بن عبدالله انصاری.....	۱۵۷	فرق میان اصحاب و انصار آن حضرت	۱۷۶



عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
در باره‌ی رجعت .....	۱۷۸	حکایت سوم .....	۲۰۳
تعریف رجعت از نظر امام صادق (ع) ...	۱۸۰	به علمدار کربلا متوسل شوید .....	۲۰۵
دولت ال محمد (ص) در زمان رجعت ..	۱۸۴	ایران و عنایت ویژه‌ی ولی عصر .....	۲۰۵
نظر شیخ صدوق درباره‌ی رجعت .....	۱۸۴	<b>فصل هشتم: چهارده پرسش و پاسخ</b>	
نظر شیخ مفید درباره‌ی رجعت .....	۱۸۵	<b>درباره حضرت مهدی (عج)</b>	
نظر سید مرتضی درباره‌ی رجعت .....	۱۸۶	۱ - آمادگی روحی .....	۲۱۳
گفتار سید بن طاووس درباره‌ی رجعت ..	۱۸۶	۲ - تکامل علوم و فرهنگ‌های انسانی ..	۲۱۴
حدیث سلمان فارسی .....	۱۸۷	۳ - تکامل وسایل ارتباط جمعی .....	۲۱۴
قرآن و رجعت .....	۱۸۹	۴ - پرورش نیروی انسانی .....	۲۱۴
نمونه‌ی آیات .....	۱۸۹	<b>فصل نهم: ولایت فقیه</b>	
<b>فصل هفتم: تشرّف به حضور ولی</b>		ذکر چیست؟ و اهل ذکر کیانند؟ .....	۲۲۵
<b>عصر (عج)</b>		آیات مربوط به تقلید .....	۲۲۶
تشرّف محمد بن عیسی بحرینی به خدمت		علما و فقهای دین از نظر سنت و	
ولی عصر (عج) .....	۱۹۳	حدیث .....	۲۲۷
ملاقات با حضرت ولی عصر (عج) و نائب		شرایط فقیه صالح از نظر امام	
خاص آن حضرت .....	۱۹۵	صادق (ع) .....	۲۲۹
تشرّف آیه الله اصفهانی به محضر حضرت		از چه مجتهدی باید تقلید کرد؟ .....	۲۳۰
ولی عصر (عج) .....	۱۹۸	فرق ایمان و بیعت .....	۲۳۱
تشرّف حضرت آیه الله العظمی .....	۱۹۹	ویژگی‌های امام .....	۲۳۲
آقای مرعشی نجفی (قدّس سرّه		ضرورت پیروی از فقها و تشکیل حکومت	
الشریف) .....	۱۹۹	اسلامی در عصر غیبت .....	۲۳۴
حکایت اول .....	۱۹۹	درباره‌ی تقلید نکردن .....	۲۳۸
حکایت دوم .....	۲۰۲	منابع و مأخذ کتاب .....	۲۳۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تَعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ  
خداوندا ما به سوی تو رغبت داریم برای دولتی محترم که در آن اسلام و اهلش را عزیز گردانی و بدان نفاق و اهلش را ذلیل و خوار کنی و ما را از مبلغان به سوی طاعتت بگردانی خدایا ما را کرامت دنیا و آخرت روزی گردان

### فرم اظهار نظر

بسمه تعالی شانه

اعتقاد بوجود غیبت الهیه و ظهور موعود سرور و ولایت مطلقه حضرت بقیه الله الاعظم حجة ابن الحسن العسکری ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء از اعتقادات مسلم شیعه است مطالعه کتاب ابا صالح المهدی (عج) تألیف مؤلفان ارزشمند جناب آقای نظر علی کوشکی و آقای ابوالحسن جباری جویندگان حقیقت را در تمام ابعاد وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه راهنمای خوبی است **بطوری که معتقدان را استوار و مشکوکان را دفع شبهه و منکران را قانع خواهد کرد** زیرا با ادله عقلی و نقلی معتبر و آدرس مسلم از کتاب و سنت و حکمت اثبات مدعی شده که جای هیچ گونه ابهامی باقی نیست گرچه این مطالب در کتب معتبره از علمای سنت نقل شده لکن زحمت جمع آوری و بطور ساده در هر باب مستدل ذکر کردن جای تقدیر و تشکر از جناب مؤلفان می باشد. خداوند ایشان را توفیق بیش از پیش عنایت فرماید و السلام علی عباد الله الصالحین  
شانزدهم مرداد ماه هشتاد و یک شیراز.

سید محمد انجوی

امام جماعت مسجد خیرات شیراز

محمد انجوی  
۸۴/۴/۲



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا  
و نبيّنا محمّد (ص) و آله الطاهرين

اما بعد: قال سيّد الشهداء ابا عبدالله الحسين (ع) به معرفه كلّ رجل امامه الذي يحب طاعته. یکی از مسائل مهمی که شناخت و معرفت صحیح از آن ضامن سلامتی دنیا و آخرت انسانها خواهد بود، امام شناسی است و وجود مقدس امام حسین علیه السلام، راه رسیدن به مقامات عالیّه معرفت را در پرتو امام شناسی بیان می فرمایند و در عصر غیبت کبری، یکی از ضروریات زندگی هر انسانی آشنایی با مسائل مربوط به امام غائب ارواحنا له الفداء می باشد کتاب اباصالح المهدی (عج) به تألیف فضلی ارزشمند جناب مستطاب آقای نظر علی کوشکی و آقای ابوالحسن جباری در رابطه با مسائل مربوطه به حضرت بقیة الله الاعظم (عج) با قلمی روان به بررسی موضوعات مربوط به حضرت ولی عصر (عج) پرداخته، شایان ذکر است که مطالعه کتاب حاضر برای عموم علاقمندان و ارادتمندان به اهل البيت عليهم السلام بویژه نسل جوان نافع و ارزنده خواهد بود، در پایان تأییدات و توفیقات روزافزون مؤلفان محترم را از درگاه احدیت خواستارم.

والسلام عليكم رحمة الله وبركاته

علیرضا حدائق

۱۳۸۱/۵/۱۲



## بسمه تعالی

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً الْجَاهِلِيَّةَ

کسی که بمیرد و امام زمان بر حق خود را نشناخته باشد سرنوشت آنان مرگ جاهلی و حشر و نشر آنها با کفار و مشرکین بت پرست عهد جاهلیت خواهد بود.

اینجانب اوراق حروف چینی کتاب مبارک حضرت ابا صالح المهدی صلوات الله علیه نوشته فاضل ارجمند دبیر علوم دینی مدارس شیراز جناب مستطاب آقای ابوالحسن جباری را مطالعه کرده‌ام امیدوارم که چاپ و انتشار آن برای کشور عزیزمان مخصوصاً جوان‌های عزیز مفید باشد.

امام جماعت مسجد جامع قصرالدشت شیراز

علی یار محمودی ارسنجان‌ی

۱۳۸۴/۲/۱۵

---

توضیحاً: حدیث (هر کس بمیرد و...) به روایت از هفت نفر از صحابه پیامبر و به نقل از هفتاد مصدر حدیثی، تاریخی و کلامی و دیگر کتابهای اهل تسنن تواتر و قطعی الصدور بودنش از ناحیه‌ی رسول خدا(ص) در کتاب شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی و کتاب علی از دیدگاه خلفاء، ص ۲۴، بقلم علامه محقق حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی در واحد تحقیق و تألیف مجمع‌التقدیر مشهد و در قم به سال ۱۳۱۳ ه.ق. به چاپ رسیده است.



امام مهدی (عج):

۱ - «همانا در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را

از خاطر نمی‌بریم.» (بحار ج ۵۳ ص ۱۷۵)

۲ - «جست و جوی معارف غیر از راه ما خاندان پیامبر برابر

با انکار ما خواهد بود.» (دین و فطرت ج ۱ به نقل از استاد معظم

آیه ... میرزا مهدی اصفهانی)

۳ - «پس هر یک از شما باید به چیزی عمل کنید که مایه‌ی

نزدیکی به ما است.» (بحار ج ۵۳ ص ۱۷۶)

۴ - برای تعجیل فرج امام زمان بسیار دعا کنید چرا که همین

دعا (و ارتباط و پیوند) فرج شماست.

(کمال الدین ج ۲ ص ۴۵۸)

\* \* \*

ای عزیز:

سخنی دارم از سر مهر با تو که اگر دوست داری از منتظران

باشی پس در زندگی خویش نظری کن که در آن حرام نباشد،

تجاوز به حقوق دیگران نباشد و در یک کلام گناه نباشد تا

انشاء الله مورد توجه حضرت ولی عصر (عج) قرار بگیریم

و رضایت آن عزیز مولایمان را فراهم کنیم.

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلاً وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

بارالها، در این هنگام و برای همیشه ولی امرت امام زمان حجّه ابن الحسن العسکری (عج) را که درودهایت بر او و بر پدرانش باد، در این ساعت و در هر ساعت سرپرست، نگهدار، رهبر، یاور، راهنما و نگهبان باش تا (این که) گیتی را به فرمان او درآوری و تا دیر زمان بهره‌مندش گردان.

### از لسان الغیب شیراز

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید	که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش	زدهام فالی و فریاد رسی می آید
ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس	موسی این جا به امید قبی می آید
هیچ کس نیست که در کوی تو اش کاری نیست	هر کس آن جا به طریق هوسی می آید
کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست	این قدر هست که بانگ جرسی می آید

خبر بلبل این باغ بپرسید که من

ناله‌ای می شنوم کز قفسی می آید

\* \* \*

ز هی خجسته زمانی که یار باز آید	به کام غمزدگان غمگسار باز آید
به پیش خیل خیالش کشید ابلق چشم	بدان امید که آن شهسوار باز آید
مقیم بر سر راهش نشسته‌ام چون گرد	بدان هوس که بدین رهگذار باز آید
اگر نه در خم چوگان او رود سرمن	ز سر چه گویم و سر خود چه کار باز آید



دلی که با سر زلفین او قراری داد گمان مبر که در آن دل قرار باز آید

چه جورها که کشیدند بلبلان ازدی

به بوی آن که دگر نو بهار باز آید

یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور  
این دل غمدیده حالش به شود دل بد مکن  
دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت  
هان مشو نومید چون واقف نه‌ای از سرّ غیب  
در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم  
گر چه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید  
کلبه‌ی احزان شود روزی گلستان غم مخور  
وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور  
دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور  
باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور  
سرزنش‌ها گر کند خار مگیلان غم مخور  
هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور

حافظا در کنج فقر و خلوت شب‌های تار

تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

### در حکم کیمیاست مسلمان

ای آخرین ودیعه‌ی یزدان	ای نقطه‌ی مراکز خلقت
ای مصدر عوالم امکان	ای مظهر ظهور الهی
ای مبدأ شرافت انسان	ای منشأ نشانه‌ی هستی
ای شهسوار عرصه‌ی میدان	ای شه‌ریار عادل کونین
ای دادخواه بی‌کس و نالان	ای پادشاه مطلق گیتی
ای قائم قوائم ایمان	ای مهدی محمد موعود
سطری نوشته نیست به قرآن	جز مدحت ثنات دگر هیچ
باشی، به لب رسیده مرا جان	شاهها به پرده تا کی و تا چند
تعمیر کن عمارت ویران	معمار کون ز پرده برون آی
هستند خلق بی‌سر و سامان	بیرون بیا ز پرده کنه یکسر
بر تخت و بر بساط سلیمان	هر جا نشسته اهرمنی زشت

زین‌ها گذشته در همه‌ی دهر

در حکم کیمیاست مسلمان

## پیش‌گفتار

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ

**کسیکه از مخلوق تشکر نکند از خدا هم تشکر نکرده است**

در این قسمت درباره معرفی کتاب که به دو مجلد تغییر یافته جلد اول شناخت امام و جلد دوم صفات منتظران نام گرفته جلد اول دارای نه فصل است که فصلی هم در ارتباط با شناخت امام عصر و چگونگی تولد ایشان و فصلی هم در ارتباط با طول عمر و عوامل مادی و معنوی آن بحث گردیده و فصلی هم در ارتباط با ظهور امام و انتظار فرج و فصلی درباره رجعت و نظر علما درباره رجعت و مطالبی درباره کسانی که خدمت ایشان شرفیاب گردیده‌اند مطالبی درباره سؤالاتی که عزیزان ممکنست پیش آید و مطالبی درباره ولایت و اینکه ولایت فقیه از زمان پیامبر (ص) آغاز شده است بحث شده که شک و شبهات عزیزان خواننده به ویژه جوانان عزیز امام و رهبر و مقتدای خویش را شناخته و به ایشان اقتدا کنند و ایشان را الگو و سرمشق خود قرار دهند و کلیه کارکنان و انتشارات محترم نوید بویژه ریاست محترم آن جناب آقای نویدگویی و حروفچینی پدیده سرکار خانم سیفی و ویراستار محترم جناب آقای حسینی میرآبادی کمال تشکر و تقدیر را داریم که این عزیزان هر کدام با یاری خود، ما را محبت فرمودند که توانستیم این کتاب را به شما عزیزان و بزرگواران خواننده گرامی تقدیم نماییم امید است که خداوند و حضرت ابی‌صالح المهدی (عج) این کار بسیار کوچک و ناچیز را قبول فرمایند و همگی ما و انتشارات و

حروفچین و ویراستار و خواننده‌ی گرامی و عزیزانی که در ابتدای کتاب با تقریط خود کتاب ما را نورافشانی فرموده‌اند سپاسگزاریم در پایان به دو یادآوری و تذکر بسنده می‌نمائیم.

### توجه و تذکر

- ۱- این کتاب چون با قیمت بسیار نازل در اختیار همگان قرار می‌گیرد به دیگران اهداء و توصیه در مطالعه آن شود که آنها هم به فیض رسند.
- ۲- عزیزان هرگونه ارشاد و انتقادی داشته باشند با آغوش باز پذیرا هستیم.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ

(خداوند) همچون یک ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت

پربرکت زیتونی گرفته می شود که نه شرقی است و نه غربی (سوره نور)

### سخنی با جوانان عزیز و بزرگوار و گرانقدر تشیع

آری قرآن تمام مسائل را برای پیروانش بیان داشته «و لا رطبٍ و لا یابسٍ الا فی کتاب مبین یعنی هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتاب آشکار ثبت است» (۵۹ انعام) و باز در آیه بعد می فرماید: که: «خداوند احاطه کامل بر انسان دارد و فرشتگانی را برای ثبت اعمال گماشته است (۶۰ انعام) و در آیه ۳۵ سوره نور بعد از اینکه خداوند خود را معرفی می کند که خداوند نور آسمانها و زمین است و... در اواسط آیه می فرماید: «همچون ستاره فروزان که با روغنی خالص و صاف افروخته می شود که نه تمایل به شرق دارد و نه به غرب که در تفسیر شرق و غرب به یهود و مسیحی تفسیر گردیده امروزه هم گروهی بر منکرین امام عصر (عج) و حقایق ولایت و رهبری ائمه بر مکاتب انحرافی اضافه شده وقتی

پیامبر (ص) در هزار و چهارصد سال و اندی پیش می فرمود بگویند خدا یکی است تا رستگار شوید یا آنانکه روزانه ۱۷ رکعت نماز می خوانند و در آن ده مرتبه می گویند «ایاک نعبدُ و ایاک نستعین» یا می گویند: «اهدنا الصراط المستقیم» مفهوم همان لا شرقیه و لا غربیه است یعنی انحراف به چپ و راست نداشتن فقط خدا را در امورات مؤثر دانستن و عبد و بنده او گردیدن است.

و یا در همان آیه ۳۵ سوره نور می فرماید: «نورٌ علی نورٍ یهدی الله لِنوره مَنْ یشاء» نوری است بر فراز نور و خداوند هرکس را بخواهد به نور خود هدایت می کند. مرحوم طبرسی در مجمع البیان درباره «نور علی نور» می فرماید اشاره به پیامبرانی است که یکی بعد از دیگری از یک نسل و یک ریشه بوجود آمده اند و راه هدایت را تداوم بخشیده اند و پس از آنها اوصیای پیامبر (ص) از «علی (ع) تا مهدی (عج)» ادامه دهنده راه پیامبرانند.

**فخر رازی در تفسیر خود می گوید:** «نور علی نور» اشاره به اجتماع اشعه نور و تراکم آنهاست. «آنچنانکه درباره مؤمن وارد شده مؤمن در میان چهار حالت قرار دارد.

۱ - اگر نعمتی به او برسد خدا را شکر می گوید.

۲ - و اگر مصیبت و ناراحتی رسد صابر و با استقامت است.

۳ - اگر سخن بگوید راست می گوید.

۴ - اگر داوری کند عدالت را می جوید.

مؤمن در میان توده های مردم ناآگاه همچون انسان زنده ای در میان مردگان است مؤمن در میان ۵ نور در حرکت است؛ سخنش نور، عملش نور، محل ورودش نور، محل خروجش نور و هدفش نور خدا در روز قیامت است.»

پس ای جوانان عزیز و گرانقدر بیاییم بقول قرآن «قل ان صلوٰتی و نسکی و حیاتی و مماتی لله رب العالمین باشیم یعنی بگو بدرستی که نماز من و پرستش من و زندگی و مرگم برای خداوندی است که پروردگار جهانیان است» اگر چنین شد بقول علی (ع) دنیا بدنبال شما خواهد آمد و به استناد قرآن آیه ۲۰ سوره شوری که می فرماید: «انسانی که



**کشت آخرت را خواهد کشتش را افزایش دهیم و آنکس که دنیا را خواهد به اندازه‌ی نیازش به او می‌دهیم ولی در آخرت بهره‌ای ندارد.**

ای خوانندگان گرامی پیامبر عظیم‌الشان می‌فرمایند: «علی و ائمه معصومین و فاطمه و خدیجه (صلوات الله علیهم اجمعین) و ذریه آنها (سادات) و تمام کسانی که از آنها پیروی کرده‌اند مقربون و سابقون هستند (تقریباً متقین)»<sup>(۱)</sup>

و نیز می‌فرمایند: «متقین از قبرهایشان خارج می‌شوند و ملائکه با شترهایی از نوع باقه‌های نور (شترهای بهشتی) عزت به استقبالشان می‌شتابند و دهنه‌های ارغوانی شترها را می‌گیرند با عزت و افتخار سوار شترهای (بال دار) شده بر بالای محشر پرواز نموده و هر یک نفر آنها هزار فرشته از جلو و راست و چپ آنها را تا در بهشت همراهی می‌کنند.»<sup>(۲)</sup>

اگر زندگیمان بر مبنای تقوی باشد به هیچ وجه نباید ناامید بود زیرا خداوند در آیه ۸۷ سوره یوسف می‌فرماید: (یعقوب (ع) به پسرانش گفت) «پسرانم بروید از یوسف و برادرش جستجو کنید، و از رحمت خدا ناامید نشوید که از رحمت خدا جز قوم کافر ناامید نمی‌شوند.»

بلی اگر وجود خود را پایگاه شیطان قرار داده‌ایم توبه نصوح کنیم زیرا خداوند در آیه ۸ سوره تحریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به سوی خداوند توبه کنید توبه نصوح...»

پیامبر (ص) درباره توبه نصوح فرمودند: «آنستکه شخص توبه کننده به هیچ وجه بازگشت به گناه نکند آنچنانکه شیر به بستان هرگز باز نمی‌گردد.»<sup>(۳)</sup>

و نیز پیامبر فرمودند: «در صورت توبه نصوح تمام گناهان آمرزیده می‌شود مانند روزی که از مادر متولد شده چون خداوند در آیه ۸ سوره تحریم آثار توبه نصوح را چنین بیان می‌فرماید: «۱- آمرزش گناهان ۲- ورود به بهشت ۳- در قیامت ایمان آورندگان به پیامبر خوار و پست نمی‌شوند ۴- نور ایمان و عمل صالح در جلو و طرف راست و چپ آنها نورافشانی می‌کند ۶- از خداوند می‌خواهند که نورشان کامل شود و آنها را ببخشد زیرا خداوند بر هر کاری قادر است.»

۲- بحارالانوار ج ۸ ص ۱۵۷ تا ص ۱۶۷.

۱- بحارالانوار ج ۸ ص ۱۵۰.

۳- مجمع‌البیان ج ۱۰ ص ۳۱۸.

پس ای عزیزان اگر الگوی خود را معصومین قرار دهیم و متقین حقیقی شدیم سعادت دنیا و آخرت صد در صد تضمین است و اگر الگوهای شرق و غرب را انتخاب نمودیم ممکنست در دنیا آنهم کوتاه مدت (آنهم به اندازه) مقدرات الهی موفقیم ولی در بلندمدت و جهان آخرت جز تبهکاری و کوله‌باری از گناه چیز دیگری نخواهیم داشت ان شاء الله با تعقل و تفکر راه صحیح را انتخاب و خود و خانواده و جامعه خویش را به سعادت رهنمون شویم. ان شاء الله.

مؤلفان:

نظر علی کوشکی - الاحقر ابوالحسن جباری

# فصل اول

## رهبری جامعه‌ی اسلامی از زمان پیامبر(ص) تا عصر حاضر

اسلام یک نظام کامل اجتماعی است که تمام شؤون زندگی بشر را در بر می‌گیرد. این آیین الهی برای سعادت اخروی انسان احکام و دستورات جامعی دارد و برای تأمین سعادت دنیوی و اداره‌ی اجتماع نیز بهترین قوانین را تدوین کرده است. اصولاً اسلام برای دنیا و آخرت حدّ و مرزی که آن‌ها را کاملاً از هم جدا کند قائل نشده، بلکه آن‌ها را کاملاً به هم آمیخته است.

ممکن نیست کسی یک مسلمان کامل باشد ولی در امور اجتماعی هیچ نوع مسؤولیتی نداشته باشد. برای اثبات مطلب همین قدر کافی است که مطالعه‌ای کلی و عمیق در احکام و قوانین مختلف اسلام صورت گیرد. قوانین و دستورات قضایی یکی از بخش‌های مهم اسلام است. قضا و داوری یک منصب دینی شمرده می‌شود. اسلام لازم می‌داند برای جلوگیری از هرج و مرج و ظلم و طغیان و حل و فصل دشمنی‌ها و احقاق حقوق مردم، بهترین و کامل‌ترین تأسیسات دادگستری به وجود آید و قوانین جامع و کامل قضایی اسلام اجرا

شود. حقوق تمامی کارمندان دادگستری شرعی و از بیت المال مسلمین و بیت المال عمومی تأمین شود.

جهاد در راه خدا، توسعه‌ی خداپرستی، دفاع از قوانین شریعت و دفاع از کشور اسلامی یکی از دستورات بزرگ اسلام است و مسلمانان وظیفه دارند با ستمگران و غارتگران اموال عمومی و اهل طغیان و فساد مبارزه کنند.

علی (ع) می‌فرمایند: «خدا جهاد را یک فریضه‌ی بزرگ دینی قرار داده و به عنوان نصرت و یاری کننده‌ی خویش معرفی کرده است. به خدا قسم دین و دنیا بدون جهاد اصلاح‌پذیر نیست.<sup>۱</sup>»

و نیز می‌فرمایند: «با آنها بجنگید تا فتنه بر افتد و دین خاص خدا شود<sup>۲</sup> و خدا می‌فرماید: خدا دوست دارد کسانی را که در راه او جنگ می‌کنند در یک صف، مانند سرب‌ی استوار.<sup>۳</sup>»

و باز هم خدا می‌فرماید: «بگو اگر پدران و فرزندان و همسران و خویشانتان و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کسادی آن می‌ترسید و مسکن‌هایی که بدان دل بسته‌اید برای شما از خدا و پیغمبر و جهاد در راه خدا محبوب‌تر است، منتظر باشید، که خداوند عذابش را نازل کند و خداوند جمعیت نافرمان‌بردار را هدایت نمی‌کند.<sup>۴</sup>»

مسلمانان باید در مقابل کفر و مادی‌گری و نیروهای ضد خدایی سپاه نیرومند و مجهزی داشته باشند، زیرا خدا می‌فرماید:

«هرچه می‌توانید نیروی جنگی و اسبان برای آنها آماده کنید و بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خودتان را و دیگران را که شما نمی‌شناسید و خدا از آنها اطلاع دارد بترسانید.<sup>۵</sup>»

(۲) آیه‌ی ۱۹۳ بقره.

(۴) توبه، آیه‌ی ۲۴.

(۱) تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۹.

(۳) سوره‌ی صف، آیه‌ی ۴.

(۵) انفال آیه‌ی ۶.

پس ارتش و سپاه و توابع آنها مانند دانشکده‌ی افسری، مراکز تعلیمات نظامی، کارخانجات تسلیحات نظامی و تهیة و نگه‌داری وسایل نیروهای هوایی، زمینی و دریایی همگی جزء اسلام و تهیة آنها از وظایف مسلمانان است.

امر به معروف و نهی از منکر یکی از دستورات بزرگ اسلام و وظیفه‌ی همگان است و باید همیشه نیروی مجهز و آماده داشته باشند، زیرا قرآن می‌فرماید:

«باید گروهی از شما آماده باشید که مردم را به خوبی دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند.»<sup>۱</sup> حدود دیات و تعزیرات بخشی از قوانین اسلام است. قاتل یا کشته می‌شود یا دیه (خون‌بها) می‌پردازد. هر لطمه‌ای که به بدن انسان وارد شود، دیه‌ی مخصوصی دارد، دست دزد باید بریده شود،<sup>۲</sup> زنا و لواط حدود و عقوبت‌های مخصوصی دارند. برای جلوگیری از ظلم و فساد باید حدود الهی اجرا شود.

اسلام برای اداره‌ی ملت و تأمین نیازهای عمومی زکات و خمس را معین کرده تا هزینه‌ی زندگی افراد بی‌بضاعت و درماندگان و از کار افتادگان - افراد ورشکسته و قرض‌دار و در راه مانده از همین راه تأمین شود. با همین بودجه مؤسسه‌های خیریه‌ی عمومی مانند بیمارستان و تیمارستان درمانگاه، زندان، حمام، مسجد، دبستان و دبیرستان و دانشگاه، مدارس علمیه و مراکز تحقیق و مراکز بهداشتی تأسیس می‌شود.

اگر خمس و زکات به طور صحیح وصول شود، برای اداره‌ی کشور اسلامی، تأمین کل هزینه‌های عام‌المنفعه و تمام نیازهای عمومی جامعه‌ی اسلامی کفایت می‌کند و با آن می‌توان تمام هزینه‌های نظامی، آموزش و پرورش عمومی، تبلیغات، دادگستری، شهربانی، استانداری، شهرداری و به طور کلی تمام ادارات و مؤسسه‌های کشور اسلامی را تأمین کرد. زمانی محاسبه کردند که اگر فقط تجار و کسبه‌ی شهر بغداد خمس و زکات یک سال خود را پردازند، هزینه‌ی عمومی تمام کشور عراق تأمین خواهد شد و در عراق در یک سال یک فقیر هم پیدا نخواهد شد. متأسفانه در کشور ما این دو عمل واجب به فراموشی

(۱) آل عمران، آیه‌ی ۱۰۴.

(۲) مائده، آیه‌ی ۳۸.



سپرده شده و افراد وجوه شرعی خود را پرداخت نمی‌کنند.

خواننده گرامی، تو که نماز می‌خوانی و روزه می‌گیری، باید بدانی نماز و زکات با هم است، خمس مالت را اگر ندهی، در مالی که خمس آن را نداده‌ای نمی‌توانی تصرف کنی و ما در کتاب‌های هدایت و تقلید و هدایت المتقین در این باره سخن گفته‌ایم. امید است که همگان به دامن اسلام برگردند و به دستورات عمل کنند.

از مطالعه‌ی مجموع قوانین اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و قضایی و جزایی که اسلام تعیین کرده بر می‌آید که قانون‌گذار خواسته است در داخل محیط اسلامی تشکیلات منظمی به وجود آید و گروهی باشند که مسئولیت اجرای آن را به عهده گیرند و نظم و امنیت عمومی را در جامعه حاکم کنند.

مگر ممکن است این همه قانون وضع کند ولی دربارهی اجراکننده‌ی آن هیچ‌گونه نظری نداشته باشد.

احکام و دستورات جهاد و قضاوت و خمس و زکوة و... ادارات و گردانندگانی می‌طلبند و این ادارات به فرد مسؤول و ضامن اجرا نیاز دارد.

اسلام دین و دنیا را به هم آمیخته رهبری و اداره‌ی امور اجتماعی را در متن دیانت قرار داده است. حکومت هم جز همین معنا چیزی نیست. افراد معینی که مسئولیت اداره‌ی مکتبی را به عهده گیرند و بر طبق قوانین خاص امور اجتماعی آن‌ها را اداره می‌کنند، هیأت حاکمه یا دولت نامیده می‌شوند حاکم می‌تواند قوانین خود را قوانین الهی قرار دهد و هیچ کس نمی‌تواند بگوید ادیان آسمانی در تأسیس حکومت‌ها دخالتی نداشته و ندارند. چه کاری بهتر از این که پیامبر (ص) یا امام معصومی که از هرگونه خطا و اشتباهی محفوظ است، رهبری و زمام امور ملت را به عهده گیرد. آیا می‌توان گفت بیان احکام شأن پیغمبر و امام هست ولی اجرای آن‌ها خلاف شأن او است؟!

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت هر یک از پیامبران گذشته در حدود توانایی خویش و مساعدت و همکاری مردم در میان پیروانش حکومتی ولو بسیار محدود داشته‌اند زیرا خداوند در آیه‌ی ۲۱۳ سوره‌ی بقره می‌فرماید:

مردم (در آغاز) یک دسته بیشتر نبودند، سپس در میان آنها اختلافات به وجود آمد. خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت دهند و انذار (بترسانند) کنند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می‌کرد بر آنها نازل فرمود تا در میان مردم در آن چه اختلاف داشتند حکومت کند و...).

و درباره‌ی لوط آیه‌ی ۷۴ سوره‌ی انبیا می‌فرماید: «و لوط را که به او حکم و علم دادیم.» درباره‌ی دیگر پیامبران نیز واژه‌ی حکم و علم را آورده و به آنها دستور می‌دهد که در بین مردم حکم کنند.

### رسول خدا، زمامدار مسلمانان

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بین مسلمانان حکومت تأسیس کرد. زمامداری و اداره‌ی امور سیاسی و اجتماعی مردم عملاً در دست آن حضرت بوده و رهبر و صاحب اختیارشان بود. زیرا خداوند در آیه‌ی ششم سوره‌ی احزاب می‌فرماید: «پیامبر (ص) سزاوارتر است به مؤمنان از خودشان.» در میان مردم حکومت و داوری می‌کرد، زیرا در آیه‌ی ۴۸ مائده می‌فرماید: «به آن چه خدا فرستاد، میان ایشان حکم کن و از هوس‌های ایشان پیروی مکن.»

و در آغاز دعوتش حضرت علی را به عنوان وزیر خویش معرفی کرد. زیرا در مجلسی که از اقوام و خویشان دعوت کرده بود، رسول خدا به دستور خداوند به آنها فرمود: «کدام یک از شما حاضر است مرا در امر نبوت کمک کند و برادر و وصی و خلیفه‌ی من باشد؟» هیچ کس دعوت پیامبر (ص) را قبول نکرد، جز علی بن ابیطالب (ع) که پس از آن پیامبر (ص) فرمود: «این برادر، وصی و جانشین من است در بین شما از او اطاعت کنید و حرفش را بشنوید.» پس مردم بلند شدند و می‌خندیدند و به ابوطالب می‌گفتند بر تو واجب شد حرف فرزندان را بشنوی و اطاعت کنی<sup>۱</sup>.

(۱) کامل التواریخ، ج ۲، ص ۴۱، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۳.

رسول خدا افرادی را به عنوان قاضی به بلاد اسلامی می فرستاد. یکی از آنها علی بن ابیطالب (ع) بود، ابن عباس می گوید: «پیامبر (ص) علی (ع) را به یمن فرستاده و فرمود شرایع و احکام اسلام را به آنها بیاموز و در بینشان قضاوت کن<sup>۱</sup>».

مسروق می گوید: «در زمان رسول خدا شش نفر قضاوت می کردند عمر، علی (ع)، عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، زید بن ثابت و ابوموسیٰ الشعری<sup>۲</sup>».

رسول خدا فرماندارانی را به کشورهای اسلامی می فرستاد از جمله عتاب بن اسیر امیر مکه، به اذان فرماندار یمن، عامر بن شهر همدانی فرماندار یمن، عمر بن سبیع فرماندار بنی میمنه، حارث بن عبدالمطلب کاردار بعضی مناطق مکه و افرادی دیگر.

رسول خدا وقتی می خواست از مدینه خارج شود، شخصی را به جانشینی خویش منصوب می کرد. مثلاً در جنگ تبوک علی علیه السلام را جانشین خود در مدینه قرار داد. لبایه و شیرین مندر و عثمان بن عفان و عبدالله بن ام مکتوم و تنی چند از جمله کسانی اند که به جانشینی رسول خدا منصوب شدند<sup>۳</sup>.

سپاه اسلام در زمان رسول خدا با نظم و ترتیب کامل و از روی نقشه‌ی صحیح ادای وظیفه می کرد. مجموع سپاه یک فرماندهی کل داشت. سپاه پنج قسمت بود؛ قلب لشکر، میمنه، میسره، مقدم و مؤخر. پرچمدار و اسلحه‌دار پیاده و سواره نظام داشت. دیده‌بان و جاسوس داشت و هر قسمتی از سپاه یک فرماندهی مسؤول داشت.

اموال عمومی مانند خمس، زکات، جزیه و غنائم جنگ و درآمد اراضی از روی حساب و با برنامه‌ی دقیق وصول می شد و افراد معینی مأمور آنها بودند<sup>۴</sup>.

**خلاصه‌ی کلام، رسول خدا در بین مسلمانان حاکم بود و این وظیفه‌ای بود که از طرف خدا برایش تعیین شده بود.**

(۱) التراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۲۷۵.

(۲) التراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۲۸۵.

(۳) همان مدرک، ص ۳۱۵.

(۴) همان مدرک، ۳۱۳ تا ۳۹۱.

زیرا خداوند در آیه ی ۶۵ انعام می فرماید: «ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد دعوت کن<sup>۱</sup>» و در آیه ی ۷۳ توبه می فرماید: «با کفار و منافقین جنگ کن و با آنها سخت بگیر.» و در آیه ی ۱۰۵ نساء می فرماید: «ما قرآن را به سویت فرستادیم تا با آن چه به تو نشان داده ایم، در بین مردم حکومت کنی.»

بنا بر این پیامبر بزرگوار علاوه بر بیان قوانین شریعت، نوعی دستورات ریاستی هم داشته است. مسلمانان هم موظف بوده اند از دستوراتش پیروی کنند زیرا خداوند در آیه ی ششم احزاب می فرماید: «پیامبر (ص) به مؤمنین از خودشان سزاوارتر است.» و در آیه ی ۵۹ نساء می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا و پیامبر (ص) و امامان معصوم فرمان برید که این بهتر و نیکوتر در فرجام است.»

و در آیه ی ۴۶ انفال می فرماید: «و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید.» و در آیه ی ۶۴ نساء می فرماید: «و ما پیامبری را فرستادیم مگر با اجازه ی خدا اطاعت شود.» از این آیات چنین درک می شود که اطاعت از پیامبر (ص) در ردیف اطاعت از خدا و واجب است.

**اطاعت یعنی چه؟ اطاعت از خدا یعنی به کار بستن احکام و قوانینش که از طریق رسول خدا ابلاغ می شود. هر کس احکام و دستورات دین را به کار بندد، از خدا اطاعت کرده است. به همین ترتیب اطاعت از رسول خدا یعنی از دستوراتش اطاعت کردن و فرمانها و دستوراتی که در زمینه ی زمامداری و حکومت و اداره ی امور مردم صادر می شده، واجب اطاعه است.**

بر طبق نصوص (جمع نص یعنی کلام معتبر، کلام روشن و آشکار) در کتاب های معتبر شیعه و اهل سنت آمده است که پیامبر (ص) علی (ع) را در روز دعوت خویشان به قریش و در غدیر خم به کل مسلمانان به عنوان خلیفه و امام معرفی کرده و او را به مقام رهبری منصوب کرده است.

و در غدیر خم پس از معرفی علی بن ابی طالب (ع) به عنوان خلیفه و امام و رهبر بلافصل

پیامبر همه با او بیعت کردند و تبریک گفتند. حتی عمر بن الخطاب خلیفه‌ی دوم در روز غدیر خم گفت: «ای پسر ابی طالب، این منصب گوارایت باد صاحب اختیار همه‌ی مؤمنان شدی».

پس خدا و پیامبر بر لزوم امام و رهبر در میان جامعه‌ی اسلامی تأکید داشته‌اند و پس از رحلت پیامبر بزرگوار که در سقیفه‌ی بنی ساعده جمع شدند و تعیین علی (ع) را از جانب پیامبر قبول نکردند، برای جامعه‌ی اسلامی امام و رهبر می‌خواستند ولی مهاجرین می‌گفتند که خلیفه و رهبر باید از بین ما باشد و انصار نیز عقیده داشتند که از خودشان باشد.

ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه و... در بیان احکام با علی نزاع نداشتند، بلکه در زمامداری نزاع می‌کردند. حضرت علی و معاویه هر دو در صدد حکومت بودند ولی حضرت علی برای اجرای احکام و دستورات الهی و دادگری می‌خواست و معاویه برای ریاست و رسیدن به شهوات نفسانی.

علی علیه السلام، همان مقامی را که از پیامبر به او رسیده بود (امامت و زمامداری شرعی) به فرزندش امام حسن علیه السلام واگذار کرد.

هر یک از ائمه به اعتبار لیاقت و صلاحیت ذاتی از جانب پروردگار جهان به مقام امامت و زمامداری منصوب شدند، اما چون افکار عمومی بدان پایه نبود که مزایای حکومت و رهبری معصوم را درک کند، برای تأسیس حکومت حق جدیت و کوشش نکردند. بدین ترتیب حکومتشان عملاً تأسیس نشد، اما زمامداری و خلافت را حق مشروع خود می‌دانستند و خلفای بنی امیه و بنی عباس را غاصب می‌شمردند.

امام صادق (ع) در این باره فرمودند: «آن گونه که مردم خیال می‌کنند نیست. خدا ملک را به ما عطا فرموده اما بنی امیه آن را غصب کردند. مانند این که کسی لباسی داشته باشد و دیگری آن را غصب کرده باشد. پس آن لباس مال غاصب نمی‌شود»<sup>۱</sup>.

به اعتبار همین حق واقعی بود که ائمه در خمس و زکات تصرف می‌کردند، از مجموع این سخنان روشن شد که زمامداری و رهبری معصوم در متن دیانت قرار داشته و جزء

(۱) روضه‌ی کافی، ص ۲۲۲ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۸۸.



برنامه‌ی رسمی انبیا و ائمه‌ی اطهار بوده است. این منصب نه تنها خلاف شأن آن‌ها نبوده، بلکه یکی از وظایف بزرگ ایشان بوده است. چه مقامی بالاتر از این که یک نفر معصوم که از قوانین آسمانی کاملاً اطلاع دارد و از تأییدات غیبی برخوردار است، زمام امور ملت را در دست گیرد و با اجرای قوانین الهی بهترین و صالح‌ترین جامعه را به وجود آورد؟

### در زمان غیبت

همه‌ی اقوام و ملل در ضرورت وجود زمامدار و تأسیس حکومت اتفاق نظر دارند. هیچ عاقلی در این مطلب شک و تردید ندارد که زندگی کردن با هرج و مرج امکان‌پذیر نیست. باید فرد یا افرادی زمام امور ملت را در دست گیرند و با اجرای قوانین عادلانه و کامل، از هرج و مرج و ظلم و تجاوز جلوگیری کنند و اسباب رفاه و امنیت عمومی را فراهم آورند.

این موضوع یکی از قوانین مسلم و ضروری خردمندان است. اسلام نیز به این موضوع عقلایی پشت پا نزده بلکه لزوم آن را تأیید می‌کند.

پیامبر(ص) و دوازده امام معصوم را برای رهبری و زمامداری تعیین کرده و از مردم خواسته مطیع دستوراتشان باشند و در تهیه‌ی اسباب و شرایط و تأسیس و تقویت دولتشان کوشش کنند.

این موضوع به قدری اهمیت دارد که اهمال در برابر آن و ترک آن در هیچ زمان و تحت هیچ شرایطی جایز نیست. حتی اگر به رهبر معصوم دسترسی نبود، و افکار عمومی به آن درجه‌ی معرفت نرسیده که حکومت معصوم را قبول کند، باز هم وجود رهبر و زمامدار ضروری عقلا و به استحکام و قدرت خویش باقی است.

مردم موظف‌اند برای جلوگیری از اختلال در نظام و برای اجرای قوانین سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام و نیز برای رفع ظلم و تجاوز، فرد یا افراد شایسته و درستکار و امین را انتخاب کنند و زمام امور را به دستش بسپارند.

اسلامی که مقام رهبری و زمامداری را به قدری اهمیت داده که معصوم را برای احراز آن مقام تعیین کرده است، در هیچ حال به ترک آن راضی نخواهد بود. اسلامی که با همت عالی و نظر دقیق بهترین افراد بشر را که از هرگونه خطا و اشتباه و گناه به دورند برای رهبری صالح می‌داند، هرگز راضی نمی‌شود که مردم به تعیین سرنوشت خویش و تأسیس حکومت صالح و عادلانه بی‌اعتنا باشند یا زیر بار هر حاکم نالایق و ستمکار و خود خواهی بروند.

خداوند در آیه ۱۴۴ ال عمران می‌فرماید: «محمد(ص) فقط فرستاده‌ی خدا بود و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند آیا اگر او بمیرد یا کشته شود شما به عقب بر می‌گردید؟ (و با مرگ او اسلام را رها می‌کنید و بعد از او به شرک و بت پرستی باز می‌گردید؟)».

این آیه در جنگ احد نازل شد، زیرا در جنگ احد جراحاتی به بدن مبارک پیامبر(ص) وارد شد. کسی گفت محمد کشته شد و سپاهیان اسلام متفرق شدند. البته خبر کشته شدن پیامبر(ص) دروغ بود و با فداکاری و ایثار تنی چند از مسلمانان جان ایشان از خطر نجات یافت.

آیه‌ی مزبور ضرورت حفظ نظام اجتماعی و ثبات و برقراری آن را به عهده‌ی عقلا و خردمندان واگذار کرده و این مطلب را گوشزد می‌کند که مسلمانان نباید در هیچ حال ولو با کشته شدن رسول خدا نظام اجتماعی خویش را از دست بدهند و جهاد را ترک کنند. اصل تأسیس حکومت و وجود زمامدار در بین مسلمانان و اصحاب رسول خدا مسلم و قطعی بود تا آن جا که احدی در صدد انکار بر نیامد. در انجمنی که بعد از رحلت پیامبر(ص) در سقیفه‌ی بنی ساعده جمع شدند وجود زمامدار را نفی نکردند، بلکه مهاجرین می‌گفتند خلافت از آن ماست و انصار نیز چنین می‌گفتند و شیعیان و طرفداران مولا علی(ع) می‌گفتند خدا علی(ع) را جانشین پیامبر(ص) معرفی کرده و ماکس دیگری را به عنوان خلیفه نمی‌پذیریم.

ولی باید توجه داشت که علی(ع) در دوران ۲۵ ساله‌ی بعد از پیامبر که خلافت ایشان را

غصب کردند، همیشه یاور خلفا بودند. و فرزندان‌شان نیز در جنگ‌ها شرکت می‌کردند و علی (ع) در قضاوت‌ها خلفا را یاری می‌کردند تا جایی که ابوبکر و عمر و عثمان گفتند اگر علی نبود هر آینه ما هلاک می‌شدیم. این سخنی است که بارها و بارها تکرار کردند.

بنابراین، یا باید گفت: احکام و قوانین سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و جزایی اسلام به زمان پیامبر (ص) و علی (ع) اختصاص داشته و برای مثال این زمان‌ها نازل نشده است، یا باید گفت: اسلام در تمام اعصار و قرون حتی در زمان غیبت هم به اجراکننده‌ی آن‌ها که حاکم شرع است، نظر دارد. نمی‌توان گفت: اجرای قوانین را خواسته اما به ضمانت اجرای آن بی‌اعتنا بوده است.

موضوع رهبری و اداره‌ی ملت به قدری اهمیت داشته که شارع مقدس، پیامبر اسلام را رسماً در این باره دخالت داده است. بهترین و شایسته‌ترین افراد را که از هر گناهی مصون بوده‌اند، برای تصدی این مقام در نظر گرفته و برنامه‌ی کارشان را تعیین کرده است.

کسانی که موضوع رهبری و زمامداری را جزء دین و یکی از مناصب مقدس خدایی می‌دانند، باید قاعدتاً در این باره عنایت و علاقه‌ی خاصی نشان دهند. در صورتی که به رهبر معصوم دسترسی نباشد، باید کوشش کنند تا شایسته‌ترین و صالح‌ترین افرادی را که بعد از معصوم در رتبه‌ی اول قرار دارند و از هر نظر شایسته‌اند، انتخاب کنند. نتیجه اعتقاد به رهبری و امامت تحرک، کوشش و احساس مسؤولیت است نه سستی و بی‌قیدی و زیر بار ظلم و تعدی رفتن.

جای تعجب است ملتی که رهبری را جزء مذهب خویش و یک مقام مقدس دینی می‌دانند، در مقام عمل طوری آن را نادیده بگیرد که گویا دخالت در آن امر حیاتی را یک عمل زشت عقلایی و یک گناه نابخشودنی می‌دانند!

اسلام مقام رهبری را به قدری حساس و مهم تشخیص داده که معصومین را که کامل‌ترین و شایسته‌ترین افراد بشرند لایق آن مقام می‌داند و در صورتی که به وجود امام معصوم دسترسی باشد، کس دیگری را لایق این مقام نمی‌داند.

اگر دسترسی به امام معصوم نبود، باز هم اسلام جوامع را بدون رهبر رها نکرده چون

امام علی (ع) می فرمایند: «عبرت و پند بگیرید مردم، به این که اجرای احکام و امور به دست علمای الهی صورت می گیرد آنهایی که امنای الهی هستند در مسایل حلال و حرام.» و امام زمان (عج) در حدیثی می فرمایند: «در حوادث و پیش آمدها به راویان حدیث ما رجوع کنید زیرا آنان حجّت من بر شمایند و من حجّت خدا بر آنان هستم.»

و حضرت مهدی (عج) می فرمایند: که مردم در امور دین به سراغ افرادی بروند که تسلط کامل بر امور نفس دارند، حافظ دین اند، مخالفت با هوای نفس کنند، در تمامی امور مطیع ائمه علیهم السلام باشند و دیگران باید تقلید کنند که در باره ی تقلید به طور مبسوط و مشروح در کتاب هدایت و تقلید در تشیع توضیح داده شده و علاقه مندان می توانند به آن جا مراجعه کنند.

## وحی خداوند به پیامبر (ص) در شب معراج در باره ی ولایت

### بلافصل علی (ع) تا مهدی (عج) پس از پیامبر (ص)

حسن بن سلیمان در کتاب «المختصر» از کتاب معراج شیخ صالح ابو محمد حسن به سند خود از شیخ صدوق روایت می کند که ابن عباس گفت پیامبر (ص) فرمود وقتی خداوند مرا به معراج برد، صدایی شنیدم که می گفت: ای محمد! گفتم: ای خدای با عظمت لیک لیک! آن گاه به من وحی شد ای محمد! فرشتگان عالم در خصوص چه موضوعی نزاع کردند؟ گفتم: پروردگارا، اطلاع ندارم.

فرمود ای محمد، آیا تا کنون کسی را از میان مردم به عنوان وزیر، برادر و جانشین خود انتخاب کرده ای؟ عرض کردم: خداوندا، چه کسی را انتخاب کنم؟ تو خود چنین کسی را برای من انتخاب کن. وحی آمد که ای محمد! من از میان تمام مردم علی ابن ابی طالب را وارث تو قرار دادم و بعد از تو وارث علم توست و در روز رستاخیز لوای حمد به دست اوست و هم او صاحب حوض کوثر است که هر یک از مؤمنین امت تو را وارد بهشت کند و ایشان از دست او آب کوثر بنوشند.

آن گاه خداوند وحی فرستاد که من به ذات مقدّس خودم قسم خورده‌ام که دشمن تو و اهل بیت تو و دشمن دودمان پاک سرشت تو از آن حوض آب نخواهند نوشید. ای محمّد! تمام امت تو را به بهشت در آورم مگر آن‌ها که نخواهند.

عرض کردم: خدایا، آیا کسی هست که نخواهد وارد بهشت شود؟

خدا وحی فرستاد آری. عرض کردم: چگونه نمی‌خواهد؟ وحی آمد که ای محمّد! تو را از میان بندگانم برگزیدم و برای تو جانشینی انتخاب کردم او را نسبت به تو به منزله‌ی هارون نسبت به موسی قرار دادم، با این فرق که بعد از تو دیگر پیغمبری نخواهد بود.

محبت او را به دل تو انداختم و او را پدر فرزندان تو قرار دادم، حقی که او بعد از تو به امت تو دارد، مثل حقی است که تو در زمان حیات بر آن‌ها داری. هر کس منکر حق او شد، حق تو را انکار کرده و هر کس از دوستی او سرباز زند، نمی‌خواهد وارد بهشت شود. من فوراً به سجده افتادم و خدا را بر این نعمت‌ها که به من داده است، سجده‌ی شکر کردم.

در آن وقت صدایی شنیدم که می‌گفت: ای محمّد! سر بردار و هر چه می‌خواهی از من بخواه تا به تو عطا کنم. عرض کردم: الهی، بعد از من تمام امت مرا از دوستان علی ابن ابی طالب قرار بده تا فردای قیامت همه کنار حوض نزد من بیایند.

وحی شد، ای محمّد پیش از آن که من بندگانم را بیافرینم، قضای من در میان آن‌ها جاری شده و گذشته است تا هر کس را که راه انحراف بپیماید، هلاک کنم و هر کس را که به راه راست رود، هدایت کنم. علم تو را بعد از تو به علی بن ابی‌طالب داده و او را وزیر تو قرار داده‌ام و او بعد از تو، جانشین دوست بر کسان و امت تو. این کار واجبی بوده که از علم من گذشته است.

و کسی که از وی در خشم باشد و او را دشمن بدارد و خلافت بلافصل او را انکار کند، وارد بهشت نخواهد شد. هر کس از وی در خشم باشد، تو را به خشم آورده و هر کس تو را به خشم آورد، مرا به خشم آورده و هر کس او را دشمن بدارد، تو را دشمن داشته و هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است. هر کس او را دوست بدارد، تو را دوست داشته و هر کس تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته است. این فضیلت را برای او قرار دادم و به تو عطا کردم که یازده



فرزند او را که همه از دودمان تو و از فاطمه‌ی پاکیزه‌ی از صلب (کمر) او بیرون آورم و آخرین آن‌ها (مهدی عج) کسی است که عیسی ابن مریم پشت سر او نماز گزارد.

او زمین را پر از عدل و داد کند، پس از آن که پر از ظلم و ستم شده باشد و به وجود او مردم را از سرایشیب سقوط نجات دهم و به شاهراه هدایت راهنمایی کنم و کور و بیمار را شفا دهم.

عرض کردم: الهی، این‌ها در چه وقت روی می‌دهد؟ خداوند وحی فرستاد که این در وقتی است که علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی آشکار گردد. قاریان قرآن بسیار باشند ولی علم و عمل کم و قتل ناگهانی افزون باشد. فقهای هدایت پیشه اندک و فقیهان ضلالت کیش و خائن زیاد باشند و امت‌های تو قبرستان‌های خود را مسجد کنند. قرآن‌ها را زینت دهند، مساجد را طلاکاری کنند، ظلم و فساد افزون و کارهای زشت آشکار شود و امت تو را به ارتکاب آن دستور دهند و از راهنمایی مردم به کارهای نیک بازدارند.

مردها به مردها و زن‌ها به زن‌ها اکتفا کنند و امرای کافر و سران آن‌ها زناکار و دستیاران آن‌ها ستمگر و صاحب نظران آن‌ها فاسق باشند.

و به هنگامی که سه فرورفتگی در زمین روی دهد، یک فرورفتگی در مشرق، یک فرورفتگی در مغرب و یک فرورفتگی در جزیره العرب. شهر بصره به دست شخصی از دودمان تو که اتباع او همچون ملخ باشند، ویران شود و قیام مردی از اولاد حسن بن علی و آمدن دجال که در مشرق از ناحیه‌ی سیستان خروج می‌کند و آمدن سفیانی.

عرض کردم: خدایا چه فتنه‌هایی بعد از من پدید می‌آید؟ خدا وحی فرستاد و از بلای بنی امیه و فتنه‌ی فرزندان عمویم (بنی عباس) و آنچه تا روز قیامت واقع می‌شود خبر داد. و من هم آن‌ها را بعد از فرود آمدن به زمین، در وصیت خود به پسر عمویم (امیرالمؤمنین) اطلاع دادم و رسالت خود را ایفا کردم<sup>۱</sup>.

## حضرت مهدی عجل الله فرجه در حدیث غدیر

بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمین، اوست فاتح قلعه‌ها و منهدم کننده‌ی آنها، اوست غالب بر هر قبیله‌ای از اهل شرک و هدایت کننده‌ی آنان.

بدانید که اوست گیرنده‌ی انتقام هر خونی از اولیای خدا. اوست یاری دهنده‌ی دین خدا. بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق. اوست که هر صاحب فضیلتی به قدر فضلش و هر صاحب جهالتی را به قدر جهلش نشانه می‌دهد. اوست انتخاب شده و اختیار شده‌ی خداوند. اوست وارث هر علمی و احاطه دارنده به هر فهمی.

بدانید که اوست خبر دهنده‌ی از پروردگارش و بالا برنده‌ی آیات الهی. اوست هدایت یافته‌ی محکم بنیان. اوست که کارها به او سپرده شده است.

اوست که پیشینیان به او بشارت داده‌اند. اوست که به عنوان حجّت باقی می‌ماند و بعد از او حجّتی نیست. هیچ حقی نیست مگر همراه او و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

بدانید او کسی است که غالبی بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی‌شود. اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده‌ی او بین خلقش و امین او بر نهان و آشکارش.

### چرا شیعه منتظر مهدی (عج) است؟

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ

خداوند سبحان در آیه‌ی ۸۵ آل عمران می‌فرماید: «پس کسی که غیر از اسلام دین دیگری را بخواهد، هرگز از او پذیرفته نشود و او در آخرت از زیان کاران است.»  
و نیز در آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی صافات می‌فرماید: «مرا عبادت کنید یا پرستید. این راهی راست است.»

پیامبران برای ارشاد و هدایت انسان‌ها آمدند تا نوبت به پیامبر اکرم و رسول مکرم صلی الله علیه و آله و سلم که سید عقل کل، ختم رسل و قائم بالله بود. جهان به نور او منور

و بشر در نتیجه‌ی قیام و تعلیماتش به شاهراه نجات هدایت شد. افزون بر این که در سطح بالاتری از تمامی افراد بشر قرار داشت، در مقام مقایسه با پیامبران گذشته اکمل و اشرف از آن‌ها، بلکه تنها فرد کاملی بود که در سلسله‌ی مخلوقات به وجود آمده است. چنانچه قرآن می‌فرماید: «محمد (صلی الله علیه و آله) پدر یکی از مردان شما نیست، لیکن پیامبر خدا و سرآمد پیامبران (خاتم پیامبران) است.» پیامبری به وجود ایشان پایان یافت.

همان گونه که او ختم نبوت شد، مهدی (عج) ختم ولایت شد. درباره‌ی ولایت ائمه‌ی اطهار نیز در غدیر خم پیامبر (ص) از طرف خداوند ماموریت یافتند تا علی (ع) و یازده فرزند ایشان را که آخرین آن‌ها مهدی (عج) است به همگان معرفی کنند. در این زمینه افزون بر اخبار شیعه، علمای درجه‌ی اول اهل سنت نیز درباره‌ی غدیر روایات زیادی دارند. پس با این آیات و احادیث و روایات، شیعه حق دارد که منتظر مهدی (عج) باشد.

**منتظر مصلح، خود باید صالح باشد.**

ای عزیز، در قرآن هر جا «آمنوا» آمده، به دنبالش «عملوا الصالحات» آمده است و ایمان و عمل صالح مانند دو بال پرنده‌اند که انسان را در عروج به ملکوت اعلیٰ یاری می‌دهند. همان گونه که پرنده نمی‌تواند با یک بال پرواز کند، انسان هم با ایمان تنها برای عروج موفق نمی‌شود. فقط گفتن «یا بن الحسن» یا «مهدی بیا» فایده ندارد. مهدی (عج) سرباز مخلص می‌خواهد و ما که می‌دانیم زمان ظهور حضرت بقیه‌الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء شمشیرش ستمگران را قلع و قمع می‌کند، پس چرا لفظاً حضرت را به مجالس دعوت می‌کنیم و همیشه به مادیات سرگرمیم و از معنویات، عمل صالح و اسلام و قرآن خبری نیست؟ مگر پیامبر عظیم‌الشأن (ص) فرموده‌اند که قرآن را بخوانید و به آن عمل کنید؟ چرا این چنین نیست؟

بنابراین، باید دنیا و آخرت را با هم تلفیق کنیم و با شیطان همگام نشویم. همان گونه که امام سجاد (ع) فرمود: «خداوندا، اگر عمر من در راه اطاعت تو صرف شود، طولانی‌بدار و اگر بنا شود چراگاه شیطان شود، قبل از این واقعه مرا به سرای آخرت منتقل فرما.»

خلاصه دنیا محضر خداست. در محضر خدا گناه نکنیم و با شیطان همگام نشویم و

فرزندان را چنین تربیت کنیم که فرزند صالح، خود باقیات صالحات است و پس از مرگ هم برای ما سودمند خواهند بود. ان شاءالله

با این مقدمه ثابت شد که امامت همدوش نبوت است. طبق حدیث غدیر و افزون بر آن در شب معراج، خداوند ۱۲ نفر اوصیای حضرت ختمی مرتبت (ص) را به ایشان معرفی کرده که اول آنها علی (ع) و آخرشان مهدی (عج) است و هر نبی اول ولی و اولی به تصرف بوده و پس از آن نبی یا رسول و پیغام آور شده و اولیای پیامبران اکثراً ۱۲ نفر بوده‌اند و دوازدهمین وصی پیامبر اسلام (ص) قائم آل محمد است که دارای همان نام و نشانی و صفات و مزایا و شباهت و قدرت علمی و نیروی فکری جدش (ص) است. این دو سر حلقه‌ی آغاز دین کامل و سر حلقه‌ی انجام‌اند و هماهنگی تام معنوی و باطنی دارند. منصب آنها منصب آسمانی و الهی است و لباسی است که بر قامتشان راست آمده و شایستگی و زیبایی این مقام را دارا بوده‌اند.

حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) قائم به حق و داعی (طلب کننده) برای قیام است. قیام مسلح و مجهز، قیام به شمشیر و کوششی تمام برای رسیدن به مطلوب و رهبری به کمال مقصود و این حجت است که واجد تمام شرایط گذشتگان است. همان صفات و مزایای امامان قبل از خود را داراست و بروز می‌دهد و از هر یک از آنها نمونه‌ها و نشانه‌هایی از علم و فضیلت و کمال به وراثت دارد و در خروج خود به مردم جهان نشان خواهد داد.

شخصیت حضرت مهدی (عج) جامع شخصیت‌های امامان دیگر است. او واجد تمام نبوغ علمی اجداد خویش است.

اوست که دعوی نبوی را تجدید می‌کند. شجاعت و صولت حیدری را به نمایش می‌گذارد. اوست که عصمت و عفت فاطمه‌ی زهرا (ع) را می‌نمایاند. اوست که حلم حسن مجتبی را در قیام مهم خود دارد. اوست که شجاعت حسینی سالار شهیدان را ظاهر می‌کند. اوست که عبادت و طریق بندگی حضرت سجاد را به مردم عصر نشان می‌دهد. اوست که مآثر علوم اسلام را متجلی می‌کند. حجة بن الحسن است که علوم جعفری را به مردم

می‌رساند و آموزش و پرورش جعفری را تجدید می‌کند. اوست که علوم کاظمی و ریزه کاری‌های باب الحوائج را ظاهر می‌کند. احتجاجات رضوی را با علمای خارجی و داخلی تجدید می‌کند و چهره‌ی حقایق را به جهانیان نشان می‌دهد. اوست که دارای جود و بخشش تقی متقی و دارای نقاوت (پاکیزه شدن) نقوی و شرافت و کرامت است. قائم به حق دارای هیبت (شکوه و بزرگی) عسکری و صاحب غیبت الهی است. او کلمه‌ی الهی است که دست قدرت خداوند برای بروز مصادیق و مفاهیم صفات اولیای خود در پس پرده‌ی غیبت نگاه داشته و آن چه همه‌ی خوبان دارند، او به تنهایی تمام فضایل را داراست.

حضرت قائم همان دعوتی را که جدش رسول خدا (ص) کرده است، به دلیل شباهت محیط عصر او به عصر جاهلیت، همان دعوت را تجدید و درباره‌ی آن قیام و پافشاری می‌کند و اگر دین اسلام یک قرن طول کشید تا به جهانیان رسید، در ظهور قائم آل محمد (ص) به دلیل وجود وسایل بهتر، ندای حق را سریع‌تر به گوش همه‌ی جهانیان خواهد رسانید. اگر صد سال پیش می‌گفتند چگونه صدای امام زمان به گوش همه‌ی جهانیان می‌رسد، موجب شگفتی مردم می‌شد ولی امروزه با وسایل حاضر و فردا با تجهیزات بیشتر و بهتری که در اختیار امام زمان است، می‌تواند با سرعت باد و برق در همه‌ی کشورها حاضر شود و همه را به حق و حقیقت بخواند و آن عدالت اجتماعی موعود را که به راستی گرگ و میش با هم زندگی کنند، گسترش دهد و آرامش و آسایش و زندگی مرفه و سعادت‌مندانه به وجود آید.

امام زمان (عج) قیام می‌کند که فرصت‌های از دست رفته را برای تکامل معنوی تجدید فرماید. او قیام می‌کند که با تعدیل (برابر کردن)، تمدن مادی را به سرحد تکامل معنوی برساند و آن چه از مدنیت این جهان سوء استفاده شده متذکر شود و طریق استفاده‌ی حقیقی از این تمدن و رشد عقلی را در راه تکامل زندگی برای رسیدن به سعادت به مردم جهان تعلیم فرماید. امام عصر (عج) برای این پشت پرده‌ی غیبت نگاه داشته شده که طریقه‌ی قیام فردی و اجتماعی را به مردم بفهماند و محصول و نتیجه‌ی قیام <sup>لله</sup> (برای خدا) را به حس و شهود به مردم نشان دهد و معنی عدالت و تساوی حقوق را به جامعه‌ی بشری بفهماند.

دوره‌های زندگی بشری را بیش از این‌ها می‌توان تصور کرد. حجت خدا بدین مدت‌های کوتاه و زندگی‌های پر آشوب خاتمه می‌دهد و محیطی امن و آسایش به وجود می‌آورد که قرن‌ها ادامه خواهد یافت و نسبت طول زمان حکومت ائمه‌ی هدی و سلطنت حق‌هی برگزیدگان خداوند باین دوره‌های بیداد و سلطنت‌های ظلم و جور نسبت عدد زیاد به صفر است.

امید است خداوند آن روز حتمی و بدون هیچ شک و تردید را نصیب ما فرماید. اکنون اوراق زندگی امام دوازدهم را ورق می‌زنیم تا تحولات یازده قرن گذشته بر ما روشن شود و خود را برای ظهور آن منجی عالم بشریت آماده کنیم.

### لزوم امام در امت

أَنْتَ مُنْذِرٌ وَّ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ «تویم دهنده مردم هستی و برای هر قومی هدایت کننده‌ای است.»

پیامبر اکرم و پیامبران گذشته مبشران و بیم دهندگان بشریت برای گرفتن وحی و ابلاغ دستورات خداوندی به مردم بودند و این مطلب همیشگی نیست. چون احکام و شرایع دینی تکمیل شد، احتیاجی به وجود پیامبر نیست، ولی باید دینی که در پرتو آن نظام جامعه استقرار می‌یابد و انسانیت به تکامل می‌رسد، پابرجا بماند. وجود امام نگه‌دارنده‌ی دین آسمانی است که پیوسته در میان بشر لازم است و هرگز جامعه‌ی بشری از وجود امام خالی نمی‌ماند؛ چه او را بشناسند یا نشناسند<sup>۱</sup> زیرا رابط خدا و خلق است و طبق احادیث نبوی، زمین هیچ‌گاه از ابتدای خلقت تا انتهای آن از حجت خدا خالی نیست. در صورتی که زمین از حجت خدا خالی باشد، زمین اهلش را فرو می‌برد.<sup>۲</sup>

در این مطلب نیز روشنفکران مذهبی خواسته‌اند خاتمه‌ی وحی برای دستورات الهی را با

۱ - شیعه در اسلام - علامه طباطبایی، صفحه‌ی ۱۲۰.

۲ - اصول کافی، جلد اول.

رشد عقلی و فکری جوامع بشری توجیه کنند. در حالی که استدلال آن‌ها خلاف عقل است. زیرا اولاً در صورتی که عقل و حکومت عقلاً را برای نجات بشریت و هدایت آنان کافی بدانیم، هیچ مدرکی تاریخی وجود ندارد که جوامع بشری امروزی، از لحاظ اندیشه و فکر از جامعه‌ای که سقراط و افلاطون و ارسطو در آن می‌زیسته‌اند برتر بوده‌اند یا حتی از قرن هجدهم و نوزدهم که اوج اندیشه و تفکر علمی و فلسفه‌ی مغرب زمین است. تکنیک و پیشرفت علوم تجربی که تجدد را آورده است نه تمدن را، به حساب نگیرید، زیرا این پیشرفت‌ها انسانیت را به تکامل نخواهد رساند، بلکه انسان مادی را به تکاثر وادار خواهد کرد.

ثانیاً اندیشه و تفکرات انسانی متأثر از عقاید و قراردادهایی است که بر آن اجتماع از قبل حاکم بوده و عقل در محدوده‌ی آنان گرفتار است. حال چگونه عقلای چنین اجتماعی می‌توانند همان درک و اندیشه را از علوم الهی داشته باشند که خردمندان جامعه‌ی دیگر دارند و آیا تشتت و پراکندگی در میان امت الهی به وجود نخواهد آورد؟

انشعاب‌های مختلف در ادیان الهی و فرقه‌های مختلف مسلمانان بهترین گواه این مطلب است که تا وقتی یک نفر که بیان‌کننده‌ی احکام الهی و ناظر بر پیاده شدن احکام و نگه‌دارنده‌ی آن‌ها از انحراف است، در بین جامعه نباشد، دریافت و تلقی از قرآن و احکام الهی و تبعیت از نظرات اشخاص مختلف که تحت عنوان دانشمندان یا فلاسفه مدعی هدایت جامعه‌اند، جز تفرقه و انحراف چیزی در بر ندارد مخصوصاً پس از پیامبر که هنوز جامعه‌ی اسلامی جوان است و امت الهی دوران زندگی اولیه‌ی خود را می‌پیماید.

طرز تفکر کسانی که دم از تکمیل عقل و بالمآل قطع وحی و ختم خاتمیت امامان و در نتیجه حکومت عقل بر بشریت می‌زنند، از همان سنخ تفکرات مادی است.

مگر مکاتب شرق و غرب که مدعی اصلاح بشریت‌اند، کار خود را عقلانی نمی‌دانند؟ مخصوصاً مکتب کمونیسم که نظام اجتماعی و تغییر و تحول آن‌ها را تحت تأثیر شیوه‌ی تولید کالاهای مادی می‌داند و آن را نظریه علمی می‌خواند که تفکر عقلی آنان، آن را پدید آورده و طبق نظریه‌ی خودشان عقل نیز انعکاسی از وجود مادی است. اینان نیز تفکرات



علمی و عقلی را حاکم بر مردم می‌دانند و راه سعادت بشریت را پذیرش همان اصول دیالکتیک<sup>۱</sup> می‌دانند که به گمان آنان تاریخ، انقلابات و نظام‌ها آن را می‌سازد.

حال چگونه خردمندان و روشنفکران الهی که معتقد به حکومت عقل‌اند، می‌توانند افکار و اندیشه‌های خود را از هجوم تفکرات علمی مکتب‌هایی که جذبه‌های دروغین آنان جوامع بشری را به کرنش واداشته، محفوظ نگه دارند.

وجود تفکر التقاطی در بین روشنفکران مسلمان و دریافت و تلقی آنان از جنبه‌های اقتصادی اسلام و تلفیق آن‌ها با مکتب کمونیسم از همین خودباختگی در مقابل مکتب مادی‌گری و پیروی نکردن از رهبریت جامعه اسلامی است.

خردمندان و دانشمندانی که حکومت عقل را پس از امام پذیرا می‌شوند، چاره‌ای جز این ندارند که در مواقعی که عقل در باره‌ی مسأله‌ای دچار تردید و ناباوری شد، حدود احکام را معطل گذارند. چون عقل از محدوده‌ی معینی که علوم پیشرفت کرده، فراتر نخواهد رفت و در باره‌ی مسایلی که ماورای فکر و اندیشه انسان است ساکت است. این جاست که پای وحی به میان می‌آید و مشخص می‌شود که بشر هیچ گاه برای هدایت و تکامل خودش از وحی بی‌نیاز نیست و اکنون که در زمانی هستیم که خاتمیت اعلام شده است، احتیاج به فردی است که احکام و دستورات الهی را همان گونه که خالق از آن راضی است، اجرا کند. اگرچه این عمل به دست پیامبر انجام یافته است، اما حفظ و نگهداری آن‌ها بر صراط مستقیم که انحرافی در آن نباشد، لازم است و اجرای احکامی که به علی تعطیل شده است، باید عملی شود. بنابراین هیچ وقت حتی تا پایان قیامت، بشر از رهبری این چنین بی‌نیاز نیست و اتفاقاً برعکس هر اندازه رشد عقلی و فکری افزایش یابد، احتیاج به وجود امام و شناخت او بیشتر خواهد شد و حدیث و گفتارشان را عقلاً بیشتر

۱- علم منطق، جدل، مناظره و روش محاصره سقراط که عبارت از سؤال‌های پیاپی و وادار کردن طرف به تناقض‌گویی و مغلوب کردن وی بوده است امروزه منطق مکتب کارل مارکس را هم می‌گویند.

### پذیرا می‌شوند.<sup>۱</sup>

مولا علی (ع) می‌فرماید: «... معرفت و شناسایی ما کار بسیار دشواری است که زیر بار آن نمی‌رود، مگر بنده‌ی مؤمنی که خداوند دلش را به ایمان آزموده و حدیث و گفتار ما را جز سینه‌هایی که امانت‌پذیرند و جز خرده‌های پا بر جا نگاه نمی‌دارند...»<sup>۲</sup>

آری، سفیهان و بی‌خردان را در شناخت امام راهی نیست و معرفت‌شان به آنان بسیار کم است. اما آنان که عقل‌شان از نور ایمان روشنی گرفته است و دل آنان سرشار از ایمان به خدا و رسول است، اگر چه امی و درس‌نخوانده باشند، امام را پذیرا هستند و به ولایت و حکومت و خلافت او اعتقاد دارند.

آری، از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله هیچ‌گاه زمین از حجت خدا خالی نبوده است و پس از خاتم تا قیامت نیز از آن خالی نخواهد بود و این رشته‌ی محکم الهی که بین خدا و خلق است، تا آن زمان که دیاری در زمین وجود دارد، باقی است.

### در هر عصر و زمانی انسان نیاز شدیدی به پیشوایان الهی دارد

قبل از بحث در این باره باید آیات محکم و متشابه را در قرآن بشناسیم.

۱ - آیات محکم: مفهوم این آیات به قدری روشن است که جای گفت و گو و بحث در معنی آن نیست، مانند آیه‌ی قل هو الله احد.

۲ - آیات متشابه: آیاتی است که معانی آن در بدو نظر پیچیده است و در آغاز احتمالات متعدد در آن می‌رود؛ اگر چه با توجه به آیات محکم، تفسیر آن‌ها روشن است. نکته‌ای که در ذکر «متشابه» وجود دارد و اخبار اهل بیت علیهم السلام آن را تأیید می‌کند، این است که این گونه آیات در قرآن نیاز شدید مردم را به پیشوایان الهی و

۱ - در حدیثی آمده است: امام زمان (عج) مطالبی که بیان می‌فرماید، قابل درک نیست و او دست بر سر مردم می‌گذارد و عقل‌های پیروانش را کامل می‌کند.

۲ - از خطبه‌ی ۲۳۱، صفحه‌ی ۷۶۰.

پیامبر(ص) و اوصیای او روشن می‌کند و سبب می‌شود که مردم به حکم نیاز علمی به سراغ آنها بروند و رهبری آنها را عملاً به رسمیت بشناسند. از علوم دیگر و راهنمایی‌های مختلف آنان نیز استفاده کنند و این درست به آن می‌ماند که در پاره‌ای از کتب درسی شرح بعضی از مسایل به عهده‌ی معلم و استاد گذارده می‌شود تا شاگردان رابطه‌ی خود را با استاد قطع نکنند و بر اثر این نیاز، در همه چیز از افکار او الهام بگیرند. در باره‌ی قرآن نیز وصیت پیامبر عظیم‌الشان(ص) است که فرمود:

«دو چیز گرانبایه را در میان شما به یادگار می‌گذارم؛ کتاب خدا و خاندانم و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند، تا در قیامت در کنار حوض کوثر به من برسند و هر کس از این دو پیروی کرد، هرگز گمراه نخواهد شد.»<sup>۱</sup>

## آیا پایان یافتن سلسله‌ی خاتمیت به معنی

### پایان یافتن سلسله‌ی امامت است؟!

خیر، زیرا با دریافت نقشه‌ی کلی و جامع نیازی به نقشه دیگر نیست و این در حقیقت بیان همان تعبیری است که در روایات خاتمیت آمده و پیامبر اسلام(ص) را آخرین آجر یا گذارنده‌ی آخرین آجر کاخ زیبا و مستحکم رسالت شمرده است.

این‌ها همه در باره‌ی نیاز نداشتن به دین و آیین جدید است، اما مسأله‌ی رهبری و امامت که همان نظارت کلی بر اجرای این اصول و قوانین و دستگیری از واماندگان در راه است، مسأله‌ی دیگری است که انسان از آن هیچ وقت بی‌نیاز نخواهد بود. به همین دلیل پایان یافتن سلسله‌ی نبوت به معنی پایان یافتن سلسله‌ی امامت نخواهد بود. چرا که «تبیین» و «توضیح» این اصول و «عینیت بخشیدن و تحقق خارجی آنها بدون استفاده از وجود یک رهبر معصوم الهی ممکن نیست.»

## امامت از نظر قرآن و سنت

منصب امامت منصبی بسیار عظیم و از نظر خداوند بزرگ، بسیار پر ارج است. به طوری که عده‌ی کمی از انبیا گذشته این مقام ارزشمند را دارا بودند. چنان چه در باره‌ی حضرت ابراهیم می‌خوانیم:

و اذا بتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما قال و من ذریتی قال لاینال عهدی الظالمین<sup>۱</sup>

«هنگامی که خداوند ابراهیم را به کلماتی آزمود و او از عهده‌ی آنان برآمد، فرمود: تو را پیشوای مردم کنم. عرض کرد: آیا در فرزندان من نیز هست؟ خدا فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد».

پس از امتحانات متعدد، خداوند حضرت ابراهیم را به منصب امامت بشارت می‌دهد اما در باره‌ی تقاضایش برای فرزندان خود، خداوند متعال معصومیت امام را عنوان می‌کند که «عهد من به ظالمین نخواهد رسید».

بنابراین نکته‌ی اساسی و مهم؛ معصومیت و پاکی از گناه برای امامان و پیشوایان است که خداوند، ابراهیم و فرزندان او را به آن منصب مفتخر کرده است. زیرا آنان همچون پیامبران گیرنده‌ی وحی باید از انحراف بری باشند، زیرا چه گونه خداوند نگه دارنده‌ی دین را کسی قرار می‌دهد که خود محتاج هدایت دیگران است و از گناه خودداری نمی‌کند؟

بنابراین لباس امامت بر قامت کسی زینده است و خداوند شخصی را برای قبول این مسؤولیت عظیم انتخاب می‌کند که در مدت زندگانی خود کوچک‌ترین گناهی ولو برای یک لحظه نیز نکرده باشد، یعنی ذاتاً سعادتمند باشد.<sup>۲</sup>

مقام امامت والاتر و برتر از نبوت و رسالت است زیرا حضرت ابراهیم هر دو مقام نبوت و رسالت را دارا بود و پس از آزمایش‌های سختی که از او صورت گرفت، از طرف خداوند بعداً مقام امامت به او تفویض شد و این منصب را جز پیامبران بزرگ، دیگران نداشتند.

از آیه‌های دیگر قرآن وظایف خطیر این منصب الهی معلوم می‌شود:

۱- وجعلناهم ائمة يهدون بامرنا و اوحينا اليهم فعل الخيرات و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة  
و كانوا لنا عابدين.<sup>۱</sup>

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم تا به فرمان ما جامعه را رهبری کنند و پرداختن به کارهای نیک، نماز و زکات را به آنان وحی کردیم و همه پرستندگان بودند.»

۲- و جعلنا منهم ائمة يهدون بامرنا لما صبروا<sup>۲</sup>

«و آنان چون استقامت نشان دادند، از میان ایشان امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت کنند.»

بنابراین وظیفه‌ی آنان هدایت جامعه و حفظ دین است تا در پرتو دستوراتش، مردم به تکامل برسند. پرداختن به کارهای نیک و اقامه‌ی نماز است تا امت اسلامی را از فساد باز دارد، زیرا که «الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر» «نماز از بدی‌ها و زشتی‌ها مردم را باز می‌دارد». و اجرای قوانین زکات تا با اقتصادی صحیح نیازهای مادی جامعه را جواب گوید. و استقامت در راه هدایت مردم.

در این زمینه می‌توان تفاوت وظایف نبی و رسول را با امام دریافت. زیرا مقام نبوت دریافت وحی از طرف خداوند، و در صورتی که مردم بخواهند ابلاغ به آنان است و هنگامی که رسالت نیز به عهده‌ی شخصی واگذار شد، نشر احکام و تبلیغ را مد نظر قرار می‌دهد. یعنی رسول کسی است که مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند و برای رساندن پیام الهی چه مردم بخواهند یا نخواهند می‌کوشد.<sup>۳</sup>

حال آن که وظیفه‌ی سنگین امامت، تحقق بخشیدن به آرمان‌ها و اجرای قوانین الهی در جامعه و هدایت مردم از لحاظ ظاهری و باطنی است. از لحاظ ظاهری تشکیل حکومت الهی و کسب قدرت‌های لازم برای اجرای حدود و اوامر خداوند، و از لحاظ باطنی هدایت

۱- سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۷۳.

۲- سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۲۴.

۳- تفسیر نمونه.

به امر خداست. یعنی هدایت اعمال بندگان به سوی خداوند است، زیرا قرآن می‌فرماید:  
 وابتغوا اليه الوسيله وجاهدوا في سبيله لعلكم تفلحون.  
 «برای رسیدن به خداوند وسیله‌ای بیابید تا با جهاد در راه خدا رستگاری شامل حالتان شود.»<sup>۱</sup>

وسيله‌ای که باید در آن چنگ زد تا انسان را به راه خداوند هدایت کند، امام است.<sup>۲</sup>  
**امام است که قبولی اعمال بندگان را تضمین می‌کند، نظام دینی و دنیایی مردم را سامان می‌دهد و خود شاهی در قیامت در پیشگاه باری تعالی است.**  
 روزی که هر گروهی را با پیشوایان‌شان بخوانند، یعنی در روز قیامت که مفاد آیه‌ی:  
 یوم ندعواکل اناس بامامهم<sup>۳</sup> «هر مردمی که به امام‌شان خوانده می‌شوند» تحقق یابد.  
 در آن روز که روز قیامت است، از مردم درباره‌ی امام زمان‌شان که به او اقتدا کرده و پیرو دستوراتش شده‌اند، سؤال شود و درباره‌ی سنتی که از پیامبر برپا داشته و عملی که به کتاب خدا کرده‌اند، جویا خواهند شد.<sup>۴</sup>  
 و امام متقین در پیشگاه عدل الهی حامی کسانی است که از او پیروی و با اعمال صالح خود آنان را خشنود کرده‌اند، و او پیشرو و رهبر مردم در ورود به بهشت و رساندن آنان به سعادت اخروی است.

## مقام امامت انتصاب خداست نه انتخاب مردم

درباره‌ی امامت می‌توان گفت:

۱ - امامت منصبی است که از طرف پروردگار تعیین می‌شود و عالی‌ترین منصب الهی

۱ - سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۹.

۲ - در تفسیر المیزان از ابن شهر آشوب از علی علیه‌السلام در تفسیر آیه‌ی فوق نقل می‌کند که علی علیه‌السلام می‌فرماید: من وسیله‌ی خدا هستم. ۳ - سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۱.

۴ - روایت فوق در تفسیر منهج الصادقین ۲۹۲ جلد دوم از حضرت امام رضا (ع) است که از حضرت علی علیه‌السلام نقل می‌کند.

است. حتی پیامبر جز به دستور خداوند، حق انتخاب و انتصاب آنان را ندارد.<sup>۱</sup>

۲ - به دلیل این که آنان عهده‌دار هدایت مردم‌اند، خود هدایت شده‌اند. زیرا خداوند هدایت خود را در اشخاص منحرف و ناپاک قرار نخواهد داد. بنابراین همچون پیامبران آنان معصوم و از گناه مبری و پاک‌اند.

۳ - به دلیل رهبری مردم، خود از تمام آنان بالاتر و در تمامی علوم الهی و ملکات والای انسانی از همه‌ی مردم برترند.

۴ - آنان رابط بین خداوند و مردم‌اند و این اصل تا قیام قیامت پابرجاست.

۵ - اعمال ظاهری و باطنی مردم از امام پنهان نیست. چون آنان مأمور هدایت آن اعمال به سوی خداوند (مهدون بامرنا) بنابراین به تمامی اعمال بندگان واقف‌اند.<sup>۲</sup>

بنابراین چنین یافتیم که منصب امامت یک موضوع قراردادی و انتخابی نیست که هرکس در شرایطی قرار گرفت که توجه و عنایت مردم به او بود، یا زمینه‌ی چنین اقبال و پشتیبانی از مردم را برای خود فراهم آورد یا بالاخره توسط گروهی یا یک نفر انتخاب شد، امام یا پیشوا شود و پیشوایی مسلمین را که مقام اولی الامر است، به عهده گیرد.

منصب پرمسئولیت امامت فقط از جانب خداست و هنگامی که از جانب خداوند برای شخصی تحقق یافت، چه مردم بخواهند و چه نخواهند، او امام بر حق است و تنها مردم دنیا دوست طالب او نیستند.

اما در هدایت اعمال که به عهده‌ی اوست، چه مردم مایل باشند یا نباشند، تابع و پیرو اویند و از مجرای امامت و از طریق امام اعمال‌شان به سوی خداوند سیر می‌کند. (دقت کنید)

اما پیشوایی ظاهری آنان، که خلافت ظاهری بر مردم است؛ وقتی تحقق می‌یابد که مردم زمان بپذیرند. چنان که علی علیه‌السلام شرط تحقق یافتن امامت ظاهری را بیان می‌فرماید:

۱ - امام موسی کاظم (ع) می‌فرمود: اگر به اختیار من بود، قاسم را وصی قرار می‌دادم و حال آن که اختیار دست خداوند است و او علی را انتخاب کرد. ۲ - المیزان، صفحه‌ی ۹۸ و تفسیر نمونه.



«ای مردم، سزاوارترین شخص برای خلافت، تواناترین مردم و داناترین آنان به امر خداوند است... به جان خودم سوگند خلافت تا وقتی که همه‌ی مردم حاضر نباشند، تحقق نیابد. اما کسانی که اهل شناخت آن هستند و در جمع حاضران خلافت را قبول کردند، بر آنان که هنگام تعیین پیشوا حاضر نبودند حکم می‌کنند (و آنان را ارشاد و به پیشوای تعیین شده هدایت می‌کنند) پس آن که حاضر بوده نباید نقض عهد و دیگری را اختیار کند.»<sup>۱</sup>

بنابراین در موضوع امامت به سه نکته‌ی مهم بر می‌خوریم:

- ۱- امامت به معنای وصی و جانشین پیامبر که همچون نبی یا رسول مرجع دینی شمرده می‌شود و محل مراجعه و سؤال مردم است و هدایت آنان را از لحاظ دینی به عهده دارد.
- ۲- امامت یا ولایت به عنوان خلافت که همان تشکیل حکومت الهی و رهبری قوم برای اجرای دستورات و حدود الهی است و قرار گرفتن در رأس حکومت مسلمین که شرط وجوب و تحقق یافتن آن پذیرش مردم است.
- ۳- امامت یا ولایت تکوینی که شامل هدایت باطنی (هدایت به امر خدا) و هدایت و نظارت بر اعمال بندگان و سیر آن اعمال به سوی خداوند است. همچنین ولایت کلی که بر تمام عالم وجود دارند و مردم هیچ‌گونه دخالتی در آن نداشته و نخواهند داشت و آن ولایت به تصرف در عالم وجود است.<sup>۲</sup>

### ویژگی‌های امام

امام، انسان کاملی است که خداوند او را الگو و پیشرو قوم برای امت در نظر گرفته است. او مخزن اسرار و علوم الهی است<sup>۳</sup> و با وجود او است که زمین استقرار دارد و آسمان‌ها برپا

۱- از خطبه‌ی ۱۷۲ صفحه‌ی ۵۵۸ نهج البلاغه شرح فیض الاسلام.

۲- ولاء و ولایت‌ها. آیت الله شهید مطهری - تفسیرالمیزان.

۳- اصول کافی جلد اول.

داشته شده است<sup>۱</sup> و اوست غایت و نهایت خلقت. او حجت خداوند است. او بر عالم وجود ولایت تکوینی دارد. یعنی تمام موجودات سر به فرمانش دارند و او واسطه‌ی بین آنها و خالق است. افزون بر این ولایت که بر مردم دارند، ولایت دینی و حکومتی را نیز بر آنان دارند.

اگر فیوضات الهی و انوار رحمت حق را که بی‌منتهاست، در مقیاس کوچکی خورشید فرض کنیم که نورش عالم را روشن می‌کند و دنیا را اطاقی تاریک فرض کنیم که فقط دریچه‌ای برای روشنایی به بیرون دارد تا انوار خورشید از آن مجرا بگذرد و صحنه‌ی زندگی را روشن کند، امام همچون آن باب است که نور حیات و برکات خداوندی از آن طریق به مردم عالم می‌رسد و صحنه‌ی حیات انسان‌ها را روشن می‌کند.

اگر امام نباشد، قطع رحمت الهی باعث از بین رفتن موجودات خواهد شد. همان‌گونه که نبود روزنه یا دریچه و قطع نور خورشید، اطاق را در ظلمت فرو خواهد برد.

امام چه ظاهر باشد و چه غایب، وظیفه‌ی امامت خود را که هدایت باطنی افراد است، انجام خواهد داد و برکات خداوندی از طریقش عالم و جاهل، خداپرست و غیر او را در بر خواهد گرفت. او رحمت و اسعه‌ی خداوند است. منتها در هر درجه‌ای که مردم قرار گرفته باشند، از کمالاتش بهره می‌برند و از پرتو خداپرستان و دوستان خدا، کافران نیز بی‌نصیب نیستند. از این نظر امامان مایه‌ی امان بر تمامی اهل زمین‌اند.<sup>۲</sup>

امام دارای علم حضوری است<sup>۳</sup> و تمامی مسایل و حقایق را به عینه مشاهده می‌کند و با وحی تکوینی که خدا به او داده است، همه چیز را می‌داند و در این دیدن و بازگو کردن،

۱ - بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه (از دعای جامعه‌ی کبیره): از برای وجود شما آسمان‌ها برپاست و به زمین جز به اذن خداوند فرود نمی‌آید.

۲ - اصول کافی.

۳ - امام صادق می‌فرماید: «العالم عند الامام کراحة کفه» دنیا نزد امام چون کف دستش برایش واضح و آشکار است.

خطا و اشتباه نمی‌کند و از هر گناه و کردار ناصواب هر چند کوچک، بری و پاک است. امامان تمام وقایع گذشته و حال را می‌دانند و چیزی از ایشان پوشیده نیست.<sup>۱</sup> هر کتابی که خدا بر پیامبران گذشته نازل کرده و به هر زبانی باشد، امام آن را می‌داند<sup>۲</sup> و به تمام آیات قرآنی و تفسیرهای آن و شأن نزول آنها، محکم و متشابه آن احاطه‌ی کامل دارد<sup>۳</sup> و خداوند در قرآن از آنان به راسخون در علم یاد کرده است. علم از طرف خداوند به آنان داده شده و در سینه‌ی آنان ثبت است<sup>۴</sup> و یکی پس از دیگری علم و دانش را به ارث می‌برند.<sup>۵</sup> حتی آنان وارث جمیع علوم پیامبران گذشته و اوصیای آنان و همچنین وارث علم پیامبر خاتم (ص) اند.<sup>۶</sup> آنان کانون علم و معرفت، درخت نبوت و محل آمد و شد فرشتگانند.<sup>۷</sup> ولایت آنان همان نعمتی است که خداوند عزوجل در کتابش بیان فرموده<sup>۸</sup> و او در قیامت از این نعمت ولایت و امامت، از مردم سؤال خواهد کرد.<sup>۹</sup> امامت عهدی است که از جانب خداوند برای هر یک از امامان بسته شده<sup>۱۰</sup> و اعمال و رفتارشان مطابق سنت رسول خدا ص و علم و دانش آنان منبعث از منبع علم پیامبر است. آنان درهای علوم پیامبرند.

- 
- ۱ - اصول کافی کتاب الحججه، جلد اول، صفحه‌ی ۳۸۸.
  - ۲ - اصول کافی، کتاب الحججه جلد اول، صفحه‌ی ۳۲۱.
  - ۳ - کافی کتاب الحججه صفحه ۳۳۲ جلد اول.
  - ۴ - کافی جلد اول کتاب الحججه صفحه‌ی ۳۱۰ تفسیر آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی ۲۹: بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم.
  - ۵ - کافی کتاب الحججه صفحه ۳۲۱.
  - ۶ - کافی، کتاب الحججه، صفحه‌ی ۳۲۴.
  - ۷ - کافی، کتاب الحججه، صفحه‌ی ۳۲۱، فقرات زیارت جامعه.
  - ۸ - کافی، کتاب الحججه، صفحه‌ی ۳۱۵ جلد اول.
  - ۹ - سوره‌ی تکاثر آیه‌ی ۸: ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم «سپس از نعمت‌های داده شده در آن روز پرسیده شود».
  - ۱۰ - کافی، کتاب الحججه، صفحه‌ی ۲۵، جلد دوم.

قلب آنان ظرف مشیت و اراده‌ی خداوندی است و آنان جز به عهد و فرمان خداکاری انجام نداده و نمی‌دهند و از آن تجاوز نمی‌نمایند و جز خواست و رضای پروردگار را طالب نیستند.<sup>۱</sup>

آنان رابط بین خداوند و خلق‌اند، چه در بین مردم باشند یا نباشند و در این زمینه روح القدس که اعظم فرشتگان حق تعالی است، به اذن او ائمه را استوار می‌دارد و تأیید می‌کند<sup>۲</sup> تا از لغزش‌های به دور باشند.

و اوحینا الیهم فعل الخیرات «به آن‌ها اعمال نیک را وحی می‌کنیم»<sup>۳</sup> از الهاماتی که بر قلب آنان می‌شود (چون وحی تکوینی) اعمال‌شان را انجام می‌دهند و از هر نوع لغزش و گناهی هرچند ناچیز، بری و پاک‌اند.

آنان به مقام یقین رسیده‌اند:

و کانوا به آیاتنا یوقنون... «و به آیات ما یقین دارند...»<sup>۴</sup>

به دلیل داشتن مقام رهبری و ولایت تامه بر موجودات، اعمال بندگان خداوند ابتدا برایشان عرضه می‌شود<sup>۵</sup>. آنان ناظر بر اعمال مردم‌اند. کردار و رفتار بشریت، بلکه موجودات عالم بر آنان واضح و آشکار است. آنان به اندیشه‌ها و افکاری که در ذهن‌ها پرورش می‌یابد، آگاه‌اند و به رازهایی که در سینه‌ها و قلب‌ها خطور می‌کند، به اذن خداوند پی می‌برند و این مطلب به قدری دقیق و شناخت آنان به قدری مشکل و سخت است که امام علیه‌السلام همان‌گونه که در صفحات گذشته اشاره رفت، می‌فرماید:

«شناخت و معرفت‌شان را جز قلب مؤمنی که خداوند ایمانش را آزموده درک نمی‌کند...»<sup>۶</sup>

۱ - کافی، کتاب الحججه، صفحه‌ی ۲۸، جلد دوم.

۲ - کافی، کتاب الحججه، صفحه‌ی ۱۶ جلد دوم.

۳ - سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۷۳. ۴ - سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۲۴.

۵ - کتاب الحججه، جلد اول، صفحه‌ی ۳۱۸. ۶ - نهج‌البلاغه، شرح فیض الاسلام.

آری، سینه‌های امانت‌دار و خرده‌های استوار لازم است تا گوهر معرفت آنان را دریابند و بشناسند و چشم‌های حقیقت بین که راه و رسم‌شان را ببینند و پیرو شوند. قلب‌های با ایمان و پرسوزی که احساس‌شان را درک کنند و قدم‌هایی استوار، که در راه آنان اگرچه پر خطر است، گام بردارند و از هیچ مکروهی نهراسند و پا برجا باشند.

فرشته‌ای نیست که خدایش برای امری به زمین فرو فرستد جز این که ابتدا نزد امام آید و امر را به او عرضه کند، زیرا رفت و آمد فرشتگان از نزد خدای تبارک و تعالی به سوی صاحب الامر است.<sup>۱</sup>

و خود امام می‌فرماید: «چرا در مقابل مخالفان ما به آیه‌های سوره‌ی قدر استدلال نمی‌کنید؟»<sup>۲</sup>

در این سوره، فرشتگان و روح که اعظم آنان است و به امر خدا نازل می‌شوند، بر چه کسی غیر از حجت خدا در زمین وارد می‌شوند؟ و بر چه کسی غیر او، امر را عرضه می‌دارند؟

آری، آنان بر امام زمان وارد می‌شوند و او حجت خدا بر خلق است و آیا می‌شود امورات دنیا از حجت خدا پوشیده باشد؟ هرگز. آنان مؤید به روح القدس هستند و به اذن خدا همه چیز را به ایشان القاء می‌کند.

از این نظر امام دهم نیز تأکید می‌فرماید که: «با سوره‌ی قدر با مخالفان امامان مخاصمه کنید، زیرا در این سوره صراحت دارد که فرشتگان امر را به امام عرضه می‌دارند.»<sup>۳</sup>

امام در جواب اصحابی که راجع به حکومت امام سؤال می‌کنند، می‌فرماید: «وقتی ما حاکم شدیم، طبق حکم خدا و به طریقه‌ی داود پیغمبر حکم خواهیم کرد و هرگاه

۱ - کافی، کتاب الحججہ صفحہ ۲۴۲ جلد دوم روایت از امام موسی بن جعفر علیہ السلام.

۲ - المیزان - کافی حدیث از امام جعفر صادق (ع): «تنزل الملائکة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر» در شب قدر ملائکه و روح به اذن پروردگار برای هر امری نازل می‌شوند.

۳ - کافی، کتاب الحججہ، صفحہ ۳۶۴.

موضوعی برای ما پیش آید که ندانیم؛ روح القدس آن را به ما القاء می‌کند.<sup>۱</sup> امام هر عملی که انجام می‌دهد، طبق دستور خداوندی است، چه قیام کند و چه صلح، چه به حکومت برسد یا در خانه بنشیند. رفتار پیامبر بزرگ و علی علیه‌السلام و حسنین (ع) مؤید این گفتار است. صلح حدیبیه‌ی پیامبر بزرگ، رضایت به حکمیت از طرف علی (ع)، صلح امام حسن (ع)، قیام امام حسین (ع). سکوت ۲۵ ساله‌ی علی (ع)، روش امامان دیگر، قبول ولایت عهدی امام رضا (ع) و غیبت امام زمان (عج) همه از جانب خدا و به دستور او بوده است. آنان جز رضایت خداوند چیزی نمی‌خواهند و خداوند قلب آنان را ظرف مشیت خود قرار داده است.

### مزیت و برتری معصومین نسبت به سایر انسانها

قبل از ورود به این بحث باید یادآور شویم که خداوند سبحانه و تعالی هرچه را به پیامبرش عنایت فرموده پیامبر (ص) هم با کسب اجازه از ذات پروردگار آنها را به علی (ع) و ایشان هم به فرزندان بزرگوارشان عنایت فرموده‌اند. بنابراین هر نعمت و موهبتی که خداوند به پیامبرش عنایت کرده تماماً به علی (ع) و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین رسیده است که هم اکنون مهدی موعود (عج) تمام آن صفات را دارا می‌باشد و آن مزایا و برتری‌ها عبارتند از:

#### الف - عقل معصومین

خداوند پس از خلقت عقل آن را به صد قسمت تقسیم و ۹۹ تای آن را به پیامبر (ص) داد و یک واحد دیگر را به کل انسانها عنایت فرمود که درباره‌ی عقل و صفات منشعب از آن در آینده در کتابش بوضوح مطالبی خواهد آمد.<sup>۲</sup>

### ب - علم معصومین (ع)

تمام علوم در ۷۲ حرف خداوند خلق نموده که یکی را نزد خود نگاهداشت و ۷۱ حرف دیگر را به پیامبر (ص) عنایت فرمود از این علوم آدم ۲۵ حرف یحیی ۱۵ حرف و عاصف بن برخیا که تخت ملکه بلقیس را از یمن به مصر در یک چشم بهم زدن نزد سلیمان آورد فقط یک حرف از علوم را می دانست.

**درباره علم علی (ع) همین بس که پیامبر عظیم الشأن فرمود من شهر علمم و علی در آن است و اینکه ائمه اطهار، اوصیاء پیامبر (ص) بوده و وارثان علم پیامبر (ص) و جانشینان علی (ع) هستند لذا از فرمایشات حضرت رسول (ص) چنین استفاده می شود که تنها باب علم در عالم باب اهل بیت (ع) است و بشر در هر عصر و قرنی ناچار برای حفظ از سقوط خود باید از این باب بهره مند شود.**

### ج - آیه ۲۳ سوره شوری

خداوند می فرماید: «ای پیامبر بگو» «من هیچ مزد و پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.»  
سؤال شد یا رسول خدا نزدیکان شما کیانند؟ فرمود: «علی و فاطمه و حسن و حسین» که دوستی آنها بر شما واجب شده است و امام صادق (ع) فرمود: «دوستی ما اهل بیت یعنی عمل کردن به اوامر ما و دوری جستن از نواهی ما»

### د - آیه تطهیر برهان روشن عصمت است

خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب می فرماید: «خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.»  
حموینی - واحدی در اسباب انزول - احمد در مناقب طبرانی از ابی سعید خدری گفته اند که آیه تطهیر درباره ی ۵ نفر نازل شده (رسول خدا (ص) - علی (ع) فاطمه (س) - حسن (ع) و حسین (ع)) تأیید نموده اند.



### هـ- آیه مباحله یک سند زنده برای عظمت اهل بیت

خداوند در آیه ۶۱ سوره آل عمران می‌فرماید: «بعد از علم و دانشی که درباره مسیح (ع) به تو رسیده (باز) کسانی با توبه نزع و ستیز برخیزند به آنها بگو بیاید ما فرزندان و زنان و نفوس خود دعوت می‌کنیم شما هم از فرزندان و زنان و نفوس خود دعوت کنید و مباحله می‌کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم.

که منظور از ابنائنا (حسن «ع» و حسین «ع») و نساءنا (فاطمه (س)) و انفسنا (علی «ع»)) می‌باشند که احادیث متواتر و موثق این موضوع را تأیید می‌نمایند.

### و- آیه ۶۱ سوره آل عمران دلیل بر عصمت انبیاء و امامان است

در روایات متعددی که از طریق اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده است به این آیه برای معصوم بودن انبیاء و امامان استدلال شده است زیرا خداوند گنهگار و آلوده به شرک و کفر و فسق را انتخاب نمی‌کند بلکه آنهایی را بر می‌گزیند که از آلودگی‌ها برکنار و معصوم باشند.<sup>۱</sup>

مفسران و محدثان شیعه و اهل تسنن تصریح کرده‌اند که آیه مباحله (آیه ۶۱ سوره آل عمران) در حق اهل بیت پیامبر (ص) نازل شده و پیامبر (ص) تنها کسانی را که به همراه خود به میعادگاه برد فرزندانش حسن (ع) و حسین (ع) (ابنائنا) و فاطمه (س) (نساءنا) و علی (ع) (انفسنا) بوده است.

**قاضی نوراله شوشتری در کتاب نفیس احقاق الحق ج سوم چاپ جدید صفحه ۲۶ می‌گوید مفسران در این مسأله اتفاق نظر دارند که ابنائنا (حسن و حسین) و نساءنا (فاطمه) و انفسنا (علی) صلوات الله علیهم اجمعین بوده‌اند.**

قاضی نوراله شوشتری در همان کتاب از ص ۴۶ تا ۷۶ نام شصت تن از علمای بزرگان اهل تسنن را آورده که همگی روایت فوق را تأیید کرده‌اند مشتاقان به آنجا مراجعه کنند.<sup>۲</sup>

۱- تفسیر نمونه ج ۲ ص ۳۹۰.

۲- تفسیر نمونه ج ۲ ص ۴۴۱.

آیه مباحله مزیتی است که هیچ کس در آن بر اهل بیت پیشی نگرفته و فضیلتی است که هیچ انسانی به آن نرسیده و شرفی است که قبل از آن هیچ کس از آن برخوردار نبوده است.<sup>۱</sup>

باید به این نکته توجه داشت که پیامبر (ص) و امام در مدت حیات خود باید آنچنان احکام الهی را بیان و اجرا کنند که جوابگوی نیازمندی‌های همه انسانها در هر زمان و مکان باشند و این ممکن نیست مگر اینکه لااقل بخشی از اسرار غیب را بدانند.

بر این اساس اگر سه آیه قرآن مجید را در کنار هم بچینیم مسأله علم غیب پیامبر (ص) و امامان صلوات اله علیهم اجمعین از آن روشن می‌شود.

الف - خداوند در آیه ۴۰ سوره نحل می‌فرماید: «کسی که دانشی از کتاب داشت (آصف بن برخیا) گفت من آن را (تخت ملکه سبا) را پیش از آنکه چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد و هنگامی که (سلیمان) آن را نزد خویش مستقر دید گفت این از فضل پروردگار من است» که لازم به ذکر است که آصف بن برخیا یک حرف از هفتاد و دو حرف علم را دارا بود (دقت کنید)

ب - خداوند در آیه ۴۳ رعد می‌فرماید: «بگو کافی است برای گواه میان من و شما خداوند و کسی که علم کتاب نزد او است.»

با توجه به روایاتی که در کتب اهل سنت و شیعه نقل شده چنین می‌خوانیم که ابوسعید خدری می‌گوید از رسول خدا معنی الذی عنده علم من الکتاب (آیه فوق) را پرسیدم فرمود: «او وصی برادر من سلیمان بن داود بود (و من عنده علم من الکتاب) کیست؟ فرمود او برادر من علی بن ابیطالب است.<sup>۲</sup>

۱ - نورالثقلین ج ۱ ص ۳۴۹ - برهان ج ۱ ص ۲۹۰ - تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۷۷ بحار ج ۲۰ ص ۵۲ و ج ۶ ص ۶۵۲ - المیزان ج ۶ ص ۶۸.

۲ - احقاق الحق ج ۳ ص ۱ و ۲۸۰ و نورالثقلین ج ۲ ص ۵۲۳ و تفسیر نمونه ج ۲۵ ص ۱۵۲ به بعد.

## حج

امام صادق (ع) می‌فرمایند: از هفتاد و دو حرف علم الهی را یک حرف نزد خود نگاهداشت و هفتاد و یک حرف را به پیامبر (ص) و آلش داد. در حالیکه آصف بن برخیا از این یک حرف و عیسی (ع) دو حرف ابراهیم (ع) ۸ حرف و نوح (ع) ۱۵ حرف و آدم ۲۵ حرف داشته‌اند.

با توجه به اینکه (علم من الكتاب) در مورد آصف علم جزئی را بیان می‌دارد و (علم الكتاب) که درباره علی (ع) آمده و علم کلی را می‌گوید تفاوت میان مقام علمی آصف و علی (ع) روشن می‌گردد.

ج - خداوند در آیه ۸۹ سوره نحل می‌فرماید: «ما قرآن را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی است.

روشن است کسی که عالم به اسرار چنین کتابی است باید اسرار غیب را بداند و این دلیلی است آشکار بر اینکه ممکنست انسانی از اولیاء الله از اسرار غیب به فرمان خدا آگاه گردد. اینجاست که مولی الموحدين علی ابن ابیطالب علیه السلام می‌فرمایند: «سلونی قَبْلَ أَنْ تَقْدُونی» از من بپرسید قبل از اینکه مرا نیابید و یا می‌فرمایند: (من به راههای آسمانها آشنا تر از راههای زمینی هستم)

این سخنان بزرگ و سنجیده از گوینده‌ای باید باشد که پشتوانه‌ای محکم داشته باشد و به اسرار غیب آگاه باشد تا بتواند پاسخگویی انسانها در تمام اعصار و قرون و در تمام مکانها باشد.

## شأن نزول آیه‌ی ۸ سوره‌ی انسان (دهر)

و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه و (نیاز) داشتند به مسکین و یتیم و

اسیر می‌دهند.

### سندی بزرگ بر فضیلت اهل بیت پیامبر «ص»

ابن عباس می گوید حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند پیامبر (ص) با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند، و به علی (ع) گفتند: ای ابوالحسن! خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می کردی، علی (ع) و فاطمه علیهما السلام و فزه که خادمه آنها بود نذر کردند که اگر آنها شفا یابند سه روز روزه بگیرند (طبق بعضی از روایات حسن و حسین علیهما السلام نیز گفتند ما هم نذر می کنیم روزه بگیریم)

چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند، در حالی که از نظر مواد غذایی دست خالی بودند علی (ع) سه من جو قرض نمود، و فاطمه (س) یک سوم آن را آرد کرد، و نان پخت، هنگام افطار سائلی بر در خانه آمد و گفت: السلام علیکم یا اهل بیت محمد (ص) «سلام بر شما ای خاندان محمد! مستمندی از مستمندان مسلمین هستم، غذایی به من بدهید خداوند به شما از غذاهای بهشتی مرحمت کند، آنها همگی مسکین را بر خود مقدم داشتند، و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب ننوشیدند.

روز دوم را همچنان روزه گرفتند و موقع افطار وقتی که غذا را آماده کرده بودند (همان نان جوین) یتیمی بر در خانه آمد آن روز نیز ایثار کردند و غذای خود را به او دادند (بار دیگر با آب افطار کردند و روز بعد را نیز روزه گرفتند).

در سومین روز اسیری به هنگام غروب آفتاب بر در خانه آمد باز سهم غذای خود را به او دادند هنگامی که صبح شد علی (ع) دست حسن (ع) و حسین (ع) را گرفته بود و خدمت پیامبر (ص) آمدند هنگامی که پیامبر (ص) آنها را مشاهده کرد دید از شدت گرسنگی می لرزند! فرمود! این حالی را که در شما می بینم برای من بسیار گران است، سپس برخاست و با آنها حرکت کرد هنگامی که وارد خانه فاطمه علیها السلام شد دید در محراب عبادت ایستاده، در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به پشت چسبیده، و چشمهایش به گودی نشسته، پیامبر (ص) ناراحت شد.

در همین هنگام جبرئیل نازل گشت و گفت ای محمد! این سوره را بگیر، خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می گوید، سپس سوره «هل اتی» را بر او خواند (بعضی گفته اند که

از آیه «ان الابرار» تا آیه **كان سعيكم مشكورا** که مجموعاً هیجده آیه است در این موقع نازل گشت).

آنچه را در بالا آوردیم نص حدیثی است که با کمی اختصار در «**الغدیر**» به عنوان «قدر مشترک» میان روایات زیادی که در این باره نقل شده آمده است، و در همان کتاب از ۳۴ نفر از علمای معروف اهل سنت نام می‌برد که این حدیث را در کتابهای خود آورده‌اند (با ذکر نام کتاب و صفحه آن).

به این ترتیب روایت فوق از روایاتی است که در میان اهل سنت مشهور بلکه متواتر است.<sup>۱</sup>

و اما علمای شیعه همه اتفاق نظر دارند که این هیجده آیه یا مجموع این سوره، در ماجرای فوق نازل شده است، و همگی بدون استثناء در کتب تفسیر یا حدیث، روایت مربوط به آن را به عنوان یکی از افتخارات و فضائل مهم علی (ع) و فاطمه زهرا و فرزندانشان آورده‌اند.

حال با توجه به آیه ۵۹ از سوره نساء که می‌فرماید: (اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم) اطاعت کنید از خدا و اطاعت کنید از رسول خدا و از صاحبان امر اطاعت کنید که از امام علی (ع) و امام باقر (ع) و امام صادق (ع) سؤال کردند که صاحبان امر کیانند هر سه امام همام فرمودند ما ایم که اطاعت ما واجب است.

و نیز با توجه به آیه ۲۱ سوره احزاب که خداوند می‌فرماید: «پیامبر (ص) برای شما سرمشق و الگوی خوبی است برای کسانی که امید به خدا و روز رستاخیز دارند و بسیار یاد خدا می‌کنند.

خداوند پیامبر (ص) و امامان نور صلوات اله علیهم اجمعین را بعنوان الگو و نمونه و سرمشق بر ایمان تعیین نموده و مسلماً اگر از آنها پیروی کنیم مطمئناً به صراط مستقیم

۱ - «الغدیر» جلد ۳ صفحه ۱۰۷ تا ۱۱۱ و در کتاب «احقاق الحق» در جلد ۳ صفحه ۱۵۷ تا ۱۷۱ حدیث فوق از ۳۶ نفر از دانشمندان و علمای اهل سنت با ذکر مأخذ نقل شده است.

هدایت شده به شرق و غرب منحرف نمی شویم آیا اینها شایسته رهبری جامعه را دارند یا انسانهای شرق و غرب که در هدایت خودشان گمراه گشته اند قضاوت را بعهده خواننده گرامی بخصوص جوانان گرانقدر و ارزشمند شیعه می گذاریم که با تفکر و تعقل صراط مستقیم را تشخیص و موجب سعادت خود و خانواده و جامعه گردند. ان شاء الله

### شنوندگان دعوت الهی سه دسته اند

۱ - کسانی هستند که به صافی طینت و باطن خود می پذیرند و اطاعت می کنند و ابداً مخالفتی نمی ورزند که خود دو دسته اند:

الف) یک دسته کسانی هستند که همه ی اوامر را می پذیرند، عمل می کنند و همه نواهی را ترک می گویند.

ب) دسته ی دیگر کسانی اند که بعضی از اوامر را اجرا می کنند و بعضی اوامر را ترک می گویند و همچنین نواهی را برخی را انجام می دهند و برخی را ترک می گویند و گناهی که از ایشان سر می زند یا به علت غلبه ی شهوت نفس است که آن معصیت در نظر او خوب جلوه می کند یا به علت انکار و دشمنی است، یعنی بد و خوب را می داند اما از روی دشمنی بد را انجام می دهد و خوب را ترک می کند.

۲ - کسانی هستند که دعوت را نمی پذیرند و نافرمانی و مخالفت می کنند و هرگز در هیچ حالی حاضر به فرمان برداری نیستند.

۳ - کسانی هستند که بعضی از آن ها اطاعت و بعضی مخالفت می کنند و این دسته دو قسم اند:

الف) بیشترشان مطیع اند و کمترشان نافرمان

ب) کمترشان مطیع و بیشترشان نافرمان اند.

## روایاتی که القاب تعیین شده‌ی ایشان را معنی می‌کند

همان گونه که قبلاً گفتیم، معصومین علیهم السلام به دلیل عظمت فوق العاده‌ای که وجود مقدّس حضرت مهدی صلوات الله علیه دارند، دستور داده‌اند به جای اسم خاص آن حضرت القابی را به کار بریم تا شاید با توجه به معانی آنها، معرفت ما را به ایشان افزایش دهند<sup>۱</sup> و موجب توجه بیشتر ما به عظمتی شوند که از معانی این القاب بر می‌آید. این همان کاری است که پروردگار متعال در قرآن نیز کرده و عناوین و القاب بزرگی را به آنها اختصاص و نسبت داده و کمتر اسم خاص آنها را آورده است. القابی که معصومین به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه داده‌اند، هر یک معنای خاصی دارد و برای فهماندن اهمیت و نوع کاری است که قرار است به دست ایشان انجام شود، بعضی از این القاب و عناوین عبارت‌اند از:

**بقیه الله، نورالله، وجه الله، خلیفه الله، باب الله، میثاق الله، وعد الله، سبیل الله، داعی الله، حجة الله، صاحب الزمان، مضطرّ، ثائر، منصور، مهدی، مهدی، تقی، نقی، رضی، زکی، مرضی، صابر، شکور، مجتهد و غوث.<sup>۱</sup>**

مشهورترین القابی که معانی اش نیز در روایات آمده مهدی، قائم و منتظر است و ما به دو نمونه از این روایات اشاره می‌کنیم.

امام صادق (ع) در روایتی مطالبی به این معنا می‌فرماید: به درستی ایشان مهدی نام‌گذاری شده است، چون وقتی مردم دینشان را از منبع و سرچشمه‌ی آن که امام زمان است نگیرند و با وجود انحرافات که در دین وارد کرده‌اند، چنین پندارند که حقیقت دین همان است که آنها دارند، [در چنین شرایطی] آن حضرت مردم را به اسلامی هدایت می‌کند که از نظر بعضی مردم جدید است. و ایشان قائم نامیده شده چون که قیامش مطابق با

۱ - القاب و عناوین حضرت ولی عصر ارواحنا فداه بسیار بیشتر است و ما در این قسمت به تعداد شماره حروف علمی که در زمان ظهور شکافته خواهد شد، این ۲۵ تا را انتخاب کردیم بسیاری دیگر از این القاب در دعای ندبه و زیارت آل یاسین و دیگر ادعیه و روایات موجود است.



میزان و حق و برای برپایی عدالت در جامعه است.<sup>۱</sup>

امام جواد(ع) در پاسخ فردی که از معنای قائم و منتظر پرسیده بود، فرمودند (ایشان را به این دلیل قائم نام گذاری کرده اند که بعد از این که وجود مبارکش به فراموشی سپرده شود و عده‌ی زیادی از معتقدین به امامتش سست شوند، قیام می‌کند. سپس سائل پرسید: چرا ایشان منتظر نامیده شده است؟ حضرت فرمودند چون برای ایشان غیبتی است طولانی که افراد خالص و پاک انتظارش را می‌کشند ولی شگاکان منکرش می‌شوند و افراد کافر و پست زیاد نام بردن ایشان را مسخره می‌کنند، در آن زمان غیبت، کسانی که وقتی برای ظهورش تعیین کنند، تکذیب شوند و افرادی که در آن غیبت از دیدگاه خود نظری درباره‌اش بدهند، هلاک شوند و تنها تسلیم شدگان در برابر خواست و نظر خداوند معصومین علیهم السلام نجات می‌یابند.<sup>۲</sup>

۱ - بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه‌ی ۳۰، حدیث ۷.

۲ - کمال الدین، صفحه‌ی ۲۷۸، قسمتی از حدیث ۳.

# فصل دوم

باید امام زمان خود را شناخت  
وگرنه مرگمان مرگ جاهلیت است

**پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:**

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ أَمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً الْجَاهِلِيَّةِ

آری پیامبر اکرم (ص) در زمینه‌ی شناخت عملی امام برحق و واجد شرایط هر زمانی و خودداری از پیروی امامان دروغین آن چنانی و رهایی از وزر و وبال (گناه و سختی عذاب) آن با ایراد این حدیث و دیگر احادیث و متن‌های فراوان و مشابه، این چنین به امت خود هشدار می‌دهد و آن‌ها را از بی‌راهه روی برحذر می‌دارد که:

**اگر کسی بمیرد و امام زمان برحق خود را نشناخته باشد سرنوشت او مرگ جاهلی و حشر و نشر با کفار و مشرکین بت پرست عهد جاهلیت خواهد بود.**

اکنون جای طرح این پرسش است: مقصود از امام زمانی که بعد از پیامبر (ص) از همه‌ی ضعف‌ها و انحراف‌ها منزّه است و نشناختنش مرگ جاهلی را موجب می‌شود، کیست؟

الف - خود پیامبر (ص) فرموده است: به زودی پس از من فتنه‌ای برپا خواهد شد پس هنگامی که چنین شد ملازم علی بن ابی طالب باشید.

زیرا او اول کسی است که به من ایمان آورده و اول کسی است که در روز قیامت با من مصافحه می‌کند. او صدیق اکبر و فاروق (جداکننده‌ی حق و باطل) این امت است که میان حق و باطل جدایی می‌افکند و او رهبر و پیشوای دین است.<sup>۱</sup>

امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب (ع) است که یک یک متون حدیثی و تاریخی اهل تسنن - در زمینه‌ی خلافت و امامت - شاهد منزّه بودن حضرتش از یک یک آن همه نقاط ضعف و مایه‌های کجروی است و پیامبر (ص) امر به ملازمه و پیروی از او فرموده‌اند.

ب - در اختلاف انکارناپذیر بین سنی و شیعه در امر امامت و خلافت، شیعه براساس دلایل و سرنخ‌های گویا و فراوان قرآنی، حدیثی، تاریخی، اخلاقی و کلامی مندرج در کتب دست اول اهل تسنن، امام بر حق و خلیفه‌ی راستین و واجد شرایط اسلامی و منصوب از طرف خدا و پیامبر (ص) را علی می‌داند و از آن پس دیگر ائمه‌ی اثنا عشر را یکی پس از دیگری تا برسد به امام حی (زنده) غایب، حضرت حجة ابن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف.

ج - موضوع امام‌شناسی و الزام به پیروی از مقام امامت و ضرورت وجود یک رهبر اسلامی واجد شرایط در هر زمانی تنها مربوط به شیعه و یک گروه خاص نیست، بلکه واقعیتی است که ریشه‌ی عمیق اسلامی دارد و مسلمانان با انواع فرقه‌گرایی‌ها و مذاهب گوناگون عقیدتی و فقهی همه و همه معتقد و معترف به آن بوده و هستند.

به عبارت دیگر عقیده به وجود امام در هر زمانی یک واجب الهی است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آن را اعلان فرموده و بار مسئولیت آن را بر دوش همگان نهاده است. پیامبر گرامی انحراف‌گرایان از خط عقیده به امامت را که از شناخت امام راستین عصر خود سرباز می‌زنند، جاهلیت‌گرا و به عنوان کسی که به دوران جاهلیت عقب‌گرد می‌کنند،

۱ - الاستیعاب زیر ترجمه‌ی ابولیلی غفاری اسدالغابه ۲۸۷/۵ - الاصابه ۱۶۹/۴ - انسان العیون فی سیره الامین و المأمون ۳۸۰/۱ - مناقب سیدنا علی ص ۵۹ - مناقب خوارزمی ص ۵۷ - کثر المعال ۶۱۲/۱۱ - لسان المیزان ۴۱۴/۲ - مناهج الفاضلین ص ۳۱۹.

تعبیر کرده و می‌فریاید: کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد مرگ او مانند مرگ افراد دوران جاهلیت است.

این حدیث (کسی که بمیرد و...) را ابن عباس، ابوهریره، عبدالله بن عمر، معاویه بن ابی سفیان، و عامر بن ربیع از قول پیامبر (ص) نقل کرده‌اند و گروهی از محدثین عالی مقام و دیگر دانشمندان اهل تسنن آن را در مصادر اسلامی ذکر کرده‌اند و در واقع از احادیث متواتر محسوب می‌شود.

این حدیث با دیگر احادیثی که به این مضمون وارد شده است، نشانگر صدور فرمان قطعی اسلام از طرف خدا و پیامبر (ص) است و با صراحت و تأکید، توجه عموم را به دو امر مهم جلب می‌کند:

۱ - پیامبر اسلام (ص) با اضافه کردن کلمه‌ی «امام» به کلمه‌ی «زمان» ضرورت وجود امام جامع الشرائط و قابل شناخت را در هر عصر و زمان (هر چند تنها یک نفر مسلمان وجود داشته باشد) برای پیروی از او اعلام فرموده و چنین امامی جز با امامان معصوم شیعه که آخرین آن‌ها حضرت مهدی حجة بن الحسن العسکری (عج) است، با کسی دیگر منطبق نیست.

۲ - از این که پیامبر (ص) با اضافه کردن کلمه‌ی «میتة» به کلمه‌ی جاهلیت مرگ بدون چنین شناخت را مرگ جاهلی توصیف فرموده، معلوم می‌شود این امام همانند پیامبر (ص) رابط بین خالق و خلق است و شناختن آن عیناً مانند شناختن پیامبر (ص) است که موجب گمراهی خواهد بود.

اکنون کسانی که بخواهند غیر این نظریه را بپذیرند، برای ایشان بیش از یکی از دو راه وجود ندارد.

اولاً اصل حدیث را انکار کنند که با وجود مآخذی که در پایان این بحث می‌آوریم، قابل تردید و انکار نیست.

ثانیاً بگویند مقصود، هر امام و زمامداری است که با هر وسیله‌ای هر چند با قهر و زور یا کودتا و خون‌ریزی و بالاخره با پشت کردن به قرآن و معیارهای اسلامی و انسانی روی کار آید.

بنابراین معاویه‌ها، یزیدها، مروان‌ها، عبدالملک‌ها منصور دوانیقی‌ها، هارون‌ها، مأمون‌ها و متوکل‌ها، امام زمان‌های عصر خود بوده‌اند که پیامبر (ص) نشناختن آن‌ها را مایه‌ی جاهلیت‌گرایی و عامل گمراهی اعلام فرموده‌اند.

و هم اکنون نیز شناختن زمامداران کشورها و مناطق مسلمان نشین با ویژگی‌هایی که دارند، به جهت شناخت اسلام و پیروی از احکام آن جزء وظایف اسلامی است! و مرگ آنان بدون شناسایی امام زمان خود مرگ جاهلی است!

البته این پنداری است غلط، باطل، مغایر با روح اسلام و تمسخرآمیز که هیچ انسان عاقل و آگاهی آن را نمی‌پذیرد. بدین ترتیب براساس نظر شیعه‌ی دوازده امامی، پیامبر گرامی اسلام با ایراد این حدیث شریف امامت افراد غیر معصوم و جایز الخطا در تبلیغ و اجرای احکام اسلام را نفی و غیرقابل قبول و در آخر جاهلیت‌گرایی خوانده‌اند و این بیان چیزی است که شیعه در طول قرن‌ها به آن معتقد بوده است و برای این که خواننده‌ی گرامی به مدارک حدیث آگاه شود، ما اسناد حدیث را از کتاب‌های اصل اهل سنت نقل می‌کنیم:

- ۱- احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱)، در مسند ج ۲، ص ۸۳ و ج ۳، ص ۴۶۶.
- ۲- ابو عثمان جاحظ (متوفی ۲۵۵)، در نقض کتاب العثمانیه، ص ۲۹.
- ۳- بخاری (متوفی ۲۵۶)، در صحیح خود، ج ۵ ص ۱۳.
- ۴- ابوداود طبالسی (متوفی ۲۵۹)، در مسند، ص ۲۵۹.
- ۵- مسلم (متوفی ۲۶۱)، در صحیح، ج ۳ ص ۲۱.
- ۶- احمد بن عمر بزار (متوفی ۲۹۲)، در زوائد، ج ۱، ص ۱۲۴.
- ۷- دولابی (متوفی ۳۲۵)، در الکنی و الاسماء، ج ۲، ص ۳.
- ۸- حاکم نیشابوری (متوفی ۴۵۵)، در مسند، ج ۲، ص ۷۷-۱۱۷.
- ۹- نورالدین هیشمی (متوفی ۸۵۷)، در مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۸ و ۲۱۹.
- ۱۰- قاضی بهلول زنگنه زوری (متوفی ۱۳۵۵)، در تاریخ آل محمد که از ترکی استامبولی به فارسی ترجمه شده و بارها به چاپ رسیده.

و ده‌ها کتاب دیگر که همگی از کتب معتبر اهل سنت‌اند.

د - نزول آیه‌ی الیوم اکملت لکم دینکم (آیه‌ی سوم سوره‌ی مائده) که می‌فرماید: ... امروز دین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تکمیل کردم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

البته اسلام با جانشینی بلافصل علی (ع) بعد از پیامبر منظور است چون این آیه مربوط به غدیر خم است و حدیث غدیر را شیعه و سنی در کتاب‌های خود نوشته‌اند و از این که پیامبر (ص) علی (ع) را در غدیر خم به عنوان برادر، وصی و جانشین خود معرفی کرده‌اند، هیچ شک و تردیدی وجود ندارد افزون بر آن، خطبه‌ی غدیر، یازده بخش است که یک بخش آن در باره‌ی مهدی (عج) است.<sup>۱</sup>

ه - در شب معراج خداوند به پیامبر وحی فرمود که علی و یازده فرزندش را به عنوان جانشین خود در بین امت معرفی کند.<sup>۲</sup>

و - در باره‌ی ۱۲ تن (اثنی عشر) که پیامبر (ص) بارها و بارها از علی تا مهدی را به عنوان جانشینان خود تا روز قیامت معرفی فرموده‌اند، در کتاب‌های اهل تسنن (افزون بر کتب شیعه) به وضوح بیان شده است.

ز - در این که زمین اهلیش را فرو می‌برد اگر حجّت خدا نباشد، علی (ع) در بالای منبر کوفه فرمود؛ شما آشوبهای تاریک و روزگار مبهم در پیش دارید که جز «نومه» کسی از آن نجات نمی‌یابد. عرض کردند؛ یا علی نومه کیست؟ فرمود؛ کسی است که مردم را می‌شناسد ولی مردم او را نمی‌شناسند. بدانید که زمین از حجّت خدا خالی نمی‌ماند و به زودی خداوند بندگان گناهکارش را به کیفر ظلم و ستم و زیاده‌روی‌های خود می‌رساند.

اگر یک لحظه زمین از حجّت خدا خالی باشد، ساکنان خود را فرو می‌برد. حجّت خدا روی زمین هست، او همه‌ی مردم را می‌شناسد ولی کسی او را نمی‌شناسد. چنان که یوسف مردم را می‌شناخت ولی کسی او را نمی‌شناخت. سپس آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی یس را تلاوت

۱ - به دلیل خلاصه بودن این مطلب، در کتاب هدایت و تقلید چاپ سوم مشروحاً بیان شده است.

۲ - از ج ۱۳ بحارالانوار، صفحات ۱۰۶۲ تا ۱۰۶۵.

فرمودند که خداوند در آن جا می فرماید: «وای بر مردم که هر پیامبر و راهنمایی که برای آن‌ها می آید، او را به باد تمسخر می گیرند.»<sup>۱</sup>

اکنون قضاوت با خود خواننده‌ی بزرگوار است که حجّت خدا مهدی حجة بن الحسن العسکری است یا این همه مدعیان دروغین مهدویت؟!

ح - انسان برای تکامل به الگو، سرمشق و نمونه نیاز دارد. زیرا طبق آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی احزاب می فرماید: «برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند.»

آری پیامبر الگو و نمونه و سرمشق خوبی در تمام اعصار و قرون بوده و هست، در تمام میدان‌ها، نه تنها در میدان جنگ، بلکه در تمام امور زندگی. روحیات عالی او، استقامت و شکیبایی او، هوشیاری و درایت و اخلاص او، توجه او به خدا، تسلط او بر حوادث، تسلیم نشدن در برابر سختی‌ها و مشکلات و ضعف و زبونی به خود راه ندادن همه و همه مایه‌ی آرامش روح و جان امتش بود.

خلاصه هر کس در راهی که ادامه می دهد، احتیاج به سرمشق و راهبر دارد اگر این الگو و سرمشق و راهبر پیامبر (ص) و امامان معصوم باشند، بدون شک در دو سرا سعادت‌مند خواهیم بود.

این قسمت را با حدیثی از سخنان امام باقر (ع) پایان می دهیم که می فرمایند: «اطاعت امام بر حق، پس از شناخت او، بالاترین کنگره، ارجمندترین مقام و کلید دین و طریق دست‌یابی به شؤن زندگی و رضایت و خشنودی خدای رحمان است. آگاه باشید اگر مردی شب را به عبادت به سر آورد و روز را روزه بگیرد و همه‌ی اموالش را صدقه بدهد و همه‌ی عمرش به حج رود ولی ولایت و امامت «ولی خدا» را نشناسد و با او پیوند برقرار نکند و همه‌ی کردارش را تحت رهنمود او انجام ندهد، چنین کسی هیچ‌گونه حق پاداش گرفتن از درگاه خدا را ندارد و از صف مؤمنان خارج است.»<sup>۲</sup>

۱ - بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۳۸.

۲ - تحف العقول، ص ۲۸۴.



## میراث انبیا چیست؟

چیزهای نفیس و پرارزشی است که پیام آوران خدا از خود به جای نهاده‌اند و از وصی راستین هر کدام به دیگری انتقال یافته است.

این میراث‌های خاص از همه‌ی پیام آوران خدا به برترین و آخرین پیامبر یعنی پیامبر اسلام رسید و پس از رحلت آن بزرگوار به جانشین راستین او امیر مؤمنان (ع) و بعد از او به امام حسن (ع) و یکی پس از دیگری امامان نور و اکنون در نزد امام مهدی (عج) است و آن‌ها عبارتند از: شمشیر و پرچم و پیراهن و زره و عمامه‌ی پیامبر (ص) - خاتم سلیمان - سنگ و عصای ویژه‌ی موسی که هر یک از آنان نقشی در قیام قائم (عج) دارند.

مثلاً پرچم پیامبر (ص) را بگشاید و هر جا رود، پیروز است.

خاتم سلیمان به همراه دارد تا خداوند پرنده و باد و فرشتگان را مسخر او کند. عصای موسی که در زمان موسی به سنگ زد و دوازده چشمه جاری شد که برای هر قوم چشمه‌ای اختصاص یافت و نیز ازدهایی شد.

یا عصای موسی که بر زمین انداخت، ناگاه دیدند تمام جادوهایشان را بلعید و عصای موسی از چوب «آس» بوده است که از درخت‌های بهشت است.

سنگ موسی همراه قائم (عج) است هر جا رود چشمه‌هایی از آن خواهد جوشید. پیراهن یوسف که آن را فرستاد تا یعقوب روی سرش بیندازد و بینا شود نیز همراه حضرت حجة (عج) است.

هر پیامبری هر دانشی که از خود به جای گذارده یا هر چیزی باقی گذارده، به قائم خواهد رسید.

امام صادق (ع): «عصای موسی نخست مال حضرت آدم بود و از او به شعیب پیامبر (ع) و بعد از او به موسی رسید و اینک نزد ماست. من تازه آن را دیده‌ام که سبزرنگ است. مانند این که اکنون از درخت بریده شده است.»

آن عصا هنگامی که خواسته شود سخن گوید و برای قائم ما آماده شده است و آن گرامی از آن همان گونه بهره می‌برد که موسی بهره می‌برد و آن عصا هر آن چه دستور یابد،

انجام می‌دهد و هنگامی که افکنده شود، هر آن چه را که فریبکاران و ساحران و دروغ‌پردازان و شیادان روزگار بافته‌اند، همه را می‌بلعد و باطل می‌کند.

## زندگانی حضرت ولی عصر صاحب الزمان (عج)

نام: (محمد) (عج) پدر: امام حسن عسکری (ع) مادر: نرجس<sup>۱</sup> کنیه: ابوالقاسم  
لقاب: اباصالح، ولی عصر، حجت، خاتم، صاحب الزمان، قائم، منتظر، منصور و از همه مشهورتر، مهدی.

تاریخ تولد: شب نیمه‌ی شعبان ۲۵۵ هـ ق، هنگام طلوع فجر.

محل تولد: شهر سامراء در عراق.

شیخ مفید می‌نویسد، اولی به تصرّف پس از حضرت عسکری، فرزند دل‌بندش حضرت ابوالقاسم محمد مهدی است که یگانه پسر پدر است و از بیم دشمنان مهدویت پنهان بوده و در حین رحلت حضرت عسکری از سنین عمرش پنج سال گذشته بود. حکمت چنین ایجاب می‌کرد که این کودک پنج ساله متصرف عالم امکان باشد و در پشت پرده از دیده‌های خطرناک پنهان و مستور باشد.

سؤال: چگونه کودک پنج ساله می‌تواند متصرف عالم امکان باشد؟ جواب: این سنت در آفرینش الهی بی‌سابقه نبوده است. خداوند همان گونه که یحیی ذکریا (ع) را در کودکی متصرف در عالم گردانید و او را امام و پیشوای خلق قرار داد و حضرت عیسی (ع) را در حال شیرخوارگی در گهواره به نبوت مبعوث کرد، حضرت مهدی (عج) را نیز در این سن به این مقام رسانید.

۱- و به نقلی، ملیکه دختر یسوعا پسر قیصر روم (که نسب وی به وصی مسیح (ع) شمعون الصفا می‌رسید) بود و در جنگ اعراب و روم بر اثر شکست رومیان اسیر شد. طبق معمول آن روز به عنوان کنیز در بغداد به معرض فروش درآمد. نماینده‌ی حضرت هادی (امام دهم) وی را برای امام حسن عسکری (ع) خرید و به نزد آن حضرت برد.

## کیفیت تولد امام مهدی (عج)

بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين (هود، ۸۸)

سرمایه‌ی حلالی که خدا برای شما قرار داده، بهتر است اگر ایمان داشته باشید<sup>۱</sup>.

### کیفیت تولد امام از زبان حکیمه خاتون

**حکیمه خاتون کیست؟** دختر امام محمدتقی، خواهر امام هادی و عمه‌ی امام حسن عسکری (ع) است.

حکیمه خاتون می‌فرماید: من در روز پنجشنبه نیمه‌ی شعبان به منزل برادر زاده‌ی عزیز و امام زمانم حسن ابن علی العسکری (ع) رفتم چون قصد برگشتن کردم، حضرت فرمود: ای عمه امشب را نزد ما باش که در این شب فرزند گرامی‌ام متولد می‌شود که حق تعالی باو زنده می‌گرداند زمین را به علم و ایمان و هدایت بعد از آن که مرده باشد به شیوع کفر و ضلالت و گمراهی. گفتم: ای سید من این مولود از که به هم می‌رسد؟ فرمود از نرجس پس برخاستم پشت و شکم نرجس را ملاحظه کردم، هیچ اثری از حمل در او ندیدم. در حال حیرت بودم. حضرت فرمود: ای عمه صبح اثر حمل او ظاهر می‌شود. مثل او مثل مادر موسی است. شب را ماندم. تا نزدیک صبح اثری در نرجس خاتون نیافتم. نزدیک بود شکی در من پیدا شود. ناگاه امام از اتاق خود صدا زد؛ شک مکن وقتش نزدیک شده است. نزدیک صبح صادق ناگاه حالت اضطراب در نرجس ظاهر شد او را در برگرفتم. امام فرمود؛ سوره‌ی قدر را بر او بخوان. شروع به خواندن سوره کردم. در آن حال شنیدم که آن طفل در شکم مادر در خواندن سوره با من همراهی می‌کرد. من از این واقعه ترسیدم امام فرمود؛ تعجب مکن. از قدرت خداست که طفلان ما را به حکمت گویا می‌کند. در این زمان پرده‌ای بین من و نرجس خاتون کشیده شد که دیگر نرجس را نمی‌دیدم. فریاد کنان نزد امام دویدم. امام فرمود؛ ای عمه برگرد که او را در جای خود خواهی دید. چون برگشتم، پرده برداشته شده

۱ - بقية الله را به سرمایه حلال - پیامبران - که از جبهه مراجعت می‌کنند و از همه مهم‌تر به حضرت مهدی (عج) تفسیر کرده‌اند.

بود و در نرجس نوری مشاهده کردم که دیده‌ام را خیره کرد و حضرت صاحب زمان را دیدم رو به قبله به سجده افتاده است. بعد انگشت سبابه (انگشت میان انگشت شصت و بلندترین انگشت وسط) را به آسمان بلند کرد و گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَإِنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَإِنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ بَعْدَ يَكَّ أَمَامَانَ رَا شَمْرَد تَا بَه خُودَش رَسِيد. همین که آن مولود شریف را نزد پدر بزرگوارش بردم، حضرت او را بر روی دست گرفت و شروع به خواندن قرآن و تورات و انجیل و زبور کرد و این آیه را تلاوت فرمود: (آیات پنجم و ششم سوره ی ققص) وَ نَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ... که ترجمه‌ی این دو آیه چنین است: «اراده‌ی ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم (۵) حکومتشان را پا برجا کنیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آن چه را بیم داشتند، از این گروه نشان دهیم (۶) و نیز فرمود؛ خداوندا، آن چه به من وعده داده‌ای مرحمت کن و سرنوشتم را به انجام رسان. قدم‌هایم را ثابت بدار و به وجود من زمین را پر از عدل و داد کن.

چقدر این دو آیه گویا و امیدبخش است! چرا به صورت یک قانون کلی و در شکل فعل مضارع و مستمر بیان شده است؟ برای این که تصوّر نشود تنها به مستضعفان بنی اسرائیل و حکومت فرعونیان اختصاص داشته است. می‌گوید ما می‌خواهیم چنین کنیم... یعنی فرعون می‌خواست بنی اسرائیل را تار و مار کند و قدرت و شوکتشان در هم بشکند، اما ما می‌خواستیم آنها قوی و پیروز شوند. این یک نمونه از مشیت الهی در حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود و نمونه‌ی کامل ترش حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یارانش بعد از ظهور اسلام بود. حکومت پابره‌نه‌ها و تهی‌دستان با ایمان و مظلومان پاکدل که پیوسته از سوی فرعونیان زمان خود تحقیر و تمسخر استهزاء می‌شدند و تحت فشار و ظلم و ستم قرار داشتند.

سرانجام خداوند به دست همین گروه دروازه‌ی قصرهای کسراها و قیصرها را گشود و آنها را از نعمت قدرت به زیر آورد و بینی مستکبران را به خاک مالید.

**و از همه مهم‌تر و نمونه گسترده‌تر آن ظهور حکومت حق و عدالت در تمام**

### کره‌ی زمین به ظهور مهدی (عج) ارواحنا له الفداء است.<sup>۱</sup>

حکیمه خاتون فرماید؛ روز هفتم خدمت امام رفتم. فرمود، عمّه فرزندانم را بیاور. فرزند را به نزد پدر بردم. امام حسن عسکری (ع) فرمود؛ ای فرزند، برایمان حرف بزن. مهدی شروع کرد، دوباره شهادتین را گفت و گواهی بر وصایت علی (ع) و یازده فرزندش داد تا به خودش رسید. سپس امام زبان در دهان فرزند گذاشتند که گویی شیر و عسل به او می‌خورانند و او هم آیه‌ی پنجم و ششم سوره‌ی قصص را دوباره تکرار فرمود.

روی بازوی دست راستش نوشته شده بود. جاء الحق و زهق الباطل إنَّ الباطل كان زهوقا (حق آمد و باطل از میان رفت. به راستی باطل رفتنی است).

حکیمه خاتون می‌فرماید؛ وقتی فرزند امام روی دست ایشان بود، مرغانی بر بالای سر او در حرکت بودند. امام حسن عسکری فرمود؛ آن‌ها فرشتگانی هستند که به هنگام ظهورش او را یاری می‌کنند. آن مرغان می‌آمدند و پره‌های خود را به بدن و صورت و اعضای امام مهدی (عج) می‌مالیدند و بدین وسیله تبرک می‌جستند.

امام حسن عسکری (ع) یکی از مرغان را صدا زدند و فرزند را به دست او سپردند و گفتند هر چهل روز یک مرتبه او را نزد ما بیاور.

در «کمال الدین» از ابوغانم خادم روایت شده که چون امام زمان متولد شد، پدر بزرگوارش نام او را محمد گذاشت و روز سوم او را به اصحاب خود نشان داد و فرمود این کودک بعد از من امام شما و جانشین من خواهد بود. این همان قائم است که مردم برای ظهورش انتظارها می‌کشند و در وقتی که دنیا پر از ظلم و بی‌عدالتی شود، ظهور می‌کند و دنیا را از عدل و داد می‌آکند.

حکیمه خاتون فرماید: بعد از چهل روز آوردند، دیدم کودک جلوی پدر راه می‌رود. من عرض کردم کودک دو ساله است؟ امام تبسمی کرد و فرمود: فرزندان انبیا و اولیا که دارای منصب امامت و خلافت‌اند، نشو و نمای آنان با دیگران فرق دارد. کودکان یک

ماهه‌ی ما همانند بچه‌های یک ساله‌ی دیگران‌اند، کودکان ما در شکم مادر حرف می‌زنند، قرآن می‌خوانند، خدا را پرستش می‌کنند و در ایام شیرخوارگی، فرشتگان به پرستاری آن‌ها مشغول‌اند و هر صبح و شام برای اطاعت فرمان آنان فرود می‌آیند.

من هر چهل روز یک بار او را می‌دیدم تا آن‌که چند روز پیش از وفات پدرش او را به صورت مردی دیدم و نشاختم. لذا از امام پرسیدم؛ این کیست که می‌فرماید پیش روی او بنشینم؟ فرمود: او پسر نرجس است که بعد از من جانشین من خواهد بود. من بیش از چند روز دیگر در بین شما نیستم، بعد از من از وی فرمانبرداری کنید.

امام چند روز بعد رحلت فرمود و چنان‌که می‌بینی، مردم درباره‌ی او چند دسته شده‌اند ولی به خدا قسم که من هر صبح و شام او را می‌بینم و آن چه شما از من می‌پرسید، قبلاً به من خبر می‌دهد. من هم به اطلاع شما رساندم، به خدا قسم هر وقت می‌خواهم از وی سؤال بکنم، در جواب دادن بر من پیشی می‌گیرد. حتی شب گذشته به من اطلاع داد تو نزد من می‌آیی و درباره‌ی او سؤال می‌کنی و اجازه داد که حقیقت مطلب را به تو بگویم.

راوی محمد بن عبدالله می‌گوید: به خدا سوگند حکیمه چیزهایی به من گفت که جز خداوند کسی نمی‌داند و دانستم که همه راست و درست و مطابق عدل الهی است و یقین دارم خداوند اخباری به امام عصر (عج) داده است که هیچ یک از بندگانش اطلاع ندارند.

### رحلت نرجس خاتون در حیات امام حسن عسکری (ع)

در کمال الدین از ابوعلی خیزرانی و او از خادمه‌ی خود که او را به امام حسن عسکری هدیه کرده بود، روایت شده که گفت: من موقع ولادت امام زمان (عج) حاضر بودم. امام حسن عسکری ماجرای آن بانوی معظمه را برایم نقل فرمود که از حضرت خواسته بود مرگ او پیش از وفات امام فرا رسد. همین‌گونه نیز شد و آن مکرمه در زمان حیات آن حضرت رحلت فرمود. بر مزار او لوحی است که روی آن نوشته شده است: آرامگاه مادر محمد.

## ماجرای تشریف فرمایی نرجس خاتون از روم به بغداد و سامراء

در «غیبت» شیخ طوسی از بشر بن سلیمان انصاری که یکی از شیعیان مخلص امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بود و در سامره در همسایگی امام هادی زندگی می‌کرد روایت کرده که گفت روزی امام هادی مرا احضار کرد و فرمود می‌خواهم تو را فضیلتی دهم. آنگاه نامه‌ی پاکیزه‌ای با خط رومی نوشت، کیسه‌ی زردی که دوپست و بیست اشرفی در آن بود، بیرون آورد و فرمود این را می‌گیری، به بغداد می‌روی و صبح فلان روز سر پل فرات می‌مانی.

چون کشتی حامل اسیران نزدیک شد و اسیران را دیدی، مواظب «عمر بن زید» برده فروش باش. کنیزی را می‌آورد که لباس حریر پوشیده و خود را از معرض فروش و دسترس مشتریان حفظ می‌کند.

در این وقت صدای ناله‌ی او را به زبان رومی از پس پرده‌ی رقیقی می‌شنوی که براسارت و هتک احترام خود می‌نالد. یکی از مشتریان می‌گوید عفت او مرا جلب کرد. او را به سیصد دینار به من بفروش.

کنیزک به زبان عربی می‌گوید: اگر تو حضرت سلیمان و دارای حشمت او باشی، با تو رغبت ندارم و مال خود را تلف نکن.

در این زمان جلو برو و این نامه را به دستش بده. من هم به بغداد رفتم و به توصیه‌های امام عمل کردم. چون نگاه کنیزک به نامه افتاد، سخت گریست! و سپس به عمر بن زید گفت مرا به صاحب این نامه بفروش. پس از گفت و گوی زیاد با برده فروش، او را به همان مقداری که امام فرموده بود خریدارم و با کنیزک که خندان و شادان بود، به خانه‌ای که در بغداد اجاره کرده بودم آمدم. با بی‌قراری زیاد نامه را می‌بوسید و روی چشم خود می‌گذاشت و به صورت و بدن خود می‌کشید.

من گفتم: عجبا! نامه‌ی کسی را که ندیده‌ای و نمی‌شناسی چنین می‌بوسی و احترام می‌کنی؟ گفت: ای درمانده‌ی کم معرفت، گوش کن. من ملیکه دختر یشوعا پسر قیصر روم هستم و مادرم از فرزندان حواریین است و نسبم به شمعون وصی حضرت عیسی (ع)



می‌رسد. داستانم چنین است:

جدم قیصر می‌خواست مرا که سیزده سال بیشتر نداشتم، به ازدواج پسر برادرش درآورد. مجلسی از رهبانان و قسّیسین (کشیش مرد - روحانی مسیحی) و امرا و تجار و... فراهم آورد. تختی آراست. ناگهان صلیب‌ها افتادند و تخت واژگون شد. پسر عمویم بیهوش افتاد و اسقف‌ها (روحانی عیسوی بالاتر از کشیش مسیحی) لرزیدند.

برای بار دوم خواستند مرا به ازدواج پسر برادر جدم در آورند، باز صحنه‌ی پیش تکرار شد. جدم به سرای خود رفت و من هم در اتاق خود خوابیدم. در خواب دیدم:

حضرت عیسی و شمعون و گروهی از حواریون به قصر آمدند و منبری که نور از آن می‌تابید، جای تخت را گرفت.

چیزی نگذشت که پیامبر (ص) و علی (ع) و جمعی از فرزندان وی وارد قصر شدند. عیسی (ع) شتابان به استقبال آنان رفت و با محمد (ص) معانقه (یکدیگر را در آغوش کشیدن) کرد پیامبر (ص) فرمود: یا روح الله، من برای فرزندم به خواستگاری دختر وصی شما شمعون، آمده‌ام، در این هنگام اشاره به امام حسن عسکری کرد. حضرت عیسی نگاهی به شمعون کرد و گفت: شرافت به تو روی آورده است. با این وصلت فرخنده موافقت کن. او هم گفت: موافقم.

پس محمد صلی الله علیه و آله بر منبر رفت و خطبه‌ای خواند و مرا برای فرزندش تزویج کرد و حضرت عیسی و فرزندان خود و حواریون را گواه گرفت. چون بیدار شدم خوابم را برای کسی نگفتم.

بعد از آن شب چنان قلبم از محبت امام حسن عسکری (ع) موج می‌زد که از خوردن و آشامیدن بازماندم و روز به روز لاغر و لاغرتر می‌شدم.

**چهارده** شب بعد از این ماجرا دوباره در خواب دیدم فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و مریم و حوریان بهشتی به عیادت من آمدند. حضرت مریم فرمود این بانوی بانوان جهان و مادر شوهر توست. من گریه کنان دامن او را گرفتم و از نیامدن امام حسن عسکری (ع) شکایت کردم. فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: به دیدنت نخواهد آمد زیرا تو مشرک به خدا و پیرو

مذهب نصاری هستی. این خواهر من مریم است که از دین تو به خداوند پناه می برد.

**اگر می خواهی** خدا و عیسی و مریم از تو راضی باشند و میل داری فرزندم به دیدنت بیاید، باید بگویی «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و خاتم النبیین» من هم این کلمات را گفتم و فاطمه ی زهرا مرا در آغوش گرفت و فرمود منتظر باش که امام حسن عسکری (ع) را نزد تو خواهم فرستاد.

از آن شب به بعد، هر شب امام حسن عسکری را در خواب می بینم.

بشر بن سلیمان پرسید؛ چگونه در میان اسرا افتادی؟ گفت: امام حسن عسکری (ع) فرمود: که فلان روز جدت قیصر لشکری به جنگ مسلمانان می فرستد تو هم به طور ناشناس در لباس خدمت کاران همراه عده ای از کنیزان از فلان راه با آنها همراه شو.

سپس پیش قراولان اسلام مطلع شدند و ما را اسیر گرفتند و کار من بدین جا رسید. بشر گفت تو که رومی هستی چگونه زبان عربی را به خوبی صحبت می کنی؟! گفت: جدم معلمی را که چند زبان می دانست برایم آورد او هر روز صبح و شب می آمد و زبان عربی را به من می آموخت.

بشر نرجس خاتون را خدمت امام علی النقی (ع) برد و آن امام همام پس از پرسش هایی مژده ی فرزندی به او دادند که پس از این که شرق و غرب پر از ظلم و ستم شده باشد، فرزندان خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

در این زمان امام دهم حکیمه خاتون خواهر خود را خواستند، نرجس را به او معرفی کردند و سپس فرمودند؛ خواهرم، او را به خانه ی خود ببر و فرایض دینی را به او بیاموز و مستحبات را نیز یاد بده، زیرا او همسر حسن و مادر قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است.

بعد از مدتی که حکیمه خاتون نرجس را تعلیم مذهب و دین آموخت، به امام حسن عسکری (ع) که به دیدار عمه آمده بود گفت: نرجس را خدمتتان بفرستم؟ امام فرمود: از پدر اجازه بگیر. عمه خدمت امام هادی (ع) آمد و پیش از آن که او سخن گوید امام فرمودند؛ او را نزد فرزندم حسن بفرست که ازدواج صورت گرفت و امام مهدی دو سال بعد

از وفات امام هادی (ع) متولد شد.

بارالها، پروردگارا، ما را موفق بدار که از شیعیان و منتظران واقعی آن امام همام باشیم و همواره اوامر ایشان را مد نظر قرار دهیم و عمل کنیم. ان شاء الله

### شناخت اجمالی از حضرت مهدی (عج)

شکل: همچون ستاره‌ی درخشان نورانی است و خالی سیاه بر گونه‌ی راست دارد.

غیبت صغری: از سن پنج سالگی به مدت ۶۹ سال از ۲۶۰ هـ ق تا ۳۲۹ هـ ق

نمایندگان: چهار نفر از شخصیت‌های مهم شیعه به نام‌های:

۱ - ابو عمرو عثمان بن سعید بن عمرو عمری اسدی وکیل و نماینده‌ی پیشین امام

هادی (ع) و امام عسکری (ع)

۲ - فرزند او، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید (متوفی ۳۵۴ هـ ق)

۳ - ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی (متوفی ۳۲۶ هـ ق)

۴ - ابوالحسن علی بن محمد سمري (متوفی ۳۲۹ هـ ق)

محل اقامت اینان در بغداد بوده و تمامی امور شیعیان، خواست‌ها و نامه‌های آنان از طریق این چهار نفر اجرا و رد و بدل می‌شده و آرامگاه آنان در بغداد مشهور است.

غیبت کبری: با درگذشت چهارمین نماینده و سفیر آن حضرت از سال ۳۲۹ آغاز شده است و تا به هنگام صدور فرمان الهی مبنی بر اجازه‌ی ظهور و قیام آن بزرگوار همچنان ادامه خواهد داشت.

شرایط نمایندگان و وظیفه‌ی مردم در دوران غیبت کبری چگونه است؟

کسی که از فقها باشد، خوددار (نفس خویش از انحراف و گناه) باشد، نگهبان و پاسدار دین باشد (نه تاجر دین)، مخالف هوی و هوس خویش عمل کند و تنها مطیع و فرمانبردار دستورات الهی باشد، او نماینده‌ی امام زمان است و بر دیگران لازم است که از او پیروی کنند. زیرا آنان از طرف امام بر مردم حجت‌اند و امام معصوم (مهدی عج) از طرف خدا بر آنان حجت است.

یادآوری: این موضوع در کتاب هدایت و تقلید در تشییع مشروحاً بحث شده است.  
 هنگام ظهور: آن گاه که منادی حق از جانب آسمان ندا دهد حق با آل محمد است، نام  
 مهدی بر سر زبان‌ها افتد، مردم دل باخته‌ی او شوند و از کسی جز وی سخن نگویند.  
 محل ظهور: مکه‌ی معظمه.

محل بیعت: (تعهد مردم در پیروی از امام) مسجدالحرام، میان رکن و مقام  
 نشانی: فرشته‌ای از بالای سر او صدا می‌زند، این مهدی است. او را پیروی کنید.  
 یادگار انبیا: انگشتر سلیمان در انگشت او، عصای موسی در دست اوست و آن چه  
 خوبان همه دارند، او تنها دارد.

یاران: افرادی که هسته مرکزی جمع او را تشکیل می‌دهند، سیصد و سیزده نفر به تعداد  
 اصحاب بدر خواهند بود و این گروه در حقیقت کارگردانان اصلی قیام مهدی (عج)،  
 کارگزاران درجه‌ی اول انقلاب اسلامی خواهند بود که از اطراف جهان دور حضرتش گرد  
 آیند.

روش حکومتی: بر اساس قرآن و سیره پیامبر (ص) و امیرمؤمنان علی (ع) عمل خواهد  
 کرد.

شعاع و دامنه‌ی حکومت: سراسر جهان را فراگیرد و جهان را پر از عدل و داد کند در  
 حالی که از ظلم و ستم پر شده باشد.

مرکز حکومت: مسجد کوفه (مرکز خلافت و حکومت علی (ع))

چگونگی پیروزی بر دشمنان: همانند پیروزی جد خود پیامبر اسلام بر کافران و  
 مشرکان است. خداوند او را با گروه‌های منظم هزار نفری از فرشتگان (انفال آیه‌ی ۹) یا سه  
 هزار نفری (آل عمران آیه‌ی ۱۲۴) که از آسمان فرود آیند یا پنج هزار نفری (آل عمران  
 آیه‌ی ۱۲۵) که دارای نشان مخصوص باشند، مدد خواهد داد و در جبهه‌های جنگ یاری  
 خواهد کرد آن چنان که مؤمنان را در جنگ بدر که در حال شکست بودند یاری داد. و در  
 بسیاری از جبهه‌های دیگر و نیز روز تاریخی حنین (توبه آیه‌ی ۲۵) یا در جنگ احزاب که  
 رعب و وحشت را در دل کفار و مشرکان ریخت (احزاب ۲۶)

مدت زمامداری اش: اکثر روایات که اهل تسنن گفته‌اند، به اختلاف سخن گفته‌اند ولی به عقیده‌ی شیعه خدا آگاه است.

وزیر و معاون: عیسی (ع) از آسمان فرود آید و به عنوان وزیر با حضرت همکاری کند. برکات حکومت و رهبری او: درهای خیر و برکت از آسمان به روی مردم گشوده شود، عمرها به درازا کشد، مردم همه در رفاه و بی‌نیازی به سر برند، شهرها همه بر اثر آبادی و سرسبزی به هم پیوسته شود آن چنان که مسافران نیازی به برداشتن توشه نخواهند داشت و اگر زن یا زنانی از مشرق به مغرب روند، کسی را با آنها کاری نباشد.

«مهدی منتظر در نهج البلاغه» ص ۱۸ تا ۲۲.

# فصل سوم

## مهدی صاحب الزمان (عج) در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام

از آن جا که سعی شده این کتاب خلاصه نویسی شود، این دو عنوان زیر یک عنوان جمع آوری می شود تا خواننده‌ی عزیز با دقت بیشتری بخواند. در استناد به روایات نیز از روایاتی استفاده شده که گویندگان و جمع آوری کنندگان آنان از علمای اهل سنت اند. هر آیه‌ای که مربوط به حجة بن الحسن العسکری (عج) است، روایت مربوط به آن آیه هم به دنبالش آورده می شود.

قرآن کتاب پر شکوه خداست.

کتابی است که نه کتاب‌های آسمانی پیشین آن را خدشه دار و باطل کرده و نه واقعیت‌های آینده<sup>۱</sup>

بیانگر هر چیزی است<sup>۲</sup> و هیچ تر و خشکی نیست مگر که در (این) کتاب روشن و

---

(۲) سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۸۲.

(۱) سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۴۲.

روشنگر آمده است.<sup>۱</sup>

در این کتاب از هیچ چیز فروگذار نشده<sup>۲</sup> آخرین پیام آسمان به زمین و زمان است همان گونه که اسلام آخرین دین آسمانی و آخرین برنامه‌ی زندگی است.

این قرآنی که از چیرگی روم بر ایران و از برپایی دولت غاصب و پریشانی یهود بر اثر سازش با قدرت‌های مسلط روزگار خبر می‌دهد.<sup>۳</sup>

قرآنی که از یاجوج و ماجوج سخن می‌گوید. قرآنی که از امکان گذشتن از جو و راه‌یابی به کرات آسمان گزارش می‌کند و می‌فرماید:

هان ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان و زمین بیرون روید، بیرون بروید. اما بیرون نخواهید رفت مگر با داشتن قدرت علمی و صنعتی...<sup>۴</sup>

با این وصف آیا به راستی می‌توان فکر کرد که قرآن در باره‌ی این رخداد بزرگ که عمیق‌ترین و وسیع‌ترین دگرگونی حیات و زندگی انسان شناخته می‌شود ساکت باشد؟!

آیا فکر می‌کنید چنین کتابی از ظهور اصلاح‌گر بزرگ تاریخ انسانیت و بنیاد حکومت جهان‌گستر و عادلانه‌ی او خبر نمی‌دهد و در باره‌ی آن ساکت است؟!

## نویدهای قرآن درباره‌ی مهدی (عج)

۱ - آیات پنجم و ششم سوره‌ی قصص که پیش از این مفصل بحث شده و امیرمؤمنان

علی (ع) در تاویل<sup>۵</sup> این آیه‌ی شریف می‌فرماید: «دنیا پس از چموشی و سرکشی مانند

اُشتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و آن را برای بچه‌اش نگه‌داری

می‌کند، به ما روی خواهد آورد.» و سپس آیه‌ی نرید آن نمُن را تلاوت فرمودند.<sup>۶</sup>

(۲) سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۳۸.

(۱) سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۵۹.

(۴) سوره‌ی الرحمن، آیه‌ی ۲۴.

(۳) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۲.

۵ - گردانیدن واژه و سخن از معنای ظاهری به معنای حقیقی و باطنی

(۶) نهج‌البلاغه، قصار ۲۰۹.



علی (ع) می فرمایند: «مستضعفان یاد شده در قرآن کریم، ما اهل بیت پیامبریم که خداوند سرانجام مهدی این خانواده را بر می انگیزد و به وجود او، آنان را به اوج شکوه، قدرت و اقتدار می رساند و دشمنان شان را به سختی به ذلت می کشاند.<sup>۱</sup>

۲ - آیه ی ۵۵ سوره ی نور می فرماید: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که آنان را در روی زمین جانشین دیگران قرار دهد. همان گونه که مردمی را که پیش از آنان بودند، جانشین دیگران کرد و دین شان را که خود برایشان پسندیده است - پابرجا و استوار کرد و ترس و بیم آنان را به امنیت تبدیل کرد تا تنها مرا پرستند و چیزی را با من شریک نگیرند و آنان که از آن پس راه کفر و ناسپاسی در پیش گیرند، نافرمانانند.»

امام سجاد (ع) می فرمایند: «به خدا سوگند که این مؤمنان شایسته کردار، شیعیان ما اهل بیت اند و خداوند این نوید و وعده ی شکوه مند را به دست بزرگ مردی از ما تحقق خواهد بخشید. او مهدی این امت است و کسی است که پیامبر (ص) درباره ی او فرمود؛ اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مردی از عترت من که نامش نام من است، بر جهان حکومت کند و زمین را همان گونه که به هنگام ظهور او لبریز از ظلم و ستم است، مالا مال از عدل و داد کند.<sup>۲</sup>

مرحوم طبرسی بعد از نقل این روایت گوید: «منظور از مؤمنان شایسته کردار، پیامبر (ص) و خاندان اویند و این آیه در بردارنده ی نوید حکومت عدل جهانی اهل بیت، استقرار اقتدار آنان در سراسر گیتی و بر چیده شدن وحشت و هراس آنان با ظهور حضرت مهدی (عج) است.» و می افزاید پیامبر (ص) فرمود: «من در حالی شما را ترک می گویم که قرآن و اهل بیت را در میان شما می گذارم و این دو از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر به من پیوندند.»

(۱) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۳.

(۲) مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۲ و تفسیر عیاشی ذیل آیه ی ۵۵ سوره ی نور.

و می‌افزاید نوید شکوه‌مند این آیه تمکن و اقتدار اهل بیت و استقرار دین خدا بر روی زمین است و وعده‌ای است که تاکنون جامه‌ی عمل نپوشانده است. از این رو حضرت مهدی در انتظار دریافت فرمان خداست، چرا که خداوند که در وعده‌اش خلاف نمی‌کند<sup>۱</sup>.

۳- در آیه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی انبیا می‌فرماید: «مادر زبور (و کتاب‌هایی آسمانی پیشین) پس از نوشتن در لوح محفوظ نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث می‌برند.»  
طبرسی و دیگران از قول امام باقر (ع) گویند در تفسیر آیه فرمود: «اینان یاران حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان هستند.»

در تأویل این آیه آمده است که بندگان شایسته‌ی خدا بر سراسر جهان حکومت عادلانه و انسانی خویش را برقرار خواهند کرد.

۴- در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی توبه آمده است: «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه‌ی ادیان غالب کند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.»  
این آیه در قرآن سه مرتبه آمده و دلالت بر حساسیت موضوع دارد و دارای تفسیر و ظاهری است و تاویل و نهانی.

تفسیر و ظاهر آیه این است که خداوند پیامبرش حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌را به توحید، توحید‌گرایی، بندگی خدا، پرستش او و دین اسلام فرستاد تا این دین آسمانی را با قدرت و قوت به همه‌ی ادیان پیروزی بخشد و سراسر گیتی در قلمرو توحید و عدالت و تقوای منظور نظر قرآن قرار گیرد.

در آیه‌ی شریفه و اژه‌ی «لیظهره» در خور تعمق است چرا که ظهور در این جا به معنای برتری کامل و روشن یا چیرگی و قدرت همه جانبه و کامل است. آن جا که در آیه‌ی هشتم سوره‌ی توبه می‌فرماید: «دین حق با اقتدار و شکوه پیش می‌رود و بر همه‌ی ادیان برتری کامل و پیروزی همه جانبه می‌یابد و جهان را در سایه‌ی هدایت خویش می‌گیرد.»

با این بیان، مشخص می‌شود که این وعده تحقق نیافته است. زیرا خداوند تمام ادیان و

آیین‌ها و کیش‌های منحرف و بی‌اساس را با قرآن و پیامبر (ص) باطل و با آمدن اسلام نفی کرده و هرگونه شرک و انحراف و زندقه (کفر باطنی یا تظاهر به ایمان) و پرستش باطل را مردود شمرده و از صحنه‌ی گیتی برانداخته و جهان جزیره‌ی توحیدگرایی و مهد عدالت و آزادی و تقوا پیشگی شده است.

اما اگر از تاویل و نهان راه جوئیم، باید گفت این وعده‌ی قطعی و تخلف‌ناپذیر هنوز تحقق نیافته است.

مسلمانان تعدادشان حدود  $\frac{1}{4}$  مردم جهان است و بر کشورهای اسلامی قوانین و مقررات غیراسلامی حکومت می‌کند و مرام‌ها و کیش‌های ساختگی و دروغین به حیات خود ادامه می‌دهند.

در برخی از کشورها، مسلمانان اقلیت پایمال شده‌ای هستند که فاقد قدرت و امکانات اند و بر سرنوشت خویش حاکم نیستند بنابراین پیروزی کامل حق بر باطل کجاست؟

پس ناگزیر سراغ روایات می‌رویم تا امامان نور و پیشوایان اهل بیت ما را رهنمود دهند. الف - امیر مؤمنان علی (ع) در تفسیر «لیظهره علی الدین کله» می‌فرمایند: «آیه گوید پیروزی تحقق یافته است؟» گفتند: «آری!» آن حضرت فرمود: «هرگز! به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، با تحقق این وعده هیچ شهر و دیاری نمی‌ماند که در آن ندای یکتایی و عظمت خدا بامدادان و شامگاهان طنین نیفکند.<sup>۱</sup>»

ب: در تفسیر برهان روایت کرده که فرمود: «به خدایی که جانم در کف قدرت اوست، هیچ شهر و دیاری نمی‌ماند جز این که در آن ندای یکتایی خدا و رسالت محمد (ص) بامدادان و شامگاهان در آن طنین می‌افکند.<sup>۲</sup>»

ج: ابن عباس درباره‌ی آیه‌ی «لیظهره علی الدین کله» گفت:

«به خدای سوگند چنین نخواهد شد تا مگر روزگاری که یهودیان و مسیحیان و پیروان

دیگر مرام‌ها و مسلک‌ها به اسلام ایمان آورند گرگ و گوسفند و شیر درنده و انسان و مار گزنده در کنار هم احساس امنیت کنند. نه گرگ گوسفند را بدرد و نه گوسفند از گرگ بهراسد. روزگاری که موشی کیسه‌ای را پاره نکند و فساد و تباهی روی ندهد. زمانی که جزیه‌ها (مالیاتی که در قدیم مسلمین از کفار می‌گرفتند) و صلیب‌ها شکسته شود.»

آن‌گاه تأکید کرد که این وعده‌ی الهی تنها با قیام حضرت مهدی (عج) و استقرار دولت مهر و عدل او در جهان تحقق خواهد یافت.

۴ - خداوند در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی حج می‌فرماید: «یاران خدا کسانی هستند که هر گاه در زمین به آنان قدرت بخشیدیم، نماز را بر پای می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه‌ی کارها از آن خداست.»

در بعضی از روایات اسلامی آیه‌ی فوق به حضرت مهدی عج و یارانش، یا آل محمد (ص) به طور عموم تعبیر شده است. چنان که در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است: «خداوند شرق و غرب زمین را در سیطره‌ی حکومت آن‌ها قرار می‌دهد، آیینش را آشکار و به دست مهدی و یارانش بدعت و باطل را نابود می‌کند آن چنان که تبهکاران حق را نابود کرده بودند و آن چنان می‌شود که بر صفحه‌ی زمین، اثری از ظلم دیده نمی‌شود (چرا که) آن‌ها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.»<sup>۱</sup>

۵ - خداوند در آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی نمل می‌فرماید: «آیا کسی که دعای مضطر را اجابت و گرفتاری را برطرف می‌کند و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد آیا معبودی جز خداست؟ کمتر متذکر می‌شوید.» امام صادق فرمود:

«این آیه در باره‌ی مهدی (عج) از آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است. به خدا سوگند مضطر اوست. هنگامی که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز به جا می‌آورد و دست به درگاه خداوند متعال بر می‌دارد، دعای او را اجابت و ناراحتی‌ها را برطرف می‌کند و او را خلیفه‌ی روی زمین قرار می‌دهد.»

(۱) تفسیر علی ابن ابراهیم، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶.

یکی از مصداق‌های روشن آیه مهدی (عج) است. زیرا در آن زمان که همه جا را فساد گرفته و کارد به استخوان رسیده باشد، بشریت در بن بست سختی قرار گرفته و اضطرار در کل عالم نمایان است. در آن هنگام مهدی (عج) در مقدس‌ترین نقطه‌ی زمین دست به دعا برمی‌دارد و تقاضای کشف سوء می‌کند و خداوند این دعا را سرآغاز انقلاب مقدس جهانی او قرار می‌دهد و به مصداق «و یجعلکم خلفاء الارض» او و یارانش را خلفای روی زمین می‌کند.<sup>۱</sup>

۶ - خداوند در آیه‌ی ۸۲ سوره‌ی نمل می‌فرماید: «هنگامی که فرمان عذاب آن‌ها رسد (و در آستانه‌ی رستاخیز قرار گیرند) جنبنده‌ای را از زمین (دابه من الارض) برای آن‌ها خارج می‌کنیم که با آن‌ها صحبت می‌کند و می‌گوید مردم به آیات ما ایمان نمی‌آورند.» علامه مجلسی در بحارالانوار با سند معتبری از امام صادق (ع) چنین بیان می‌کند که علی (ع) در مسجد خوابیده بود. پیامبر (ص) آن جا آمد، علی را بیدار کرد و فرمود «قم یا دابة الله!» «برخیز ای جنبنده الهی» کسی از یاران آن جا بود گفت: ای پیامبر ما حق داریم چنین یکدیگر را بنامیم؟ پیامبر «ص» فرمود: خیر این نام مخصوص اوست. سپس فرمود ای علی در آخرالزمان خداوند تو را به بهترین صورت زنده می‌کند و وسیله‌ای در دست توست که دشمنان را با آن علامت می‌نهی.<sup>۲</sup>

۷ - ابوالفتح رازی گوید: «طبق روایاتی که از طریق اصحاب ما نقل شده، دابة الارض کنایه از حضرت مهدی (عج) است و این که عصای موسی و انگشتر سلیمان با اوست تفسیر دابه الارض به حضرت حجت بیشتر قابل تطبیق است.<sup>۳</sup>

۸ - کلمه‌ی «طه» مانند «یس» بر اثر گذشت زمان تدریجاً به صورت اسم خاص برای پیامبر بزرگوار اسلام در آمده است تا آن جا که آل پیامبر صلی الله علیه و آله را «آل طه»

(۱) تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۱۹ تا ۵۲۲. (۲) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۲.

(۳) تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۴.

می‌گویند و در دعای ندبه حضرت مهدی (عج) «یا بن طه» معرفی شده است.<sup>۱</sup>

۹ - خداوند در آیه‌ی ۸۶ سوره‌ی هود می‌فرماید: «بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»  
«سرمایه‌ی حلالی را که خداوند برای شما باقی گذاشته برایتان بهتر است.»

اگر در معنی سرمایه‌ی حلال آمده و قوم شعیب را خطاب قرار داده است، هیچ منافاتی ندارد که به وجود مقدس مهدی (عج) تأویل شده باشد. زیرا در کتاب اکمال‌الدین از امام باقر (ع) روایت شده که می‌فرمایند: «نخستین سخنی که مهدی (عج) پس از قیام خود می‌گوید، همین آیه بقیه‌الله.. است. سپس می‌گوید منم بقیة الله و حجت و خلیفه‌ی او در میان شما. سپس هیچ کس بر او سلام نمی‌کند، مگر این که می‌گوید، السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه.»<sup>۲</sup>

تمام پیامبران و پیشوایان بزرگ، رهبران راستین و سربازان هنگامی که با پیروزی از میدان جنگ مراجعت می‌کنند، همه و همه بقیة الله‌اند.

و از آن جا که مهدی موعود (عج) آخرین پیشوا و بزرگ‌ترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر (ص) است، یکی از روشن‌ترین مصادیق «بقیة الله» و از همه به این لقب شایسته‌تر است. مخصوصاً که وی تنها باقی‌مانده پس از پیامبران و امامان است.<sup>۳</sup>

۱۰ - خداوند در آیه‌ی ۳۹ سوره‌ی انفال می‌فرماید: «و با آن‌ها پیکار کنید تا فتنه (شُرک و سلب آزادی) بر چیده شود و دین (پرستش) همه مخصوص خداست.»

در تفسیرهای اهل سنت مخصوصاً تفسیر آلوسی (تفسیر روح البیان) و تفاسیر مختلف شیعه از امام صادق (ع) بیان شده است که می‌فرمایند: «تأویل و تفسیر نهایی این آیه هنوز فرانسیده است. به خدا سوگند که در آن موقع دین محمد (ص) به تمام نقاطی که شب پوشش آرامش بخش خود را بر آن می‌افکند خواهد رسید تا در سراسر روی زمین مشرک و

(۱) تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۵۸. (۲) نقل از تفسیر صافی، ذیل آیه‌ی فوق.

(۳) تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۰۳ تا ۲۰۵.

بت پرستی باقی نماند<sup>۱</sup>.

از آن جا که بنا بر اختصار نویسی است، تعدادی آیات دیگر هست که فهرست وار یاد آور می شویم و جویندگان می توانند به کتاب های تفسیر مراجعه فرمایند و آن آیات عبارتند از:

۱ - آیات ۴۱ تا ۴۳ سوره ی شورای از لمن انتصر تا عزم الامور.

۲ - آیات ۷ تا ۹ سوره ی صف از وَ مِنْ أَظْلَمُ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

۳ - آیه ی ۳۰ سوره ی ملک از قُلْ أَرَأَيْتُمْ.

۴ - آیه ی ۲۴ سوره ی جن مَا يُوعَدُونَ.

۵ - امام صادق می فرماید: «یکی از مصادیق فجر، درخشیدن سپیده ی صبح قیام مهدی (عج) به هنگام فرو رفتن جهان در تاریکی و ظلمت ظلم و ستم است<sup>۲</sup>.

۶ - در سوره ی والعصر، «عصر» اشاره به قیام مهدی (عج) است.

مختصر این که درباره ی قیام مهدی (عج) مطالب در آیات و روایات بسیار زیاد است. لذا به همین اندازه بسنده می کنیم تا از حوصله ی کتاب و خواننده ی عزیز خارج نشود. ولی به این موضوع باید توجه داشت که بیشتر اخبار و روایات از کتاب های درجه ی اول اهل سنت جمع آوری شده است.

پروردگارا! ظهور حضرت مهدی (عج) آن چشمه ی آب حیات را تسریع کن و تشنگان جمالش را با ظهورش سیراب گردان و رجعت را نصیب و روزی عاشقان و پویندگان راهش بفرما.

(۱) تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه ی فوق و تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۶۶.

(۲) تفسیر برهان ج ۴، ص ۴۵۷، حدیث ۱.



## قرآن و قیام مهدی (عج)

کیف و ان یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم الا ولاذمة

آیه فوق که عیناً و با همین الفاظ در سوره‌ی «صف» نیز آمده است و با تفاوت مختصری در سوره «فتح» تکرار شده، از واقعه‌ی مهمی خبر می‌دهد که اهمیتش موجب این تکرار شده است؛ خبر از جهانی شدن اسلام و عالم‌گیر شدن این آیین الهی.

گرچه بعضی از مفسران پیروزی مطرح شده در این آیه را به معنی پیروزی منطقه‌ای و محدود گرفته‌اند که در عصر پیامبر (ص) یا زمان‌های بعد از آن برای اسلام و مسلمین صورت پذیرفت، ولی با توجه به این که در آیه هیچ‌گونه قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است، دلیلی ندارد که معنی آن را محدود کنیم.

مفهوم آیه پیروزی همه جانبه‌ی اسلام بر همه‌ی ادیان جهان است و معنی این سخن آن است که سرانجام، اسلام همه‌ی کره‌ی زمین را فرا خواهد گرفت و بر همه‌ی جهان پیروز خواهد شد.

شک نیست که در حال حاضر این موضوع تحقق نیافته ولی می‌دانیم که این وعده‌ی حتمی خدا تدریجاً در حال تحقق است. سرعت پیشرفت اسلام در جهان، به رسمیت شناخته شدن این آیین در کشورهای مختلف اروپایی و نفوذ سریع آن در آمریکا و آفریقا، اسلام آوردن بسیاری از دانشمندان و مانند این‌ها همگی نشان می‌دهد که اسلام رو به سوی عالم‌گیر شدن پیش می‌رود.

ولی طبق روایات مختلفی که در منابع اسلامی وارد شده، تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که «مهدی (عج)» ظهور کند و برنامه‌ی جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد.

«مرحوم طبرسی» «در مجمع البیان» از امام باقر (ع) در تفسیر این آیه چنین نقل می‌کند: «ان ذلک یكون عند خروج المهدی فلا یبقی احدا الا اقر بمحمد (ص)» «وعده‌ای که در این آیه هست، به هنگام ظهور مهدی از آل «محمد» صورت می‌پذیرد، در آن روز هیچ کس در روی زمین نخواهد بود مگر این که به حقانیت محمد (ص) اقرار می‌کند.»

و نیز در همان تفسیر از پیامبر اسلام (ص) چنین نقل شده که فرمود: «لایبقی علی ظہر

الارض بیت مدر و لا وبر الا ادخله الله کلمة الاسلام» «بر صفحه‌ی روی زمین هیچ خانه‌ای باقی نمی‌ماند نه خانه‌هایی که از سنگ و گل ساخته شده و نه خیمه‌هایی که از کرک و مو بافته‌اند مگر این که خداوند نام اسلام را در آن وارد می‌کند»!

و نیز در کتاب «اکمال الدین» «صدوق» از امام صادق (ع) در تفسیر این آیه چنین نقل شده: «والله ما نزل تأویلها بعد و لا ینزل تأویلها حتی یخرج القائم فاذا خرج القائم لم یبق کافر بالله العظیم» «به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که «قائم» خروج کند و به هنگامی که او قیام کند، کسی که منکر خدا باشد در تمام جهان باقی نخواهد ماند»<sup>۱</sup>

احادیث دیگری نیز به همین مضمون از پیشوایان اسلام نقل شده است.

گروهی از مفسران نیز این تفسیر را ذیل آیه ذکر کرده‌اند.

ولی تعجب آور این است که نویسنده «المنار» نه تنها در اینجا تفسیر فوق را نپذیرفته بلکه به تناسب وارد بحث پیرامون احادیث مهدی (عج) شده و با تعصب خاصی که در برابر شیعه دارد و به هر بهانه‌ای از حملات ناجوانمردانه فروگذار نمی‌کند، به کلی احادیث مربوط به «مهدی» را انکار کرده و آن‌ها را متضاد! و غیرقابل قبول شمرده است! به گمان این که عقیده‌ی به وجود مهدی تنها مربوط به شیعه است یا آن‌ها که به تشیع تمایل دارند!

و از این گذشته اعتقاد به وجود مهدی را عاملی برای رکود و عقب‌ماندگی شمرده است. به همین دلیل ناگزیریم - به طور کاملاً فشرده به بحثی در زمینه‌ی روایات مربوط به ظهور مهدی (عج) و نیز به بحثی در زمینه‌ی آثار این عقیده در پیشرفت جامعه‌ی اسلامی و مبارزه با ظلم و فساد پردازیم تا روشن شود که هرگاه پای تعصب به میان آید علم و دانش از در دیگر فرار خواهد کرد و مفسر نامبرده با این که اطلاعات قابل ملاحظه‌ای در مسایل اسلامی دارد اما به خاطر این نقطه ضعف (تعصب شدید) چگونه بعضی از حقایق روشن را وارونه دیده است!

## روایات اسلامی درباره‌ی ظهور مهدی (عج)

گرچه کتاب‌های فراوانی به قلم دانشمندان اهل سنت و علمای شیعه در زمینه‌ی احادیث مربوط به قیام مهدی نوشته شده است، ولی به عقیده‌ی ما چیزی گویاتر و در عین حال فشرده‌تر از نامه‌ای که گروهی از دانشمندان «حجاز» در پاسخ یکی از سؤال‌کنندگان فرستاده‌اند نیست، لذا عین ترجمه‌ی آن را ذیلاً از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانیم. اما قبلاً یادآور می‌شویم که:

روایات مربوط به قیام مهدی (عج) چنان است که هیچ محقق اسلامی که پیرو هر یک از گروه‌ها و مذاهب باشد، نمی‌تواند «تواتر» آن را انکار کند. تاکنون کتاب‌های زیادی در این زمینه نوشته شده و نویسندگان آن‌ها متفقاً صحت احادیث مربوط به مصلح جهانی یعنی «مهدی (عج)» را پذیرفته‌اند تنها افراد بسیار معدودی مانند «ابن خلدون» و «احمد امین مصری» در صدور این اخبار از پیامبر (ص) تردید کرده‌اند و قرائنی در دست داریم که انگیزه‌ی آن‌ها در این کار ضعف اخبار نبوده بلکه فکر می‌کردند روایات مربوط به «مهدی» (عج) مشتمل بر مسایلی است که به سادگی نمی‌توان آن‌ها را باور کرد، یا به خاطر این که احادیث درست از نادرست را نتوانسته‌اند جدا کنند یا تفسیر آن را در نیافته‌اند.

در هر صورت لازم است قبل از هر چیز سؤال و جوابی را که اخیراً از طرف «رابطة العالم الاسلامی» زیر نفوذ افراطی‌ترین جناح‌های اسلامی «یعنی وهابیان» نشر یافته، از نظر خوانندگان عزیز بگذرانیم، تا روشن شود ظهور مهدی (عج) در میان مسلمانان قولی است که هیچ‌کسی را یارای انکار آن نیست و اگر وهابیان سخت‌گیر نیز در برابر آن تسلیم شده‌اند به همین دلیل است.

در حدود یک سال قبل شخصی به نام «ابو محمد» از «کنیا» درباره‌ی ظهور «مهدی منتظر (عج)» از «رابطة العالم الاسلامی» سؤال پرسید. دبیر کل «رابطة» یعنی «محمد صالح القزازی» در پاسخی که برای او فرستاده است ضمن تصریح به این که «ابن تیمیة» مؤسس

مذهب و هابیان نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی (عج) را پذیرفته، متن رساله‌ای را که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز در این زمینه تهیه کرده‌اند، برای او ارسال داشته است. در این رساله پس از ذکر نام حضرت «مهدی» (عج) و «محل ظهور او» یعنی مکه چنین می‌خوانیم:

«... به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وجود او (مهدی علیه السلام) جهان را پر از عدل و داد می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است...»

او آخرین «خلفای راشدین دوازده گانه» است که پیامبر (ص) از آن‌ها در کتب «صحاح» خبر داده است.

احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه‌ی پیغمبر (ص) نقل کرده‌اند. از جمله: عثمان ابن عفان، علی ابن ابی طالب، طلحة ابن عبیدالله، عبدالرحمن ابن عوف، قره ابن اساس مزنی، عبدالله ابن حارث، ابوهریره، حذیفه ابن یمان، جابر ابن عبدالله، ابوامامه، جابر ابن ماجد، عبدالله ابن عمر، انس ابن مالک، عمران ابن حصین، و ام سلمه. این‌ها کسانی هستند که روایات مهدی را نقل کرده‌اند و غیر از آن‌ها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند.

سخنان فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده که در آن بحث از ظهور مهدی (عج) به میان آمده که آن‌ها را نیز می‌توان در ردیف روایات پیامبر (ص) قرار داد. زیرا این مسأله از مسایلی نیست که با اجتهاد بتوان چیزی در باره‌ی آن گفت (بنابراین آن‌ها نیز طبعاً این مطلب را از پیامبر (ص) شنیده‌اند).

سپس اضافه می‌کند:

هم احادیث بالا که از پیامبر (ص) نقل شده و هم شهادت و گواهی صحابه که در این جا در حکم حدیث است، در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث اعم از «سنن» و «معجم» و «مسانید» آمده است. از جمله:

سنن ابو داود، سنن ترمذی، ابن ماجه، ابن عمر و الدانی، مسند احمد و ابن یعلی و بزاز، صحیح حاکم و معاجم طبرانی (کبیر و متوسط) و رویانی، دارقطنی، ابونعیم در «اخبار المهدي» و خطیب در تاریخ بغداد و ابن عساکر در تاریخ دمشق و غیر این‌ها.  
بعد اضافه می‌کند:

بعضی از دانشمندان اسلامی در این زمینه کتاب‌های مخصوصی تألیف کرده‌اند از جمله: «ابونعیم» در «اخبار المهدي»، «ابن حجر هیثمی» در «القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر»، «شوکانی» در «التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و الدجال و المسیح»، «ادریس عراقی مغربی» در کتاب «المهدي»، «ابوالعباس ابن عبدالؤمن المغربی» در کتاب «الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون».

و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره در مجله‌ی دانشگاه مزبور بحث کرده است.  
باز اضافه می‌کند:

عده‌ای از بزرگان و دانشمندان اسلام از قدیم و جدید نیز در نوشته‌های خود تصریح کرده‌اند که احادیث در زمینه‌ی مهدی در حد تواتر است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست) از جمله:

«السخاوی» در کتاب «فتح المغیث»، «محمد ابن احمد سفاوینی» در «شرح العقیده»، «ابوالحسن الابری» در «مناقب الشافعی»، «ابن تیمیه» در کتاب فتاوایش، «سیوطی» در «الحاوی»، «ادریس عراقی» در تألیفی که در زمینه‌ی مهدی دارد، «شوکانی» در کتاب «التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر»... «محمد جعفر کنانی» در «نظم التناثر»، «ابوالعباس ابن عبدالؤمن» در «الوهم المکنون»...

در پایان بحث می‌گوید: (تنها) ابن خلدون است که خواسته در احادیث مربوط به مهدی با حدیث بی‌اساس و مجعولی که می‌گوید: «لامهدی الاعیسی» «مهدی جز عیسی نیست»، تردید ایجاد کند، ولی بزرگان پیشوایان و دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده‌اند، به ویژه

«ابن عبدالمومن» که در رد گفتار او کتاب ویژه‌ای نوشته است. کتابی که چهل و چهار سال قبل در شرق و غرب انتشار یافته است.

حفاظ احادیث و بزرگان دانشمندان حدیث نیز تصریح کرده‌اند که احادیث مهدی (عج) مشتمل بر احادیث «صحیح» و «حسن» است و مجموع آن متواتر است.

بنابراین اعتقاد به ظهور مهدی (بر هر مسلمانی) واجب است و این جزء عقاید اهل سنت و جماعت محسوب می‌شود و جز افراد نادان و بی‌خبر یا بدعت‌گذار آن را انکار نمی‌کنند!<sup>۱</sup>

مدیر اداره مجمع فقهی اسلامی

محمد منتصر کنانی

## علوم امامان

ما در این جا از علم و آگاهی امام علیه‌السلام و چگونگی اخبار او از آینده‌ی دور و نزدیک، سخن نداریم و تنها با طرح یک نکته‌ی ظریف و دقیق به مطالعه‌ی روایات می‌پردازیم.

نکته این است که روایات رسیده از پیامبر گرامی (ص) در باره‌ی آینده به سه دسته قابل تقسیم است:

۱ - دسته‌ی نخست روایات مربوط به وجود گران مایه‌ی حضرت مهدی (ع) و مسایل مربوط به اوست که شمار این‌ها از صدها فراتر است و در کتاب‌های شیعه و اهل سنت موجود است.

۲ - دسته‌ی دوم روایاتی است که از آینده‌ی نزدیک و دور پس از رحلت پیامبر و نیز از تسلط تبهکارانه‌ی رژیم سياهکار اموی و عباسی خبر می‌دهد.

۳ - دسته‌ی سوم روایاتی است که از آینده‌ی جهان و انسان و واپسین حرکت تاریخی و دگرگونی اوضاع و احوال در آخرالزمان سخن می‌گوید.

اصل و ریشه و سرچشمه‌ی این سه دسته از روایات رسیده از پیامبر (ص) کجاست؟ و آن حضرت این رخداد‌های دور و نزدیک و وقوع آن‌ها را از چه منشأ و منبعی گرفته و خبر می‌دهد؟ هر پاسخی که برای این سؤال داده شود، درست همان پاسخ ما به ریشه و سرچشمه‌ی روایات رسیده از امامان معصوم - درباره‌ی آینده‌ی جهان و انسان به طور عام و در باره‌ی نویدهای آنان از وجود گرانمایه‌ی حضرت مهدی علیه‌السلام به طور خاص - است و هیچ بحثی هم در این جا از علم امام معصوم علیه‌السلام نداریم.

اگر به راستی علم پیامبر برخاسته از وحی الهی است، که بی‌تردید از دیدگاه ما (آیت الله سید محمد کاظم قزوینی مؤلف کتاب امام مهدی (عج)) چنین است، سرچشمه‌ی دانش‌ها و علوم امامان علیهم‌السلام نیز، نیای گران قدرشان پیامبر و فرشته‌ی امین وحی و ذات اقدس الهی است و این علم غیب هم نیست چرا که علم غیب در درجه‌ی نخست و بزرگی خداست و بس.<sup>۱</sup>

۱ - در باره‌ی علم غیب دانشمندان گذشته و معاصر کتاب‌های بسیاری نوشته‌اند و ما (آیت الله سید محمد کاظم قزوینی مؤلف کتاب امام مهدی (عج)) نیز در جلد اول «شرح نهج البلاغه» و نیز کتاب «فاطمه من المهدی الی اللحد» برخی از روایات رسیده در این باره را آورده‌ایم و عصاره‌ی بحث این است که: سرچشمه‌ی دانش‌های متنوع و گسترده‌ی امامان معصوم علیه‌السلام گوناگون است از آن جمله:

- (۱) برخی از این علوم و دانش‌ها را از پیامبر گرامی شنیده و آموخته و روایت کرده‌اند.
- (۲) برخی دیگر در کتاب ویژه‌ی علی علیه‌السلام و مصحف فاطمه علیها‌السلام آمده است.
- (۳) برخی در کتاب خاصی به نام «جفر احمر» آمده است.
- (۴) و برخی دیگر از آگاهی‌های شگفت امامان نور، از ویژگی‌های امام معصوم و راستین که بحث در این مورد نیاز به فرصت و مجال دیگری دارد.

امیدوارم خداوند ما را در نگارش کتابی در این مورد، توفیق ارزانی دارد.

# فصل چهارم

## طول عمر حضرت مهدی صاحب الزمان (عج)

درباره‌ی طول عمر امام زمان کوتاه‌فکران و بدانندیشان سنت و مقدرات الهی را با قدرت‌های پوچ و توخالی خود مقایسه می‌کنند و به یاوه‌گویی‌ها می‌پردازند. برای روشن شدن موضوع ابتدا به سراغ قرآن می‌رویم و از رهنمودش آگاه می‌شویم. خداوند سبحان در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی فاطر فرماید: «و هیچ انسانی عمر طولانی نمی‌کند و هیچ کس از عمرش کاسته نمی‌شود مگر این که در کتاب (علم خداوند) ثبت است. این‌ها همه برای خداوند آسان است.»

چه عواملی در ادامه‌ی حیات و زندگی انسان مؤثر است و چه عواملی با ادامه‌ی حیات او می‌جنگد و خلاصه‌ی چه عواملی باید دست به دست هم بدهند تا انسان بتواند صد سال یا کمتر و بیشتر به زندگی خود ادامه دهد و سرانجام چه عواملی موجب تفاوت عمر انسان‌ها می‌شود؟

همه‌ی این‌ها نیز محاسبات دقیق و پیچیده‌ای دارد که جز خداوند از آن آگاه نیست و آن چه ما امروز در این زمینه‌ها می‌دانیم، در برابر آن چه نمی‌دانیم، بسیار کم و بی‌ارزش است. خلاصه آن عوامل عبارتند از: ۱- مادی ۲- معنوی ۳- عوامل متفرقه



## ۱- عوامل مادی

پیامبر بزرگوار (ص) در حدیثی می‌فرمایند: «ای ابوذر، پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت شمار؛ جوانی‌ات را قبل از پیری، سلامت را قبل از بیماری، بی‌نیازی‌ات را قبل از فقر، زندگی‌ات را قبل از مرگ و فراغت (آسودگی) خاطر را قبل از گرفتاری.»

در این سخن پیامبر بزرگوار از سلامت سخن رفته است. سلامت هر انسانی تا حدود زیادی به دست خودش اوست، زیرا خوراکی که به مصرف می‌رساند، باید از همه نظر بررسی شود. چرا که غذای سالم سلامت را به دنبال دارد. اگر در غذایی که تهیه می‌شود بی‌توجهی شود، مثلاً مواد غذایی فاسد یا آلوده مصرف شود، سلامت انسان به خطر می‌افتد و در کوتاهی عمر مؤثر است.

اگر چیزهایی که اسلام حرام کرده مثلاً مشروبات الکلی یا مواد مخدر مصرف شود، خود مصرف‌کننده به بدن خود و نسل خود ضرر می‌زند و عمر خود را کوتاه می‌کند. اگر غذایی که برای تغذیه‌ی روزانه آماده می‌شود از اموال حرام و شبه‌ناک تأمین شود، باز روی کوتاهی عمر اثر خواهد داشت.

اگر فواصل زمانی بین وعده‌های غذا کم باشد یا در ماه رمضان با نادیده گرفتن دستورات اسلامی مطیع نباشیم، بر کوتاهی می‌افزاید زیرا پیامبر (ص) می‌فرمایند: «صوموا تصحوا» روزه بگیرید تا سالم بمانید که این نظریه را طب قدیم و امروز تایید کرده است و بسیاری از پزشکان، بیماران خود را با توصیه به امساک و روزه‌داری معالجه می‌کنند.

در این جا مثالی می‌آوریم تا ذهن خواننده‌ی گرامی روشن شود. شما ماشینی دست اول را از سازنده‌ی آن تحویل می‌گیرید. یک رشته دستورات عملی مبنی بر رسیدگی به ماشین در مواقع مختلف می‌دهد تا نیازهای ماشین برطرف شود. اگر مطابق دستورات عمل شد، مثلاً ماشین روزی ۵ تا ۸ ساعت کار کرد، ۲۰ سال عمر می‌کند. حال اگر به جای ۸ ساعت ۱۶ ساعت با آن کار کنید، عمرش به ۱۰ سال تقلیل می‌یابد و اگر به ماشین آن چنان که باید رسیدگی نشود، عمر آن از ۱۰ سال به پنج سال هم خواهد رسید.

بنابراین بلندی عمر یا کوتاهی آن در خیلی از موارد به عهده‌ی خود انسان است و علاوه بر آن عوامل طبیعی نیز در تعیین مدت عمر دخالت دارند که بسیاری از آن‌ها برای بشر ناشناخته مانده است. تغذیه‌ی صحیح دور از افراط (زیاده‌روی کردن) و تفریط (کوتاهی کردن در کاری)، کار و حرکت مداوم، پرهیز از هرگونه مواد مخدر و اعتیادهای خطرناک و مشروبات الکلی، دوری از هیجان‌ات مداوم، و داشتن ایمان قوی که بتواند انسان را در ناملایمات زندگی آرامش و قدرت بخشد، در طولانی شدن عمر مؤثرند.

## ۲- عوامل معنوی

علاوه بر نکات فوق، عواملی وجود دارد که ارتباط ظاهری آن با مسأله‌ی طول عمر بر ما چندان روشن نیست، اما در روایات معصومین علیهم السلام دقیقاً بر آن تأکید شده است. به عنوان نمونه به چند روایت زیر توجه فرمایید.

- ۱- پیامبر گرامی (ص) می‌فرمایند: «انفاق در راه خدا (کمک به فقرا) و صله‌ی رحم (نیکی و احسان به خویشاوند) خانه‌ها را آباد و عمر را طولانی می‌کند.»<sup>۱</sup>
- ۲- پیامبر (ص) می‌فرمایند: «کسی که دوست دارد رزقش افزون و اجلش به تأخیر افتد، صله رحم به جا آورد.»<sup>۲</sup>
- ۳- در باره‌ی بعضی از گناهان مانند زنا مخصوصاً تأکید شده است که از عمر انسان می‌کاهد. پیامبر (ص) در این باره می‌فرمایند: «ای مسلمانان، از زنا پرهیزید که شش پیامد بد دارد. سه چیز در دنیا و سه چیز در آخرت. سه پیامد دنیایی عبارتند از: ۱- نورانیت را از انسان می‌برد. ۲- فقر و تنگ‌دستی به بار می‌آورد ۳- از عمر انسان می‌کاهد.»<sup>۳</sup>
- ۴- امام باقر (ع) می‌فرمایند: «نیکوکاری و انفاق پنهانی فقر را بر طرف، عمر را افزون و از هفتاد گونه مرگ و میر بد جلوگیری می‌کند.»<sup>۴</sup>

(۱) تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۵۴ و ۳۵۵. (۲) همان مدرک.

(۳) همان مدرک. (۴) سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۳ ماده‌ی صدقه.

## «اجل مسمی» مرگ طبیعی و «اجل» مرگ زودرس کدام‌اند؟

خداوند در آیه‌ی دوم سوره‌ی انعام می‌فرماید:... و اجل حتمی (اجل مسمی) نزد اوست (و او از آن آگاه است).

بسیاری از موجودات از نظر ساختمان طبیعی و ذاتی استعداد و قابلیت بقا برای مدت طولانی دارند ولی در میانه‌های این مدت ممکن است موانعی ایجاد شود که آن‌ها را از رسیدن به حداکثر عمر طبیعی باز دارد. وزش یک باد شدید، ریزش باران یا مراقبت نکردن از آن سبب می‌شود که عمر آن کوتاه شود.

برای مثال اگر چراغی با هیچ مانعی برخورد نکند و تا آخرین قطره‌ی نفت آن بسوزد سپس خاموش شود، به اجل حتمی خود رسیده است و اگر موانعی قبل از آن باعث خاموشی چراغ شود، مدت عمر آن را اجل غیر حتمی می‌گوییم.

در باره‌ی انسان نیز چنین است. اگر تمام شرایط برای بقای او جمع و موانع برطرف شود، ساختمان و استعداد او ایجاب می‌کند که مدتی طولانی - هر چند این مدت بالاخره پایان و حدی دارد - عمر کند اما ممکن است بر اثر بدی تغذیه یا اعتیاد به مواد مخدر یا دست زدن به خودکشی یا ارتکاب گناهان کبیره و صغیره، خیلی زودتر از آن مدت بمیرد. مرگ را در صورت اول اجل حتمی و در صورت دوم اجل غیر حتمی می‌نامند.

و اگر در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی اعراف می‌خوانیم: «هنگامی که اجل آن‌ها فرار رسد ساعتی به عقب یا جلو نمی‌افتد» مرگ و اجل حتمی است.<sup>۱</sup>

## عوامل و اسباب دیگر طول عمر

عامل ارث: اهمیت تأثیر عامل ارث در طول عمر، روشن است. خانواده‌هایی دیده می‌شوند که افراد آن معمولاً از حد متوسط بیشتر عمر می‌کنند، مگر این که با واسطه تصادفی مرگشان زودتر اتفاق افتد.

(۱) تفسیر نمونه، ذیل آیه‌ی ۲ سوره‌ی انعام.

از جمله مطالعات جالبی که در این زمینه صورت گرفته، مطالعات «ریموند پیرل» است. وی با همکاری دخترش کتابی تألیف کرده و خانواده‌ی دراز عمری را نام برده که مجموع هفت پشت یک فرد جد، جد بزرگ، نوه، نتیجه و نبیره به ۶۹۹ سال می‌رسیده و دو نفرشان نیز بر اثر تصادف مرده‌اند. در آمار جدیدتری که از شرکت‌های بیمه به همت «لوئی دوبکین و هربرت مارکس» تهیه شده تأثیر درازی عمر پیشینیان در باز ماندگان به اثبات رسیده است. فرزندان اعضا و قوای سالم و نیرومند را که در طول عمر مؤثرند، از پدران و مادران به ارث می‌برند. در درجه‌ی اول باید دستگاه عصبی و گردش خون را نام برد. چنان چه ضرب‌المثل «کازالیس» همین موضوع را بیان می‌کند: سنّ انسان را از روی شراین (رگ‌هایی که خون تازه را از قلب به سایر قسمت‌های بدن می‌رساند) وی می‌توان حدس زد. یعنی عده‌ای از مردم قبل از این که به سن کهولت برسند، به طور موروثی، سرخ رگ‌هایشان سفت می‌شود و خانواده‌هایی که اکثر افرادش قبل از نود سالگی به علت سکتی مغزی یا قلبی از دنیا می‌روند، بسیارند و می‌دانیم که بزرگ‌ترین عامل این سکتها سفتی شریان‌هاست.

**عامل محیط:** محیطی که هوایش معتدل و پاک باشد، از انواع میکروب‌ها و سموم پاکیزه و آرام و بی‌سر و صدا باشد و نیز پرتو حیات بخش خورشید به قدر کافی بر آن بتابد، در طول عمر و سلامت ساکنانش تأثیر بسزایی دارد.

**عامل دیگر نوع شغل و اندازه و میزان کار است:** فعالیت و کوشش در کار به ویژه فعالیت‌های روحی و عصبی در درازی عمر نقش مهمی ایفا می‌کنند و به نظر می‌رسد زنگ‌زدگی در اثر کم‌کاری بدنی و روحی حاصل می‌شود بیش از فرسودگی که نتیجه‌ی پرکاری بدنی و روحی است، عمر را کوتاه می‌کند و به همین علت تعداد افراد طویل‌العمر در بین کشیشان و نخست‌وزیران بیش از اشخاص معمولی است و این طول عمر، بیشتر به دلیل همان کار مداوم و کوشش آنان است و از همین رو می‌توان گفت بازنشستگی در سنین جوانی و بی‌کاری زودرس، خطرات بی‌شماری در بردارد و عمر را کوتاه می‌کند.

**عامل چهارم کیفیت تغذیه است:** غذا هم از لحاظ مقدار و هم از لحاظ نوع در طول عمر اثر فراوانی دارد. بیشتر افرادی که عمرشان از صد سال گذشته، کم‌خوراک بوده‌اند.

در زیان پرخوری ضرب‌المثل‌های زیادی گفته شده است. «مونتین» می‌گوید: انسان نمی‌میرد، بلکه خودکشی می‌کند.» یا می‌گوید: «شما گور خویش را با دندان‌هایتان می‌کنید.» آزمایش‌های دکتر «ماک کی» از دانشگاه «کورنل نیویورک» بر روی موش‌ها ثابت کرد که: موش‌های لاغر، موش‌های فربه و چاق را به گور می‌برند.

ماک کی می‌گوید: «موش معمولاً در سن چهار ماهگی به حد کمال رشد می‌رسد و در دو سالگی پیر می‌شود و نزدیک سه سالگی می‌میرد.» وی دسته‌ای از موش‌ها را با رژیم کم‌کالری نگه‌داری کرد، اما این رژیم از لحاظ ویتامین و مواد معدنی غنی بود و به این نتیجه رسید که دوره‌ی رشد و بلوغ آن‌ها از چهار ماه تا هزار روز ادامه می‌یابد.

در یکی از این آزمایش‌ها مشاهده کرد که پیرترین موش‌هایی که با رژیم معمولی زندگی کرده‌اند، پس از ۹۶۵ روز مرده‌اند، اما موش‌هایی که با رژیم کم‌کالری می‌زیسته‌اند، تا مدتی بعد جوان و شاداب مانده‌اند.

خلاصه با مقایسه موش‌های کم‌غذا با انسان‌هایی که در مقدار و نوع غذا دقت دارند، می‌توان نتیجه گرفت که معمولاً این انسان‌ها عمرشان از صد تا صد و پنجاه سال رو به افزایش است.

این بحث را با آیه‌ی ۱۱۷ سوره‌ی بقره به پایان می‌رسانیم که خداوند می‌فرماید: «و هنگامی که وجود چیزی را صادر می‌کند، می‌گوید موجود باش و آن فوراً موجود می‌شود.»

پس هرگاه اراده و مصلحت الهی بر چیزی قرار گرفت، بدون شک تحقق پیدا خواهد کرد. هر موضوعی باشد تا چه رسد به طول عمر، آن هم طول عمر آخرین ذخیره و وصی رسول خدا حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) روحی و ارواح المومنین له الفداء.

### طول عمر امام زمان عج خلاف عادت نیست.

اگر گفته شود: ادعای شما در طول عمر صاحب الزمان که می‌گویید با کمال عقل و قوا و جوان است امر خارق‌العاده‌ای است زیرا به عقیده‌ی شما امسال که سال چهار صد و چهل و

هفت (سال تحریر بحارالانوار، ج ۱۳) است امام زمان ۱۹۳ سال عمر دارد زیرا ولادتش ۲۵۶ یا ۲۵۵ اتفاق افتاده است،

در پاسخ می‌گوییم: پاسخ این پرسش چند گونه است یکی این که ما قبول نداریم سنّ حضرت در این مدت بر خلاف همه‌ی عادات است، بلکه در گذشته عادت به مانند این‌ها جاری بوده، بلکه بیشتر مثلاً در قرآن آمده که حضرت نوح (ع) ۹۵۰ سال در میان قومش زیسته که برخی از مفسرین معتقدند که بیش از این دوران بوده و این دوران مربوط به تبلیغ آن حضرت بوده است.

همچنین مورخین آورده‌اند که: سلمان فارسی عیسی بن مریم علیه‌السلام را ملاقات کرده و تا زمان پیامبر ما زنده مانده است چنان که داستان وی در این خصوص مشهور است و نیز اخبار دربارہ‌ی به وجود اشخاص طویل العمر «معمربین» در میان عرب و عجم معروف و در کتب و تواریخ نوشته شده است.

و همچنین محدثین روایت کرده‌اند که دجال هم وجود دارد و در عصر پیامبر نیز بوده است و تا موقعی که خروج می‌کند، زنده خواهد ماند، با این که وی دشمن خداست. پس وقتی بنا به مصلحتی جایز است که دشمن دارای چنین عمر درازی باشد، چرا برای دوست خدا این عمر طولانی جایز نباشد؟ روشن است که انکار آن فقط از روی دشمنی است.

بیان دو اشکال: ممکن است بعضی اشکال وارد کنند و ایراد بگیرند اول دربارہ‌ی طول عمر حضرت ولی عصر و دوم اعتراض به غیبت طولانی آن امام همام (عج).  
جواب این دو اشکال را ضمن دو بحث کوتاه این گونه می‌دهیم:

### بحث اول:

چگونه ممکن است انسانی در این عالم ماده و طبیعت این همه سال عمر کند و بر فرض امکان مرور و گذشت زمان و گردش شب و روز و ماه و سال‌های زیادی در بُنیه و توان او تأثیر نکند و در حال جوانی و چهل سالگی باقی بماند و زنده باشد؟!!

جواب این پرسش به سه طریق عقلی، نقلی و وجدانی

**دلیل عقلی:** این بحث به یک مقدمه احتیاج دارد و اسم آن مقدمه نمودار زندگی است و از آن تعبیر به طبیعت خامسه (پنجگانه) می‌کنند. در اصطلاح حکما باید دانست که بعضی از اشخاص که در این باب اطلاعی ندارند، چنین گمان می‌کنند که قلب و دگرگونی ماهیت و حقایق از محالات روزگار است. یعنی هر چیز و صفتی که به صورت و صفتی آفریده شده تغییر کردن آن صفت و صورت محال است و بعضی از این افراد که چنین اعتقاداتی دارند به آیه ۲۹ سوره‌ی روم استدلال می‌کنند که لا تبدیل لخلق الله و ظاهر آن این است که تبدیلی در خلق خدا نیست و این افراد به ظاهر این آیه اکتفا کرده و از حقیقت معانی باز مانده‌اند و ذره‌ای هم به خود زحمت نداده و فکر نکرده‌اند که هزاران هزار انسان به اراده‌ی خداوند بزرگ و ربّ العالمین از بنی آدم آفریده شده‌اند که هیچ یک از آن‌ها مثل هم نیستند.

باید توجه داشت که در اثر مرور زمان همه چیز عوض می‌شود و حالت اولیه‌ی خود را از دست می‌دهد ولی قوای چهارگانه‌ی وجود انسان که عبارت است از: قوای جاذبه، هاضمه، ماسکه (گیرنده و نگاهدارنده) و دافعه، این‌ها تا وقتی که به اندازه‌ی معین خود کار کنند، معده جذب می‌کند و به بدن می‌رساند و قوه‌ی ماسکه آن فرستاده‌ی معده به بدن را نگه‌داری می‌کند و بعد به کمک قوه‌ی جاذبه طبخ و تحلیل می‌دهد و قوه‌ی دافعه هم مواد زائد را از بدن خارج می‌کند. تا این برنامه منظم و مرتب باشد، هیچ اشکالی پیش نمی‌آید ولی وقتی از اندازه خارج شد و به طور صحیح از این قوا استفاده نشد، مطمئناً فرد دچار ضعف و ناتوانی می‌شود. چنان چه سعدی شیرازی گوید:

چهار طبع مخالف سرکش	چند روزی شوند با هم خوش
گر یکی زین چهار شد غالب	جان شیرین درآید از قالب

حال اگر کسی دارای مزاج معتدل و طبیعت خامسه شد، حوادث زمانی و مکانی در او تأثیر نمی‌گذارد و با دوام و جاوید می‌ماند و عمر او طولانی می‌شود ولی اگر این اعتدال از بین برود، انسان زود از بین خواهد رفت.

باید دانست که معتدل‌ترین مزاج‌ها در میان مخلوقات مزاج انسان است، زیرا انسان اشرف مخلوقات است. همچنان که استعداد انسان از سایر مخلوقات مستعدتر است و در میان انسان‌ها کسی که مستعدترین مزاج را دارد، عمرش بیشتر و زندگی‌اش با دوام‌تر خواهد بود تا چه رسد که شخص منظور نظر بهترین مخلوق و از چهارده معصوم باشد. آن هم آخرین وصی پیامبر (ص) یعنی حجة بن الحسن العسکری (عج) روحی و ارواح العالمین له الفداء و عقلاً محال نیست که چنین انسانی عمر طولانی حتی بالاتر از نوح، خضر، سلمان فارسی و... داشته باشد.

**دلیل نقلی:** قبلاً متذکر شدیم که سن مبارک حضرت بقیة الله (عج) تا این زمان حدود هزار و صد و چند سال است. پس از بیان برهان و دلیل عقلی، به بیان دلیل نقلی می‌پردازیم و یادآوری می‌کنیم که طولانی بودن و درازی عمر آن حضرت تا این زمان امری نیست که از زمان حضرت آدم (ع) تا این زمان بی‌ظیر و بی‌مانند باشد. کسانی که عمر طولانی داشته‌اند در روی زمین از قرن‌های گذشته تا کنون زیاد بوده‌اند و در قرآن و کتب اخبار و آثار تاریخی نمونه‌های زیاد بیان شده و چون بنا بر خلاصه‌گویی است، به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم تا نظر خوانندگان جلب شود. برای مطالعه‌ی بیشتر، دوستداران به کتب تاریخی ابن اثیر و تاریخ طبری و مروج الذهب مسعودی و نواب الدهور مرحوم حجة الاسلام سید حسن میر جهانی طباطبایی مراجعه فرمایند.

کسانی که در اثر مراقبت از خود عمرهای طولانی داشته‌اند عبارتند از:

- ۱- حضرت آدم (ع) ۹۳۰ سال ۲- شیث هبة الله ۹۱۲ سال ۳- نوح پیامبر (ع)
- ۴- حضرت ادریس (ع) ۹۶۵ سال ۵- حضرت سلیمان بن داوود ۷۱۲ سال
- ۶- غوج بن عناق ۳۵۰۰ سال ۷- ضحاک ۱۰۰۰ سال ۸- عمرو بن عامر
- ۹- فریدون عادل بیش از ۱۰۰۰ سال ۱۰- پادشاهی که مهرگان را
- پایه‌گذاری کرده ۲۵۰۰ سال ۱۱- گرشاسب ۷۰۰ سال ۱۲- رستم ۶۰۰ سال
- ۱۳- زال ۶۵۰ سال ۱۴- شاد بن عاد ۷۰۰ سال ۱۵- لقمان بن عاد ۳۵۰۰ سال
- ۱۶- عزیز مصر معاصر حضرت یوسف (ع) ۷۰۰ سال ۱۷- دومغ پدر ریّان ۳۰۰۰



سال ۱۸ - ریان بن دومغ پدر عزیز مصر ۱۷۰۰ سال ۱۹ - عبید بن شریذ جرهمی معروف  
 ۳۵۰ سال ۲۰ - رذیث بن ثمالا که از حواریون حضرت عیسی بوده تا زمان خلافت  
 عمر بن الخطاب زندگی کرده است.

علاوه بر مطالبی که تا کنون در باره‌ی طول عمر بیان شده، با آیه‌ای از قرآن کریم بحث را  
 به پایان می‌بریم.

آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی رعد می‌فرماید خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد  
 مگر آن که آن‌ها خود را تغییر دهند.

بنابراین اگر تغذیه‌ی سالم، هوای سالم، اعصاب راحت و کارهایمان در راه رضای  
 خداوند باشد، اجل غیر حتمی به تعویق می‌افتد. ولی اگر غذاهایمان چنین باشد که لازم به  
 بحث نیست و هوی هوس بر جامعه حاکم باشد، اجل‌های معلق (غیر حتمی) ظاهر می‌شود و  
 عمرها کاهش می‌یابد.

### پژوهشی درباره‌ی راز طول عمر بشر

پیشرفت‌های پزشکی و تغذیه‌ی کافی و سالم به افزایش طول عمر بشر در سال‌های اخیر  
 انجامیده است و امروزه افراد بشر تا ۱۱۵ سال یا بیشتر عمر می‌کنند.

دکتر کنوک که درباره‌ی طول عمر انسان تحقیق می‌کند، در سمینار تحقیقات پزشکی در  
 مونیخ گفت: تعداد افراد صد ساله در جهان بیش از هر قشر دیگر انسان‌ها در حال افزایش  
 است به طوری که در هلند در سال ۱۹۶۰، ۶۳ نفر در سال ۱۹۸۰، ۲۵۲ نفر و در سال  
 ۱۹۹۰، ۸۱۹ نفر صد ساله زندگی می‌کردند.

در آلمان نیز امروزه ۳۵۰۰ نفر صد ساله زندگی می‌کنند که در سال ۲۰۰۰ به چهار  
 برابر افزایش می‌یابد.

به گفته‌ی دکتر کنوک، دیگر مرگ در اثر کهولت سن وجود ندارد. بلکه بیماری‌ها  
 هستند که منجر به مرگ می‌شوند و باید در تشخیص به موقع و مداوای آن‌ها اقدام شود.  
 برای کند کردن سرعت پیری در بدن، حتی می‌توان با تقویت قدرت دفاعی بدن، تزریق

هورمون به بدن یا پیوند سلول‌ها و اعضای بدن موفقیت‌هایی به دست آورد. تحقیقات دانشمندان نشان داده که کاهش حرارت بدن به افزایش طول عمر می‌انجامد که این امر برای انسان‌ها به معنی کاهش جذب کالری در بدن است. اگر افراد کهن سال روزانه مواد غذایی با کمتر از ۱۰۰۰ کالری میل کنند، طول عمر آن‌ها بیشتر خواهد شد. البته دانشمندان به این موضوع توجه دارند که شرایط محیط زیست تنها تعیین کننده‌ی طول عمر نیست، بلکه ژن‌های خسارت دیده در بدن هم در کاهش طول عمر مؤثرند. برخی ژن‌های صدمه دیده در بدن باعث بیماری‌های مزمن مانند سرطان سینه و غده‌ی مغزی می‌شوند.

دکتر کنوک با اشاره به تحقیقات دانشمندان گفت: عمر متوسط انسان امروز (۱۳۷۱ شمسی) ۷۳ سال است. در سال ۲۰۰۰ میلادی ۸۵ سال و در سال ۲۰۱۰، ۱۱۵ سال خواهد بود و کودکی که در سال ۲۰۳۰ متولد شود، ۲۰۰ سال عمر خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### ژاپنی‌ها از بالاترین میانگین عمر در جهان برخوردارند

ژاپنی‌ها که از بالاترین میانگین عمر در جهان برخوردارند، این رقم را باز هم افزایش داده‌اند و میانگین عمر را برای زنان به بیش از ۸۲ سال و برای مردان به بیش از ۷۶ سال رسانیده‌اند. به گزارش خبرگزاری رویتر از توکیو در بررسی‌یی که وزارت بهداشتی ژاپن در سال ۱۹۹۰ به عمل آورده، اعلام کرده که میانگین عمر برای زنان به ۸۲ سال و ۷ ماه و برای مردان به ۷۶ سال و چهار ماه رسیده که این ارقام در مقایسه با سال ۱۹۸۵ به ترتیب ۱ سال و ۳ ماه و ۱ سال و ۹ روز افزایش نشان می‌دهد.

به گفته‌ی یک مقام ژاپنی، جدیدترین آمار همچنین نشان دهنده‌ی این موضوع است که بعد از ژاپنی‌ها مردم سوئیس بالاترین میانگین عمر را در جهان دارند. سن متوسط زنان سوئیسی ۸۰ سال و ۷ ماه و مردان ۷۴ سال ۸ ماه است.

بنا بر همین گزارش، جمعیت سالمندان ژاپنی نگرانی بسیاری از مقامات این کشور را برانگیخته است. زیرا این امر موجب شده تعداد افراد دارای توانایی‌های کاری در ژاپن کاهش یابد و هزینه‌های مربوط به بهداشت و رفاه اجتماعی افراد سالمند که تعداد آن‌ها رو به افزایش است، فزونی یابد. در بررسی‌هایی که اوایل سال جاری از سوی دولت ژاپن صورت گرفته، ژاپنی‌های دارای ۶۵ سال سن با بیشتر افزون بر ۲۲/۱۶ میلیون نفر یا ۱۳ درصد کل جمعیت ژاپن است. در حال حاضر تعداد افراد بالای ۱۰۰ سال در ژاپن ۴۰۰۰ نفر اعلام شده است.<sup>۱</sup>

### علت کاهش عمر انسان

پروفسور مهدی سلطان‌زاده متخصص بیماری‌های داخلی که در آکادمی علوم مسکو مشغول تحقیقات است، در باره‌ی کاهش عمر انسان اظهار می‌دارد: «یکی از علل کاهش عمر انسان اختلال در گردش خون در بدن انسان است که بیشتر ریشه در انسداد شرایین (بسته شدن رگ‌ها مویرگ‌ها) دارد و این امر باعث پیری زودرس و در نتیجه کاهش عمر می‌شود. برای رفع انسداد شرایین روش‌های درمانی خاص کشف کرده‌ام که تأثیر زیادی در معالجه‌ی انسداد شرایین دارد.» او همچنین می‌گوید: «بدن انسان روزانه به ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلی‌گرم کلسترول نیاز دارد که بهترین راه تأمین آن از موادی مانند کره‌ی حیوانی و زرده‌ی تخم‌مرغ است؛ چون کلسترول استفاده نشود، بدن مجبور خواهد شد کلسترول ضروری خود را از مواد دیگری مانند شکر بگیرد که برای سلامت انسان ضرر دارد.» او ادامه می‌دهد، خداوند برای هر انسانی حداقل ۱۰۰ سال عمر داده است که اگر بتوانیم از امکانات خدادادی به نحو احسن استفاده کنیم عمرمان بیشتر خواهد شد!<sup>۲</sup>

(۱) روزنامه‌ی ابرار، ۷/۱۰/۱۳۷۱ از کتاب طول عمر، محسن علوی پیام، ص ۳۱ تا ۳۳.

(۲) روزنامه‌ی رسالت ۲۳/۱۰/۱۳۷۱ از کتاب طول عمر، محسن علوی پیام، ص ۳۴

## بحث دوم

در پاسخ کسانی که حق را از باطل تشخیص نداده‌اند. و همواره با شک و تردید درباره‌ی مهدی (عج) سؤالاتی مطرح می‌کنند. مثلاً می‌گویند: اگر امام زمان (عج) زنده است چرا مانند دیگر امامان علیهم السلام در میان مردم ظاهر نیست؟ یا این که در ظهور او دفع فساد می‌شود و مستلزم قطعی شدن احکام واقعی است. چرا غایب شده که از غیبت آن حضرت اطمینان از صحت عمل برداشته شود و مستلزم عمل کردن از روی شک و گمان باشد و تکلیف قطعی یقینی خود را ندانند و رفع اشکال از مردم نشود و هر کس از هر گوشه‌ای ادعایی کند و مردم را در حیرت و سرگردانی بیندازد؟!!

در پاسخ این سؤالات گفته می‌شود که خدای متعال خلق را برای هدایت و راهنمایی به سوی خود آفریده تا حجّت خود را بر بندگان تمام کند و اسرار و حکمت‌های خود را به آن‌ها بفهماند. زیرا در آیه‌ی ۱۱۵ سوره‌ی توبه می‌فرماید:

«خداوند گمراه نمی‌کند گروهی را پس از آن که راهنمایی کرده باشد تا روشن شود برای ایشان آن چه را پرهیز کنند.»

و در آیه‌ی ۹ سوره‌ی نحل می‌فرماید:

«بر خداست راه راست را نمودن.»

پس به همین دلیل پیامبران را فرستاد تا حجّت‌هایی بشارت دهنده به ثواب و بیم دهنده از عذاب باشند و خلیفه‌ها و هدایت‌کنندگانی اختیار کرد که فیض خود را به بندگان خود برسانند تا حجّت بر مردم باقی نماند. حق را از باطل بشناسند، در کار خود بینا باشند، وظیفه‌ی میان خود و خدا و خلق خدا را بدانند و کیفیت توجه به خدا را با نیت پاک و باطن صاف آگاه شوند. خدا نپسندیده است که احدی از بندگان خود را مجبور کند. آن‌ها را ملزم به تکلیف و مجبور به ایمان آوردن نکرده تا هر که هلاک می‌شود، به حجّت و دلیل هلاک شود و هر که رستگار می‌ماند به حجّت و دلیل رستگار بماند، زیرا در آیه‌ی ۲۵۷ سوره‌ی بقره می‌فرماید:

«هیچ اکراهی در دین نیست و هدایت از گمراهی روشن شده است.»

و چنان چه اطاعت و بندگی را بپذیرد، تکلیف را به اندازه‌ی قدرت و توانایی هر فرد بشر معین فرموده است. زیرا در آیه‌ی ۲۸۶ سوره‌ی بقره می‌فرماید:

«خداوند هیچ کس را جز به اندازه‌ی توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند (به همین جهت انسان) هر کار (نیکی) انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار (بدی) کند به زیان خود کرده است.»

از این سخن خدا چند مطلب درک می‌شود:

- ۱ - تکلیف به اندازه قدرت و توانایی شخص است و بدیهی است که یک قانون‌گزار حکیم و دادگر نمی‌تواند غیر از این قانون وضع کند.
- ۲ - هیچ‌گاه احکام شرعی از احکام عقلی و فرمان فرد جدا نمی‌شود و این دو دوش به دوش یکدیگر پیش می‌روند.
- ۳ - کار خوب یا بدی که انجام دهیم، به نفع یا ضرر خودمان عمل کرده‌ایم.

### شنوندگان دعوت الهی سه دسته‌اند

- ۱ - کسانی هستند که به صافی طینت و باطن خود می‌پذیرند و اطاعت می‌کنند و ابداً مخالفتی نمی‌ورزند که خود دو دسته‌اند:
- الف) یک دسته کسانی هستند که همه‌ی اوامر را می‌پذیرند، و عمل می‌کنند و همه نواهی را ترک می‌گویند.
- ب) دسته‌ی دیگر کسانی که بعضی از اوامر را اجرا می‌کنند و بعضی اوامر را ترک می‌گویند و همچنین نواهی را برخی را انجام می‌دهند و برخی را ترک می‌گویند و گناهی که از ایشان سر می‌زند یا به علت غلبه‌ی شهوت نفس است که آن معصیت در نظر او خوب جلوه می‌کند یا به علت انکار و دشمنی است، یعنی بد و خوب را می‌داند اما از روی دشمنی بد را انجام می‌دهد و خوب را ترک می‌کند.
- ۲ - کسانی هستند که دعوت را نمی‌پذیرند و نافرمانی و مخالفت می‌کنند و هرگز در هیچ

حالی حاضر به فرمان برداری نیستند.

۳ - کسانی هستند که بعضی از آنها اطاعت و بعضی مخالفت می کنند و این دسته دو قسم اند:

(الف) بیشترشان مطیع اند و کمترشان نافرمان  
(ب) کمترشان مطیع و بیشترشان نافرمان اند.

### تشریح این سه دسته و وظیفه‌ی امام در برابر هر یک از آنها

دسته‌ی اول که به پاکی طینت و صافی سیرت از هر جهت مطیع اوامر و نواهی الهی هستند و به هیچ وجه کوچک‌ترین مخالفتی از آنها سر نمی‌زند، بر هر انسانی که مقام خلیفه‌ی الهی دارد واجب است که برای این گونه افراد احکام را بیان کند و به ترتیب ایشان بکوشد.

دسته‌ی دوم که به مقتضای ناپاکی طینت به هیچ وجه مطیع اوامر و نواهی الهی نیستند و جز مخالفت و دشمنی از آنها سر نمی‌زند، بر خلیفه‌ی خداست که آنها را به حال خود واگذارد تا خدا آنها را هلاک کند زیرا این‌ها شیعه و پیرو حقیقی علی (ع) نیستند و بعداً هم شیعه نمی‌شوند و هرگز از حق پیروی نخواهند کرد و امام علیه‌السلام ناچار است از داشتن شیعه و پیروی که به قول او اعتقاد داشته باشد، گفتار او را بپذیرد و توجه امام را به خود جلب کند.

اما دسته‌ی سوم آنها که بیشتر مطیع اند و کمتر نافرمانی می‌کنند، دو گروه‌اند که گروه اول آنها که بیشتر مطیع اند و کمتر نافرمانی می‌کنند وظیفه‌ی امام علیه‌السلام این است که این‌گونه افراد را تعلیم تربیت کند و اعتنایی به گناهکاران آنها نکند. زیرا آنها عده‌ی کمی هستند بلکه آنها را دعوت به حق و حجت را بر آنان تمام کند. اگر اطاعت کردند که هدایت شده‌اند و اگر مخالفت کردند، زمین را از لوث وجودشان پاک کند، اگر از آنها بی‌باشند در اصلاّب و ارقام آنها نطفه‌ی مؤمن نباشد و از آنها مؤمن به وجود نیاید. اما اگر در

اصلاب و ارقام آنها نطفه‌ی مؤمن باشد، آنها را در ذلت و خواری نگاه دارد تا فرزندان مؤمن در آنها متولد شوند.<sup>۱</sup>

### عمر بسیار طولانی

یکی از آرزوهایی که همواره بشر در جست و جوی آن بوده، طول عمر و زندگی است. طولانی همراه با سلامت و توفیق از نعمت‌هایی است که ارزش آن را نمی‌توان تعیین کرد. غریزه‌ی حب به ذات، حب بقا و غرایز، دیگر انسان را عاشق و دل‌باخته‌ی طول عمر کرده و آنها را واداشته که در این راه تمام سعی و تلاش خود را به کار بندند تا بلکه مدتی اگر چه کوتاه باشد، این ریسمان عمر را بلندتر کنند.

مطالعاتی که درباره‌ی طول عمر صورت گرفته نشان دهنده‌ی این است که همواره بر امکان عمر بسیار طولانی اتفاق نظر بوده و تاکنون کسی امکان‌ناپذیر بودن آن را مطرح نکرده است.

ما نخست امکان عمر طولانی را از نظر علوم و دانش‌های عصر مانند علم پزشکی و علم زیست‌شناسی و اطلاعاتی که از سایر مخلوقات داریم با مقایسه‌ی انسان به آنها بررسی می‌کنیم.

### عمر طولانی از نظر دانش و علم

از نظر علوم امروز باید دانست که علم امکان عمر طولانی را کاملاً تأیید کرده، کوشش بشر را در این راه نتیجه بخش و موفقیت‌آمیز و لازم می‌شناسد و برای طول عمر حد و اندازه‌ای معین نمی‌کند.

علم می‌گوید کم شدن مردگان و طولانی کردن عمر وارد مرحله‌ای عملی شده و با سرعت رو به تکامل است و حد متوسط عمر در کمی بیشتر از یک قرن از ۴۷ سال به ۷۴

(۱) ص ۳۵ تا ۳۸ طول عمر، محسن علوی پیام.

سال رسیده است.

دکتر الکسیس کارل در سال ۱۹۱۲ میلادی موفق به نگه‌داری یک مرغ به مدت ۳۰ سال شد در حالی که زندگی مرغ حداکثر از ده سال فراتر نمی‌رود.

### ۸۰۰ سال زندگی

دکتر هنری الحیس می‌گوید: «باید حد متوسط مرگ و میر عمومی را به حد مرگ و میر اطفال کمتر از ده سال رسانید و اگر این مسأله عملی شود انسان آینده ۸۰۰ سال عمر خواهد کرد»<sup>۱</sup>.

مرز منطقی زندگی به نظر دانشمندان تفاوت دارد. پاولوف مرز طبیعی حیات انسان را ۱۰۰ سال و مچیکوف ۱۵۰ تا ۱۶۰ سال می‌دانست. پزشک و دانشمند معروف آلمانی موسوم به کوفلاند معتقد بود که مدت عادی زندگی بشر ۲۰۰ سال است.

فیزیولوژیست مشهور قرن نوزدهم فلوکر آن را تا ۶۰۰ سال و روجر بیکن انگلیسی تا ۱۰۰۰ سال می‌دانست<sup>۲</sup> ولی هیچ یک دلیلی بر این که این مرزها مرز قاطع باشد که از آن فراتر نرود، ارائه نمی‌دهند.

به عقیده‌ی پزشک و فیزیولوژیست روسی ایلیا مچینکوف یاخته‌های بدن انسان که تقریباً شصت تریلیون است، از سموم ترشح شده از باکتری‌های سمی روده مخصوصاً روده‌ی بزرگ که در آن روزانه ۱۳۰ تریلیون میکروب‌زاده می‌شود، مسموم می‌شوند.

بسیاری از این باکتری‌ها زیانی به بدن نمی‌رسانند ولی بعضی از آنها سمی هستند. این‌ها بدن را از داخل با سم‌هایی که تولید می‌کنند - مانند گازهای فنل و اندل - مسموم می‌کنند. احتمالاً یاخته‌ها و بافت‌های سازنده‌ی بدن در اثر این سموم به پیری زودرس دچار

(۱) اطلاعات، شماره‌ی ۱۱۸۰۵ در کتاب نوید امن و امان ص ۲۱۰.

(۲) مجله‌ی دانشمند، شماره‌ی مسلسل ۶۱، در کتاب نوید امن و امان.



می شوند. وقتی یاخته پیر شد، به سختی می تواند نیازهای حیاتی و زندگی خود را رفع کند. از این در تکثیر آن اختلال پدید آمده و سپس می میرد<sup>۱</sup>.

دکتر اسمیس استاد دانشگاه کلمبیا می گوید: «حد و اندازه‌ی سن مثل دیوار صوتی است و همان طور که دیوار صوتی امروز شکسته شده، دیوار سن نیز روزی خواهد شکست<sup>۲</sup>».

## ۷۲ هزار سال عمر

تجرباتی که بر روی بعضی حیوانات دریایی شده دانشمندان را به امکان تغییر دوران زندگی امیدوار کرد. و هم چنین دانشمندان بر روی مگس‌های میوه آزمایش‌هایی کردند که در نتیجه عمر آن‌ها ۹۰۰ برابر عمر طبیعی شد.<sup>۳</sup> بنابراین اگر این امتحان بر روی انسان با موفقیت عملی شود و عمر طبیعی انسان را ۸۰ سال فرض کنیم، امکان طول عمر تا ۷۲ هزار سال فراهم می‌شود.

همچنین در روی نسوج بعضی از حیوانات مطالعاتی صورت می‌گیرد که کاملاً بشر را در این زمینه به آینده خوش بین کرده و انتظار می‌رود که در آینده عمر طولانی و بازگشت نیروی جوانی در دسترس همگان قرار گیرد.

اکثر دانشمندان به مسأله‌ی بازگشت نیروی جوانی بیشتر توجه دارند تا به مسأله‌ی عمر طولانی زیرا از مسأله‌ی عمر طولانی و ادامه‌ی زندگی در شرایط ویژه به هر میزان خود را فارغ می‌دانند و در حقیقت آن را حل شده و عملی می‌شمارند. فقط می‌گویند، باید تدبیری برای پیری اندیشید و سُرْمی تهیه کرد که از پیری جلوگیری کند، زیرا عمر هر چه طولانی شود اگر با زحمت پیری همراه شود، لذت بخش نیست.

بعضی پزشکان گامی فراتر گذاشته‌اند و با مبالغه می‌گویند، اصلاً مرگ از قواعد حتمی

(۱) مجله‌ی دانشمند، شماره‌ی مسلسل ۶۱، کتاب نوید امن و امان.

(۲) اطلاعات، شماره‌ی ۱۱۸۰۵.

(۳) الهلال، شماره‌ی ۵، سال ۳۸، ص ۶۰۷ - منتخب الاثر، ص ۲۷۸ از کتاب نوید امن و امان.

نیست<sup>۱</sup>. مرگ نه مولود طول عمر و نه نتیجه‌ی پیری است، بلکه مرگ نتیجه‌ی بیماری و رعایت نکردن قواعد تندرستی و بهداشت بدن و سلامت مزاج است که اگر انسان بتواند بر عواملی که مزاج را تحت تأثیر قرار می‌دهند مسلط شود، می‌توان مرگ را مهار کرد.

عواملی که در سلامت مزاج موثرند عبارتند از: تندرستی پدر و مادر، اطلاع از قواعد سلامت تولید مثل - آداب ازدواج، اعتدال مزاج مادر در دوران بارداری و رعایت دستورات بهداشتی در آن دوره و هنگام شیرخوارگی - حسن تربیت فرزند و مساعد بودن محیط و هوا، رعایت اعتدال در خواب و استراحت - کار و انتخاب لباس و کفش، همنشینی با مردم خوش اخلاق و خداشناس و امین، صفای باطن و پاکی آن، استفاده از غذاهای سالم، خودداری از مصرف نوشابه‌های الکلی، مواد مخدر، دخانیات و... که چون بیشتر این عوامل تحت اراده‌ی انسان نیست، ناچار تسلیم مرگ می‌شوند.

کوتاه سخن این که: امکان عمر طولانی در جهان علم صددرصد پذیرفته و انکارناپذیر است.

برای این که معلوم شود شگفتی ما از عمر بسیار طولانی معلول انس و عادت به عمرهای کوتاه است، در سخن یک پزشک انگلیسی دقت فرماید.

این پزشک می‌گوید: «اگر منطقه‌ی کانال پاناما که مشهور به بیماری‌های گوناگون و فراوان است از سایر نقاط جهان جدا شود و ما در آن جا زندگی کنیم و از سرگذشت مرگ و زندگی در سایر نقاط بی‌اطلاع باشیم، خواهیم گفت کثرت مرگ و میر در این منطقه و کوتاهی عمر از امور معینه به حکم طبیعت است و به غیر آن از دسترس علم خارج است، پس معلوم می‌شود که جهل ما به بعضی از بیماری‌ها مانع از تقلیل مرگ و میر و طولانی شدن عمر است و هر کس در این نظر با من مباحثه کند (و کثرت مرگ و میر و عمرها را در حدی ثابت بداند) از او می‌پرسم:

(۱) البته بر طبق آیات صریحه‌ی قرآن مجید مرگ از سنن عالم و قواعد حتمیه است و این اظهار نظر پزشکان مبالغه و اغراق است. اگر به عوامل فوق توجه شود، طول عمر افزایش می‌یابد.

کدام دوره از دوره‌های عمر ثابت است؟  
 دوره‌ی عمر در هند یا نیوزیلند یا آمریکا مناطق دیگر؟  
 و کدام پیشه و شغل است که دوره‌ی عمر در آن ثابت است؟ شغل ستاره‌شناسی که مرگ  
 و میر آن از ۱۵ تا ۲۰ درصد است یا وکالت دادگستری که از ۵ تا ۱۵ درصد یا مأمور  
 شهرداری که مرگ و میر آن ۴۰ تا ۶۰ درصد است؟  
 این‌ها مثال‌هایی از تفاوت بسیار در متوسط مرگ و میر به حسب مشاغل و پیشه‌هاست.  
 افزون بر این ما دلایل بسیار دیگر داریم که دلالت دارد بر تغییرات مهم در دوران زندگی و  
 نیز آزمایش‌هایی که روی بعضی از حیوانات شده و موفقیت آمیز بوده است.<sup>۱</sup>

### طول عمر از نظر ادیان

ادیان همه به اتفاق از عمر طولانی جمعی از افراد بشر خبر داده‌اند  
 تورات کتابی که با همین وضع تحریف شده محل اعتماد یهود و نصاری (مسیحیان)  
 است در سفر تکوین، اصحاح ۵ آیه‌ی ۵ و ۸ و ۱۱ و ۱۴ و ۱۷ و ۲۰ و ۲۷ و ۳۱ و در  
 اصحاح ۹ آیه‌ی ۲۹ و اصحاح ۱۱ آیه‌ی ۱۰ تا ۱۷ و در جاهایی دیگر افرادی از پیامبران  
 و دیگران نام برده و عمرهای طولانی هر یک را بیش از ۴۰۰ - ۶۰۰ - ۷۰۰ - ۸۰۰ و  
 ۹۰۰ سال دانسته و به صراحت بیان کرده است.<sup>۲</sup>  
 علاوه بر این، معتقدند که ایلیا برای این که الم مرگ را نبیند، زنده به آسمان بالا رفت.  
 مفسر می‌گوید: «شکی نیست که ایلیا زنده به آسمان بالا رفت.»<sup>۳</sup>  
 ادیان باستانی دیگر (اگر چه صحت بعضی از آن‌ها در اصل معلوم نیست یا باطل بودنشان  
 مشخص است) مثل زردشتی و بودایی نیز از عمرهایی طولانی جمعی از افراد بشر خبر  
 داده‌اند و به طول عمر و بلکه بقای زندگی اشخاصی تا این زمان قایل‌اند.

(۱) الهلال، شماره‌ی ۵، سال ۳۸، مارس ۱۹۳۰ - منتخب الاثر، ص ۸ و ۲۷۷.

(۲) رجوع شود به ترجمه‌ی تورات از عبرانی و کلدانی و یونانی به عربی، چاپ بیروت سال ۱۸۷۰

میلادی. (۳) کتاب اظهار الحق، ج ۲، ص ۱۲۴.

## دین مقدس اسلام

در دین اسلام امکان عمر طولانی یکی از موضوعاتی است که بر آن اتفاق نظر است و قرآن مجید با صراحت از عمر طولانی نوح در آیه ۱۴ سوره ی عنکبوت خبر می دهد. فقط مدت اشتغال نوح پیامبر به دعوت قوم پیش از توفان به تصریح این آیه، ۹۵۰ سال بوده است و اگر سال های پیش و بعد از دعوت را به حساب بیاوریم، چه اندازه می شود خدا عالم است!

عموم مسلمانان اتفاق نظر دارند که عیسی (ع)، خضر، ادریس و الیاس (ع) زنده اند و عیسی (ع) در آخر الزمان به زمین خواهد آمد و به حضرت مهدی (عج) در نماز اقتدا خواهد کرد.

## طول عمر از نظر تاریخ

از نظر تاریخ نیز عمر طولانی تأیید می شود و تواریخی که در دست داریم، اشخاص بسیاری را نشان می دهند که از عمر طولانی و زندگی بلند برخوردار شده اند. یکی از کتاب هایی که به خصوص در تاریخ زندگی و شرح احوال طویل العمرها نگاشته شده و یکی از مأخذ و مصادر و کتب مهم ترجمه ها و رجال به شمار می رود، کتابی است که ابو حاتم سجستانی متوفی به سال ۳۵۰ به نام (المعمرون) تألیف کرده است این کتاب هم که اخیراً با فهرست و اسلوب عالی چاپ شده، سوابق تاریخی طول عمر را به طور کامل و مبسوط روشن می کند.

## نتیجه

ما از هر نظر که ملاحظه کنیم حتی تواریخ عهد باستان را هم اگر جلو بیاوریم یا علم قدیم و فلسفه ی یونان را مستند قرار دهیم یا به علوم جدید اعتماد کنیم یا به اخبار انبیا و پیامبران استناد کنیم، همه امکان طول عمر و وقوع آن را تصدیق و اثبات می کنند و آن را خارق عادت و اعجاز یعنی بیرون از قوانین و نوامیس طبیعی عالم نمی شمارند.

البته، چون افرادی که عمر طولانی کرده‌اند کم‌اند، قدری نامأنوس و جالب توجه است در صورتی که اگر با نظر عمیق علمی بنگریم، باید گفت این عمرهای کوتاه خلاف سنن خلقت و قواعد اصلی عالم طبیعت است و اگر عوارضی که گفته شد مانع نبود، باید عمر کوتاه خلاف عادت شده باشد.

### اما طول عمر حضرت ولی عصر ارواح العالمین له الفداء (عج)

ما می‌گوییم اصلاً عمر ایشان اگر چند هزار سال دیگر و بیشتر بر آن افزوده شود، نباید شک و تردید باشد. زیرا امکان ذاتی و امکان واقع شدن عمر طولانی ثابت و مسلم است حال ما چه امکان طبیعی طول عمر و وقوع آن را ثابت کنیم (چنانچه ثابت است) و چه امکان آن را ثابت ندانیم و عمر طولانی را یک امر خارق‌العاده و معجزه بشماریم. در باره‌ی طول عمر ایشان اگر ایمان به خدا و قدرت و توانایی و صحت نبوت داریم، نباید تردید کنیم.

موضوع طول عمر آن حضرت موضوعی است که صدها حدیث بر آن دلالت دارد و مشیت همیشگی و ازلی خداوند بر آن تعلق گرفته است.

هر کس خدا را قادر و توانا می‌شناسد باید آن را باور کند و هر کس العیاذ بالله خدا را عاجز می‌شمارد و عجز را نقص و از صفات سلبيه‌ی حق نمی‌داند، هر چه دلش می‌خواهد بگوید. اما ما می‌گوییم عجز نقص است و ناقص محتاج است و محتاج واجب الوجود نیست.

حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه را در این دوران عمر طولانی مردمان بزرگ که از صفای باطن و استعداد خاص بهره‌مند بوده‌اند، زیارت کرده‌اند.

در این موضوع سخن از عمر طولانی یا امکان ناپذیر بودن آن بی‌جاست و اصلاً از ابتدا این پرسش و پاسخ را در مباحث راجع به طول عمر آن حضرت بی‌جا وارد کرده‌اند.

کسی فرضاً می‌گوید عمر طولانی محال عقلی است و عقلاً امکان ناپذیر است یا می‌گوید محال طبیعی است باید برهان و دلیل بیاورد. با این حال ما ثابت کردیم که عمر بسیار طولانی

می شود و نه محال طبیعی است و نه محال عقلی.

باز می گوییم، ما آن چه از گفتار دانشمندان و نتایج کاشوها و آزمایش های علمی دانشمندان غرب نقل کردیم، برای روشن شدن ذهن بعضی از صاحبان افکار سطحی و افراد کم اطلاع بود که بدانند امکان طبیعی عمر طولانی را دانشمندان بزرگ شرق و غرب پذیرفته اند.

اما در باره ی طول عمر امام زمان ارواحنا فداه فرضاً هم امکان طبیعی عمر طولانی ثابت نباشد، تکیه ی ما بر قدرت خداوند و اراده ی باری تعالی است و از این که طول عمر آن حضرت خارق العاده هم باشد، هیچ شک و تردیدی نداریم زیرا مسأله ی خارق عادت و معجزه اساس قبول و پذیرش نبوت است. تمام معجزات پیامبران امور خارق العاده است و کسانی که این موضوع را بعید می شمروند، در باره ی معجزات حرفی ندارند و تسلیم اند. چه فرق می کند زنده کردن مردگان یا تبدیل عصا به اژدها، پیدایش ناقه از سنگ، نزول مائده از آسمان، سخن گفتن کودک در گهواره، ولادت عیسی بدون پدر یا عمر بسیار طولانی.

اگر امکان طبیعی عمر طولانی را علم تصدیق می کند، امکان طبیعی بعضی معجزات را تصدیق نکرده است. پس چگونه در آن شک می کنیم با این که این را قبول داریم.

ما می گوییم به هر حساب که باشد، ایراد یا شک و تردید طول عمر حضرت قائم آل محمد (عج) بی وجه است و اگر تمام عقلا جمع شوند و بخواهند در ایراد به طول عمر آن حضرت یک سخن خرد پسند و دلیل معمولی درست کنند، ممکن نیست.

خدا فرموده و پیامبر (ص) خبر داده و ائمه ی معصومین (ع) هم مژده داده اند که حضرت حجت (عج) فرزند امام حسن عسکری (ع)، همان کسی که در بامداد روز نیمه ی شعبان ۲۵۵ هـ ق عالم را به نور جمال خود منور کرد، بعد از غیبت بسیار طولانی که مردم در امر آن حضرت در حیرت و سرگردانی واقع می شوند و اکثراً به شک و تردید می افتند و عالم پر از ظلم و جور و فشار و ناراحتی و فساد و انواع نگرانی ها می شوند، ظهور می فرماید و جهان را پر از عدل و داد می کند. در دنیا یک حکومت جهانی تشکیل می دهد، قانون واحد اسلام را همه جا اجرا و در سراسر عالم عدالت اجتماعی را بر اساس تعالیم قرآن برقرار می کند.

با این که این بشارت‌ها قطعی و مسلم و به تواتر رسیده است و خداوند هم بر هر کار قادر و تواناست، دیگر جای شک و تردید نیست.

این بعید شمردن‌های طول عمر و غیبت و سرّ آن همه از وسوسه‌های شیطان است و همان‌طور که توضیح داده شد، به هر نحو که در باره‌ی طول عمر نظر بدهیم، بعید شمردن طول عمر حضرت ولی عصر (عج) صحیح نیست و علم و عقل و نقل و قرآن و احادیث و کتاب‌های دینی و آراء و نظر دانشمندان قدیم و جدید و تجربه‌ی پیشینیان، مؤید عقیده‌ی ماست.

## دیدگاه علامه طباطبایی و شیخ طوسی

### در باره‌ی طول عمر امام (عج)

طول عمر از شاخه‌های مسأله‌ی عمومی‌تری به نام «حیات» است. حقیقت و ماهیت حیات بر بشر مجهول است و شاید بشر هیچ‌گاه از این راز سر در نیاورد. بشری که تا این اندازه ناتوان است و موضوع حیات را درست نمی‌شناسد و از ویژگی‌های آن آگاهی کامل و همه‌جانبه ندارد، چگونه می‌تواند مسأله‌ی طول عمر و بعید شمردن آن را مطرح کند و به دیده‌ی تردید بنگرد.

اگر پیری را بر حیات عارض بدانیم و آن را قانونی طبیعی بشناسیم که بر بافت و اندام موجودات زنده از درون عامل نیستی را خواه ناخواه به مرحله‌ی فرسودگی و مرگ می‌رساند، باز معنایش این نیست که این پدیده دارای انعطاف و در نتیجه تأخیرپذیری نباشد. بر همین اساس دانش بشری گام‌های مؤثری درباره‌ی درمان پیری برداشته و هنوز هم بر این مهم پای می‌فشرد و رشته‌های تخصصی برای این مسأله به وجود آورده است.

در اواخر قرن نوزدهم بر اثر پیشرفت‌های علمی، امید به زندگی طولانی‌تر رونق بیشتری یافت و شاید در آینده‌ی نه چندان دور این رؤیای شیرین به واقعیت پیوندد.

در مجموع دانش بشری در زمینه‌ی عقب انداختن پیری، موفقیت‌های چشم‌گیری به

دست آورده است و از رابطه‌ی تغذیه و پیری تجربه‌های جدیدی کشف کرده و ارتباط تنگاتنگی بین اسرار تغذیه در مقابله با پیری و فرسودگی ارائه داده است.

در پرتو آن چه بیان شد می‌توان گفت، درباره‌ی عمر طولانی مهدی موعود (عج) هیچ‌گونه شگفتی باقی نمی‌ماند و امکان علمی و نظری آن جای تردید ندارد. او با دانش خداوند با اسرار خوراکی‌ها آگاهی دارد و بعید نیست که با استفاده از روش‌های علمی و طبیعی بتواند مدتی دراز در این دنیا بماند و آثار فرسودگی و پیری در او ظاهر نشود.

اصولاً وجود استثناءها در هر امری از جمله امور طبیعی این عالم، مسأله‌ای است روشن و انکارناپذیر. گیاهان، درختان و جاندارانی در دامن طبیعت پرورده می‌شوند که گاه از سابقه‌ی کهن و زیستی طولانی برخوردارند. پس چگونه بعید است که در عالم انسانی هم، برای نگه‌داری یک انسان و حجّت خدا به عنوان ذخیره و پشتوانه‌ی اجرای عدالت و نفی و طرد ظلم و ظالمان قائل به استثنا شویم و او را موجودی فراتر از عوامل طبیعی و اسباب و علل ظاهری بدانیم که قوانین طبیعت در برابرش انعطاف‌پذیری دارند و او بر آنها تفوق و برتری این امری است ممکن، گرچه عادی و معمولی نباشد. به گفته‌ی علامه‌ی طباطبایی:

نوع زندگی امام غایب را به طریق خرق عادت [می‌توان پذیرفت] البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم خرق عادت را هرگز نمی‌توان نفی کرد. زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می‌کنند، تنها همان‌ها هستند که ما آنها را دیده‌ایم و می‌شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم یا آثار و اعمال آنها را ندیده‌ایم یا نفهمیده‌ایم وجود ندارد. از این روی ممکن است در فرد یا افرادی از بشر اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی، هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید.

از همه‌ی این‌ها گذشته اگر از زاویه‌ی ایمان به غیب به این پدیده بنگریم، پاسخ همه‌ی اعتراض‌ها و اشکال‌ها داده می‌شود و نیازی به فلسفه بافی و ارائه‌ی شواهد دیگر نیست تأثیرگذاری علل و عوامل طبیعی، به دست خداوند است (لا مؤثر فی الوجود الا الله).

و اوست که اگر بخواهد شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد. چگونه از حفاظت وجود

نازنین حجّت خدا و ذخیره‌ی عالم آفرینش ناتوان است؟



تواند حجتی را زنده دارد

کریمی که جهان پاینده دارد

به گفته‌ی شیخ طوسی:

بر اساس آیه‌ی (يَمْخُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ)<sup>۱</sup> خداوند هر چیزی را بخواهد محو می‌کند همان گونه که به مقتضای اراده و حکمت خویش اموری را اثبات می‌کند و کتاب اصلی و ام الکتاب نزد اوست.

تحقق موجودات و حوادث مختلف جهان دو مرحله دارد: یکی مرحله‌ی قطعیت که هیچ‌گونه دگرگونی در آن راه ندارد (و در آیه‌ی فوق از آن اشاره به ام الکتاب، کتاب مادر شده است) و دیگری مرحله‌ی غیرقطعی و به تعبیر دیگر «مشروط» است که در این مرحله دگرگونی در آن راه تعبیر به مرحله‌ی محو و اثبات می‌شود.

گاهی نیز از این دو به «لوح محفوظ» و «لوح محو و اثبات» تعبیر می‌شود. این سخن را به نوع دیگر می‌توان بیان کرد و آن این که علم خداوند دارای دو مرحله است ۱ - علم به علل تامه که از آن به ام الکتاب و لوح محفوظ تعبیر می‌شود ۲ - علم به مقتضیات و علل ناقصه که از آن به لوح محو و اثبات تعبیر شده است (وگرنه لوحی در گوشه‌ای از آسمان گذارده نشده است که چیزی روی آن بنویسند یا محو کنند و چیز دیگری روی آن بنویسند).

امیر مؤمنان (ع) در این باره می‌فرماید که از پیامبر (ص) درباره‌ی آیه‌ی فوق سؤال کردند پیامبر فرمودند: من چشمان تو را به تفسیر این آیه روشن می‌کنم و همچنین چشمان امتم را. بعد از هر کار خیر، شقاوت (بدبختی) را به سعادت مبدل می‌کند و عمر را طولانی و از خطرات جلوگیری می‌کند<sup>۲</sup> هر آنی که مصلحت در تأخیر تا زمانی دیگر باشد، تداوم عمر آن حضرت ضرورت می‌یابد و این امر تا آخرین زمان لازم ادامه دارد و راز و رمز آن به دست کسی است که مفاتیح غیب و ام الکتاب به دست اوست.<sup>۳</sup>

(۱) سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳۹.

(۲) المیزان، ج ۱۱، ص ۴۱۹ - تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۳۳.

(۳) کتاب الغیبه شیخ طوسی، ص ۱۱۳ تا ۱۲۵ - کنزالفوائد کراچکی، ص ۱۴۰ - طول عمر امام زمان علوی پیام.

پروردگاری که درباره‌ی حضرت یونس پیامبر (ع) هنگامی که در شکم ماهی قرار داشت می‌فرماید: «پس اگر نه از تسبیح گویان می‌بود، تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.»<sup>۱</sup> می‌تواند بر اساس قدرت و مشیت مطلقه‌اش، مقدمات و عوامل زنده ماندن امام زمان (عج) را در این عالم آماده کند و او را تا روز معین و معلومی نگه دارد. بر اساس این اصل طول عمر امام عصر (عج) در باور مسلمانان جنبه‌ی اعجاز دارد و قانون معجزه حاکم بر قوانین طبیعی در این عالم است و نمونه‌های فراوان دارد. دریا برای موسی شکافته می‌شود<sup>۲</sup> آتش برای ابراهیم (ع) سرد و سالم می‌گردد<sup>۳</sup> در باره‌ی حضرت عیسی کار بر رویان مشتبه می‌شود و چنین می‌پندارند که وی را دستگیر کرده‌اند، در صورتی که چنان نبوده است.<sup>۴</sup> و پیامبر اسلام (ص) از میان حلقه‌ی محاصره‌ی قریشیان که ساعت‌ها در کمین او بوده‌اند بیرون می‌رود.<sup>۵</sup> هر یک از این امور و نمونه‌های دیگر، نشانگر تعطیل شدن یکی از قانون‌های طبیعی است که به قدرت و لطف خداوند رخ داده است. پاسداری از حجّت خدا در مدتی طولانی نیز از همین اصل کلی و باور ایمانی است.

بنابراین طول عمر آن حضرت بعید شمردن ندارد و با دلایل طبیعی و مادی و غیبی و معنوی پذیرفتنی و اثبات شدنی است. اما این که چرا آن حضرت در زمان ظهور به دنیا نیامد و ایفای نقش نکرد؟

اولاً - در باور ما مسلمانان، به ویژه شیعیان، زمین هیچ‌گاه خالی از حجّت نیست چه آشکار و چه پنهان<sup>۶</sup> همواره باید آسیای وجود بر قطب و مدار امام بچرخد. اگر امام زمان (عج) در آن عصر به دنیا نیامده بود و بعد قدم به دنیا می‌گذاشت، در این فترت، زمین بی حجّت و امام می‌ماند و این با دلایل قاطع و باور ما مسلمانان سازگار نیست.

ثانیاً - شخصی که می‌خواهد دنیا را متحول کند و دست به اصلاحی همه جانبه و فراگیر

(۱) صافات ۱۴۴.

(۲) بقره ۵۰.

(۳) انبیاء ۶۹.

(۴) نساء ۱۵۷.

(۵) انفال ۳۰.

(۶) اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

بزند، عدل بگستراند، ظلم و ستم را در همه‌ی اشکال و انواع آن برچیند، تمدن بشری را که بر اساس زر و زور و تزویر بنا شده ویران کند و تمدنی همه جانبه بر اساس ارزش‌های الهی و معنوی ایجاد کند، باید دارای عده و عده‌ی فراوان باشد. با ابزار مدرن و پیشرفته آشنا باشد، فراز و فرود تمدن‌ها را بشناسد و بالاخره از صعود و سقوط ملت‌ها تجربه بیندوزد تا بتواند حرکتی اساسی و بنیادی را آغاز و رهبری کند و موانع را از سر راه بشر بردارد.

این امر ممکن نیست مگر از کسی که طلوع و غروب تمدن‌ها را دیده و با کوله‌باری از تجربه و شناخت به میدان آمده باشد.

بدین سان امام زمان (عج) در دوران طولانی غیبت راه‌های ایجاد جامعه‌ی صالح را در مقایسه با دنیای فاسد پایه‌گذاری می‌کند و با آگاهی و اقتدار و در زمانی مناسب به اجازه‌ی خداوند ظهور می‌کند. در این حال او بر همه‌ی تاکتیک‌ها و روش‌های دنیای بشری محیط است، راه مقابله با آن را به درستی می‌شناسد و این مسأله در دوران طولانی امامت و غیبت تا ظهور برای آن حضرت ممکن می‌شود. غیبت و طول عمر باعث می‌شود که آن رهبر ذخیره شده به گونه‌ای نیکوتر و فراگیرتر رهبری خویش را آغاز کند. لازمه‌ی انقلابی آن چنان بزرگ و عمیق موقعیت روحی ویژه‌ای است که رهبر مکتبی باید از آن برخوردار باشد. میزان توانایی روحی بستگی دارد به نشیب و فرازها و دگرگونی‌هایی که آن رهبر به خود دیده است.

مهدی (عج) در دل تاریخ فرو رفته، از موقعیت امامت و برتری خویش بر تاریخ پرتو افکنده و با آزمودگی و تجربه‌ای که در این مدت طولانی کسب کرده است، توانایی دگرگونی اساسی جهان را خواهد داشت و به اصلاح همه جانبه دست خواهد زد.<sup>۱</sup>

### دلیل زنده بودن مهدی موعود (عج)

این که مهدی موعود (عج) از زمان غیبتش تاکنون زنده و باقی است و هیچ‌گونه اشکالی

(۱) طول عمر امام زمان، محسن علوی پیام، ص ۷۱ تا ۷۶.

در بودنش نیست، به دلیل زنده بودن عیسی (ع) و خضر و الیاس از اولیای خدا و زنده بودن دجال و شیطان از دشمنان خداست. چه این عده به استناد کتاب خدا و سنت پیامبر تاکنون زنده‌اند و اهل حدیث در این زمینه اتفاق نظر دارند ولی بودن مهدی را منکرند. آن‌ها از دو نظر وجود مهدی را انکار کرده‌اند یکی به علت طول زمان غیبتش و دیگری بودن وی در سرداب بدون اینکه کسی برای او آب و غذایی بیاورد و می‌گویند که این عادتاً محال است. محمد بن یوسف بن محمد گنجی شافعی در کتاب خود می‌گوید: با امداد الهی در حل این مشکل می‌گوییم دلیل زنده بودن عیسی آیه ۱۵۷ سوره ی نساء<sup>۱</sup> است. یعنی تمام اهل کتاب پیش از مرگ حضرت عیسی (ع) و قبل از روز قیامت به وی ایمان می‌آورند او بر آن‌ها گواه است. در صورتی که همه می‌دانیم نصاری (مسیحیان) و اهل کتاب (مسیحیان و یهودیان) از موقع نزول این آیه تاکنون به او ایمان نیاورده‌اند. پس ناچار باید در آخر الزمان باشد. از اخبار پیامبر (ص) این است که مسلم در صحیح خود (از اهل سنت) ضمن حدیث مفصلی درباره‌ی خروج دجال می‌گوید: پیامبر (ص) فرمود... پس عیسی بن مریم در مشرق دمشق، جنب مناره‌ی سفید، بین (مهروده) در حالی که دو دست خود را روی شانه‌ی دو فرشته نهاده فرود می‌آید. و نیز پیامبر فرمود: چگونه خواهید بود وقتی که عیسی بن مریم در میان شما فرود می‌آید و امام شما میان شما باشد...؟! و درباره‌ی خضر و الیاس نیز محمد بن جریر طبری می‌گوید آن‌ها در زمین می‌گردند و نیز مسلم در کتاب «صحیح» از ابوسعید خدری نقل می‌کند که پیامبر (ص) ضمن حدیثی طولانی که درباره‌ی دجال برای ما بیان می‌کرد، فرمود: او قدم به کوچه‌های مدینه نمی‌گذارد بلکه به شوره‌زاری نزدیک مدینه روی می‌آورد در آن موقع مردی که بهترین خلق است به سوی او می‌رود و می‌گوید:

(۱) و گفتارمان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم در حالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند لکن امر بر آن‌ها مشتبه شد و کسانی که در باره‌ی قتل او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند و قطعاً او را نکشتند (۱۵۷) بلکه خدا او را به سویی خود برد و خداوند توانا و حکیم است. (۱۵۸)

می‌دانم که تو همان دجال هستی که پیامبر (ص) به ما خبر داده است!

دجال به مردم می‌گوید: اگر من این مرد را کشتم سپس زنده کردم، باز در حقانیت من شک خواهید کرد؟ مردم گویند: نه! آنگاه آن مرد را می‌کشد و سپس زنده می‌کند. چون آن مرد (در ظاهر و به نظر مردم) زنده می‌شود می‌گوید: به خدا من در شناختن تو از تو بیناترم (یعنی تو را ساحری بیش نمی‌دانم) دجال دوباره آهنگ کشتن او می‌کند و کاری از پیش نمی‌برد.

ابواسحق ابراهیم بن سعد گفته است: گویند این مرد (که ظاهراً دجال او را می‌کشد) خضر پیامبر است. این روایت را عیناً مسلم در صحیح خود آورده است.

و دلیل بر زنده بودن دجال روایت «تممیم داری» است که حدیثی حسن و صحیح است و مسلم در صحیح خود آورده و گفته است این روایت صریح در زنده بودن دجال است. و دلیل بر زنده بودن شیطان آیه‌ی سه سوره‌ی حجر است که می‌فرماید: شیطان (پس از سرپیچی از فرمان خداوند در سجده کردن به آدم و مغضوب شدن) گفت: خداوندا، به من مهلت بده تا روزی که بندگانت برانگیخته شوند. خداوند فرمود تو از جمله‌ی مهلت داده شدگانی تا روز و موقع معلومی.

# فصل پنجم

## دلیل عقلی و نقلی بر وجود امام زمان (عج)

و در دلیل زنده بودن مهدی موعود آیه‌ی نهم سوره‌ی صف می‌فرماید: لیظهره علی الدین کُلُّهٖ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. تا غالب و چیره شود بر همه‌ی آیین‌ها اگرچه مشرکان ناخوش دارند (نخواهند). این آیه درباره‌ی قائم آل محمد (ص) است و او امامی است که خداوند او را بر همه‌ی کیش‌ها غلبه می‌دهد و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد.

و نیز از ابوبصیر روایت کرده که گفت: از امام هشتم از آیه‌ی نهم صف پرسیدم فرمود؛ هنوز موقع وقوع این آیه نرسیده است. عرض کردم؟ قربانت کردم! کی موقع آن فرا خواهد رسید؟ فرمود؛ زمانی که قائم ما قیام کند. چون قیام کند، هر جا کافر و مشرکی باشد ظهور او را ناخوش دارد تا جایی که اگر کافری در دل سنگی پنهان شده باشد، سنگ صدا می‌زند؛ ای مؤمن کافری یا مشرکی در من پنهان شده است. او را بکش. خداوند او را بیرون می‌آورد و یاران قائم او را به قتل می‌رسانند. در تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی مانند این روایت را آورده و می‌گوید: آن سنگ صدا می‌زند ای مؤمن مشرکی در من پنهان شده مرا بشکن

و او را بکش<sup>۱</sup>.

و نیز در کنز الفوائد از عبایه‌ی ربعی نقل شده که علی (ع) فرمود: «آیه‌ی نهم سوره‌ی صف درباره‌ی قائم ماست که خداوند رسول و فرستاده‌ی خود را بعد از این ظاهر خواهد کرد. به خدایی که جانم در دست اوست در زمان ظهور او قریه‌ای (دهی) نیست که صبح و شام بانگ اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله از آن بلند نشود.

و هم در آن کتاب از ابن عباس روایت کرده که درباره‌ی لیظهر علی الدین (۹ - صف) سؤال کردم گفت این در زمانی است که تمام یهودیان و مسیحیان و پیروان هر آیینی به دین حنیف اسلام بگردند و گرگ میش و گاو شیر و انسان و مار از جان خود ایمن باشند.

شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال از محمد بن سلیمان و او از پدرش روایت می‌کند که گفت: از امام جعفر صادق پرسیدم هل أتیک حدیث الغاشیه [آیا آن داستان فروگیرنده به تو رسیده است] آیه‌ی اول سوره‌ی غاشیه [یعنی چه؟ فرمود: مقصود قائم ماست که اهل باطل را با شمشیر فرو می‌گیرد. گفتیم: وَجُوهٌ یَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (صورت‌های آن‌ها در آن روز خاضع است) آیه‌ی دوم غاشیه [یعنی چه؟ فرمود: آن‌ها بر خلاف دستور خدا عمل می‌کنند و والیان ظالم منصوب می‌دارند. گفتیم: تصلی ناراً حامیه (در آتش سوزان بیفتند) یعنی چه؟ فرمود: در موقع ظهور قائم ما در آتش بسوزند و در سرای دیگر در دوزخ درافتند.

و باز سعید بن جبیر روایت می‌کند که آیه‌ی لیظهره علی الدین کله مقصود مهدی است که از عترت (فرزندان) فاطمه (س) است.

مقاتل بن سلیمان و پیروان او گفته‌اند: مقصود خداوند از آیه‌ی ۶۱ زخرف و إِنَّهُ لَعَلَمُ السَّاعَةِ (همانا آن علمی است بساعت) مهدی آخر الزمان است که بعد از ظهور او نشانه‌های روز قیامت آشکار می‌شود.

(۱) فرات بن ابراهیم کوفی در سفینه البحار می‌نویسد وی از استادان علی بن بابویه قمی است. او تفسیری دارد که به زبان اخبار نوشته و بیشتر آن‌ها درباره‌ی امامان علیهم السلام است و مجلسی و شیخ صدوق و حکانی او را محل اعتماد دانسته و از وی حدیث روایت کرده‌اند.

و پاسخ کسی که از راه طول عمر امام زمان وارد شده، دو گونه است: یکی عقلی و دیگر نقلی. **در جواب نقلی** گوئیم: از روایات گذشته دانستیم که سه نفر در آخر الزمان خواهند آمد و هیچ یک جز مهدی پیشوا نیست. زیرا وی امام مردم است و عیسی (ع) پشت سر او نماز می‌گذارد و سومی که دجال است و بودنش نزد اهل حدیث (شیعه و سنی) مسلم است. **اما در جواب عقلی** می‌گوئیم: بودن اینان از دو حال خارج نیست: یا بودن آنها میسر و مقدر خداوند است یا محال است و مقدر خدا نیست که آنها را در این مدت طولانی زنده نگاه دارد. قسم دوم باطل است، زیرا خداوندی که مخلوقات را از نیستی به هستی در آورده و بعد نابود می‌کند و بعد از نابودی دوباره به صورت نخست بر می‌گرداند، البته نگاه داشتن آنها در حیطه‌ی قدرت او خواهد بود. در حالی که بودن آنها مقدر خداوند است، از دو حال بیرون نیست: یا بودن آنها به اختیار خداست یا به میل مردم است. بدیهی است که به میل مردم نیست زیرا اگر مردم چنین قدرتی داشتند، برای یکی از ما ممکن بود که خود یا فرزندان همیشه زنده بمانیم. در صورتی که می‌دانیم این امر برای ما حاصل نمی‌شود و از قدرت ما خارج است.

پس ناچار باید بگوئیم بقای آنها در طول این مدت به اختیار ذات مقدس الهی است. همچنین یا بودن آنها بدون علت است، یا علتی دارد. اگر بدون علت باشد، بی حکمت خواهد بود و چیزی که حکمت ندارد، داخل در افعال الهی نیست. پس ناچار بقای آنها باید علتی داشته باشد که حکمت الهی اقتضا دارد. دلیل بقای عیسی را در آیه‌ی *وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ يَبَيِّنُ لَكُمْ دِجَالَ لَعِينٍ* می‌گوئیم؛ نشانه‌های او را که پیامبر (ص) فرموده، مردی است یک چشم دارد و کوهی از غذا در همه جا همراه وی است، تاکنون واقع نشده پس ناچار باید آمدن وی در آخر الزمان باشد.

برای استدلال بر وجود امام مهدی (عج) می‌گوئیم: از موقعی که غیبت فرموده تا کنون، بر طبق آن چه اخبار مژده داده زمین پر از عدل و داد نشده است. بنابراین باید این نشانه‌ها در آخر الزمان ظاهر شود. این بود آن چه درباره‌ی بقای عیسی (ع) و مهدی (عج) و دجال علیه اللعنه بیان شده است. پس وقتی که عیسی و دجال زنده‌اند و محدثین اهل تسنن هم آن را



قبول دارند، چه مانعی دارد که مهدی (عج) یادگار پیامبر (ص) و نماینده‌ی او نیز به اختیار و قدرت الهی زنده باشد. به ویژه که بودن مهدی (عج) از آن دو اولی‌تر و برتر است. زیرا بقای مهدی (عج) که امام آخرالزمان است و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، مصلحتی برای مکلفین دارد و لطفی از ناحیه‌ی خداوند به بندگانش است.

وجود و خروج دجال هر چند موجب فساد عقیده‌ی مردم می‌شود - چون وی ادعای خدایی می‌کند و مردم را به قتل می‌رساند - خود امتحانی است که طی آن دین‌دار و گناهکار و مصلح و مفسد از هم تمیز داده می‌شوند.

و همچنین بقای عیسی (ع) و آشکار شدن او در آخرالزمان باعث ایمان آوردن اهل کتاب و تصدیق خاتمیت پیامبر اسلام می‌شود، ایمان مؤمنان را محکم و ادعای امام را نزد منکرین تصدیق می‌کند زیرا پشت سر حضرت نماز می‌گزارد و او را یاری می‌کند مردم را به دین اسلام فرا می‌خواند. پس بقای مهدی اصل و آمدن عیسی و خروج دجال فرع آن است. و پاسخ کسانی که از راه بودن در سرداب، منکر وجود او شده‌اند نیز به دو گونه است: یکی این که (به عقیده‌ی محدثین) عیسی علیه‌السلام نیز در آسمان است بدون این که در روایتی وارد شده باشد، بدون این که کسی برای او نان و آب ببرد. در حالی که او هم مانند مهدی (عج) بشر است. وقتی که بودن وی بدین گونه در آسمان نزد منکرین مسلم است، بودن مهدی در سرداب نیز اشکال ندارد!

اگر گفته شود خداوند عیسی را از خزانه‌ی غیبی غذا می‌دهد، می‌گوییم اگر خداوند مهدی را نیز از خزانه‌ی غیبش غذا دهد، خزانه‌ی او خالی نخواهد شد!

اگر گفته شود عیسی با عروج و بالا رفتن به آسمان از طبیعت بشری خارج شده و با مهدی فرق دارد، می‌گوییم این درست نیست زیرا خداوند در باره‌ی اشرف مخلوقات یعنی پیامبر (ص) در آیه‌ی ۱۱۰ سوره‌ی کهف: «ای پیغمبر، بگو من بشری همانند شما هستم با این فرق که به من وحی می‌شود.»

اگر گفته شود این طبیعت ثانوی را عیسی در عالم بالا پیدا کرده است، می‌گوییم این ادعا

احتیاج به اثبات دارد و دلیلی بر اثبات ندارد.

مجلسی مؤلف بحارالانوار گوید: ابن اثیر در کتاب جامع الاصول از چند کتاب صحیح اهل سنت از ابوهریره و جابر بن عبدالله انصاری و عبدالله بن مسعود و علی (ع) و امّ سلیمه و ابوسعید خدری و ابواسحق ده روایت معتبر درباره‌ی ظهور مهدی و نام و اوصافش و نماز گزاردن عیسی در پشت سر او ذکر کرده که ما برای رعایت اختصار از نقل آن خودداری می‌کنیم.

ثعلبی در تفسیر حم عشق با سند خود از پیامبر (ص) روایت کرده که فرمود: «سین» سنا و رفعت امر مهدی (عج) است و «ق» قوت عیسی در موقع آمدن از آسمان است که مسیحیان متمرّد را می‌کشد و کنیسه‌ها (کلیسا، معبد مسیحیان، معبد یهودیان) را ویران می‌کند.

مؤلف بحارالانوار گوید: سید بن طاووس از کتاب جمع بین صحاح ششگانه اهل سنت و هم از کتاب فردوس و مناقب ابن مغازلی و مصابیح ابو محمد حسین بن مسعود قراء بسیاری از روایات گذشته را نقل کرده است و سپس می‌گوید: یکی از علمای شیعه کتابی به نام «کشف المخفی فی مناقب المهدی» تصنیف کرده و به دست من رسیده و ۱۱۰ روایت بهتر از آنچه نقل کردیم از محدثین و علمای چهارگانه‌ی اهل سنت آورده است.

در این جا فقط اسامی دانشمندانی که ۱۱۰ حدیث مزبور را در کتب خود آورده‌اند، می‌آوریم تا اهل تحقیق به آن جا مراجعه کنند:

کوتاه سخن، علمای شیعه و اهل سنت درباره‌ی مهدی (عج) و ظهورش بعد از این که جهان پر از ظلم و جور شده باشد آورده‌اند که پس از ظهور، مهدی عزیز روحی و ارواح العالمین له الفداء جهان را پر از عدل و داد می‌کند. اگر واقعاً ایشان زنده نبود، از زبان مخبرین و محدثین و... سخن به این طولانی گفته نمی‌شد. بیهوده سخن بدین درازی نبود. بیابیم با پیروی از دستورات ایشان خود را شیعه‌ی حقیقی و واقعی آن عزیز بزرگوار قرار دهیم تا اگر ظهورشان را درک کردیم، از خجالت سر به گریبان خویش فرو نبریم.

تعداد حدیث	نام مؤلف	نام کتاب
۳ حدیث	بخاری	در کتاب صحیح
۱۱ حدیث	مسلم	در کتاب صحیح
۲ حدیث	حمیدی	در کتاب جمع بین صحیحین
۱۱ حدیث	زید بن معاویه عبدری	در کتاب جمع بین صحاح سته
۷ حدیث	عبدالکریم عبکری	در کتاب فضائل الصحابه
۵ حدیث	ثعلبی	در کتاب تفسیر
۶ حدیث	ابن قتیبه	در کتاب غربت الحدیث
۴ حدیث	ابن شرویه دلمی	در کتاب الفردوس
۶ حدیث	حافظ ابوالحسن دارقطنی	در کتاب مسند فاطمه (س)
۳ حدیث	حافظ ابوالحسن دارقطنی	در کتاب مسند علی (ع)
۲ حدیث	کسائی	در کتاب المتبداء
۵ حدیث	حسین بن مسعود فراء	در کتاب مسند علی (ع)

## حکمت غیبت طولانی

در اینجا پرسشی است که باید بدان پاسخ داده شود:

حکمت و دلیل غیبت آن حضرت در طی این قرون و اعصار طولانی چیست؟ و برای چه منظوری از دیدگان غایب است؟

پاسخ: در روایات پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم السلام در باره‌ی امام عصر (عج) به این نکته تصریح شده که حکمت غیبت آن وجود گرانمایه به فرمان خدا، صیانت از جان گرامی و حیات پر برکت او برای تحقق بخشیدن به نویدها و بشارت‌هاست.

چرا که ما می‌دانیم در رژیم سیاهکار اموی و عثمانی و عباسی و دیگر حاکمان خودکامه که در طی قرون و اعصار در کشورهای اسلامی، به ویژه خاورمیانه حکومت می‌کردند، همواره تلاش و کوشش ارتجاعی خویش را در راه از میان بردن آن مصلح بزرگ جهانی به کار گرفتند. به ویژه پس از دریافت این حقیقت که او طبق آیات و روایات، همان اصلاحگر پرشکوهی است که پایه‌های قدرت ظالمانه‌ی آنان را به لرزه در می‌آورد، کاخ‌های

بیدادگرانه‌ی آنان را منهدم می‌کند و آنان را از تسلط ظالمانه بر سرنوشت بندگان خدا و سرزمین‌های آنان باز می‌دارد.

اگر شما اندکی به زندگی امامان اهل بیت علیهم السلام بنگرید، یکی از آنان را نخواهید یافت که به طور طبیعی از دنیا رفته باشد. آنان را تجاوزکاران به حقوق و هستی جوامع به جرم/ظلم ستیزی آن بزرگواران به شهادت رسانیده‌اند.

از تاریخ نخستین امام راستین امیر مؤمنان علیه السلام آغاز کنید و با تاریخ گام به گام پیش بیایید. خواهید دید که همه‌ی آنان یا با شمشیر یا با سمّ به شهادت رسیده‌اند. حتی حضرت عسکری (ع) را با سمّ به شهادت رساندند، با این که می‌دانستند نویدها و روایاتی که در باره‌ی حضرت مهدی (عج) رسیده است، در باره‌ی آن گرامی نیامده است.

در باره‌ی هیچ یک از امامان نور حتی یک روایت هم نیامده که آن امام جهان را از عدالت لبریز یا بر سراسر جهان حکومت خواهد کرد یا همه‌ی وسایل و امکانات پیروزی کامل برای او فراهم خواهد شد.

با این وصف و با توجه به سفارش‌های مؤکّد و زیادی که پیامبر (ص) درباره‌ی اوصیای خود فرمودند، این گونه بیدادگرانه عمل کردند و همه را به شهادت رساندند. اکنون باید دید که موضع حکومت‌ها و قدرت‌ها در برابر آن اصلاحگر بزرگی که مهم‌ترین خطر برای قدرت و امکانات ظالمانه و استبدادی آنهاست و انبوه آیات و روایات نیز از او به عنوان اصلاحگر زمین و زمان یاد کرده و نوید ظهور و طلوع او را می‌دهد، چگونه خواهد بود؟

با توجه به این سوابق و دستورات الهی، امام حسن عسکری (ع) برای صیانت و نگه‌داری فرزند گرانمایه‌اش مهدی از شرارت‌های فرعونیان تجاوزکار، ولادت فرزندش را مخفی داشت و حکومت عباسی هم برای دست‌یابی به وجود مقدس مهدی (عج) زندگی امام حسن عسکری را سراسر بازرسی و تفتیش کرد تا مهدی اهل بیت (عج) را به دست آورند.

افزون بر آن، پیامبران هم از مکر و ملعنت فرعون‌های زمان خود در امان نبودند زیرا خداوند در آیه‌ی ۹۱ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «بگو اگر شما به خدا ایمان آورده بودید، چرا پیامبران خدا را پیش از این می‌کشتید.» یا در آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «و این بدان سبب بود که آنان به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند.» و در

آیه ۱۸۱ آل عمران می‌فرماید: «به زودی آن چه را به ناروا گفتند و این که پیامبران را به ناروا کشتند (همه را) خواهیم نوشت.» و در آیه ۱۵۵ نساء می‌فرماید: «پس آنان به سبب پیمان شکنی و کفر و رزیدنشان به آیات خدا و با ناحق کشتن پیامبران... خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده است.»

افزون بر این آیات، روایت شده است که سرور شهیدان امام حسین (ع) به عبدالله بن عمر فرمود: «ای ابا عبدالرحمان! آیا نمی‌دانی از پستی و خواری دنیا در پیشگاه خدا همین بس که، سر پیامبری چون یحیی (ع) به بدکاری از بدکاران بنی اسرائیل هدیه شد؟»

آیا نمی‌دانی که بنی اسرائیل از سپیده‌ی فجر تا طلوع خورشید هفتاد پیامبر را می‌کشتند، آن گاه در بازارها برای کسب و کار و خرید و فروش می‌نشستند، چنان که گویی کاری نکرده‌اند و جنایتی مرتکب نشده‌اند!

این از یک سو... از سوی دیگر اگر شما خواننده‌ی عزیز به داستان پیامبران مراجعه کنی، با هزاران درد و رنج از کشتن گرفته تا شکنجه و پوست سر کردن و زنده به گور کردن روبه‌رو خواهی شد که بر آنان باریده است.

آری خداوند، حکیم و فرزانه است و در باره‌ی بندگانش با حکمت و بینش رسای خویش عمل می‌کند. اوست که به همه چیز دانا و آگاه است و به همه‌ی امور بیناست و احاطه دارد و بر هر کاری تواناست. اما حکمت در هر کاری اصلی است و توانایی بر آن کار، اصلی دیگر. حکمت الهی تأخیر ظهور امام عصر (عج) را اقتضا می‌کند. تأخیر تا زمانی مناسب است که تنها خدا خودش می‌داند، نه وقت و هنگامی که بندگان برگزینند. بندگانی که به هر حال به مصالح الهی و فرجام کارها ناآگاه‌اند.

### مهدی در سایر ادیان

آیا عقیده‌ی ظهور موعود به مسلمانان اختصاص دارد یا در سایر ادیان نیز چنین عقیده‌ای هست؟

در پاسخ باید گفت این اعتقاد به مسلمانان اختصاص ندارد بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده مشترک‌اند. پیروان همه‌ی ادیان عقیده دارند که در عصری تاریک و

بحرانی جهان که فساد و بیدادگری و بی‌دینی همه جا را فراگیرد، یک نجات دهنده‌ی بزرگ جهان را اصلاح می‌کند و با نیروی فوق‌العاده‌ی غیبی اوضاع آشفته جهان را به سامان می‌رساند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد. این نوید خوش را در تمام کتاب‌هایی که به عنوان کتاب آسمانی باقی مانده مانند کتاب زند و پازند و کتاب جاماسب‌نامه که از کتاب‌های مقدس زردشتیان است و کتاب تورات و ملحقات آن که کتاب مقدس یهود شمرده می‌شود و کتاب انجیل عیسویان می‌توان پیدا کرد. در کتاب‌های مقدس براهمه و بودائیان نیز کم و بیش این اعتقاد دیده می‌شود.

همه‌ی ارباب ملل و ادیان این عقیده را دارند و در انتظار چنین موعود نیرومند غیبی به سر می‌برند.

هر ملتی او را با لقب مخصوصی می‌شناسد. زردشتیان او را به نام سوشیانس - نجات دهنده‌ی جهان - جهودان به نام سرور میکائیلی، عیسویان به نام مسیح موعود و مسلمانان به نام مهدی منتظر می‌نامند. هر ملتی آن نجات دهنده‌ی غیبی را از خودشان محسوب می‌دارند، زردشتیان او را ایرانی و از پیروان زردشت می‌دانند. جهودان از بنی‌اسرائیل و پیروان موسی می‌شمارند. عیسویان او را هم‌کیش خودشان می‌دانند. مسلمانان، از دودمان بنی‌هاشم و فرزند پیغمبرش می‌شمارند. البته این موعود در اسلام به طور کامل معرفی شده اما در سایر ادیان چنین نیست.

نکته‌ی شایان توجه این است که نشانه‌ها و مشخصاتی که در سایر ادیان برای آن نجات دهنده‌ی بزرگ ذکر شده، بر مهدی موعود اسلام یعنی فرزند بلافصل امام حسن عسکری نیز منطبق است. می‌توان او را از نژاد ایرانی شمرد زیرا مادر حضرت سجاد که جد امام زمان است، یک شاهزاده خانم ایرانی بوده به نام شهربانو دختر یزدگرد پادشاه ساسانی.

از دودمان و خاندان بنی‌اسرائیل نیز شمرده می‌شود، زیرا بنی‌هاشم و بنی‌اسرائیل هر دو از نسل حضرت ابراهیم به وجود آمده‌اند. بنی‌هاشم از فرزندان اسماعیل هستند و بنی‌اسرائیل از اولاد اسحاق. پس بنی‌هاشم و بنی‌اسرائیل در واقع از یک خاندان محسوب می‌شوند. به عیسویان نیز نسبت دارد، زیرا بر طبق بعضی روایات، مادر حضرت صاحب الامر یک شاهزاده خانم رومی بوده به نام نرجس (نرگس) که داستان شگفت‌انگیز

آن در کتاب‌ها آمده است.

اصولاً این مطلب درست نیست که مهدی، نجات دهنده‌ی جهان را به یک ملت معینی اختصاص دهیم. او می‌آید که با عناوین اختلاف‌انگیز از قبیل این نژاد و آن نژاد، این دین و آن دین، این ملت و آن ملت، این کشور و آن کشور مبارزه کند. بنابراین باید او را مهدی موعود جهانیان شمرد. نجات دهنده و حمایت کننده‌ی حزب خداپرستان است. پیروزی او پیروزی تمام انبیا و پیامبران و مردان صالح است. از دین اسلام، یعنی دین تکامل یافته‌ی آیین حضرت ابراهیم و موسی و عیسی و سایر ادیان آسمانی حمایت می‌کند. از دین واقعی موسی و عیسی که به بعثت (ص) محمد و نبوت او بشارت داده‌اند، طرفداری می‌کند. ناگفته نماند که ما نمی‌خواهیم برای اثبات مهدی موعود (عج) به بشارت‌های کتب قدیم استدلال کنیم و اصولاً احتیاجی بدان‌ها نداریم. بلکه می‌خواهیم بگوییم عقیده به ظهور یک نجات دهنده‌ی فوق‌العاده‌ی جهانی، یک عقیده‌ی مشترک دینی است که از مصدر وحی سرچشمه گرفته و همه‌ی پیامبران آن را بشارت داده‌اند و همه‌ی ملل در انتظار آن هستند، اما در تطبیق آن خطا شده است.

### عقیده به ظهور مهدی علیه السلام عقیده‌ای اسلامی است.

برخی از کسانی که با تعصب کورکورانه و دشمنی با شیعه حقایق دینی و علمی را بررسی کرده‌اند و افکار مسموم و آلوده به غرض‌های سیاسی دشمنان اسلام را ترویج می‌کنند، از راه راست و حقیقت منحرف شده‌اند و در ضمن سخنان و مقالات خود گاهی عقیده به ظهور مهدی را یک عقیده‌ی شیعی معرفی کرده‌اند و از این که آن را عقیده‌ای اسلامی بدانند که دیگر فرقه‌های اسلامی نیز بر آن اتفاق نظر دارند، خودداری می‌کنند.

برخی نیز علاوه بر تعصب و نفاق، در اثر کم‌اطلاعی از تاریخ و حدیث و تفسیر و رجال و نداشتن تبحر و تحقیق در مسایل اسلامی و آشنایی مختصر با علوم مادی عصر، می‌خواهند به تمام مسایل دینی از دریچه‌ی علل و اسباب مادی بنگرند و آن چه را که نمی‌توانند به علل مادی مستند کنند و از درک راز و فلسفه‌ی آن عاجزاند، تاویل و تحریف

می‌کنند یا از اساس به انکار آن می‌پردازند.

از این رو در کنج اطاق در بسته‌ی خود می‌نشینند، قلم به دست می‌گیرند و در مسایل اسلامی و دینی که از حدود مطالعاتشان خارج است، گستاخانه اظهار نظر می‌کنند و حقایق مسلم مسلمانان را که از آیات و احادیث گرفته شده انکار می‌کنند. مثلاً مایل اند بیشتر از معجزات علمی قرآن و تشریحات اسلام و برنامه‌های عالی و مترقی آن سخن بگویند و از معجزات دیگر پیامبر و سایر انبیا و تصرفات خارق‌العاده‌ی آنها در امور مادی حرفی به میان نیاورند چرا که شاید به ذائقه‌ی یک بچه تازه دانشجو شده خوب مزه نکند یا یک نفر بی‌اطلاع آن را بعید بشمارد.

اینان گمان می‌کنند صحت و واقعیت هر موضوع وابسته به این است که هر کس بتواند آن را درک یا هر دانشمندی آن را تصدیق کند، و با تلسکوپ و میکروسکوپ و لابراتوار و وسایل فنی و صناعی وجود آن ثابت شود.

اینان می‌گویند بهتر این است که انبیا را هر چه بتوانیم افرادی عادی معرفی کنیم و از نسبت دادن معجزات به آنها تا می‌شود خودداری ورزیم. همچنین بهتر می‌دانند که حوادث عالم را هم به خداوند متعال نسبت ندهند و از قدرت و حکمت و علم و قضا و قدر او نیز صریحاً سخنی به میان نیاورند. و هر چه بگویند، از طبیعت و ماده بگویند و به جای سپاس و ستایش خدا، سپاس ماده را به جا آورند تا با برخی از آنان که چند کلمه از علوم مادی یاد گرفته و چند اصطلاح و فورمول و فرضیه‌ی فیزیکی و شیمیایی و ریاضی را خصوصاً به زبان انگلیسی و فرانسوی شنیده‌اند، هم‌زبان باشند.

این روحیه متأسفانه کم و بیش به همه سرایت کرده و در همه جای زندگی آثارش نمایان است و بیشتر کسانی که تحت تأثیر این روحیه هستند، افراد خام و اشخاصی هستند که در علوم قدیم و جدید اهل تحقیق و کنجکاوی نیستند و یک فرضیه یا اظهار نظر یک نفر غربی را هر چند آلوده به اغراض سیاسی و استعماری باشد، صددرصد صحیح می‌شمارند. بعضی روزنامه‌ها و مجلات و مطبوعات هم تحت تأثیر این عوامل دانسته یا نادانسته به مقاصد



استعماری خدمت می‌کنند<sup>۱</sup>.

(۱) یکی از دانشمندان مصری می‌گوید هنگامی که در فرانسه تحصیل می‌کردم، در ماه رمضان در مجلسی شرکت داشتم. رییس مدرسه (دانشکده) به من سیگار تعارف کرد. من عذر خواستم. علت را پرسید. گفتم ماه رمضان است و روزه‌ام. گفت گمان نمی‌کردم تو دیگر به این خرافات پا بند باشی. پس از پایان مجلس یک پروفیسور هندی که در آن مجلس بود، گفت: مایلیم فردا شما را در فلان محل ملاقات کنم. فردا به ملاقات او رفتم. مرا به کلیسا برد و از دور رییس دانشکده را به من نشان داد گفت آن کیست؟ گفتم فلانی است. گفت چه کار می‌کند؟ گفتم: عبادت می‌کند. گفت: این‌ها ما را به ترک عادات و سنن و وظایف دینی خود می‌خوانند و خودشان این‌گونه مواظب ادای برنامه‌های مذهبی خود هستند.

به نظر ما باید با این بیماری خطرناک که در اثر تلقین بیگانگان و استعمارگران و احساس ضعف در جنبه‌های صناعی و میکانیکی پیدا شده و مثل خوره شخصیت و استقلال فکر مردم شرق و ملل اسلامی را می‌خورد و بعضی را چنان در منجلاب تقلید از عادات زشت غربی‌ها غرق کرده که از خود آن‌ها نیز داغ‌تر شده‌اند باید یک مبارزه‌ی دامنه‌دار و پی‌گیر بر اساس عقل و منطق و احترام به سنن و تعالیم عالیه اسلام مقابله شود.

آری بعضی از شرقی‌ها چون خود را ضعیف می‌بینند، در برابر مظاهر تمدن مادی غرب خود باخته شده و عادات و اخلاق و لباس و روش‌های ملی و دینی خود را ترک کرده‌اند و به عادات و روش‌های ناپسند غربی‌ها افتخار می‌کنند و در مجامع و مجالس خودمان رفتاری مانند آن‌ها دارند. اما غربی چون باد به بینی‌اش افتاده و به ثروت و صنایع و قوه‌ی مادی خود غرّه شده، در برابر شرقی‌ها عادات خود را هرچه هم سخیف و حیوانی و خرافی باشد با افتخار و باشکوه و تشریفات حفظ می‌کند.

بسیاری از شرقی‌های غرب زده به جای آنکه صنایع و علوم را از غرب فرا بگیرند و خود را از آن‌ها بی‌نیاز کنند تا خودشان مالک دریا و زمین و هوا و معدن خود شوند، تقلید کور کورانه از بیگانگان را شعار خود قرار داده‌اند و قدرت آن که در مجامع آن‌ها با لباس ملی خود مثلاً بدون کراوات حضور یابند، ندارند. جز افرادی مانند زمامداران هند مثل دکتر ذاکر حسین رییس جمهور سابق هند و سران حجاز و مراکش و برخی دیگر که در مجامع بین‌المللی و محافل رسمی با همان لباس و روش ملی خود شرکت می‌کنند، اکثر در مجامع و محافل غربی‌ها از آداب آنان تقلید می‌کنند.

چه قدر محبوب و زیباست استقلال روح و چه قدر محترم است آن مسلمانی که در مجالس و ضیافت‌هایی (ادامه‌ی پاورقی در صفحه‌ی بعد)

فکر نمی‌کنند که بیشتر مردم آمریکا یا زمامداران آنها در مسایل علمی و عقلی و فلسفی و دینی عوام و بی‌اطلاع و مغرض‌اند (و بلکه بر طبق آمار رسمی ۸۱ درصد آنان ناقص‌العقل و مبتلا به ضعف مشاعر و قوای دماغی و روانی‌اند) و بر اساس هدف‌های سیاسی پست و دور از شرافت انسانیت در هر نقطه‌ای از نقاط دنیا مطابق مصالح سیاسی خود حرفی می‌زنند و حساب علما و دانشمندان آنها با حساب اکثریت غرق در فساد و شهوات جداست.

این‌ها در حالی که میان خودشان هزار جور خرافات رواج دارد، شرقی‌ها را به عادات و اخلاقی که مبتنی بر مبانی عقلی و اجتماعی و اخلاقی و دینی صحیح است، استهزا می‌کنند. این حالت را که در شرق پیدا شده غرب زده‌گی می‌گویند و مظاهر و نمایش‌های آن بسیار است و اجمالاً همه چیز را تهدید می‌کند و جامعه و خانواده‌های اسلامی را در برخی کشورها مسخ و عفت و حیا و اخلاق فاضله را چنان در معرض زوال قرار داده که در آینده باید همان سرنوشت کشور اسلامی اندلس (اسپانیا) را استقبال کنند.<sup>۱</sup>

(ادامه‌ی پاورقی از صفحه‌ی قبل)

که غربی‌ها به افتخارش می‌دهند، مشروبات الکی مصرف نمی‌شود و چه قدر با افتخار است آن مسلمانی که در مسکو مهمان رسمی حکومت کمونیسم است و برای ادای نماز به مسجد می‌رود. چه قدر شرافتمند و خود ساخته است مسلمانی که در آمریکا از رفتن به کلیسا برای تماشا و از گرفتن قرض ربوی خودداری می‌کند و چه قدر عظیم و با اراده است آن مسلمانی که در جامعه‌ی ملل وقتی سخن‌رانی می‌کند، «بسم الله الرحمن الرحیم» می‌گوید، در نمازش روزی بیست مرتبه «بسم الله الرحمن الرحیم» می‌گوید و از آغاز کتاب‌هایش این جمله‌ی نورانی را که وحی آسمانی است، حذف نمی‌کند. چقدر ذلیل و خوارند آنها که از عادات و روش بیگانه تقلید می‌کنند و چقدر کوچک و فرومایه و حقیر است آن ملتی که لباس و روش‌های دینی و ملی خود را ترک می‌کند و در مجالس و محافل لباس‌های دیگران را می‌پوشد و زن و مردش از شخصیت و اعتماد به نفس محروم شده است.

۱) حکومت به اصطلاح اسلامی اندلس با کفار و بیگانگان قراردادهای و معاهداتی برخلاف اصول و احکام اسلام بست که در نتیجه پای نفوذ مسیحیت در کشور باز شد و فحشا و فروش مشروبات آزاد و (ادامه‌ی پاورقی در صفحه‌ی بعد)

در زمان ما متأسفانه غرب‌زدگی و خودباختگی در برابر عادات و اخلاق غربی‌ها و اظهار اشتباهی کاذب به تجدیدی که عین ارتجاع است، پیش مردمی که سطح معلوماتشان از حدود روزنامه و مجلات و یکی دو سفر به اروپا و آمریکا بیشتر نیست، روشنفکری شمرده می‌شود و بیگانگان نیز با وسایلی که دارند حتی از طریق افرادی به نام مستشرق و خاورشناس برای غرض‌های سیاسی خود این اشخاص را تشویق می‌کنند.

در موضوع ظهور مهدی موعود (عج) نیز اخیراً چند تن از برادران غرب‌زده‌ی سنی ما مانند احمد امین و عبدالحسیب طه حمیده در حالی که احادیث مهدی را نقل کرده‌اند به شیعه حمله کرده و مثل آن که شیعه را در این عقیده تنها یافته باشند یا مأخذ و مدرکی برای این عقیده در کتاب و سنت و اقوال صحابه و تابعین و علمای امت نباشد، ایراداتی بی‌اساس وارد کرده‌اند و خود را روشنفکر و متفکر و صاحب آرای جدید می‌شمارند.

شاید نخستین کسی که خواست احادیث ظهور مهدی (عج) را تضعیف کند و از عهده بر نیامد، ابن خلدون مغربی باشد که در محیط افکار اموی و بغض اهل بیت در باب مسایل اسلامی بحث کرد.

دولت اموی اندلس به قول عقاد برای شرق اسلامی تواریخی ایجاد کرد که نه مورخان آن‌ها را نوشته‌اند و نه اگر می‌نوشتند آن گونه می‌نگاشتند. محیط اندلس مورخانی تربیت کرد که توانایی نقد و رد افکار اموی را نداشتند و ابن خلدون از همان افراد است که تحت نفوذ و

(ادامه‌ی پاورقی از صفحه‌ی قبل)

بانوان و مردها مانند مسیحی‌ها با هم آمیزش یافتند و مجالس شب‌نشینی‌ها و اجتماعات دسته‌جمعی زن/و مرد و رقص و ساز و آواز غیرت و حمیت و اخلاق اسلامی را از میان برد و مستشاران بیگانه در شؤون مملکت اسلامی دخالت پیدا کردند تا حالتی پیدا شد که اندلس اسلام به یک کشور مسیحی تبدیل و آفتاب علم و تمدن معارف اسلام در آن جا چنان غروب کرد که امروز جز آثار عصر طلایی حکومت مسلمین از ابنیه و مساجد و کاخها که یادگار علم و صنعت و تاریخ طلایی آن کشور است، چیز از اسلام در آن جا باقی نمانده است. نفرین بر فحشا و فساد و جاه‌طلبی و نفاق و اختلاف، نفرین بر زمامداران مزدور و بیگانه پرست.

تربیت و تفکر سیاسی خاص، از واقع بینی در این مسایل محروم بود. او مایل بود که فضایل اهل بیت را انکار یا به نحوی از انحا توهین و تضعیف کند، به دفاع از بنی امیه برخیزد و مطاعن آنها را رد کند تا آن جا که معاویه را بقیه‌ی خلفای راشدین بشمرد.

ظهور مهدی اهل بیت علیهم السلام را هم چون از اولاد فاطمه و از بزرگ‌ترین مفاخر دودمان رسالت است، با همین روحیه‌ی بغض و عداوت اهل بیت مطرح کرده و با آن که احادیث مربوط به آن را به بیرون آورده و از عهده‌ی نقد و تضعیف آنها بر نیامده، دست به دامان استبعاد زده و آن را بعید شمرده است.

جمعی از ارباب تحقیق و دانشمندان اهل سنت به سخنان ابن خلدون و امثال او پاسخ‌های دندان شکن داده و خطا و لغزش او و این اشخاص به اصطلاح روشنفکر را روشن ساخته‌اند.

**استاد احمد محمد شاکر عالم معروف و معاصر مصری در مقالید الكنوز می‌گوید:**  
«ابن خلدون از چیزی که به آن علم ندارد پیروی کرده و خود را در مهلکه انداخته است. مشاغل سیاسی و امور دولتی و خدمت امیران و پادشاهان بر او غلبه یافته و گمان کرده عقیده به ظهور مهدی عقیده‌ی شیعه است. در مقدمه فصل طویلی نگاشته و در تناقض گویی‌های عجیب افتاده و غلط‌های روشن کرده است.» سپس استاد شاکر برخی غلط‌های او را نقل کرده و می‌گوید: «او احادیث مهدی را تضعیف کرده به علت فکر و روش سیاسی خاصی که داشته است این فصل از مقدمه‌ی ابن خلدون پر است از غلط‌های بسیار در نام‌های رجال و علل احادیث. البته احدی نباید به آن اعتماد کند.»

استاد احمد بن محمد صدیق کتابی نوشته در رد ابن خلدون در این موضوع به نام «ابراز الوهم المکنون عن کلام ابن خلدون» و به طور مشروح به او پاسخ داده و او را (بدعت‌گذار) شمرده است.

هرچند آقایان علمای اهل سنت به این سخنان یاوه جواب داده و ثابت کرده‌اند که عقیده به ظهور مهدی عقیده‌ی خالص اسلامی است و محل اجماع و اتفاق امت است، توضیحاً می‌گوییم:

۱ - هر فکر و عقیده‌ای که از شیعه باشد، فکر و عقیده اسلامی است و شیعه جز عقاید

درباره‌ی تفرقه و اختلاف در مقاله‌ی «عقیده به ظهور مهدی و قیام مدعیان مهدویت» توضیح داده شد که تمام عناوین و حقایق هدف دستبرد و سوء تعبیر صاحبان اغراض فاسد قرآن گرفته و حتی مفهوم یگانگی و وحدت ملی و دینی هم وسیله‌ی تفرقه شده و به نام تحصیل اتحاد چه بسا اختلاف به وجود آمده و به اسم حفظ وحدت، تفرقه ایجاد شده است.

اما این سوء استفاده‌ها زیانی به حسن اتحاد و لزوم آن نمی‌زند.

ایمان به ظهور مهدی (عج) هم مثل دیگر عقاید اسلامی باید قدر مشترک و وسیله‌ی اتحاد باشد. شما مقصر هستید، زیرا موضوعی را که امت بر آن اتحاد و اتفاق دارند و اعتبار مدارک و مآخذ آن از بسیاری از عقاید و مسایل اسلامی قوی‌تر است، انکار می‌کنید و اختلاف و تفرقه ایجاد می‌نمایید.

اما درباره‌ی نزدیک بودن ساعت قیامت. اولاً ایمان به نزدیکی قیامت مدلول (دلالت و رهنمون شده) و منطوق (گفته شده) آیات محکم و صریح قرآن مجید است.

ثانیاً این ایمان به هیچ وجه علت ضعف و سستی نمی‌شود، بلکه سبب قوت تصمیم و اهتمام در ادای تکلیف و خلوص نیت و تهذیب اخلاق و وسیله‌ی انذار و ترغیب به کارهای خیر و اعمال صالح است.

شما چون در رد و قبول حقایق به غلط نتایج مادی را میزان قرار داده‌اید، می‌خواهید خبر اقتراب ساعت (نزدیکی قیامت) هم مستقیماً سبب فتح کشورها و دعوت به اختراع و پیشرفت امور صناعی و مادی باشد و از تأثیر معنوی و اخلاقی و رابطه‌ی آن با سازمان صحیح اجتماعی و مدینه‌ی فاضله‌ای که منظور اسلام است غفلت می‌کنید و فراموش کرده‌اید که دعوت انبیا و تعلیم و تربیت آن‌ها بر اساس ایمان به مبدأ و معاد است.

مسلمانان با این ایمان به مبدأ و معاد و اقتراب ساعت، کشورهای بزرگ را فتح کردند، پرچم اسلام را در دورترین نقاط به اهتزاز درآوردند و اعلان آزادی انسان‌ها را در جهان انتشار دادند.

با این ایمان جهانیان را به علم و دانش و تفکر و تحقیق و کنجکاوی و ترقی علمی و صناعی دعوت کردند، علمدار علم و تمدن شدند و در هر رشته از علوم تجربی بزرگ‌ترین

دانشمندان را به دنیا تحویل دادند.

در باره‌ی تعیین وقت قیام و قیامت هم که می‌گویید سبب انحراف و گمراهی شده و فلان صوفی حقه‌باز سنی وقتی برای آن معین کرده و گله از برادران صوفی سنی خود کرده‌اید، البته حق دارید. ولی اگر کسی این سخنان را باور کرد، گنااهش به گردن شما رهبران اهل سنت است که افکار را روشن و مسلمانان را به معارف قرآن راجع به مبدأ و معاد آشنا نمی‌کنید. قرآن صریحاً علم قیام ساعت (لحظه‌ی قیامت) را مخصوص خدا دانسته و ما معتقدیم که کسی از آن آگاه نیست و هرکس برای آن وقتی معین کند، دروغ‌گو و راهزن است و اکثریت، بلکه قاطبه‌ی عوام مسلمان از سنی و شیعه تا خواص و علما می‌دانند که کسی از تاریخ قیام ساعت خبر ندارد و علم آن نزد خداوند متعال است (ان الله عنده علم الساعة). حال اگر نادانی در این موضوع اظهار علم کند نه پذیرفته می‌شود و نه کسی به آن اعتنا می‌کند. این‌ها سبب ضعف و سستی مسلمانان نیست. سبب ضعف، کتمان حقایق و سیاست‌های سوء زمامداران و منحرف کردن جامعه از برنامه‌های اسلامی است.

ایمان به ظهور مهدی علیه‌السلام نیز مانند قیام ساعت و نزدیکی قیامت سبب ضعف و شکست و سستی در انجام تکالیف نیست. هیچ کس نگفته چون مهدی ظهور می‌کند، تکالیف ساقط است و مسلمانان در برابر کفار و حملات آن‌ها تکلیفی ندارند و باید دست روی دست بگذارند.

هیچ کس نگفته آیه‌ی (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة...) و آیات راجع به امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر و دفاع از اسلام و وظایف اجتماعی و سیاسی را نباید اجرا کرد.

کسی نگفته است ایمان به ظهور مهدی برای افراد سست عنصر و ضعیف‌الاراده و بهانه‌جو و کسانی که ظلم و استعمار اجانب را در بلاد اسلام و خانه و وطن خود تحمل کرده‌اند، عذر است.

هرگز در یک خبر و روایت نرسیده که کارها را به آینده و ظهور مهدی واگذارید، بلکه به عکس مسلمانان در اخبار و احادیث به صبر و ثبات و کوشش و استقامت و شدت تمسک به تعلیمات و برنامه‌های قرآن تشویق شده‌اند.

همان طور که پیغمبر اعظم و مجاهد اول اسلام علی علیهما السلام و صحابه‌ی الامقام به انتظار ظهور مهدی خانه‌نشینی و کناره‌گیری اختیار نکردند و برای اعلا‌ی کلمه‌ی اسلام آنی فارغ نبودند و از هر گونه فداکاری و جانبازی خودداری نکردند، امروز هم مسلمانان همان مسؤولیت‌ها و وظایف را بر عهده دارند.

ایمان به ظهور مهدی و امام وقت نیز مؤید همین احساس مسؤولیت است.

ایمان به ظهور مهدی موجب تهذیب اخلاق و ورع و پارسایی و بیداری ضمیر است.

ایمان به ظهور مهدی با واگذار کردن امور به آینده و گوشه‌گیری و انزوا و امروز و فردا کردن و قبول تسلط کفار و اشرار و خودداری از ترقی‌صناعی و علمی و ترک اصلاحات اجتماعی سازگار نیست.

ایمان به ظهور مهدی سبب رشد فکر و مانع از ضعف و ناامیدی و بدبینی به آینده است.

ایمان به ظهور مهدی همان نتیجه و فایده را دارد که آیات شریفه‌ای مثل (انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون)<sup>۱</sup> و آیه (یریدون لیطفثوا نور الله با فواهم...) <sup>۲</sup> و آیه (و لاتهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین) <sup>۳</sup> دارد.

همان گونه که مفاد این آیات فتور و سستی و شانه خالی کردن از زیر بار مسؤولیت نیست، ظهور مهدی و غلبه‌ی آن حضرت و حکومت جهانی او نیز سبب سستی و جواز مسامحه در ادای تکالیف نیست.

همانطور که مسلمانان صدر اسلام از این آیات و بشارت‌های پیغمبر صلی الله علیه و آله به فتوحات آینده و کشورگشایی‌های مسلمین نفهمیدند که باید در خانه به انتظار آینده نشست و تماشاچی صحنه‌های شکست مسلمانان و عقب ماندن آن‌ها از کفار در علم و صنعت و اسباب قوه و قدرت شد و به گفتن «خدا حافظ است»، «خدا وعده‌ی نصرت داده»، و «خدا

۱- حجر (۹): ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع آن را پاسداری می‌کنیم.

۲- صف (۸): آن‌ها که می‌خواهند نور خدا را با دهان خویش خاموش کنند، ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند.

۳- ال عمران (۱۳۹): و سست نشوید و غمگین مگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.

نمی‌گذارد نورش خاموش شود» اکتفا کرد! کسانی هم که به ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام ایمان دارند، خصوصاً اگر روایات و احادیثی را که از طریق شیعه روایت شده خوانده باشند، باید در اطاعت اوامر خدا و ادای تکالیف شرعی از دیگران کوشا تر باشند و غیرت و همت و اهتمام آن‌ها در حفظ نوامیس شرع و حمایت از قرآن و احکام و دفاع از حریم اسلام و مجد و عظمت مسلمین بیشتر باشد.

### سخن سید مرتضی

سید مرتضی در کتاب «شافی» در این زمینه گفته است بعید نیست که بسیاری از امور به ما نرسیده و در نزد امام به ودیعت نهاده شده باشد یا ناقلان اخبار آن را کتمان نموده و روایت نکرده باشند و با این وصف لازم نمی‌آید که تکلیف از مردم برداشته شود. زیرا اگر علت غیبت امام (عج) این است که وی از دشمنان تأمین جانی ندارد، کسانی که او را ناگزیر به غیبت کرده‌اند، خود موجب از دست دادن آن قسمت از احکام و دستورات دینی شده‌اند. همچنان که علت نبودن امام و تصرف نکردن آن حضرت در امور مردم نیز خود آن‌ها‌یند، زیرا آن‌ها بودند که او را ناچار به غیبت کردند. و اگر ترس وی از مردم بر طرف شود، مسلماً آشکار می‌شود و با تصرف در امور دین و دنیای مردم، لطف و جودش حاصل می‌شود و آن چه از مردم پنهان بوده، برای آنان آشکار می‌شود و چیزی ناگفته نمی‌ماند.

پس هرگاه امام ظاهر نشود بلکه همچنان در پرده‌ی غیبت باقی بماند، مکلفی که طوق تکلیف را به گردن دارد، خود باعث از دست رفتن بعضی از احکام دین و ظاهر نشدن امام و استفاده از جود حضرتش شده است.

این بیان محکمی است که بر اساسی صحیح استوار است.

### فرقه‌های کیسانیه، ناروسیه و واقفیه چه کسانی هستند؟

چون در گفتارهای پیش از این فرقه‌ها نام برده شده، بهتر است اعتقاد آن‌ها را فقط بیان

کنیم.



۱ - کیسانیه: قائل به امامت محمد بن الحنفیه (یکی از فرزندان امیرالمؤمنین (ع)) هستند و معتقدند او زنده و امام زمان است.

۲ - ناروسیه: فرقه‌ای هستند که معتقدند حضرت امام جعفر صادق (ع) هنوز زنده و مهدی موعود اوست.

۳ - واقفه یا واقفیه: فرقه‌ای هستند که بر امامت امام هفتم حضرت موسی کاظم (ع) باقی ماندند و می‌گویند مهدی موعود اوست.

### چرا ظهور امام زمان (عج) و قیامت مخفی است؟

مفضل بن عمر از امام صادق (ع) سؤال می‌کند؟ ظهور مهدی (عج) وقت معینی دارد؟ در پاسخ فرمودند: خداوند در آیه ۱۸۷ سوره‌ی اعراف می‌فرماید:

«از قیامت از تو سؤال می‌کنند که وقوع آن در چه زمانی است؟ بگو: «علمش نزد پروردگار من است و هیچ کس جز او (نمی‌تواند) وقت آن را آشکار کند. اما (قیام قیامت) حتی در آسمان‌ها و زمین سنگین (و بسیار پر اهمیت) است و جز به طور ناگهانی به سراغ شما نمی‌آید (باز) از تو چنان سؤال می‌کنند که گویی تو از زمان آن با خبری. بگو: علمش تنها نزد خداوند است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.»

چرا این علم مخصوص خدا است و خداوند هیچ کس حتی پیامبران را از آن آگاه نمی‌کند؟

پاسخ:

۱ - نا آگاهی از وقوع رستاخیز و ناگهانی بودن آن با توجه به عظمت ابعادش سبب می‌شود که مردم هیچ گاه قیامت را دور ندانند و همواره در انتظار آن باشند. به این ترتیب خود را برای نجات در آن آماده می‌کنند و این نا آگاهی اثر سازنده و روشنی در تربیت نفوس و توجه آن‌ها به مسؤولیت‌ها و پرهیز از گناه خواهد داشت.<sup>۱</sup>

۲ - اگر تاریخ قیامت معلوم بود، هرگاه فاصله‌ی زیادی داشت مردم در غفلت فرو می‌رفتند و

اگر فاصله کم بود، حالتی شبیه به اضطراب پیدا می‌کردند و در هر حال هدف‌های تربیتی ناتمام می‌ماند.<sup>۱</sup>

۳ - فلسفه‌ی مخفی بودن قیامت این است که هیچ‌کس خویش را در امان نبیند و قیامت را دور نپندارد و خود را از عذاب الهی برکنار نداند.<sup>۲</sup>

۴ - با مخفی بودن تاریخ قیامت یک نوع آزادی عمل برای همگان پیدا می‌شود و از سوی دیگر چون وقت آن دقیقاً معلوم نیست و در هر زمانی احتمال وقوع آن هست، نتیجه‌اش حالت آماده باش کامل دائمی و یا پذیرش برنامه‌های تربیتی به طور سریع است. همانگونه که درباره‌ی فلسفه‌ی اخفای شب قدر گفته‌اند منظور این است که مردم همه‌ی شب‌های سال یا همه‌ی شب‌های ماه رمضان را گرامی بدانند و به درگاه خدا بروند.<sup>۳</sup>

### نشانه‌های ظهور مهدی (عج)

۱ - گرفتن ماه در پنجم ماه رمضان و دیگر گرفتن خورشید در پانزدهم ماه. از زمان فرود آمدن آدم (ع) تا آن موقع چنین خسوف و کسوفی روی نداده است و در آن موقع حساب منجمان به هم می‌خورد.

۲ - دو مرگ سرخ و سفید پیدا می‌شود. مرگ سرخ شمشیر و مرگ سفید طاعون است که حدود  $\frac{2}{3}$  جهان خواهند مرد.<sup>۴</sup>

۳ - پیامبر (ص) به ده نشانه قبل از قیامت اشاره کرده‌اند که عبارت‌اند از آمدن سفیانی، دجال، دخان، دابه الارض، قیام قائم، طلوع آفتاب از مغرب، فرود آمدن عیسی از آسمان، فرو رفتن زمین در شرق، فرو رفتن زمین در جزیره العرب و آتشی در قلب شهر عدن که بیرون می‌آید و مردم را به محشر سوق می‌دهد.

(۲) ص ۴۳۹ ج ۱۷ تفسیر نمونه.

(۱) ج ۲۴ تفسیر نمونه ص ۳۵۲.

(۳) تفسیر نمونه ج ۱۳ ص ۱۷۱.

۴ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۸۸۰ تا ۸۸۶ از بیانات امام صادق (ع).

۴ - سه نفر از خراسان، یمن و سفیانی در یک روز و یک ماه و یک سال خواهند آمد و پرچم هیچ یک مانند مرد یمنی نیست. او مردم را به سوی حق دعوت می‌کند.

۵ - مهدی (عج) ظهور نمی‌کند مگر این که علامتی با طلوع خورشید پدید آید.

۶ - پیامبر (ص) فرمود: زمانی که جوانان فاسد و زنان فاسق شوند، امر به معروف و نهی از منکر نمی‌شود، امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند، خوب زشت می‌شود و بد خوب جلوه می‌کند.

۷ - امام جعفر صادق نشانه‌های قبل از ظهور را چنین بیان فرمودند: هرگاه دیدی حق از میان رفت و اهل حق رفتند و دیدی ظلم همه جا را فرا گرفته و دیدی که دست در قرآن بردند، و چیزهایی که در آن نبود به آن افزودند و آن گاه از روی هوای نفس آن را توجیه کردند و دیدی که دین تغییر و انقلاب پیدا کرده است چنان که آب کاسه تغییر و انقلاب پیدا می‌کند و دیدی که پیروان باطل بر اهل حق برتری یافته‌اند و دیدی که فساد در همه جا آشکار است و کسی از آن جلوگیری نمی‌کند و مرتکبان آن نیز خود را معذور می‌دانند.

هرگاه دیدی فساد همه جا آشکار است، مردها بر مردها و زن‌ها بر زن‌ها بسنده کرده‌اند و دیدی که مؤمن لب فرو بسته و حرفش پذیرفته نمی‌شود و دیدی که فاسق دروغ می‌گوید و کسی دروغ را بر رخ او نمی‌کشد و دیدی که کوچک بزرگ را مسخره کند و دیدی که پیوند خویشاوندی را بریده‌اند و دیدی که بعضی به عمل فاسد خود فخر می‌کنند و تمجید هم می‌شوند و او لبخند می‌زند و کسی هم چیزی به او نمی‌گوید و دیدی که مردان مانند زنان خود را در معرض عمل نامشروع قرار می‌دهند و دیدی که زنان با یکدیگر عمل منافی عفت (مساحقه) می‌کنند.

هرگاه دیدی که مدح این و آن زیاد شده و دیدی که مردم اموال خود را در راه غیر خدا بذل می‌کنند و کسی او را از این کار بر حذر نمی‌دارند و جلوی آن‌ها را نمی‌گیرند و دیدی بعضی از کوشش مؤمنی که در امر دین می‌کند، به خدا پناه می‌برند و دیدی که همسایه‌ی خود را آزار می‌رسانند و کسی هم آنان را منع نمی‌کند و دیدی که کافر از فساد روی زمین خشنود است و دیدی که انواع شراب به طور آشکار نوشیده می‌شود و مردم خدا ترس گرد

آن اجتماع می‌کنند.

هرگاه دیدی که امر به معروف بی‌ارزش شده و دیدی که اهل فساد در آن چه خدا نمی‌پسندد نیرومند و پسندیده‌اند و دیدی که اهل اخبار و حدیث (علمای دین) خوار شده‌اند و دوستان آن‌ها از نظر افتاده‌اند و دیدی که راه هرگونه عمل خیری بسته شده و راه اعمال شر باز است و دیدی که حج خانه‌ی خدا تعطیل شده و مردم را به ترک آن وامی‌دارند و دیدی که مردم آن چه را که می‌گویند عمل نمی‌کنند و هرگاه دیدی که مردان برای عمل نامشروع با مردان و زنان برای عمل نامشروع با زنان غذای خوب می‌خورند (و خود را تقویت می‌کنند) و دیدی که ارتزاق مرد از پشت وی و ارتزاق زن از جلوی وی است و دیدی که زنان مانند مردان مجلس‌ها می‌گیرند و دیدی که صفات زنان در بنی‌عباس ظاهر شده، دست و پای خود را حنا می‌گیرند و شانه بر موی خود می‌زنند همان‌گونه که زن برای جلب نظر شوهرش موی خود را شانه می‌کند.

هرگاه دیدی که به مردها پول می‌دهند که با آن‌ها یا با زنان آن‌ها عمل نامشروع کنند و دیدی که به مرد رغبت کردند و مردها هم در این عمل به یکدیگر حسد بردند و دیدی که مالدار از شخص با ایمان عزیزتر است و دیدی که ربا خواری آشکار است و رباخوار ملامت نمی‌شود و دیدی که زن‌ها به عمل زنا افتخار می‌کنند.

و هرگاه دیدی که زن به شوهر خود رشوه می‌دهد تا از مردان دست بردارد یا با مردان عمل منافی با عفت انجام دهد تا او هم با زنان چنین کند یا در معاشرت با مردان آزاد باشد. و دیدی که بیشتر مردان زنان را با عمل بدشان همراهی می‌کنند و دیدی که مؤمن محزون و از نظر افتاده و خوار است. و دیدی که بدعت‌ها و عمل زنا آشکار شده و دیدی که مردم با شاهد دروغ به دیگران ظلم و ستم می‌کنند.

و دیدی که حرام حلال شده، و دیدی که امور دینی با رأی شخصی عمل می‌شود و قرآن و احکام آن معطل می‌ماند و دیدی که مردم در ارتکاب گناهان گستاخ‌اند و منتظر رسیدن شب نمی‌مانند (بلکه کارها را علناً در روز انجام می‌دهند. مؤلف بحار الانوار).

هرگاه دیدی که مؤمن جز با قلب خود قدرت ندارد اعمال زشت را نکوهش کند و دیدی که مال بسیار در راه غضب خدا مصرف شود و دیدی که والیان کافران را به خود نزدیک و

نیکوکاران را از خود دور کرده‌اند و دیدی که والیان در اجرای حکم رشوه می‌خواهند و دیدی که استانداری را به مزایده می‌گذارند (که هرکس پول بیشتر داد او را به استانداری برسانند. مؤلف).

هرگاه دیدی که مردم با محارم (مادر خواهر خاله عمه و...) خود نزدیکی و به آن‌ها اکتفا می‌کنند. و دیدی که مرد با تهمت و سوءظن به قتل می‌رسد و دیدی که مردها به مردها پیشنهاد عمل زشت می‌کنند و خود و اموال خود را در اختیار او می‌گذارند و دیدی که مردان را از نزدیکی با زنان سرزنش می‌کنند و دیدی که معاش روزمره مرد از راه فروش ناموس زنش تأمین می‌شود و او این را می‌داند و به آن تن در می‌دهد و دیدی که زن شوهر خود را بدبخت می‌کند و برخلاف میل او عمل می‌کند و نفقه‌ی شوهرش را می‌پردازد.

و هرگاه دیدی که مرد از این که زن و کلفت او با فروش ناموس خوراکی تهیه می‌کند، راضی است و دیدی که قسم خوردن دروغ به خدا زیاد می‌شود و دیدی که قماربازی زیاد و آشکار است و دیدی که علناً شراب فروشی می‌کنند و منعی در کار نیست و دیدی که زنان مسلمان خود را در اختیار کافران می‌گذارند.

و هرگاه دیدی که لهو و لعب آشکار شده و کسی که از کنار آن می‌گذرد جلوگیری نمی‌کند یا کسی قادر به جلوگیری از آن نیست و دیدی مرد با شرافتی که در پیش دشمنش از او و قدرتش وحشت دارد، خوار می‌شود.

و دیدی که مقربان حکام کسانی هستند که به ما اهل بیت ناسزا بگویند و دیدی که دوستان ما شهادتشان در دادگاه پذیرفته نمی‌شود و دیدی که به سخنان دروغ رغبت پیدا می‌شود و دیدی که شنیدن قرآن برای مردم گران و شنیدن سخنان باطل آسان است و دیدی که همسایه به همسایه از ترس زیانش احترام می‌گذارد و دیدی که مساجد طلاکاری می‌شود. راست‌گوترین مردم مقربان تهمت زندگان دروغ‌گو هستند و شر و فساد و سخن چینی زیاد شده است.

و دیدی که غیبت ملیح محسوب می‌شود (صورت خوب پیدا می‌کند) و مردم یکدیگر را به آن مژده می‌دهند و حج و جهاد برای غیر خداست و دیدی که ویرانی بیش از عمرانی است و دیدی که معاش مرد از راه کم فروشی تأمین و ریختن خون مردم بی‌اهمیت شمرده

می شود و دیدی که مرد ریاست را برای دنیا می طلبد و خود را به بدزبانی مشهور می کند تا از او بترسند و کارها را به او واگذارند.

هرگاه دیدی نماز سبک شمرده می شود و مرد ثروتمند و جوهات (خمس و زکات) را نمی پردازد. مرده ها را از قبر بیرون می آورند، اذیت می کنند و کفنش را می فروشند. - هرج و مرج زیاد می شود - مرد شبها با نشاط و روزها کسل و تنبل است و به امور زندگی اهمیت نمی دهد. با حیوانات عمل زشت می کنند و حیوانات یکدیگر را می درند.

هرگاه دیدی که مرد می رود نماز بگذارد ولی وقتی بر می گردد لباس به تن ندارد و دل های مردم قسی شده و چشمان آنها خشکیده (یعنی از خوف خدا اشک نمی ریزند) و ذکر خداوند بر آنها دشوار است و دیدی که پلیدی زیاد شده و مردم به آن رغبت نشان می دهند. نماز گزار برای این که مردم او را ببینند نماز می گزارد و فقیه برای دنیا و ریاست و غیر دین تحصیل می کند.

هرگاه دیدی که مردم دور کسی را گرفته اند که قدرت در دست اوست. دیدی کسی که طلب حلال می کند در نظر مردم مذموم است و سرزنش می شود. حرام را مدح و احترام می کنند. در مکه و مدینه کارهای خلاف رضای خدا مرتکب می شوند و کسی هم مانع نمی شود و آلات موسیقی در مکه و مدینه آشکار است و دیدی که مرد سخن حق می گوید و امر به معروف و نهی از منکر می کند و در آن حال کسی به قصد نصیحت نزد او می رود و می گوید این را از زبان تو ساخته اند. و دیدی که مردم از شرور تقلید می کنند.

هرگاه دیدی راه خیر به کلی خالی است و کسی از آن راه نمی رود و دیدی که مردم را جابه جا می کنند و کسی هم وحشت نمی کند و دیدی که هر سال بدعت و شرارت بیشتر می شود و دیدی که مردم در مجلس از ثروتمندان پیروی نمی کنند و به فقیر کمک می کنند که به او بخندند و برای غیر خدا به او رحم می کنند و دیدی که نشانه ها در آسمان پدید می آید ولی هیچ کس نمی ترسد<sup>۱</sup> و دیدی که مردم در انظار عموم مانند حیوانات (برای

(۱) این نشانه ها هواپیماها یا سفینه های فضایی و موشک ها نیستند که برای مردم امر عادی شده باشد آیات

(ادامه ی پاورقی در صفحه ی بعد)

اعمال زشت) روی هم می‌جهند و کسی هم از ترس این عمل را تقبیح نمی‌کنند.

هرگاه دیدی مرد در راه غیر خدا ثروت خود را خرج می‌کند و از خرج در راه خدا خودداری می‌ورزد و دیدی که به پدر و مادر بی‌احترامی می‌کنند و مقام آن‌ها را سبک می‌شمارند و نزد فرزندشان از همه سیه‌روزترند. پسر به پدرش افترا می‌بندد و به پدر و مادرش نفرین می‌کند و از مرگ آن‌ها خوشحال می‌شود و دیدی که مرد اگر در روزی گناهی مانند زنا، کم‌فروشی و شرابخواری و... نکرده باشد، ناراحت است.

و دیدی که اموال اولاد پیامبر (ص) (مانند خمس و زکات و وجوهات) در راه دروغ، قمار و شرابخواری صرف می‌شود و دیدی که با شراب مداوا می‌کنند و فواید آن را برای مریض شرح می‌دهند و از آن شفا می‌جویند.

و هرگاه دیدی که منافق کارش بالا گرفته ولی اهل حق گوشه‌گیرند و دیدی که اذان گفتن و نماز خواندن با مزد انجام می‌گیرد، مساجد پر از مردم خدا ترس شده و در آن جا غیبت و خوردن گوشت اهل دین جمع شده و وصف شراب و مسکرات می‌کنند و آدم مست امام جماعت شده و عقل خود را از دست داده و مردم هم ننگ نمی‌دانند. وقتی کسی مست شد، احترام پیدا می‌کند و از وی تقیّه می‌کنند و می‌ترسند و او را رها می‌کنند و حد نمی‌زنند و به علت مستی او را معذور می‌دانند.

و هرگاه دیدی که مال یتیم را می‌خورند و خود را خیرخواه معرفی می‌کنند و قاضیان برخلاف دستور الهی حکم می‌کنند، حکام از راه طمع از خائنان پیروی می‌کنند، حاکم تمام ارث را به قیّم یا کسی می‌دهد که فاسق است و بد عمل می‌کند و بدکاران و فاسقان با آن مال هرچه خواستند می‌کنند و جلوگیری هم نمی‌شوند. روی منبرها دستور تقوی نمی‌دهند و خود عمل نمی‌کنند، اوقات نماز را سبک می‌شمارند و از خوردن حرام و عمل زشت و حرام روی گردان نیستند و دنیا به آن‌ها روی آورده است.

(ادامه‌ی پاورقی از صفحه‌ی قبل)

واقعی و ستاره‌هایی دنباله دار و اشکال مخصوص از کرات آسمانی است که در آینده خواهیم دید برای همه عادی خواهد شد.

## خلاصه

هر گاه دیدی که لوا و پرچم‌های حق کهنه شده، خود را نگاه‌دار و نجات از این مهلکه‌ها را از خداوند بخواه و بدان که مردم با این نافرمانی‌ها مستحق عذاب‌اند. اگر عذاب بر آن‌ها فرود آمد و تو در میان آن‌ها بودی بشتاب به سوی رحمت حق تا از کیفری که آن‌ها از سرپیچی از فرمان خدا می‌بینند، بیرون بیایی و بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.<sup>۱</sup>

## دجال کیست؟

در فصل‌های پیش از این از دجال سخنی به میان آمد. مولای متقیان علی بن ابی‌طالب (ع) دجال را چنین معرفی می‌فرمایند: «دجال، صائد بن صید است. بدان که شقی و بدبخت کسی است که ادعای او را تصدیق و سعادت‌مند کسی است که او را تکذیب کند. از شهری که آن را اصفهان می‌گویند و قریه‌ای که معروف به «یهودیه» است، بیرون می‌آید. چشم راست ندارد و چشم دیگر در پیشانی اوست و مانند ستاره‌ی صبح می‌درخشد. چیزی در چشم اوست که گویی آمیخته به خون است. در پیشانی وی نوشته است «این کافر است» هر شخص باسواد و بی‌سواد آن را می‌خواند. داخل دریاها می‌شود و آفتاب با او می‌گردد. در پیش رویش کوهی از دود است. از هیچ آبی نمی‌گذرد، مگر این که تا روز قیامت خشکیده می‌شود. با صدای بلند خود چنان ندا می‌دهد که از مشرق تا مغرب جن و انس شیاطین صدای او را می‌شنوند. می‌گویند ای دوستان من، به سوی من بیایید. منم آن کسی که بشر را آفریدم و اندام آن‌ها را معتدل و متناسب کردم. روزی هر کس را تقدیر و همه را به یافتن آن راهنمایی می‌کنم. من آن خدای بزرگ شما هستم.

دجال دشمن خداست و دروغ می‌گوید. او یک چشم دارد، غذا می‌خورد در بازارها راه می‌رود. در صورتی که خداوند شما نه یک چشمی است (و نه دو چشمی و اصلاً جسم نیست) و نه غذا می‌خورد و نه در بازارها راه می‌رود و فناپذیر نیست.

(۱) بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۰۳۶ تا ۱۰۴۵ از زبان امام جعفر صادق (ع).



غالب پیروان او در آن روز فرزندان زنا هستند و چیز سبزی بر سر و دوش دارند. خداوند او را در شام در تلی معروف به «تل افیق»، سه ساعت از روز جمعه برآمده به دست کسی که غیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌گزارد، نابود می‌کند. بدانید که بعد از آن حادثه‌ی بزرگی روی می‌دهد.

اصبح بن نباته عرض کرد: «یا امیرالمؤمنین، آن حادثه چیست؟» فرمود: «آمدن دابة الارض<sup>۱</sup> از سمت صفا<sup>۲</sup> است. انگشتر سلیمان و عصای موسی با اوست. آن انگشتر را بر روی هر مؤمن می‌گذارد، در جای آن نوشته می‌شود «این مؤمن حقیقی است» و بر روی هر کافری بگذارد نوشته می‌شود «این کافر حقیقی است» تا جایی که مؤمن صدا می‌زند؛ ای کافر وای بر تو. و کافر صدا می‌زند؛ ای مؤمن خوش به حالت! دوست داشتم من هم امروز مثل تو بودم و به چنین سعادت می‌رسیدم.

سپس دابة الارض سرخود را بلند می‌کند و مردمی که بین مشرق و مغرب هستند، بعد از طلوع خورشید از جانب مغرب به اذن خدا او را می‌بینند. در آن وقت دیگر توبه برداشته می‌شود. نه توبه‌ای پذیرفته است و نه عملی به سوی خدا بالا می‌رود و ایمان کسی که پیشتر ایمان نیاورده یا در حال ایمان چیزی کسب نکرده، به حال صاحبش سودی ندارد. آن گاه حضرت فرمود از آن چه بعد از آن روی می‌دهد، از من نپرسید: زیرا حبیبم رسول خدا (ص) با من عهد بسته که جز به عترت خود اطلاع ندهم.

صدوق این روایت را در کمال الدین از نافع از عبدالله بن عمر و او از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است.<sup>۳</sup>

پیامبر (ص) می‌فرمایند: «دجال سوار بر الاغی که فاصله‌ی میان دو گوشش یک میل

(۱) همگی از چیزهایی است که امام زمان همراه دارند پیش از این نیز گفتیم که یکی از اسامی امام زمان (عج) دابة الارض است که پیامبر فرمودند این نام‌ها مخصوص امامان معصوم‌اند.

(۲) صفا نام کوهی است که در مقابل آن کوه مروه است. در مسجد الحرام، کنار خانه‌ی کعبه که حجاج در حج تمتع و عمره بین دو کوه حرکت می‌کنند، از صفا شروع می‌کنند و دور هفتم به مروه پایان می‌پذیرد.

که این عمل را سعی صفا و مروه گویند. (۳) بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۹۶۴.

(مقیاس طول است. میل انگلیسی ۱۶۰۹ متر و میل دریایی ۱۸۵۲ متر است) راه باشد، خروج می‌کند. بهشت و جهنم با اوست و هم کوهی از نان و نهری از آب دارد. بیشتر پیروان او یهودی، زنان و عرب‌های بیابانی هستند. او جز مکه و حومه‌ی آن به همه جای روی زمین قدم می‌گذارد.<sup>۱</sup>

### آمدن دجال برای چیست؟

دجال برای این می‌آید که: انسان‌ها امتحان شوند و خداوند با او بندگان خود را آزمایش می‌فرماید. آن کس که راه باطل پیش گرفته یا به راه حقیقت می‌رود، امتحان خود را می‌دهد. چنان که قوم موسی با گوساله‌ی سامری امتحان شدند. جمعی به گمراهی افتادند و گروهی ایمان خود را نگاه داشتند.

### سفیانی کیست؟

در آخرالزمان فردی می‌آید به نام سفیانی.

صدوق در کمال الدین از امام جعفر صادق (ع) روایت می‌کند که پدرم و ایشان هم از جدّم امیرالمؤمنین صلوات اله علیه روایت فرمود: «پسر هند جگر خوار (سفیانی) از بیابان یابسر بیرون می‌آید. او مردی متوسط القامه با صورتی وحشتناک و سری ضخیم است و رویش آبله دارد. اگر او را ببینی گمان می‌کنی یک چشم است. او از فرزندان ابوسفیان است. او خروج می‌کند و به زمین آرام می‌آید و بر منبر آن می‌نشیند. مؤلف بحارالانوار: زمین آرام (ارض ذات قرار) کوفه یا نجف است. چنان که در اخبار به این دو شهر تفسیر شده است.

امام صادق (ع) به عمر بن یزید فرمود: تو اگر سفیانی را ببینی، بلندترین مردم را دیده‌ای رنگش سرخ و زرد و چشمش کبود است. در ظاهر مدام ذکر خدا می‌گوید ولی در حقیقت به جهنم می‌رود. در خباثت به جایی می‌رسد که زن و بچه‌اش را از ترس این که مبادا مردم را

به محل او راهنمایی کنند، زنده به گور می‌کند.

عبدالله بن ابی منصور از امام صادق (ع) نام سفیانی را می‌پرسد. می‌فرمایند؛ چه کار به اسم او داری وقتی او گنج‌های پنج‌گانه‌ی شام یعنی دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین را به چنگ آورد، در آن وقت منتظر ظهور قائم باشید. عرض کردم آیا او نه ماه سلطنت می‌کند؟ فرمود نه! بلکه هشت ماه بدون یک روز زیادتر.

صدوق در کمال الدین از معلی بن خنیس از حضرت صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: «جبرئیل از آسمان در اول روز صدا می‌زند آگاه باشید حق در شخص علی علیه‌السلام و شیعیان اوست و شیطان در آخر روز صدا می‌زند آگاه باشید حق در شخص سفیانی و پیروان اوست. در این وقت آنان که ایمان ثابتی ندارند، به شک می‌افتند. پس از صدای جبرئیل در اول روز پیروی کنید. مبادا مفتون صدای بعدی شوید و به دنبال آن بروید»<sup>۱</sup>.

### آمدن سفیانی و نشانه‌های دیگر

عمار یاسر گفت که دولت خانواده‌ی پیامبر شما در آخر الزمان است و ظهور آن دولت نشانه‌هایی دارد. موقعی که این نشانه‌ها را دیدید، در جایی خوب بنشینید و از هرگونه اقدامی خودداری کنید تا آن نشانه‌ها بگذرد. نشانه‌ها عبارتند از این که روم و ترک بر شما (مسلمین) حمله می‌آورند و لشکرها می‌آرایند و خلیفه‌ی شما که کارش جمع‌آوری اموال است، جان می‌دهد و مردی درستکار به جای او می‌نشیند و چند سال بعد خلع می‌شود. جنگ‌های زیاد در زمین رخ می‌دهد و در آن موقع کسی از قلعه‌ی دمشق صدا می‌زند و ای بر شما ساکنان زمین از شری که نزدیک است و سمت غربی مسجد دمشق فرو می‌رود و سه نفر در شام ادعای سلطنت می‌کنند. یکی از آنها سیاه و سفید، دیگری سرخ و سفید و سومی از خاندان ابوسفیان است و او از نهر الکلب (محلی بین بیروت و صیدا است) مردم را در دمشق جمع می‌کند و غریبان به مصر حمله می‌کنند. وقتی آنها وارد مصر شدند، علامت آمدن سفیانی است. قبل از سفیانی کسی مردم را به دین محمد (ص) و آل او دعوت می‌کند.

(۱) شیخ صدوق در کمال الدین از قول یاران امام صادق (ع) که همگی از ایشان روایت کرده‌اند.

ترک‌ها در حیره (محلّی نزدیک کوفه) و رومیان در فلسطین فرود می‌آیند. در آن هنگام دجال قیام می‌کند و در سر نهر قرقیسا (در کنار نهر فرات) به لشکر ترک و روم می‌رسد و جنگ سختی در می‌گیرد و پادشاه مغرب همه جا را زیر پا می‌گذارد. مردان را می‌کشد و زنان را اسیر می‌کند. آنگاه به قیس بر می‌گردد (قیس از قوم بلوکی از مصر در کنار رود نیل بوده است). سفیانی از فرزندان عتبه بن ابی سفیان است. در جریره (بین رود دجله و فرات) فرود می‌آید و شخصی یمنی خروج می‌کند. هرچه شخص یمنی و سلطان مغرب به غنیمت برده‌اند، همه را سفیانی از آن‌ها می‌گیرد و سپس به کوفه می‌رود و یاران آل محمد را به قتل می‌رساند و مردی از نامردان آن‌ها را می‌کشد.

در آن موقع مهدی (عج) قیام می‌کند. امیر لشکر او مردی بنام شعیب بن صالح است. وقتی اهل شام دیدند مردم شام با پسر ابوسفیان بیعت کردند، همه با او به مکه می‌روند. در آن وقت مردی پاکدل از بنی هاشم به قتل می‌رسد. آن‌گاه صدایی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید ای مردم، امیر شما که فلانی است و این همان مهدی (عج) است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان‌که پر از ظلم و ستم بوده است.

پیامبر (ص) می‌فرمایند: «قیامت برپا نمی‌شود تا ۶۰ دروغ‌گو ادعا کنند که ما پیغمبریم. سفیانی به کشتن نصرانیت از کشور روم می‌آید و صلیبی در گردن دارد و او در آن روز بزرگ مردم است.»

امین الدین طبرسی می‌گوید از حدیفة بن الیمان روایت شده که گفت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از آشوبی که میان مردم شرق و غرب پدید می‌آید، می‌فرماید: «در زمانی که آن‌ها سرگرم کشمکش هستند، سفیانی از یابس (یابس یعنی خشک. نام بیابانی است که به اسم شخصی به این نام موسوم گشته است) بر آن‌ها حمله می‌برد تا آن‌که وارد دمشق می‌شود. آن‌گاه دو لشکر فراهم می‌کند یکی را به شرق و دیگری را به مدینه می‌فرستد. چون لشکر به «بابل» که جزء سرزمین لعنت شده (بغداد) است می‌رسند، بیش از سه هزار نفر را به قتل می‌رسانند و افزون از صد زن را هتک حرمت می‌کنند و سیصد جوان رشید از بنی عباس را می‌کشند. سپس مانند سیل به کوفه می‌ریزند و حوالی آن را ویران می‌کنند. آن‌گاه به طرف شام می‌روند.

در آن وقت لشکری با پرچم هدایت بیرون می آید. لشکر سفیانی را دنبال می کنند تا به آن ها می رسند و تمام ایشان را به قتل می رسانند به طوری که یک نفر از آن ها را باقی نمی گذارند که خبری از آنان ببرد و اسیران و آن چه را به غارت برده اند، از آن ها می گیرند.<sup>۱</sup>

### خبر جابر بن عبدالله انصاری

#### از اوضاع عمومی آخرالزمان از زبان پیامبر(ص)

جابر گوید که در سال حجه الوداع پیامبر(ص) آمد. حلقه‌ی در خانه‌ی خدا را گرفت و سخنانی چنین گفت: «ای مردم خدا شما را پیامرزد! بدانید شما از این روز تا صد و چهل سال در رفاه خواهید بود و سپس تا دو بیست سال زندگی رفاه توأم با مشقت در پیش خواهید داشت و بعد از آن زندگی سراسر مشقت و ناراحتی است. به طوری که در آن زمان جز سلطان ظالم یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغگو یا پیرمرد زناکار یا بچه‌ی بی آبرو یا زن احمق دیده نمی شود.» سلمان عرض کرد: «چگونه است آن زمان؟»

فرمود: «ای سلمان زمانی که علما کم شوند، قاریان قرآن از میان بروند، زکات ندهند و کارهای زشت خود را آشکار کنند و دانش را زیر پا نهند. سخنان شما دروغ و شیرینی گفتارتان غیبت باشد. اصول حرام باشد و نه کوچک تران به بزرگان احترام کنند و نه بزرگان کوچک تران را رحم کنند. در آن زمان غضب خدا بر شما فرود آید و ... از دین جز لفظ آن که به زبان می آورید باقی نمی ماند. هنگامی که این چنین شد، منتظر باد سرخ یا مسخ شدن (کسی که تغییر شکل یافته و به صورت زشتی درآمده باشد) یا سنگ باران باشید. خداوند در آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی انعام می فرماید.

بگو او قادر است بر آن که عذابی از بالا یا زیر پایتان بر شما برانگیزاند یا لباس تفرق بر شما بپوشاند و مزه‌ی سختی بعضی از شما را به بعضی دیگر بپچشاند و بسین چگونه این نشانه‌ها را می گردانیم تا این که آن ها بفهمند.<sup>۲</sup>»

(۱) بحارالانوار ج ۱۳ از ص ۹۵۱ تا ۹۵۴.

(۲) چون این آیه در تأیید نشانه‌های آخرالزمان آمده است، به خوبی می توان آن را با وضع کنونی جهان

گروهی عرض کردند کی بر پا خواهد شد فرمود: «وقتی نمازها را به تأخیر اندازند و شهوت‌رانی و شراب‌خواری پیشه گیرند و به پدران و مادران ناسزا گویند و مال حرام را غنیمت و زکات را زیان پندارند. مرد از زن خود اطاعت کند و به همسایه آزار رساند و پیوند خویشی خود را قطع کند.

رحم بزرگان از میان رود و حیای کوچک‌تران کم شود. ساختمان‌ها محکم شود، به نوکر و کلفت ستم شود، شهادت‌ها از روی هوای نفس باشد و به ظلم حکم شود. مرد پدرش را لعنت کند و به برادرش حسد ورزد و شرکا با هم خیانت کنند. زنا زیاد شود و مردان به لباس زنان در آیند و زنان روسری‌ها را بردارند و خودفروشی رایج شود.

کارهای خوب کم، گناه زیاد و واجبات الهی فراموش شود و با گرفتن مال، صاحبان مال را ستایش کنند و ثروت در راه خوانندگی مصرف شود و هرج و مرج پدید آید. مؤمنین خوار و منافقین عزیز باشند. سرگرم دنیا شوند و از آخرت غافل. تقوی کم و طمع زیاد شود. مساجد با اذان گفتن آباد شود ولی دل‌های آنان از ایمان خالی است. قرآن را سبک شمارند و شخص با ایمان هرگونه خواری از آن‌ها ببیند.

صورت‌ها، صورت‌های آدمی ولی دل‌ها دل‌های شیاطین است. سخنان آن‌ها از عسل شیرین‌تر و دل‌هاشان از حنظل (میوه‌ای از هندوانه کوچک‌تر و بسیار تلخ است) تلخ‌تر است آن‌ها گرگانی هستند که لباس آدمی به تن دارند. «در آن موقع روزی نیست که خداوند نفرماید که آیا از رحمت من مغرور شده‌اید یا بر من جرأت پیدا کرده‌اید؟ باز می‌فرماید: آیا گمان کردید که شما را بیهوده خلق کرده‌ایم و به سوی ما بازگشت نمی‌کنید؟<sup>۱</sup> بعزّت و جلال خودم سوگند اگر به خاطر آن‌ها که از روی اخلاص مرا عبادت می‌کنند نبود، به اندازه‌ی یک چشم بر هم زدن به کسانی که نافرمانی من می‌کنند مهلت نمی‌دادم.»

پیامبر (ص) می‌فرمایند: «پیدایش بواسیر و مرگ ناگهانی (سکته) و مرض جذام از

(ادامه‌ی پاورقی از صفحه‌ی قبل)

تطبیق کرد.

(۱) مؤنون، آیه‌ی ۱۱۷.

نشانه‌های نزدیک شدن قیامت است<sup>۱</sup>».

### خبر علقمه بن قیس از امیرالمؤمنین درباره وقایع آخرالزمان

در کفایة الاثر در باب روایات مربوط به امامت دوازده امام از علقمه بن قیس روایت شده که گفت، امیرالمؤمنین (ع) بر منبر کوفه خطبه‌ی «لؤلؤ» را برای ما خواند و از جمله در باره‌ی آخرالزمان فرمود: «آگاه باشید من به زودی از میان شما می‌روم. شما منتظر فتنه‌ی امویان و سلطنت کسروی باشید که در آن زمان بدعت و بدبینی زیاد شود. پس در گوشه‌ی خانه‌های خود قرار گیرید و خدا را بسیار یاد کنید که اگر بدانید یاد خدا از همه بزرگ‌تر است.

آن گاه فرمود شهری در بین دجله و فرات ساخته می‌شود که آن را «زوراء» می‌گویند وقتی آن را دیدید، می‌بینید که باگیج و آجر ساخته شده و با طلا و نقره و لاجورد و مرمر و رخام و درهایی از چوب عاج و آبنوس و چادرها و قبه‌ها و پرده‌ها زینت داده شده و انواع درخت ساج، عرعر و صنوبر تازه در هر طرف آن‌ها به چشم می‌خورد و باکاخ‌ها استحکام یافته است.

قبلاً نیز پادشاهان بنی شیبان که بیست و چهار نفر بودند یکی پس از دیگری آن جا رفت و آمد کرده‌اند و پس از آن افراد، قبه‌ی خاکی در بیابان سرخ ساخته می‌شود و بعد از آن قائم بر حق در میان اقلیم (جمع اقلیم) نقاب از چهره بر می‌دارد مانند ماه تابان در میان ستارگان فروزان.

آگاه باشید که برای آمدن او ده علامت است. علامت اول طلوع ستاره‌ی دنباله‌دار است که به ستاره‌ی حادی نزدیک می‌شود و در آن موقع هرج و مرج و شرارت روی می‌دهد و انتها علامت گشایش است. مابین هر علامتی تا علامت دیگر تعجب آور است. وقتی علامات دهگانه تمام شد در آن موقع ماه تابان ظاهر و کلمه‌ی اخلاص (لا إله الا الله) که دلیل بر

(۱) شیوع بیماری بواسیر و مرگ ناگهانی (سکته) و جذام در عصر کنونی بهترین گواه بر درستی این خبر غیبی پیامبر (ص) و امامان علیهم السلام اجمعین است.

یگانگی خداست کامل می شود.<sup>۱</sup>

رضی الدین حلی<sup>۲</sup> برادر علامه حلی در کتاب «العدد القویه» می نویسد، سلمان فارسی گفت که به خدمت حضرت امیرالمؤمنین (ع) رسیدم و پرسیدم یا امیرالمؤمنین، قائم که از نسل شماست کی ظهور می کند؟ حضرت فرمود: «قائم ظهور نمی کند مگر هنگامی که بچه ها به سلطنت رسند و حقوق الهی (خمس و زکات) را زیر پا گذارند و قرآن را با غنا (آهنگ موسیقی) بخوانند. هنگامی که پادشاهان بنی عباس که مردمی کوردل و نیرنگ بازند و با تیرهایی که از کمان ها می گذرد و به صورت های چون «سیر» آن ها می رسد! به قتل رسیدند و شهر بصره خراب شد، در آن موقع قائم که از فرزندان حسین است قیام می کند.» و نیز در آن کتاب می نویسد: «بسیاری از علامات که راجع به ظهور مهدی (عج) است تاکنون واقع شده است. مانند خراب شدن دیوار مسجد کوفه، کشته شدن حاکم مصر به دست مردم آن جا، انقراض دولت بنی عباس به دست (هلاکو خان مغول) مردی که از همان جا که ابتدای دولت بنی عباس از آن جا بود (یعنی خراسان) علیه آن ها قیام کرد و کشته شدن عبدالله آخرین خلیفه ی عباسی و ویرانی شام و حوالی آن، و کشیدن پل روی دجله نزدیک محل کرخ بغداد. تمام این ها در اندک مدتی روی داد. هم اکنون نهر فرات شکاف برداشته و ان شاء الله به همین زود آب به کوچه های کوفه می رسد.<sup>۳</sup>

### آن چه بعد از قیام مهدی (عج) پدید می آید

امام صادق می فرماید: «قائم ما اهل بیت روز جمعه قیام می کند.»  
امام صادق داشتند رکن حجرالاسود را توصیف می کردند. سپس فرمودند: «از آن رکن

(۱) بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۰۵۰ تا ۱۰۵۲.

(۲) رضی الدین حلی از علمای قرن هشتم هجری یعنی بیش از ششصد و بیست سال پیش در جهان می زیسته و باید توجه داشت که نشانه های مربوط به ظهور مهدی (عج) لزومی ندارد که حتماً نزدیک به ظهور آن امام همام باشد بلکه از همان زمان پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام نشانه های فرج و گذشتن ایام و نزدیکی نسبی موقع ظهور آن حضرت را خبر داده اند تا مردم هر عصری برای ظهور دولت عالمگیر خاندان پیامبر (ص) امیدوار و دلگرم باشند.  
(۳) بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۰۶۱ تا ۱۰۶۲.



پرنده‌ای بر قائم فرود می‌آید. آن پرنده نخستین کسی است که با وی بیعت می‌کند. به خدا قسم آن پرنده جبرئیل است و همان رکن است که قائم بر او تکیه می‌کند و او حجّت و دلیل بر وجود قائم است و هم آن رکن شاهد بر کسانی است که با وی بیعت می‌کنند.»

امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «هر یک از ما ائمه بیعت سلطان متجاوز زمانش به گردن می‌افتد مگر قائمی که عیسی روح الله پشت سر او نماز می‌گذارد. او نهمین امام از فرزندان برادرم حسین است. خداوند عمر او را در زمان غیبتش طولانی می‌گرداند و به هنگام ظهور به صورت جوانی که چهل ساله است آشکار می‌کند تا مردم بدانند که خداوند بر همه چیز قدرت دارد.»

امام حسن مجتبی از قول پدرش امیر مؤمنان صلوات الله علیهما می‌فرماید: «خداوند در آخر الزمان مردی را بر می‌انگیزد که با فرشتگان خود او را تأیید می‌کند و یاران او را حفظ می‌فرماید و او را بر کوهی زمین غلبه می‌دهد. برخی از روی میل و برخی به اجبار به دین خدا گرایش پیدا می‌کنند.

سپس او زمین را پر از عدل و داد می‌کند. همه‌ی جهان مؤمن به خدا هستند و کافری وجود ندارد. بدکار نیست، همه اصلاح می‌شوند، درندگان آزادانه زندگی می‌کنند، گیاهان همه جا را می‌پوشانند، آسمان برکات خود را نازل می‌کند، زمین معادن خود را بیرون می‌ریزد و قائم چهل سال بر مشرق و مغرب حکومت می‌کند.»

امام صادق و باقر (ع) می‌فرمایند: «مبادا شما شیعیان کاری کنید که خود را میان دشمنان مشهور گردانید و آن چه ما درباره‌ی قائم به شما می‌گوییم، به آن‌ها اظهار کنید! به خدا قسم امام شما سال‌های متمادی از روزگار شما غایب می‌شود و شما آزمایش می‌شوید تا جایی که گفته می‌شود او مرده یا کشته شده و اگر هست به کدام بیابان رفته است؟ دیدگان مؤمنین در فراق او اشک می‌ریزند. کار شما به جایی می‌رسد که مانند کشتی در امواج دریا هر لحظه به این طرف و آن طرف میل کنید و مضطرب و منقلب شوید در آن ورطه هیچ کس جز آن که خداوند از وی پیمان گرفته و ایمان را در لوح دل او نوشته و با روح خود مؤید داشته است<sup>۱</sup>،

(۱) سوره‌ی مجادله آیه‌ی ۲۲: «هیچ قومی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارد نمی‌یابی که با دشمنان

نجات نمی‌یابد. دوازده پرچم که با هم اشتباه می‌شوند و هیچ یک را از یکدیگر تشخیص نمی‌دهند برافراشته می‌شود.

مفضل می‌گوید، گریه کردم. حضرت پرسید، چرا گریه می‌کنی؟ گفتم، برای دوازده پرچم که غیرقابل تشخیص است. حضرت فرمودند، به خدا حق از آفتاب روشن‌تر است<sup>۱</sup>. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «مهدی از ما اهل بیت است. خداوند کار او را در یک شب سامان می‌دهد.»<sup>۲</sup> امام رضا (ع) در باره‌ی نشانه‌های قائم (عج) فرمود: «علامت وی این است که از لحاظ سن پیر ولی در انظار مردم جوان است به طوری که بیننده او را چهل ساله یا کمتر می‌داند و یکی از نشانه‌های او این است که با گذشت روزها و شب‌ها تا هنگام وفات پیر نمی‌شود.

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «گویا می‌بینم که قائم در روز عاشورا، روز شنبه در بین رکن و مقام (در مسجدالحرام) ایستاده و جبرئیل در پیش او صدا می‌زند. بیعت از آن خداست سپس قائم زمین را پر از عدل و داد می‌کند پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد. و فرمود که هفت سال سلطنت می‌کند که به حساب سال شما ۷۰ سال می‌شود.»<sup>۳</sup>

### تشخیص دو صدا در آخرالزمان چگونه است؟

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «کسی که پیش از وقوع آن، به این بانگ آسمانی عقیده دارد، بعد از وقوعش نیز حق را تشخیص می‌دهد و آن را تصدیق می‌کند. زیرا خداوند در

(ادامه‌ی پاورقی از صفحه‌ی قبل)

خدا و رسولش دوستی کنند. هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوند آن‌ها باشند. آنان کسانی هستند که ایمان را بر صفحه‌ی قلوبشان نوشته و با روحی از ناحیه‌ی خودش آن‌ها را تقویت فرموده است. آنان را در باغ‌هایی از بهشت داخل می‌کند که نهرها از زیر درختانش جاری است. جاودانه در آن می‌مانند. خدا از آن‌ها خشنود است. آنان حزب الله‌اند. بدانید حزب خداوند پیروز است.

(۱) در کمال الدین صدوق و در بحارالانوار، ج ۱۳، صفحه‌ی ۱۰۷۰.

(۲) همان مأخذ.

(۳) در غیبت شیخ طوسی و در بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۰۸۰.

آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی یونس می‌فرماید، آیا کسی که مردم را به سوی حق راهنمایی می‌کند سزاوارتر است که از او پیروی شود یا کسی که نمی‌تواند راه را بیابد مگر این که دیگری او را راهنمایی کند؟ به نظر شما چه می‌آید و چگونه حکم می‌کنید؟»

در غیبت نعمانی از عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: «قتل و مرگ چنان مردم را فرا می‌گیرد که به خانه‌ی خدا پناه برند. آن گاه از بس کار جنگ سخت می‌شود که ندا دهنده‌ای از آسمان صدا می‌زند که، بر سر چه موضوعی جنگ و خون‌ریزی می‌کنید صاحب شما فلانی است.»

مؤلف: در روایات دیگر به جای فلانی نام مقدس مهدی (عج) را برده‌اند.

در غیبت نعمانی از یونس بن ظبیان از امام صادق (ع) روایت کرد. چون شب جمعه فرا رسید، خداوند فرشتگان خود را به آسمان دنیا می‌فرستد و هنگام طلوع صبح منبری از نور در کنار بیت المعمور برای محمد (ص) و علی و حسن و حسین علیهم السلام می‌گذارند و ایشان از آن بالا می‌روند. سپس خداوند امر می‌کند<sup>۱</sup> فرشتگان و پیامبران و مؤمنان پای منبر آن‌ها اجتماع کنند و درهای آسمان گشوده می‌شود.

آن گاه هنگام ظهر پیامبر صلی الله علیه و آله عرض می‌کند پروردگارا اکنون موقع وعده‌ای است که در کتاب خود فرموده‌ای و وعده‌ی خدا همان آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی نور است که می‌فرماید: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح کرده‌اند وعده می‌دهد که آن‌ها را قطعاً خلیفه‌ی روی زمین خواهد کرد. همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آن‌ها پسندیده پابرجا و ریشه‌دار خواهد کرد و ترس آن‌ها را به امنیت و آرامش تبدیل می‌کند. آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک قرار نمی‌دهند و کسانی که بعد از آن کافر شوند، فاسق‌اند.»

پیامبر (ص) درباره‌ی تفسیر این آیه می‌فرمایند: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند آن یک روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که هم نام من است

(۱) بیت المعمور خانه‌ایی است به موازات خانه‌ی کعبه در آسمان.

حاکم بر زمین شود و صفحه‌ی زمین را پر از عدل و داد کند پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۱</sup>

از اهل بیت پیامبر نیز آمده که این آیه درباره‌ی مهدی آل محمد است.<sup>۲</sup>  
در تفسیر روح المعانی و بسیاری از تفاسیر شیعه آمده که امام سجاد در تفسیر آیه‌ی فوق می‌فرمایند: «به خدا سوگند آن‌ها شیعیان هستند. خداوند این کار را برای آن‌ها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که «مهدی» این امت است. زمین را پر از عدل و داد می‌کند پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد که پیامبر فرمود: اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد...»<sup>۳</sup>

امام باقر (ع) می‌فرمایند، به خدا قسم مردی از ما اهل بیت مدت سیصد و نه سال سلطنت خواهد کرد. جابر بن جعفری گوید من پرسیدم، این در چه وقت خواهد بود؟ فرمود بعد از مردن قائم (عج) عرض کردم، قائم (عج) خودش چه قدر عمر می‌کند؟ فرمود: نوزده سال، از سال قیام تا هنگام فوتش.

مؤلف بحار الانوار گویند: مردی که بعد از فوت قائم (عج) مدت سیصد و نه سال سلطنت می‌کند اشاره به سلطنت امام حسین علیه السلام یا دیگری از ائمه هنگام رجعت آن‌هاست.<sup>۴</sup>  
شمشیر دستور می‌دهد: پیامبر (ص) فرمود: یا علی موقعی که قائم ظهور کند سیصد و سیزده نفر به تعداد مردان جنگ بدر به گردوی جمع شوند و وقت آمدنش نزدیک شود شمشیر غلاف شده‌ای دارد که همان شمشیر به وی می‌گوید: ای ولی خدا برخیز و دشمنان خدا را بکش.

(۱) در کتاب منتخب الاثر ۱۲۳ حدیث در این مضمون از منابع مختلف شیعه و اهل تسنن نقل شده است.

(۲) مجمع البیان ذیل این آیه و تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۱.

(۳) قرطبی، ج ۷، ص ۴۲۹۳ و تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۲.

(۴) بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۰۹۰.

# فصل ششم

## چگونگی اوضاع بعد از قیام قائم (عج)

شیخ مفید در کتاب اختصاص از حدیفه‌ی یمانی روایت می‌کند که از پیامبر (ص) شنیدم می‌فرمود: «در موقع آمدن قیام قائم گوینده‌ای از آسمان صدا می‌زند ای مردم! زمان حکومت جباران به پایان رسید. ولی امر بهترین امت محمد (ص) قیام کرده است، در مکه به وی ملحق شوید. آن گاه نجبا از مصر و مردان خدا از شام و دستجات عراق که شب‌ها را به عبادت می‌گذرانند و روزها همچون شیرند و دل‌هاشان مانند پاره‌های آهن است، بیایند و در بین رکن و مقام باوی بیعت کنند.

در این موقع عمران بن الخصین عرض کرد یا رسول الله این مرد را برای ما توصیف کن فرمود: «او مردی از فرزندان حسین است، گویی او از مردم «شنسوه» است و قطوانی بر تن دارد. نامش نام من است. در موقع ظهور او پرندگان در لانه‌هایشان جوجه‌های خود را و ماهیان در دریاها (در کمال آزادی و دور از هرگونه ترس و مزاحمت دشمن) تولید نسل می‌کنند. نهرها کشیده می‌شود، چشمه‌ها می‌جوشد و زمین دو برابر محصول خود را می‌رویانند. زمین را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آن که پر از ظلم و جور شده باشد و

جبرئیل و اسرافیل پیشاپیش او راه می‌روند»<sup>۱</sup>

سید علی بن عبدالحمید از فضل بن شاذان در کتاب انوار مضمیئه روایت می‌کند که در پرچم مهدی (عج) نوشته شده است سخنان مهدی را بشنوید و از آن اطاعت کنید.

سید علی بن عبدالحمید در کتاب «انوار مضمیئه» از ابوبصیر روایت کرده که امام محمدباقر (ع) فرمود: «قائم به یارانش می‌گوید مردم مکه مرا نمی‌خواهند و برای اثبات آن مردی از یاران خود را می‌طلبد و می‌گوید برو نزد مردم مکه و بگو من فرستاده‌ی مهدی (عج) هستم ما خانواده‌ی رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم و از زمان رحلت پیامبر (ص) تا کنون حق ما را غصب کرده‌اند.»

اکنون ما از شما چشم یاری داریم. «این جوان وقتی آن سخنان را می‌گوید مردم به او حمله‌ور می‌شوند او را در بین رکن و مقام می‌کشند و این همان مرد پاکدل است که قبل از ظهور مهدی (عج) کشته می‌شود و پس از رسیدن این خبر، امام با سیصد و سیزده نفر مرد که به تعداد جنگ‌جویان بدر هستند، از کوه ذی طوی فرود می‌آیند، داخل مسجدالحرام می‌شوند و در جنب مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می‌خوانند امام، به حجرالاسود تکیه می‌زند و سخنانی می‌گوید و جبرئیل و میکائیل با وی بیعت می‌کنند. سپس پیامبر و امیرالمؤمنین با آن‌ها برمی‌خیزند، کتاب جدید مهر شده را به مهدی می‌دهند و به وی می‌گویند بر طبق آن چه در این کتاب نوشته شده عمل کن. سپس آن سیصد نفر وعده‌ی کمی از اهالی مکه با وی بیعت می‌کنند و چون از مکه خارج شود، مثل این که در حلقه است.»

ابوبصیر می‌گوید پرسیدم حلقه چیست؟ فرمود: ده هزار مرد است که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ او قرار دارند و پرچم او را به اهتزاز در می‌آورند و همه جا می‌گردانند و این همان پرچم و زره پیامبر (ص) است. شمشیر پیامبر به نام «ذوالفقار» را نیز

(۱) این روایت نبوی و راوی موثقی چون حدیفه و در کتاب معتبری مانند اختصاص شیخ مفید اهمیت وجود مهدی آل محمد (عج) و تأثیر قیام وی را در میان مردم جهان و عالم طبیعت و اصلاحات اساسی او را به خوبی معرفی می‌کند. آیا چنین امام زمانی آمده و رفته است!!!

حمایل می‌کند و از هر شهری جمعی به یاری امام می‌آیند، جز از شهر بصره که کسی نمی‌آید.

### اصحاب قائم

هم در آن کتاب از فضیل بن یسار از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «گنجی در طالقان هست که از طلا و نقره نیست و پرچمی است که از روزی که آن را بسته‌اند برافراشته نشده است. مردانی هستند که دل‌های آنان مانند پاره‌های آهن شکی در ایمان به خدا ندارد و در طریق ایمان از سنگ محکم‌تر است و اگر آنها را وادارند که کوه‌ها را از جای بکنند، خواهند توانست.

لشکر قصد هیچ شهری را نکنند جز این که آن را ویران کنند. اسب‌های آنان زین‌های زرین دارند و برای تبرک خود را به تن اسب امام می‌سایند. آنها در جنگ‌ها امام را در میان دارند و با جان خود از وی دفاع می‌کنند و کارهایش را انجام می‌دهند.

مردانی در میان آنهاست که شب را نمی‌خوابند و نجوای آنان در حال عبادت همچون زمزمه‌ی زنبور عسل است. شبها عابد، روزها جنگاورند و آرزوی شهادت دارند. شعار آنان این است «ای خون خواهان حسین!»

«از هر جا می‌گذرند ترس و وحشت آنها در دل مردم می‌افتد.»

امام محمدباقر (ع) می‌فرمایند: «قائم به هر شهری وارد می‌شود، بر اساس کتاب خدا (قرآن) و سنت پیامبر (ص) از مردم بیعت می‌گیرد و حاکمی بر آنها تعیین می‌کند در مدینه مردم را به عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر و دوستی امیرالمؤمنین و بیزاری از دشمنش دعوت می‌کند تا این که به بیابان «بیداء» می‌رود در آن جا لشکر سفیانی برای جنگ باوی با او حرکت می‌کند و خدا آنها را در زمین فرو می‌برد.

### صاحب الامر چنین کسی است

در بصائر الدرجات و اختصاص شیخ مفید آمده که امام صادق (ع) فرمود: «خداوند

ذوالقرنین را در انتخاب دو ابر تندرو و کندرو مخیر گردانید و او ابر کندرو را انتخاب کرد که رعد و برق در آن نبود و خداوند ابر تندرو را برای قائم ما (عج) ذخیره کرده است.»

صدوق در کمال الدین از ریان بن صلت روایت می‌کند که حضرت رضا (ع) فرمود: «صاحب الامر زمین را پر از عدل و داد می‌کند. قائم کسی است که وقتی ظهور می‌کند به سن پیرمردان و به سن جوانان است و بسیار نیرومند است. اگر دست به طرف بزرگ‌ترین درخت روی زمین دراز کند، می‌تواند آن را از بیخ بکند و چنان در میان کوه‌ها نعره کشد که سنگ‌های سخت از هیبت صدایش خرد شود! عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است.»

شیخ الطائفه در غیبت از سعد بن عبدالله اشعری از ابو هاشم جعفری از امام حسن عسکری (ع) روایت می‌کند: «هنگامی که قائم قیام می‌کند، دستور می‌دهد مناره‌ها و اتاق‌هایی که در مساجد می‌سازند خراب کنند!» من پیش خود گفتم چرا قائم چنین دستور می‌دهد. ناگاه امام عسکری (ع) فرمود: «معنی این کار این است که این‌ها چیز تازه و بدعتی است که پیغمبری و امامی آن‌ها را نساخته است.»

شیخ صدوق در کمال الدین از ابان بن ثعلب از امام جعفر صادق روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «دو خون در اسلام هست که ریختن آن‌ها از طرف خداوند حلال است و کسی حکم درباره‌ی آن جاری نمی‌کند تا موقعی که خداوند قائم خاندان پیامبر را برانگیزد و او حکم خدا را درباره‌ی آن جاری کند و شاهد نطلبد. یکی آنان را که زنای محصنه مرتکب می‌شوند (زنای محصنه یعنی ارتباط نامشروع بین زن و مردی که همسر دارند یا یک طرف مجرد باشند) سنگسار می‌کند و دیگر هر کس را که مانع زکات دادن باشد، گردن می‌زند.»

### هنگامی که امام زمان در نجف قیام می‌کند

شیخ صدوق در کمال الدین از ابان بن ثعلب آورده که حضرت صادق (ع) می‌فرمایند: «گویا من قائم را در بیرون نجف می‌بینم بر اسبی تیره رنگ ابلق (هرچیز دو رنگ خصوصاً سیاه و سفید) که میان پیشانی تا گلویش سفید است سوار شده است. سپس اسبش او را به



حرکت در آورد به طوری که مردم هر شهری گمان می کنند که قائم در میان شهر آنهاست.»  
 وقتی پرچم پیامبر (ص) را برافراشت سیزده هزار و سیزده فرشته از آسمان پایین می آیند  
 و همه منتظر قائم اند. این فرشتگان همان هایی بودند که با نوح (ع) در کشتی بودند و هنگامی  
 که ابراهیم (ع) را در آتش افکندند، با او بودند و موقعی که عیسی را به آسمان بردند، با او  
 بودند! و چهار هزار فرشته صف کشیده و علامت مخصوصی دارند و سیصد و سیزده فرشته  
 جنگ بدر هم با آنها هستند.

### در روزگار سلطنت قائم (عج)

در کتاب ارشاد از علی بن عقبه و او از پدرش نقل کرده که گفت: «موقعی که قائم قیام  
 کند، به عدالت حکم می کند. در روزگار او ظلم و ستم از میان می رود، راه ها امن می شود،  
 زمین برکت های خود را بیرون می دهد، هر حقی به صاحب حق داده می شود و پیروان هیچ  
 دینی باقی نمی مانند مگر این که اظهار مسلمانی کنند و با ایمان شناخته شوند. مگر نشنیده ای  
 که خداوند در آیه ۸۳ سوره آل عمران می فرماید: «هرکس در آسمان و زمین باشد از  
 روی میل و اکراه تسلیم او می شوند و به سوی او بازگشت می کنند.» (از روی میل «قوانین  
 تشریحی» و اجبار «قوانین تکوینی» است.)

### روش حکومت قائم (عج) و برنامه ی دولت او

۱ - هیچ جایی از زمین نمی ماند مگر این که صدای اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً  
 رسول الله بلند می شود.

۲ - آیه ۸۳ سوره آل عمران می فرماید: «آیا آنها غیر آیین خدا را می خواهند (آیین او  
 همین اسلام است!) و تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند از روی اجبار یا اختیار  
 در برابر [فرمان] او تسلیم اند و به سوی او باز می گردند.»

در تفسیر این آیه از امام صادق (ع) آمده است: «این آیه درباره ی قائم نازل شده است.  
 هنگامی که علیه یهود، نصارا (مسیحیان) و صابئین (ستاره پرشان) و مادی ها و برگشتگان از

اسلام و کفار در شرق و غرب کره‌ی زمین قیام و اسلام را پیشنهاد می‌کند، هرکس از روی میل پذیرفت دستور می‌دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و آن چه بر هر مسلمانی واجب است بر او واجب می‌کند و هرکس مسلمان نشد، گردنش را می‌زند تا این که در تمام عالم یک نفر خدانشناس باقی نماند.»

در زمان مهدی (عج) چنان حکمت و علوم دین از طرف خدا داده شود که زن در خانه مطابق قرآن و دستور پیامبر اکرم (ص) حکم کند.

در کتاب غیبت نعمانی آمده که عبدالله بن عطار گوید: «از امام باقر پرسیدم مهدی با چه روشی در میان مردم حکومت می‌کند؟» فرمود: «بدعت و گمراهی را که قبل از وی بوده است، منهدم و خراب می‌کند، آن گاه اسلام را از سر می‌گیرد.»

امام باقر (ع) فرمود: روش قائم جنگ است، زیرا بر اساس کتابی که با اوست نیز چنین مأمور شده که با جنگ کار را از پیش ببرد. در آن زمان دیگر توبه برداشته می‌شود. وای بر کسی که باوی دشمنی کند.»

امام رضا (ع) یاران خود را فرمودند که شما راحتی بیشتری دارید. عرض شد چرا؟ فرمود برای اینکه وقتی قائم خروج می‌کند، شداید بسیار روی می‌دهد، خون زیاد ریخته می‌شود و مردم دسته دسته سوار بر اسب می‌شوند و در تاخت و تازند. لباس قائم زبر است و غذایش صعب التناول (بسختی غذا خوردن).

### پرچم قائم (عج) همان پرچم پیامبر (ص) است

در کتاب غیبت نعمانی، عبدالله بن سنان از امام محمد باقر (ع) روایت می‌کند که فرمود: «خداوند بر خلاف تعیین کنندگان وقت (ظهور امام زمان) عمل می‌کند! پرچم مهدی (عج) همان پرچم پیامبر است که جبرئیل در روز جنگ بدر از آسمان آورد و آن را در میدان جنگ به اهتزاز درآورد.»

جبرئیل عرض کرد ای محمد به خدا قسم! این پرچم از پنبه و کنان و ابریشم و حریر نیست. پیامبر پرسید پس از چیست؟ گفت: از برگ درخت بهشت است پیامبر در جنگ بدر

آن را برافراشت، سپس پیچید و به دست علی داد و آن حضرت هم آن را در جنگ جمل برافراشت و خدا او را پیروز گردانید و آن گاه علی (ع) آن را پیچید و همیشه پیچیده بوده و هم در نزد ماست.

وقتی قائم قیام کرد، آن را به اهتزاز در می آورد و هرکس در شرق و غرب عالم باشد، آن را می بیند.<sup>۱</sup> رعب و ترس او یک ماه پیش از آن در دل ها جای می گیرد. آن گاه گفت ای محمد (ص)! او به خونخواهی پدرانش قیام می کند و سخت خشمگین است و از این که خداوند بر این خلق غضب کرده متأسف است.

او پیراهن پیامبر را به تن دارد و عمامه و زره پیامبر را می پوشد و ذوالفقار پیامبر را هم در دست دارد. سپس شمشیر می کشد و هشت ماه از کشته ی بی دینان پشته ها می سازد. او از بنی شیبه شروع می کند و دست ها را می برد و به کعبه می آویزد و جارچی اعلام می کند که اینان دزدان خانه ی خدایند و سپس به قریش حمله می کند، شمشیرهایشان را می گیرد و به ضرب شمشیر سیرایشان می کند.»

او قیام نمی کند مگر بعد از آن که، دشمنانش دو فرمان یکی در بصره و دیگری در کوفه مبنی بر بیزاری از امیرالمؤمنین (ع) بخوانند.

امام صادق (ع) می فرمایند: «سیزده شهر و طایفه هستند که با قائم می جنگند و او هم با آن ها می جنگد و آنان عبارتند از مردم مکه، مردم مدینه، اهل شام، بنی امیه، اهل بصره، مردم دمیسان، کردها، اعراب قبایل بنی ضبه و غنی و باهله و ازد و اهل ری.»

نعمانی در کتاب غیبت می نویسد ابو صالح کنانی از امام صادق (ع) روایت می کند که پیرمردی خدمت امام رسید و گفت فرزندم به من ظلم و ستم می کند. حضرت فرمود: نمی دانی که حق و باطل دولتی دارند و پیروان هر یک در دولت دیگری خوار است. هرکس در زمان دولت باطل به کسی آزار می رساند در دولت حق تلافی آن را از او خواهند گرفت!

(۱) آن پرچم را لعنت می کنند زیرا مردم قبل از ظهور وی ناراحتی هایی از سادات خاندان او می بینند و نیز به خاطر صدماتی که از بنی هاشم دیده اند.

نعمانی در کتاب غیبت می نویسد ابان بن ثعلب گوید از امام صادق شنیدم عمر دنیا تمام نمی شود مگر گوینده‌ای از آسمان صدا می زند ای پیروان حق جمع شوید. همه در قسمتی از زمین جمع می شوند و بار دوّم گوینده‌ای می گوید ای پیروان باطل جمع شوید. آن‌ها نیز همگی در جایی از زمین جمع می شوند. عرض کردم ممکن است این دو گروه در هم مخلوط شوند. فرمودند نه به خدا، زیرا خداوند در آیه‌ی ۱۷۳ سوره‌ی آل عمران فرماید: خداوند نمی گذارد اهل ایمان داخل این ورطه شوند که شما (بی دینان) در آن هستید تا این که بد از خوب تمیز داده شود<sup>۱</sup>.

### نابودی شیطان به دست قائم (عج) است.

سید علی بن عبدالحمید در کتاب «انوار المصیئه» به سند خود از اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) نقل می کند که پرسیدم این که خداوند به شیطان فرمود منتظر وقت معلوم باشد، این وقت معلوم کی خواهد بود؟ فرمود: «روز قیام قائم ماست. وقتی خداوند او را برمی انگیزد (و آماده‌ی قیام است) در مسجد کوفه است. در آن وقت شیطان در حالی که با زانوهای خود راه می رود، به آن جا می آید و می گوید ای وای از خطر امروز! قائم پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند. آن روز وقت معلوم است که مدت او به آخر می رسد.»

شیخ مفید در کتاب اختصاص از حضرت صادق (ع) روایت می کند که فرمود: «چون قائم قیام کند، با پای خویش به میدان کوفه می آید. بادرست خود به مکانی اشاره می کند که این جا را بکنید. به دستور او آن جا را حفر می کنند دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاه خود بیرون می آورد و دوازده هزار نفر از غلامان و مردم عجم (غیر عرب اعم از ایرانی و ترک و اروپایی، کشور ایران را هم می گویند) را می خواند و آن سلاح را به آنها می پوشاند و سپس خطاب به آن‌ها می گوید کسانی که این لباس را نپوشیده‌اند به قتل برسانید.»

حسین بن مسعود فراء در کتاب شرح السنه به سند خود از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است: «به خدایی که جانم در دست قدرت اوست سوگند یاد می‌کنم که عیسی بن مریم (ع) آن حاکم عادل در میان شما مسلمانان فرود می‌آید و امام شما هم در میان شماست. صلیب را می‌شکند مانند کسی است که نصرانیت (مسیحی) را از میان برده و مطابق دین اسلام حکم می‌کند و خوک را می‌کشد.» معنی کشتن خوک تحریم نگه‌داری و خوردن و مباح کردن کشتن آن است چون خوک نجس است. عیسی (ع) هم به دستور شرع عمل می‌کند و خوک‌ها را می‌کشد چون چیز طاهری که مردم از آن نفع می‌برند تلف کردنش مباح نیست و جزیه دادن را از میان می‌برد چون اهل کتاب یهود و نصارا (مسیحیان) را مسلمان می‌کند و آن قدر پول به همه می‌دهد که دیگر نیازی به جزیه (مالیاتی که در قدیم مسلمانان از کفار و اهل ذمه می‌گرفتند) گرفتن نیست.

ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که دربارهی فرود آمدن عیسی از آسمان می‌فرمایند: «در زمان او تمام ادیان از بین می‌روند، مگر اسلام که باقی می‌ماند و دجال را می‌کشد<sup>۱</sup> و چهل سال در روی زمین زندگی می‌کند و بعد رحلت می‌فرماید و مسلمانان بر وی نماز می‌خوانند.»

## یاران امام مهدی (ع)

امام صادق (ع) فرمود:

یاران مهدی و هسته‌ی مرکزی آنان بزرگ مردانی هستند که دل‌هایشان به سان پاره‌ی آهن است.

در ایمانشان به خدا و وعده‌ی او، ذره‌ای تردید ندارند و ایمانشان از کوه سخت‌تر است. اگر بر کوه‌ها یورش برند، آن‌ها را نابود می‌کنند. چابک و چالاک به سان عقاب، بر

(۱) قبلاً گفته شده که امام زمان دجال را می‌کشد ولی اهل تسنن می‌گویند عیسی (ع) دجال را به قتل می‌رساند.

مرکب‌های خویش سوارند و در عشق به حضرت مهدی علیه السلام چنان‌اند که زین مرکب او را برای تبرک جستن مسح می‌کنند؛ برگرد یار حلقه می‌زنند و در فراز و نشیب‌ها و پیکارها او را به سان جان شیرین با همه‌ی وجود محافظت می‌کنند و هر دستوری دهد، او را بسنده‌اند و به انجام رساننده.

بزرگ مردانی هستند که شب‌ها را نمی‌خوابند و همچون انبوه زنبوران کندوی عسل تا صبحگاهان زمزمه‌ی نیایش و مناجاتشان گوش‌ها را می‌نوازد. شب‌ها را شب زنده‌داری می‌کنند و گاه آن را سوار بر مرکب‌های خویش به بامداد می‌رسانند. راهبان شب‌اند و شیران روز و در فرمان‌برداری و اطاعت از سالار خویش هیچ تردید و چون و چرا نمی‌کنند، آنان همچون چراغ‌های روشن‌گردند... دل‌هایشان به سان مشعل‌های پرنور است و از ترس و خشوع در برابر خدا هراسان‌اند. از خدای خویش طلب شهادت می‌کنند و آرزوی مرگ در راه خدا را می‌کشند و شعارشان: «یا لثارات الحسین!» است.

هنگامی که به حرکت در می‌آیند، امواج رعب و وحشت از برابر آن‌ها می‌گریزد، به سوی سالارشان به سرعت می‌شتابند و خداوند به کمک اینان، آن پیشوای راستین بشریت و آن اصلاحگر بزرگ جهانی را یاری می‌کند.

### خلاصه‌ای از ویژگی‌های یاران امام مهدی (عج)

- ۱ - یاران آن حضرت ناشناخته نیستند؛ چنان‌چه امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: نام یاران مهدی (عج) در آسمان شناخته شده است و در زمین (تا آمدن آن گرامی) ناشناخته.
- ۲ - یاران مهدی (عج) کسانی‌اند که از لحاظ شخصیتی به درجاتی از کمال رسیده‌اند که خداوند به آن‌ها نعمت طی الارض داده است. امام صادق (ع) در روایتی در این باره می‌فرماید: یاران مهدی علیه السلام از نقاط مختلف زمین به سوی او حرکت می‌کنند و زمین زیر پای آنان در هم می‌پیچد و دور، نزدیک می‌شود.
- ۳ - یاران امام مهدی (عج) از ایمان کامل و استواری برخوردارند.

از نظر شجاعت و تلاش و شهامت در حدّ اعلا قرار دارند ترس در آن‌ها راه ندارد؛ چرا

- که به هدفشان سخت مؤمن اند و شک و تردیدی در آنها راه ندارد.
- ۴ - یاران آن حضرت از ویژگی تواضع و فروتنی برخوردارند در کمال شهامت و شجاعت، فروتن بودن از خصایص آنهاست.
- ۵ - یاران آن حضرت عبادت کنندگان خاضع و خاشع اند، شبانگهان را با نماز و نیایش و سوز و گداز عارفانه و عاشقانه به بارگاه خدا، به سحر می آورند.
- ۶ - یاران مهدی (علیه السلام) در اوج آگاهی و معرفت قرار دارند. دل هایشان به نور معرفت درخشنده است و از بی فرهنگی و سطحی نگری به دوراند.
- ۷ - یکی دیگر از ویژگی های یاران مهدی (عج) این است که اندیشه هایشان با یکدیگر متحد و یگانه است و دل هایشان به هم پیوسته است. هیچ تفرقه و اختلافی در بین آنها نیست.
- ۸ - یاران امام مهدی کسانی اند که نه به خاطر پیروزی ها مغرور می شوند و نه به علت مشکلات احساس ضعف می کنند. همیشه از حالتی متعادل و موزون برخوردارند.
- ۹ - آرزوی بزرگ یاران خاص امام مهدی (عج) به دوش کشیدن بار مسئولیت و به انجام رساندن وظایف و جهاد و شهادت در راه خداست.
- ۱۰ - از ویژگی های دیگر یاران امام مهدی (عج) این است که نام مقدس امام حسین (ع) همیشه بر لب هایشان است و شعار ویژه ی آنان یا لثارات الحسین است.<sup>۱</sup>

### سپاه امام مهدی (عج)

از امام صادق (ع) پرسیدند: «به هنگام ظهور امام مهدی علیه السلام چند نفر با او همراه خواهند بود؟ برخی می گویند: با ۳۱۳ نفر به شمار یاران پیامبر در بدر ظهور می کند.»  
حضرت فرمود: «او از مکه با نیروی بسیاری خارج می شود و نیروی بسیار، کمتر از ده هزار نفر نخواهد بود.»

۱ - کتاب امام مهدی (عج)، تألیف آیت اله فقید سید محمدکاظم قزوینی، ص ۵۸۶.

در باره‌ی واژه‌ی «حلقه» در منابعی که نزد ما موجود است، تنها این موضوع آمده است که عبارت است از: ده هزار نفر. اما به نظر می‌رسد که منظور از «حلقه» و «عقد» - که به مفهوم آن است و در برخی دیگر از روایات آمده است - لشکرگران و جمعیت بسیاری است که از ایمان کامل و تزلزل‌ناپذیر و آگاهی بسیاری بهره‌ورند. آنان از ارتش امام عصر علیه‌السلام محسوب می‌شوند، اما امتیازات و ویژگی‌های ۳۱۳ نفر یاران اصلی امام علیه‌السلام را ندارند؛ جز این که در مکه به آن پیشوای نجات‌بخش می‌پیوندند و زیر پرچم او قرار می‌گیرند.

آری! امام مهدی علیه‌السلام از مکه با این شمار از فداکاران آگاه و با ایمان خارج می‌شود، اما روشن است که در مسیر کوفه و در مدت اقامت آن حضرت در کوفه، میلیون‌ها انسان شیفته‌ی حق و عدالت به او می‌پیوندند و به آن گرامی دست بیعت می‌دهند.

### فرق میان اصحاب و انصار آن حضرت

میان اصحاب و انصار آن حضرت، فرق است. چرا که اصحاب آن گرامی همان ۳۱۳ نفر هستند که امیر مؤمنان و امام صادق علیهما السلام آنان را: «پرچمدارِ یاوران آن گرامی» تعبیر کرده‌اند و این بیانگر این واقعیت است که آنان دارای توانایی‌ها، کارآیی‌ها، آگاهی‌ها، کفایت‌ها، مدیریت‌ها و صلاحیت‌های لازم و بالایی برای فرماندهی و سازمان‌بخشیدن به نیروی طرفدار حق‌اند، که امام صادق (ع) از آنان به: «حکام الله فی ارضه»<sup>۱</sup> تعبیر می‌کند. به زودی بحث خواهیم کرد که هر یک از اینان نقش مهمی در سازماندهی و فرماندهی لشکر امام عصر علیه‌السلام و فتح کشورها و اداره‌ی امور جامعه و دیگر حل مشکلات دارند.

اما انصار امام مهدی علیه‌السلام را مردم پاک‌باخته و با ایمان و شایسته‌کرداری تشکیل می‌دهند که با قیام امام علیه‌السلام از مکه، به تدریج به لشکر او می‌پیوندند و با همه‌ی وجود

۱ - کتاب امام مهدی (عج)، تألیف آیت اله فقیه سید محمدکاظم قزوینی، ص ۶۰۱ به نقل از



در خدمت اجرای برنامه و گام‌های بلند اصلاحی آن حضرت قرار می‌گیرند و با دشمنان حق و عدالت تا محو بیداد و سرشار کردن زمین و زمان از عدل و داد، پیکار همه جانبه می‌کنند. در بحث‌های آینده خواهد آمد که حضرت مهدی علیه‌السلام به هنگام حرکت از مکه با ده هزار قهرمان، که انصار او هستند حرکت اصلاحی را آغاز می‌کند و تازه اینان بخشی از یاران او هستند و در عراق، «سید هاشمی» با ۱۲ هزار نفر به او می‌پیوندند.

علاوه بر انبوه انبوه از انسان‌های شایسته و کارا که به یاری اهداف و آرمان‌های والای آن حضرت می‌شتابند، انبوه فرشتگان نیز یاران او خواهند بود که برای تحقق اهداف بزرگ و اجرای دستوراتش حاضر می‌شوند.

در زیارتنامه‌ها و دعاهایی که از امامان معصوم علیهم‌السلام رسیده است، به همه‌ی انسان‌ها رهنمود داده شده است که: از پروردگار خویش بخواهند تا آنان را از یاران و مددکاران و جهادگران راستین، به فرمان او قرار دهد که در این جا برخی از آن‌ها را می‌آوریم:

۱ - در زیارت عاشورا از جمله می‌خوانیم:

«... و أسأل الله البرَّ الرَّحيم ان يرزقني مودَّتكم و ان يوفِّقني للطلب بثاركم مع الامام المنتظر الهادي من آل محمّد...»<sup>۱</sup>

یعنی: و از خدای نیکوکار و پرمهر می‌خواهیم که دوستی شما را روزیم کند و مرا برای خون‌خواهی شما، به همراه «امام منتظر» و هدایت‌کننده به راه حق و عدالت از خاندان محمّد(ص) توفیق ارزانی دارد.

۲ - و نیز در زیارتی که از حضرت باقر علیه‌السلام رسیده است می‌خوانیم:

«... و ان يرزقني طلب ثاري مع امام هدي ظاهرٍ ناطقٍ بالحق منكم...»<sup>۲</sup>

یعنی: و از خدا می‌خواهم که خون‌خواهی شما را به همراه امام هدایت و گویای به حق از شما خاندان وحی و رسالت که آشکار خواهد شد، روزی‌ام کند.

۱ - زیارت عاشورا غیر معروفه.

۲ - الامام مهدی، ص ۶۰۱ تا ۶۰۳ به نقل از بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۹۲.

۳- و در زیارتی که از خود امام مهدی علیه السلام روایت شده است می خوانیم:

«... و اجعلنی اللهم من انصاره و اعوانه و اتباعه و شیعتہ...»<sup>۱</sup>

یعنی: بار خدایا! مرا از یاران و مددکاران و پیروان و شیعیان او قرار ده.

۴- و می خوانیم:

«اللهم كما جعلت قلبی بذکره معموراً فاجعل سلاحی بنصرتہ مشهوراً...»<sup>۲</sup>

یعنی بار خدایا! همان گونه که قلبم را به یاد او آباد و آزاد کردی، اینک سلاح ستم ستیز مرا نیز برای یاری او و اهداف بلندش برهنه و آخته دار و اگر میان من و او مرگ - که آن را بر بندگانت به صورت یک قانون مقرر و آن را بر مخلوقات برخلاف تمایل آنان مسلط کردی - حائل شد، مرا به هنگام ظهور آن حضرت از آرامگاهم در حالی که کفن بر شانه انداخته و به کمر بسته ام برانگیخته ساز تا پیش وری آن اصلاحگر بزرگ جهانی، جهاد کنم و در صف کسانی قرار گیرم که آنان را در کتاب آسمانی ات ستوده و فرموده ای: «کاتبین بنیان مرصوص»<sup>۳</sup>

### در باره ی رجعت

۱- خداوند در آیه ی ۵۶ سوره ی بقره می فرماید: «گروهی از قوم بنی اسرائیل بعد از تقاضای مشاهده ی خداوند، گرفتار صاعقه ی مرگباری شدند و مردند. سپس شما را پس از مرگتان حیات (زندگی) بخشیدیم، شاید شکر نعمت خدا را به جا آورید.»  
مفسرین این آیه را دلیل بر رجعت می دانند.

۲- خداوند در آیه ی ۲۴۳ سوره ی بقره می فرماید: «آیا ندیدی جمعیتی را که از خانه های خود فرار کردند از ترس مرگ و آنان هزارها نفر بودند (که به بهانه ی بیماری طاعون از شرکت در میدان جهاد خودداری کردند) خداوند به آنها گفت بمیرید (به همان بیماری که آن را بهانه کرده بودند، مردند). سپس خدا آنها را زنده کرد (و ماجرای زندگی آنان

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۸۳، زیارت آل یس.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۳. ۳- سوره ی صف، آیه ی ۴.

را عبرتی برای آیندگان قرار داد.) خداوند به بندگان خود احسان می‌کند ولی بیشتر مردم شکر به جا نمی‌آورند.

در یکی از شهرهای شام بیماری طاعون راه یافت و مردم یکی پس از دیگری به این بیماری مبتلا شدند و مردند. عده‌ای برای فرار از بیماری به بیابان‌های اطراف رفتند و در خود احساس غرور کردند و قدرت الهی را نادیده گرفتند. خداوند هم آن‌ها را در همان بیابان‌ها گرفتار بیماری طاعون کرد و همه مردند.

پس از مدتی حزقیل (طبق بعضی از روایات سومین پیشوای یهودیان بعد از موسی (ع)) از آن جا عبور کرد و از خداوند زنده شدن آن‌ها را خواستار شد. خداوند دعای حزقیل را به اجابت رساند و مجدداً همه زنده شدند. مفسرین از این آیه برای اثبات رجعت نیز استفاده کرده‌اند.

نکته‌ای که در ذیل این آیه باید بدان توجه کرد، موضوع رجعت است. در تاریخ گذشتگان کسانی را می‌یابیم که پس از مردن به این جهان بازگشته‌اند. مانند جمعی از بنی اسرائیل که در آیه‌ی مزبور به آن اشاره شده است. دانشمند معروف شیعه مرحوم صدوق نیز به همان آیه برای امکان پذیر بودن «رجعت» استدلال کرده و می‌گوید یکی از عقاید ما اعتقاد به رجعت است.

۳ - خداوند در آیه‌ی ۲۵۹ بقره می‌فرماید: (این زندگی پس از مرگ هم برای اطمینان خاطر توست و هم) برای این که تو را نشانه‌ای برای مردم (در باب معاد) قرار دهیم، (اکنون) به استخوان‌های (مرکب خود) نگاه کن که چه گونه آن‌ها را برمی‌داریم و به هم پیوند می‌دهیم و گوشت بر آن می‌پوشانیم، هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد گفت، می‌دانم که خدا بر هر کاری قادر است.»

این قسمت آخر آیه در پاسخ عزیر پیامبر (ع) است که از کنار خرابه‌ای می‌گذشت. گفت، خدایا مردمی که در این خرابه بوده‌اند، چه گونه در قیامت زنده خواهند شد؟ سپس مقداری غذا خورد و خوابید. بعد از بیدار شدن، خدا از او پرسید چه مدت خواب بودی؟ گفت، خداوندا، یک روز یا نصف روز. خداوند فرمود صد سال در این جا خواب بودی. به خوراکت نگاه کن که سالم در جای خود مانده و سواری تو (الاغ) به

خاک تبدیل شده است. بین که چگونه الاغ تو را دوباره زنده می‌کنیم. علامه مجلسی می‌گوید، داستان عزیر پیامبر را درباره‌ی رجعت هم می‌توان استدلال کرد.

۴ - افزون بر این‌ها به داستان اصحاب کهف نیز درباره‌ی رجعت می‌توان استدلال کرد.  
 ۵ - در آیه‌ی ۱۱۰ سوره‌ی مائده ضمن برشمردن معجزات عیسی علیه‌السلام می‌خوانیم: «وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِأَذْنِی» یعنی تو مردگان را به فرمان من زنده می‌کردی. این تعبیر نشان می‌دهد که مسیح (ع) از این معجزه‌ی خود استفاده می‌کند و تعبیر به فعل مضارع (تُخْرِجُ) دلیل بر تکرار آن است و این خود برای بعضی یک نوع رجعت محسوب می‌شود.

۶ - در آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی بقره در باره‌ی کشته‌ای که در بنی‌اسرائیل برای پیدا کردن قاتلش نزاع و جدال برخاسته بود، قرآن می‌گوید: «دستور داده شد گاو را با ویژگی‌هایی سربزند و بخشی را بر بدن مرده زنده تا مرده زنده شود و قاتل خود را معرفی کند.»  
 ۷ - داستان مرغ‌های چهارگانه‌ی ابراهیم اثبات رجعت را نیز تأیید می‌کند.

به هر حال چگونه ممکن است کسی قرآن را قبول داشته باشد با این همه آیات روشن و امکان رجعت را انکار کند. اساساً مگر رجعت چیزی جز بازگشت به حیات بعد از مرگ است؟

مگر رجعت نمونه‌ی کوچکی از رستاخیز در این جهان کوچک محسوب نمی‌شود؟ کسی که رستاخیز را با آن مقیاس و سببش می‌پذیرد، چگونه خط سرخ بر مسأله‌ی رجعت می‌کشد؟

### تعریف رجعت از نظر امام صادق (ع)

رجعت عمومی نیست، بلکه جنبه‌ی خصوصی دارد. تنها گروهی بازگشت می‌کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند.<sup>۱</sup>

(۱) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹ - تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۰.

اینجا دو سؤال پیش می آید:

۱ - آیا رجعت با اصل آزادی و اراده و اختیار ناسازگار نیست؟

پاسخ: با توجه به مطالب فوق این اشتباه محض است. زیرا بازگشت آن‌ها به این جهان در یک شرایط عادی است و از آزادی کامل برخوردارند.

۲ - آیا ممکن است ظالمان و ستمکاران توبه کنند و توبه‌ی آن‌ها پذیرفته شود؟

پاسخ: خیر. زیرا اولاً با ظهور حضرت مهدی (عج) روحی و ارواح العالمین له الفداء باب توبه بسته می‌شود و از کسی پذیرفته نیست.

ثانیاً به فرض محال چنین هم نباشد، این گونه افراد چنان در ظلم و فساد و کفر فرورفته‌اند که بازگشتی از آن وجود ندارد.

همان گونه که قرآن در پاسخ برخی جهنمیان که در قیامت بازگشت به دنیا را برای جبران خطاهای خود تقاضا می‌کنند می‌گوید: «اگر آن‌ها باز گردند، دگر بار همان اموری را که از آن نهی شده‌اند، انجام می‌دهند.»<sup>۱</sup>

ثالثاً برخی گفته‌اند: رجعت با آیه‌ی ۹۹ و ۱۰۰ سوره‌ی مؤمنین سازگار نیست، زیرا آیه می‌فرماید: (آن‌ها همچنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند تا) زمانی که مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد می‌گوید: پروردگار من! مرا بازگردانید! (۹۹) شاید در آن چه ترک کردم، عمل صالحی انجام دهم (به او می‌گویند) چنین نیست این سخنی است که می‌گوید (و اگر بازگردد برنامه‌اش همچون سابق است) و پشت سر آن‌ها برزخی است تا روزی که برانگیخته می‌شوند. باید توجه داشت که این آیه عام است و رجعت خاص است.

امام صادق (ع) فرمود: «تمام پیامبران به پیامبر اسلام ایمان می‌آورند و علی (ع) یاری می‌کنند آری والله خداوند از زمان آدم (ع) تا پیغمبر خاتم (ص) هر پیامبری را که مبعوث گردانیده دوباره به دنیا باز می‌گرداند تا در رکاب امیرالمؤمنین (ع) جهاد کند.»

امام باقر (ع) فرمود: مدّثر در آیه‌ی «یا ایها المدّثر» مقصود محمد صلی الله علیه و اله و آمدن آن حضرت در زمان رجعت است که مردم را از نافرمانی خدا بر حذر می‌دارد و در

آیه‌ی ۳۹ و ۴۰ سوره‌ی مدثر می‌فرماید: **إِنَّهَا لَأُخَذَتِ الْكُفْرَ تَذِيْرًا لِّلْبَشَرِ** نیز مقصود پیامبر (ص) است که در رجعت به دنیا باز می‌گردد و بشر را از معصیت خدا بر حذر می‌دارد و در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی سبأ مقصود پیامبر اکرم است که خدا او را در رجعت برای هدایت و تأمین حوائج تمام مردم برمی‌انگیزد.<sup>۱</sup>

مردی از امیرالمؤمنین (ع) پرسید: «آیا پیش از قیامت انسان زنده می‌شود و می‌میرد؟» فرمود: «آری. والله یک لحظه کفر بعد از رجعت، سخت‌تر از چند لحظه کفر قبل از رجعت است.»

امام صادق (ع) فرمود: «کسی که پیش از روز قیامت به حساب مردم رسیدگی می‌کند، حسین بن علی علیه‌السلام است.» به این معنی که هرکس را (خدا بخواهد) او به بهشت یا به دوزخ می‌فرستد.

تفاسیر زیادی موجود است که این آیات در باره‌ی رجعت ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام است.<sup>۲</sup>

شیخ طوسی به سند خود از فضل بن شادان و او از چند نفر راویان از پیامبر (ص) روایت می‌کند که پیامبر (ص) در ضمن حدیثی به امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «یا علی، خداوند در هفت جا تو را با من حاضر می‌کند.» تا آن جا که فرمود: «محل هفتم آن که در وقتی که هیچ کس نمانده باشد من و تو هستیم و نابودی احزاب به دست ماست.» یعنی دسته‌بندی‌هایی که موجب همه‌گونه گرفتاری بشری است به کلی ریشه کن می‌شود و این مربوط به دوران رجعت است.

### سؤال مأمون و پاسخ آن از حضرت رضا (ع)

صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا روایت می‌کند که مأمون (خلیفه‌ی دانشمند عباسی) به حضرت رضا (ع) عرض کرد درباره‌ی رجعت چه می‌فرمایید؟ حضرت فرمودند: «رجعت درست است. بازگشت بعضی از مردگان در امت‌های پیشین سابقه داشته و قرآن هم آن را

(۱) کتاب منتخب البصائر.

(۲) بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۱۳۰ تا ۱۲۰۰.

تأیید می‌کند و پیغمبر (ص) فرمود آنچه در امت‌های پیشین بوده است، به طور کامل در این امت خواهد بود. و نیز پیغمبر (ص) فرمود موقعی که فرزند من مهدی (عج) قیام می‌کند، عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌خواند. و فرمود اسلام، غریب آشکار شد و به زودی غریب می‌شود پس خوش به حال غربا. عرض شد یا رسول الله بعد از آن که دوباره غریب شده، چه می‌شود؟ فرمود حق به صاحب حق بازگشت می‌کند.<sup>۱</sup>

قطب الدین راوندی در کتاب «خرایج» از جابر جعفی از حضرت امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «امام حسین (ع) پیش از آن که شهید شود به یارانش فرمود جدم پیغمبر خدا (ص) به من فرمود ای فرزند! تو را به عراق می‌برند و آن سرزمینی است که پیغمبران و جانشینان به آن برخوردند و آن جا «عمورا» خوانده می‌شود. تو در آن جا شهید می‌شوی و جماعتی از اصحاب تو که اسلحه و آهن را احساس نخواهند کرد نیز با تو به شهادت می‌رسند. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِيمَ<sup>۲</sup> (گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش) و سپس فرمود آتش جنگ بر تو و آن‌ها سرد و سلامت خواهد شد. پس مژده باد شما را! بخدا قسم اگر این قوم ما را به قتل رسانند، ما به نزد پیغمبرمان بر می‌گردیم.

آن گاه من تا مدت زمانی که خداوند بخواهد خواهم ماند. من نخستین کسی خواهم بود که قبرش شکافته می‌شود و به موازات برانگیخته شدن امیرالمؤمنین از قبر و قیام قائم، از گورم بیرون می‌آیم. آن گاه جماعتی از فرشتگان به امر الهی فرود می‌آیند، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل با لشکری از فرشتگان به سوی من نازل می‌شوند و سپس محمد (ص) و علی و من و برادرم (امام حسن) و تمام آن‌ها که خدا از برای ایمان کامل بر آنان منت نهاده بر مرکب‌های ابلق ابلق (سیاه و سفید) که همه از نورند و تا آن روز آفریده‌ای بر آن‌ها سوار نشده، فرود می‌آییم. سپس محمد (ص) پرچم خود را به اهتزاز در می‌آورد و آن را با شمشیر خود به قائم ما می‌دهد و بدین گونه بعد از آن تا زمانی که خدا تقدیر فرموده در جهان خواهیم زیست. سپس من یهود و مسیحیان و سایر ملل را به دین اسلام دعوت می‌کنم

(۱) بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۲۰۱.

(۲) سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۶۹.

و آنان را در انتخاب اسلام یا شمشیر آزاد می‌گذارم. هرکس اسلام آورد، به وی منت می‌نهم و هرکس خودداری کرد، خون او را می‌ریزم.»

### دولت ال محمد (ص) در زمان رجعت

کلینی در کافی از حسن بن شادان واسطی روایت کرده که گفت نامه‌ای به حضرت رضا (ع) نوشتم و از ناسازگاری و ظلم مردم واسط که از پیروان عثمان بودند و به من آزار می‌رساندند، شکایت کردم. حضرت پاسخ فرمودند: «خداوند جل ذکره از دوستان خود عهد و پیمان گرفته که در دولت باطل صبر پیشه کنند. بنابراین تو هم به حکم پروردگارت صبر کن که چون سرور مردم قیام کند، پیروان باطل را از قبر بیرون آورد و انتقام دوستان مظلوم ما را بگیرد. در آن موقع است که آن‌ها می‌گویند، چه کسی ما را از گورمان بیرون آورد؟ این است آن روزی که خداوند وعده داده است و فرستادگان خداوند راست گفتند.»<sup>۱</sup>

صدوق در من لایحضره الفقیه از حضرت صادق (ع) روایت می‌کند که فرمود: «کسی که ایمان به رجعت ما ندارد و متعه (عقد موقت) را حلال نداند، از ما نیست.»<sup>۲</sup>

### نظر شیخ صدوق درباره‌ی رجعت

شیخ صدوق درباره‌ی رجعت در کتاب «اعتقادات» می‌نویسد:

اعتقاد ما درباره‌ی رجعت صحیح است به دلیل آیه‌ی ۲۴۳ از سوره‌ی بقره، «آیا ندیدی آنان را که از کشور خود خارج شدند در حالی که هزاران بودند.» و داستان عزیر پیامبر که در آیه‌ی ۲۵۹ سوره‌ی بقره بیان شده و (ما هم قبلاً توضیح دادیم) و داستان برگزیدگان قوم حضرت موسی (ع) که خداوند در آیه‌ی ۵۶ بقرم می‌فرماید: شما را بعد از مردنتان دوباره زنده گردانیدیم تا شکر خدا را به زبان آورید و

(۱) سوره‌ی یس، آیه‌ی ۵۲ - بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۲۱۰.

(۲) بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۲۱۱.



درباره‌ی عیسی خداوند می‌فرماید: عیسی به اجازه‌ی من مردگان را زنده می‌کند. تمام مردگانی که عیسی به اجازه خدا زنده کرد، به دنیا برگشتند و داستان آن‌ها معروف است یا اصحاف کهف که داستان آن‌ها معروف است.

این گونه رجعت‌ها که طی آن مردمی در امت‌های پیشین از این جهان دیده فرو بستند و دوباره زنده شدند، بسیار است و پیامبر (ص) فرمودند آنچه در این امت است عیناً مثل آن‌هاست که در امت‌های پیشین روی داده است. بنابراین لازم است که رجعت در این امت باشد. هر کس اعتقاد به تناسخ داشته باشد، کافر است. زیرا اعتقاد به تناسخ ابطال بهشت و دوزخ است<sup>۱</sup> و<sup>۲</sup>.

### نظر شیخ مفید درباره‌ی رجعت

مفید در کتاب ارشاد مطالبی درباره‌ی ظهور قائم آل محمد (ص) ذکر می‌کند. از جمله این که مردگان از قبرهای خود بیرون می‌آیند، به دنیا بر می‌گردند، با یکدیگر مأنوس می‌شوند و به دید و بازدید یکدیگر می‌روند.

از وی سؤال کردند که امام صادق (ع) فرموده‌اند کسی که اعتقاد به رجعت ما نداشته باشد از ما نیست، یعنی چه؟ شیخ مفید پاسخ فرمود: «مقصود رجعت اهل ایمان است به آل محمد (ص) اختصاص دارد. به این معنی که خداوند مردمی از امت پیغمبر (ص) را بعد از مردن و پیش از روز قیامت زنده می‌گرداند و این عقیده‌ی خاندان پیامبر (ص) و از معتقدات شیعیان آن‌هاست و قرآن مجید هم بر آن گواه است.»

(۱) بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۲۸۸.

(۲) تناسخ: فرقه‌ای در اسلام به نام تناسخیه که به انتقال ارواح به اجساد اعتقاد دارند و منکر بعثت و حشراند. به عقیده‌ی آنان روح آدم نیکوکار در بدن انسان عاقل هوشیاری داخل می‌شود که در دنیا لذت ببرد و خوش بگذراند و برعکس روح آدم بدکار در جسم حیوانی داخل می‌شود که بار بکشد و رنج ببرد. (فرهنگ عمید، ماده‌ی تناسخ).

## نظر سید مرتضی درباره‌ی رجعت

شیخ مفید در کتاب ارشاد نظر سید مرتضی را چنین بیان می‌دارد. سید مرتضی گوید: «عقیده‌ی شیعه‌ی امامیه این است که خداوند متعال در موقع ظهور حضرت مهدی (عج) مردمی از شیعیان آن حضرت را که قبلاً مرده بودند، به دنیا بر می‌گرداند تا به ثواب یاری او و مساعدت وی و مشاهده‌ی دولت آن حضرت فائز شوند. همچنین مردمی از دشمنان آن حضرت را زنده می‌کند تا از آن‌ها انتقام گیرد. دلیل بر اثبات رجعت این است که هیچ عاقلی آن را محال نمی‌داند. پس وقتی ثابت شد که راه اثبات آن هم اجماع علمای شیعه است که این معنی واقع می‌شود و اجماع علمای شیعه حجت است زیرا حاکی از قول امام علیه‌السلام است.»

## گفتار سید بن طاووس درباره‌ی رجعت

سید بن طاووس در کتاب سعد السعود بعد از نقل سخن شیخ طوسی از تفسیر تبیان در ذیل آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی بقره می‌فرماید شما را بعد از مرگتان دوباره زنده گردانیدم تا شکر خدا به زبان آورید، در جواز اعتقاد به رجعت به دلیل این آیه‌ی شریفه می‌گوید: «شیعه و سنی حشر مردگان را که همان رجعت است در کتب خود نقل کرده‌اند. از جمله حمیدی (دانشمند معروف اهل تسنن) در کتاب جمع بین صحیحین از ابوسعید خدری روایت کرده که پیامبر (ص) می‌فرمایند روش و شیوه‌ی امت‌های پیش و جب به و ذرع به ذرع به عینه درباره‌ی شما نیز جاری خواهد شد. تا آن جا که اگر آن‌ها به سوراخ سوسماری رفته باشند، شما نیز خواهید رفت! عرض کردم یا رسول الله آیا به شیوه‌ی یهود و نصاری در بین ما جریان می‌یابد؟ فرمود: پس شیوه‌ی کی؟<sup>۱</sup>»

زمخشری در کشف روایت می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: «شما امت اسلام بعد از من

شبه‌ترین امت‌ها به بنی اسرائیل هستید و به طور کامل از راهی که رفتند خواهید رفت تا جایی که من نمی‌دانم گوساله پرست هم خواهید شد!<sup>۱</sup>»

سید بن طاووس می‌گوید: «وقتی شیوه‌های یهود و بنی اسرائیل در امت اسلام صورت گیرد مثلاً امت‌های گذشته و یهود از موسی بن عمران خواستند که خدا را به طور آشکار به آن‌ها نشان دهد تا ایمان بیاورند خدا هم آن‌ها را میرانید و سپس زنده کرد. به همین دلیل‌ها که آن‌ها معتقد هستند، می‌گوییم: در امت اسلام نیز این وضع جریان دارد و خداوند کسانی را بعد از مرگشان دوباره زنده می‌کند.» (و این همان رجعت به عقیده‌ی شیعه است).

### حدیث سلمان فارسی

مجلسی مؤلف کتاب بحارالانوار فرماید: شیخ حسن بن سلیمان در کتاب المحتضر از کتاب سید جلیل حسن بن کیش که وی از کتاب منتخب الاثر به سند خود از سلمان فارسی که درباره دوازده امام بوده آورده است که پیامبر (ص) در اواخر حدیث می‌فرمایند: «هر کس اینان را بشناسد و از آنان پیروی کند و دوستداران آن‌ها را دوست بدارد و از دشمنان آنان بیزاری جوید، به خدا قسم با ما خواهند بود. هر جا ما وارد شویم، آن‌ها نیز وارد شوند و هر جا مسکن کنیم، آن‌ها نیز مسکن گزینند.»

آن‌گاه اسامی آن دوازده نفر را چنین معرفی فرمودند: «۱ - علی بن ابی طالب ۲ - امام حسن ۳ - امام حسین ۴ - علی بن الحسین سید العابدین ۵ - محمد بن علی باقر، شکافته‌ی علم اولین و آخرین از انبیا و مرسلین ۶ - جعفر بن محمد، لسان صادق خداوند ۷ - موسی الکاظم، صابر در راه خدا ۸ - علی بن موسی الرضا، راضی به امر خدا ۹ - محمد بن علی، برگزیده‌ی خلق خداوند ۱۰ - علی بن محمد هادی، راهنمای خلق به سوی خدا ۱۱ - حسن بن علی، امین دین خدا ۱۲ - مهدی ناطق و قائم بر حق است.»

سلمان گفت آیا من آن‌ها را درک می‌کنم؟ فرمود: «ای سلمان، تو و امثال تو که آن‌ها را

دوست بدارند، با معرفت آن‌ها را درک می‌کنند.» سلمان گفت خدا را شکر کردم سپس عرض کردم یا رسول الله آیا من تا زمان آن‌ها خواهم بود؟ فرمود: «ای سلمان این آیه را بخوان (آیات ۵ و ۶ سوره‌ی اسراء) فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَئِهَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّبَابِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا (۵) ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَآمَددْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (۶)

هنگامی که نخستین وعده فرارسد مردانی پیکار جو را بر شما می‌فرستیم (تا سخت شما را در هم کوبند. برای به دست آوردن مجرمان حتی) خانه‌ها را جست و جو می‌کنند و این وعده‌ای است قطعی (۵) سپس شما را بر آن‌ها چیره می‌کنیم و اموال و فرزندانتان را افزون خواهیم کرد و نفرات شما را بیشتر از «دشمن» قرار می‌دهیم.»

مؤلف: در تفسیرهای نمونه و المیزان در ذیل این آیات به برتری جویی‌ها و ظلم‌های بنی‌اسرائیل از قبل از میلاد بحث شده و آثار و نشانه‌هایی که بیان شده با هجوم اسرائیل به سرزمین‌های فلسطین مطابقت دارد که تاریخ تکرار خواهد شد و یدالله فوق‌ایدیهم واقعیتی انکارناپذیر است و زمانی خشم و غضب الهی دامن ظالمین و غاصبین را خواهد گرفت. این برتری جویی‌ها و ستمگری‌ها در بین ما ملت هم رواج یافته است. به خود آییم و از خشم و غضب الهی تا دیر نشده بترسیم و خود را اصلاح کنیم. ان شاء الله

پیامبر (ص) پس از این که آیه‌ی ۵ و ۶ سوره‌ی اسراء را تلاوت فرمودند، سلمان عرض کرد: یا رسول این معنی در زمان شما خواهد بود؟ فرمود: «آری و الله در آن زمان من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام از اولاد حسین که همه مظلوم اهل بیت من بودند، همه یک جا جمع خواهیم بود. آن گاه ابلیس و لشکریان او و مؤمنین واقعی و کافران حقیقی حاضر می‌شوند تا از یکدیگر قصاص کنند و هیچ کس ظلم نکند و ماییم تاویل آیه‌ی چهار سوره‌ی قصص را تلاوت فرمود. یعنی اراده کرده‌ایم که منت بنهیم بر آنان که در زمین خوار شدند. آن‌ها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و آن‌ها را در زمین جای دهیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنان نشان دهیم آن چه را که آن‌ها از آن می‌ترسیدند.»

در غیبت شیخ از امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده است که در تفسیر این آیه فرمود: «اینان

که در زمین ضعیف شده‌اند، آل پیغمبرند که خداوند مهدی آن‌ها را برانگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند.<sup>۱</sup>»

## قرآن و رجعت

قرآن بیانگر این واقعیت است که نه تنها زنده کردن مردگان پیش از معاد ممکن است، بلکه بارها صورت گرفته است. اکنون از آیاتی که برای منصفان کافی باشد. نمونه‌هایی می‌آوریم و حق ستیزان هم که به قول قرآن (آیه‌ی ۲۵ انعام و ۱۲۶ اعراف) «هر آیه و معجزه‌ای که بنگرند، ایمان نمی‌آورند.»

## نمونه‌ی آیات

- ۱- آیات ۷۲ و ۷۳ سوره‌ی بقره: «و بیاد آورید هنگامی که کسی را کشتید و درباره‌ی او با یکدیگر به نزاع برخاستید در حالی که خدا آن چه را پنهان می‌کردید، آشکار کرد. پس گفتیم (گاوی را بکشید) پاره‌ای از آن را بر مقتول بزنید. خدا مردگان را این گونه زنده می‌کند و نشانه‌های قدرت خویش را این گونه به شما می‌نماید.<sup>۲</sup>»  
این آیه را در تفاسیر نمونه‌ای از رجعت یا بازگشت به دنیا می‌دانند.
- ۲- آیه‌ی ۲۴۳ سوره‌ی بقره: «آیا آن هزاران تن را ندیده‌ای که از بیم مرگ از خانه‌های خویش بیرون رفتند، سپس خدا به آنان گفت بمیرید. آن گاه همه را زنده کرد. خداوند به مردم نعمت می‌دهد اما بیشتر مردم، سپاس نعمت‌های خدا را به جای نمی‌آورند.»  
این آیه درباره‌ی بنی‌اسرائیل و مربوط به رجعت یا بازگشت است.
- ۳- آیه‌ی ۵۵ بقره: «آن گاه که گفتند ای موسی ما تا هنگامی که خدا را به آشکار نبینیم، به تو ایمان نمی‌آوریم.» و آیه‌ی ۱۵۳ نساء: «پس گفتند (ای موسی) خدا را آشکارا به ما

(۱) کتاب امام مهدی (عج)، تألیف آیت اله فقید سید محمدکاظم قزوینی، به نقل از بحارالانوار، ج ۱۳،

(۲) امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۹۴.

نشان بده و به خاطر این سخن کفرشان، صاعقه آنان را فراگرفت.»  
 به موسی (ع) چنین گفتند. موسی هم طبق برنامه‌ی الهی با هفتاد نفر به کوه طور رفت و صاعقه آنان را فراگرفت و مردند و پس از آن زنده شدند و مدتی هم در این دنیا زندگی کردند که در تفاسیر از این دو آیه به رجعت یا بازگشت به این جهان تفسیر شده است.  
 از آن جا که بنا بر اختصار است، فقط فهرست چند آیه‌ی دیگر را می‌آوریم که محققین و پژوهشگران به تفاسیر آن‌ها مراجعه کنند و بر اطلاعات خود بیفزایند. آن آیات عبارتند از: آل عمران ۴۹ - مائده ۱۱۰ و ۲۳ - قصص ۸۵ - نساء ۱۵۷ - یونس ۴۱ و ۵۵ - طه ۱۲۳ - انبیاء ۶۹ و ۹۵ - مؤمن ۵۴ - زخرف ۲۷ - نمل ۹۳ - ق ۴۱ و ۴۲ - و آیاتی چند دیگر.

آری خواننده‌ی گرامی! این واقعیت روشن و روشنگر را تنها به عنوان نمونه برای زنده شدن مردگان پیش از قیامت و وقوع این حقیقت ترسیم کردیم و فکر نمی‌کنیم هیچ کس در صراحت آیات در باب موضوع رجعت تردید کند.

بارالها، ما را چنان موفق و مؤید بدار که به هنگام ظهور مهدی موعود (عج) روحی و ارواح العالمین له الفداء از کسانی باشیم که در ردیف نیکان و صالحان در کنار مهدی عزیز باشیم. این هم امکان ندارد مگر لطف و محبت تو که منت بر ما نهی و توفیق را رفیقمان گردانی. ان شاء الله.

۴ - و نیز امامان اهل بیت علیهم‌السلام شیعیان خویش را به دعا و نیایش به بارگاه خدا توصیه می‌کردند تا از خدا بخواهند که آنان را پس از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام به دنیا بازگشت دهد، تا آنان روزگار مبارک و پرشکوه حکومت او را درک کنند.

آنان به پیروان خویش دعاهای ارزنده و پرمحتوایی را برای این درخواست مخصوص می‌آموختند که برای نمونه به بخش‌هایی از آن‌ها که به رجعت و بازگشت برخی از مردگان به دنیا در عصر ظهور اشاره می‌کند، می‌نگریم.

۱ - امام صادق علیه‌السلام در دعای عهد که از آن گرامی روایت شده است می‌فرماید: «اللهم أنْ حالَ بَینی و بَینَهُ (أی الأمام المهدی) الموت الَّذی جعلته علی عبادک حتماً مقضياً - فأخرجنی

من قبری مؤتذراً کفنی شاهراً سینی مجرّداً قناتی مُلَبِّياً دعوة الداعی...»<sup>۱</sup>

یعنی: بار خدایا! اگر میان من و او قانون مرگ که آن را بر بندگان مقرر داشتی حائل شد، مرا از قبرم بیرون آور در حالی که کفن خود را بر کمر بسته و با شمشیر از نیام کشیده و نیزه‌ی برافراشته در شهر و بیابان لَبِیک گوی او باشم.

۲- و نیز زیارت حضرت هادی و حضرت عسکری علیهما السلام است که:

«... و أَنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا وَ أَقْدَرْتَ بِهِ عَلَيَّ خَلِيفَتِكَ رَغْمًا - فَأَبْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتَذِرًا كَفْنِي - حَتَّى أَجَاهِدُ بَيْنَ يَدَيْهِ، فِي الصَّفِّ الَّذِي أَثْنَيْتَ عَلَيَّ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ: «كَأَنَّهُمْ بُتْنِيَانِ مَرْصُوصَ»<sup>۲</sup>

اللَّهُمَّ! إِنِّي أَدِينُ بِالرَّجْعَةِ، بَيْنَ يَدَيَّ صَاحِبَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ...»<sup>۳</sup>

یعنی: و اگر میان من و امام مهدی علیه السلام و ظهور و دیدارش، قانون مرگ که آن را به صورت یک اصل تحلف ناپذیر طبیعی بر بندگان مقرر و برخلاف میل شان بر آن‌ها مسلط کردی، حائل شد از بارگاهت می‌خواهم که مرا به هنگام ظهور او از آرامگاهم در حالی که کفن خویش را بر شانه و کمر بسته‌ام، برانگیزی تا پیش‌روی یاران آن حضرت جهاد کنم و از طلایه‌داران سپاهی باشم که آنان را در کتاب آسمانی‌ات ستودی و همانند دیواری خواندی که اجزایش را با سرب به هم پیوند داده باشند، می‌جنگند.

بار خدایا! من در برابر صاحب این قبر مقدّس و مکان پرشکوه، به عقیده‌ی به رجعت ملتزم می‌شوم.

۳- و نیز در زیارت امام مهدی علیه السلام می‌خوانیم که:

«... وَ إِن أَدْرِكُنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ، فَأَتَوَسَّلُ بِكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ وَ رَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ...»

(۱) کتاب امام مهدی (عج)، تألیف آیت‌اله فقید سید محمد کاظم قزوینی، نقل از بحار الانوار، ج ۵۳، ص

(۲) سوره صف، آیه ۴.

(۳) همان کتاب، نقل از بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۳.

یعنی: سالار من، اگر مرگ، پیش از ظهور شما مرا دریابد، به شما توّسل می‌جویم و شما را به بارگاه خدا می‌برم که بر محمد و خاندانش درود فرستد و بار دیگر ما را در عصر ظهور و حکومت عادلانه و شکوهمند شما به دنیا بازگشت دهد....

این‌ها برخی از روایاتی است که درباره‌ی رجعت و بازگشت برخی از مردگان، در عصر ظهور وارد شده است.

**دعای عهد:** از حضرت صادق (ع) روایت شده که هر که چهل صبح این عهد را بخواند از یاوران قائم است و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون می‌آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه دهد و هزار گناه از او نابود گرداند و آن عهد این است.



# فصل هفتم

## تشرّف به حضور ولی عصر (عج)

از زمان ولادت حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) افراد شیفته و دل‌باخته‌ی امام عصر به حضورشان شرفیاب شده‌اند که برخی از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم. دیدار و زیارت ایشان لیاقت می‌خواهد که انسان باید از همه نظر خود را آماده کند تا لایق دیدار شود. خداوند این سعادت و توفیق دیدار را نصیب و روزیمان گرداند. ان شاء الله

## تشرّف محمد بن عیسی بحرینی به خدمت ولی عصر (عج)

علامه‌ی مجلسی روایت می‌کند که یکی از افراد قابل اعتماد بحرین این داستان را برایش نقل کرده که: موقعی که شهر بحرین در تصرف فرنگیان قرار گرفت، شخصی از مسلمین را به حکومت آن جا گماشتند تا موجب آبادی بیشتر آن جا شود و بهتر بتواند به وضع اهالی رسیدگی کند. این والی مردی ناصبی (فرقه‌ای که دشمن علی (ع) بودند، بت پرست نیز گفته‌اند بود افزون بر این وزیری داشت که تعصّبش از وی بیشتر بود و برای نابودی و زیان رساندن به شیعه‌ها حيله‌ها طرح‌ریزی می‌کرد.

یک روز وزیر در حالی که اناری در دست داشت، نزد والی رفت و انار را به او داد. والی

دید بر روی پوست انار نوشته شده است «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله.» وقتی به دقت آن را نگریست، دید که این عبارت به طور طبیعی روی انار نوشته شده به طوری که گمان نمی رفت ساخته ی دست بشر باشد و در شگفت ماندا! والی به وزیر گفت: «این دلیل روشن و محکمی بر ابطال مذهب شیعه هاست. نظر تو درباره ی مردم بحرین چیست؟»

وزیر گفت: «این جماعت متعصب اند. آن ها را جمع کن و انار را به آنان نشان بده. اگر پذیرفتند و به مذهب ما در آمدند، شما ثواب فراوان برده اید و اگر نپذیرفتند، آن ها را در انتخاب یکی از این سه راه آزاد گذار ۱ - یا جزیه (مالیاتی که در قدیم مسلمین از کفار و اهل ذمه می گرفتند) ۲ - یا جوابی برای این دلیل روشن بیاورند. ۳ - یا خودشان کشته و زنان و فرزندان شان اسیر شوند و اموال آن ها به غنیمت گرفته شود.»

والی شیعیان را جمع کرد. انار را نشان داد و سه راه پیشنهادی وزیر را اعلام کرد بزرگان شیعه سه روز مهلت خواستند تا جواب دهند. در سه شب هر شب یک نفر را به بیابان فرستادند تا خدمت حضرت مهدی (عج) برسد و جواب بیاورد. دو نفر اول رفتند، هرچه گریه و زاری کردند، پاسخی نشنیدند تا شب سوم محمد بن عیسی بحرینی با پای برهنه به بیابان رفت و گریه و زاری و بی تابی کرد تا فردی گفت محمد بن عیسی چه شده که تو را بدین حالت می بینم؟ گفت: «ای مرد من دردم را جز برای آقام امام خود نمی گویم تا این راز را آشکار کند.»

گفت: ای محمد بن عیسی، من صاحب الامر هستم و مشکل شما اناری است که وزیر حاکم برای شما درست کرده. فردا نزد والی می روی و می گویی جواب شما را آورده ام ولی باید در خانه ی وزیر باشد. وقتی به خانه ی وزیر وارد شدی، دست راست خود غرفه ای می بینی. وارد غرفه شو. در دیوار آن سوراخی می بینی که کیسه ی سفیدی در آن است. قالب گلی که نقشه ی روی انار را به وجود آورده در آن کیسه است. آن را بیرون آور و باز کن و به خلیفه نشان بده و بعد به خلیفه بگو که معجزه ی دیگری است و آن این که دود و خاکستر در انار است. بدهید به وزیر تا آن را بشکند.

چون وزیر انار را شکست، دود و خاکستر بر روی وزیر ریخت. والی عصبانی شد، وزیر را کشت و خود شیعه‌ی علی (ع) شد و به مردم احترام کرد و معذرت خواست. قبر محمد بن عیسی هم اکنون زیارتگاه شیعیان است<sup>۱</sup>.

### ملاقات با حضرت ولی عصر(عج) و نایب خاص آن حضرت

در ماه رجب سال ۱۴۰۵ هـ. ق در خدمت حضرت حجة الاسلام آقای حاج سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی که از نویسندگان مشهورند، این داستان مهم و ارزنده و آموزنده را شنیدم و درخواست کردم عین واقعه را خود ایشان بنویسند تا در دسترس خوانندگان و عشاق امام زمان ارواحنا فداه قرار دهم و اینک اصل داستان بدین قرار است:

#### بسم الله الرحمن الرحيم

بنا به درخواست حجة الاسلام آقای شیخ احمد قاضی زاهدی عین آنچه را که بدون واسطه از مرحوم آیه الله آقای شیخ عبدالنبی اراکی طاب ثراه شنیده‌ام بیان می‌نمایم و آن یک روز آیه الله اراکی برای دیدن مرحوم آیه الله والد به خانه‌ی ما آمدند پس از ادای مراسم دیدار، به پدرم گفتند شما که برداشت ما را در نجف اشرف نسبت به آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی تا اندازه‌ای با اطلاع بودید که ما مروّج ایشان نبودیم. بلکه در مجامع علما و فضلا نسبت به ایشان چنین می‌گفتیم که ما از آیه الله اصفهانی آن قدر کمتر نیستیم که ترویج از ایشان نمایم. آیه الله والد گفتار ایشان را تصدیق نموده و چنین گفتند:

آری شما چنین ادعایی می‌کردید ولی در واقع از ایشان به مراتب کمتر بودید، حتی می‌توانم بگویم طرف مقایسه با ایشان نبودید، آیه الله اراکی گفتند به هر حال امروز می‌خواهم عظمت اصفهانی را برای شما بیان نمایم بعد گفتند:

یک روز در نجف اشرف مشهور شد که یک نفر مرتاض هندی که از راه حق ریاضت

## تشریح آیه الله اصفهانی به محضر حضرت ولی عصر (عج)

مرحوم حضرت آیه الله اصفهانی (رحمة الله علیه) از آیات و مراجعی بود که بدون واسطه به فیض ملاقات حضرت مهدی صاحب زمان ارواحنا له الفداء می رسید. دانشمند معاصر آقای حاج شیخ محمد شریف رازی در جلد اول گنجینه‌ی دانشمندان می نویسد:

حکایت کرد این علامه بزرگوار برای این نگارنده که آقای حاج سید محمد حسین میر جهانی طباطبایی صاحب تألیفات مفید از خواص اصحاب ایشان بودند که یکی از علمای زیدیه<sup>۱</sup> به نام سید بحر العلوم یمنی انکار وجود حضرت ولی عصر (عج) را می نمود و برای روشن شدن موضوع نامه‌هایی به علما و فقهای اسلامی نوشت ولی جواب قانع کننده‌ای دریافت نکرد تا این که نامه به آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی نوشت. ایشان در پاسخ نوشتند که جواب شما را باید شفاهاً داد، سری به نجف مسافرت فرمایید.

سید بحر العلوم به نجف مسافرت نموده و خدمت آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی رسید تا جواب را دریافت کند، وی سید بحر العلوم را برد. نیمه‌های شب از شهر خارج و وارد وادی السلام شدند در وادی جایی بود که آن را مقام مهدی علیه السلام می گفتند و آیه الله اصفهانی چراغ از خادم خود گرفتند و با سید بحر العلوم و پسرش وارد آن محیط شدند. آقای اصفهانی خود از چاه آن جا آب کشید و وضو گرفت (پسر سید بحر العلوم گوید ما به عمل او می خندیدیم) آن گاه وارد مقام شد و چهار رکعت نماز خواند و کلماتی گفت. ناگهان دیدیم آن فضا روشن شد. پس پدرم (سید بحر العلوم) را طلبید وقتی وارد آن مقام شد، طولی نکشید که صدای گریه‌ی سید بحر العلوم بلند شد و صیحه‌ای زد و بی هوش شد. نزدیک شدم دیدم آقای اصفهانی شانه‌های سید بحر العلوم را مالش می دهد تا به هوش آمد و وقتی از آن جا برگشتیم، سید بحر العلوم به پسرش گفت: حضرت ولی عصر حضرت حجة

(۱) زیدیه نام فرقه‌ای است که پیرو زید بن علی بن الحسین می باشند و یکی از هفتاد و سه فرقه مسلمانان

بن الحسن العسکری علیه السلام را مشافهتاً (رویاری سخن گفتن با یکدیگر) زیارت کردم و بدیدنش مستبصر و شیعه‌ی اثنی عشری شدم و بعد از چند روز از نجف اشرف به یمن مراجعت نموده و چهار هزار نفر از مریدان یمنی خود را شیعه‌ی اثنی عشری نمود.

## تشرّف حضرت آیه... العظمی

### آقای مرعشی نجفی (قدّس سرّه الشریف)

در کتاب قبسات در شرح زندگی مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی به سه حکایت برخوردیم در باره‌ی تشرّف این مرجع عالی قدر به خدمت حضرت ولی عصر(عج). چون آموزنده بود، در این جا می آوریم تا شیعیان عزیز و بزرگوار از خواب غفلت بیدار شوند و این بزرگان را الگو و سرمشق خود قرار دهند.

### حکایت اول

در ایام تحصیل در نجف علاقه‌ی شدیدی به دیدار مولایمان حضرت ولی عصر داشتم. با خود عهد کردم چهل شب چهارشنبه پیاده به مسجد سهله بروم به این نیت که جمال آقا صاحب الامر را زیارت کنم و به این فوز بزرگ نایل گردم.

تا ۳۵ یا ۳۶ شب چهارشنبه ادامه دادم. تصادفاً در این شب رفتیم از نجف تأخیر افتاد و هوا ابری و بارانی بود. نزدیک مسجد سهله خندقی بود. هنگامی که به آن جا رسیدم، شب تاریک، وحشت و ترس مرا گرفت مخصوصاً از راه‌های شعبه شعبه و دزدها. ناگهان صدای پایی را از پشت سر شنیدم که بیشتر موجب ترس و وحشتم گردید. به عقب برگشتم. دیدم سید عربی را با شکوه اهل بادیه نزد من آمد و با زبان فصیح گفت:

ای سید سلامّ علیکم. ترس از نفسم رفت و اطمینان و سکون نفس پیدا کردم و تعجب آور بود که این شخص در تاریکی شدید متوجه سیادت من شد و در آن حال من از این مطلب غافل بودم.

به هر حال سخن می‌گفتیم و می‌رفتیم. از من پرسید قصد کجا داری؟ گفتم مسجد سهله. فرمود: برای چه؟ گفتم: برای تشریف به زیارت ولی عصر علیه‌السلام.

مقداری که رفتیم، به مسجد زید بن صوحان که مسجد کوچکی بود نزدیک مسجد سهله رسیدیم. داخل مسجد شده نماز خواندیم و بعد از دعایی که سید خواند، انقلابی در من به وجود آمد که از وصف آن عاجزم.

بعد از آن سید فرمود: سید تو گرسنه‌ای، چه خوب است شام را بخوری. پس سفره‌ای که زیر عبا داشت بیرون آورد. مثل این که دو یا سه قرص نان و دو یا سه خیار سبز تازه در هوای سرد زمستان در آن بود و طبق دستور آن آقا انجام دادم. پس از آن سید گفت بیا تا به مسجد سهله برویم. داخل مسجد شدیم. سید عرب مشغول اعمال وارده در مقامات شد. من هم از آن آقا پیروی می‌کردم و بدون اختیار نماز مغرب و عشا را به آن آقا اقتدا کردم و نفهمیدم که این آقا کیست؟

بعد از آن که اعمال تمام شد، آن بزرگوار فرمود: ای سید، آیا مثل دیگران بعد از مسجد سهله به مسجد کوفه می‌روی یا در همین جا می‌مانی؟ گفتم می‌مانم. در وسط مسجد نشستم در مقام امام صادق علیه‌السلام. به سید گفتم: آیا چای یا قهوه یا دخانیات میل داری آماده کنم؟ در جواب کلام جامعی فرمود: «این امور از فضول زندگی است و ما از این فضولات دوریم.» این کلام در اعماق وجودم اثر گذاشت به نحوی که هرگاه یادم می‌آید، ارکان وجودم می‌لرزد.

به هر حال مجلس طول کشید. نزدیک دو ساعت و در این مدت مطالبی رد و بدل شد که به بعضی آن‌ها اشاره می‌کنم:

۱- در باره‌ی استخاره سخن به میان آمد. سید عرب فرمود: ای سید به چه نحو استخاره می‌کنی با تسبیح، گفتم: سه مرتبه صلوات می‌فرستم، سه مرتبه می‌گویم *أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرُهُ فِي غَافِيَةِ*. سپس قبضه‌ای از تسبیح را می‌گیرم و می‌شمارم. اگر دو تا ماند بد است و اگر یکی ماند خوب است. فرمود:

برای این استخاره باقی مانده‌ای هست و آن این است اگر یکی ماند، فوراً حکم به خوبی

نکنید، بلکه توقف کنید. بر ترک عمل استخاره کنید اگر زوج آمد، کشف می‌کند که استخاره‌ی اول خوب است اما اگر یکی آمد، کشف می‌شود که استخاره‌ی اول میانه است. به حسب قواعد علمیه می‌بایست دلیل بخواهم و آقا جواب دهد. به جای دقیق و باریکی رسیدیم. پس به مجرد این قول تسلیم شدم و در عین حال متوجه نیستم که این آفا کیست؟

۲- از جمله مطالب در این جلسه تأکید سید عرب بود بر خواندن این سوره‌ها بعد از نمازهای واجب. بعد از نماز صبح سوره‌ی یس، بعد از نماز ظهر سوره‌ی عم، بعد از نماز عصر سوره‌ی نوح، بعد از مغرب واقعه و بعد از عشاء سوره‌ی ملک.

۳- تأکید فرمودند بر دو رکعت نماز بین مغرب و عشا که در رکعت اول هر سوره بخواند و در رکعت دوم سوره‌ی واقعه و فرمود کفایت می‌کند این در خواندن سوره‌ی واقعه بعد از نماز مغرب.

۴- تأکید فرمود بعد از نمازهای واجب پنج‌گانه این دعا را بخوانیم «اللَّهُمَّ سَرِّخْنِي عَنِ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ وَوَحْشَةِ الصُّدْرِ وَوَسْوَسَةِ الشَّيْطَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

**بارالها، مزار از هم و غم‌ها و وحشت سینه (رذائل اخلاقی) و وسوسه‌های شیطان آزاد کن به رحمت تو ای مهربانترین مهربانان.**

۵- و دیگر از مطالب تأکید بر خواندن این دعا بعد از ذکر رکوع در نمازهای یومیه خصوصاً رکعت آخر «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ عَجْزَنَا وَآغِثْنَا بِحَقِّهِمْ»

۶- تعریف و تمجید از شرایع الاسلام مرحوم محقق حلی و فرمود: تمام آن مطابق با واقع است مگر کمی از مسائل آن.

۷- تأکید بر خواندن قرآن و هدیه کردن ثواب آن برای شیعیانی که وارثی ندارند یا دارند مگر یادی از آنها نمی‌کنند.

۸- تأکید بر زیارت سید الشهداء علیه السلام زیارت معروفه عاشورا با صد لعن و صد سلام شایان ذکر است که در کامل الزیارات از قول امام صادق (ع) روایت کرده‌اند که شخصی خدمت امام صادق (ع) رسید و عرض کرد که اگر وقت نداشته باشیم لعن و سلام را به طور کامل بگوییم چه باید کرد؟ امام فرمودند ۱۰۰ مرتبه بگویید اللهم عنهم جميعاً و

۱۰۰ مرتبه هم بگویند السلام علی الحسین و علی بن الحسین و علی اولاد الحسین  
و علی اصحاب الحسین کفایت می‌کند.  
می‌سوزم از هجران تو، مست از تف چشمان تو  
این درد، کو درمان تو؟ تنها تو همرازی، بگو  
دوش از فراق در به در، نالیدم از غم تا سحر  
گفتم فراق آید به سر، تا کی چنین سازی؟ بگو  
شب تا سحر دیوانه‌ام، تو شمع و من پروانه‌ام  
ویرانه شد کاشانه‌ام، گر در پی نازی بگو  
محبوب جانم دلستان، ماوای تو در گلستان  
یا آن که اندر آسمان، با مه به پروازی؟ بگو<sup>۱</sup>

### حکایت دوم

در زیارت عسکرین علیهم السلام و در جاده‌ای طرف حرم سید محمد راه را گم کردم  
و در اثر گرسنگی و تشنگی زیاد و وزش باد در قلب الاسد از زندگی مأیوس شدم. غش  
کرده روی زمین به حالت صرع (نوعی بیماری) و بی‌هوش افتادم. ناگهان چشم باز کرده  
دیدم سرم در دامن شخص بزرگواری است. پس به من آب خوش گواری داد که مانندش در  
تمام عمر نچشیده بودم از شیرینی و گواری، بعد از سیراب کردنم سفره‌اش را باز کرد و در  
میان سفره دو یا ۳ نان بود، خوردم. سپس این شخص که به شکل عربی بود فرمود سید در  
این نهر برو و بدنت را شست و شو کن. گفتم: برادر این جا نهری نیست. نزدیک بود از  
تشنگی بمیرم شما مرا نجات دادید آن مرد عرب فرمود: این آب گواری است به گفته‌ی او نگاه  
کردم دیدم نهر آب با صفایی است. تعجب کردم و با خود گفتم این نهر نزدیک من بود و  
ممکن بود از تشنگی بمیرم؟



به هر حال فرمود ای سید اراده‌ی کجا داری؟ گفتم حرم سید محمد علیه السلام. فرمود: این حرم سید محمد است! نگاه کردم دیدم در زیر بقعه‌ی سید محمد قرار داریم و حال آن که در قادسیه گم شده بودم و مسافت زیادی بین آن جا و بقعه‌ی سید محمد علیه السلام است.

باری از فواید آن چنانی که از مذاکره نصیبم شد عبارتند از:

- ۱- تأکید و سفارش بر تلاوت قرآن شریف و انکار شدید بر کسی که قایل به تحریف قرآن است. حتی نفرین فرمود بر افرادی که احادیث تحریف را قرار داده‌اند.
- ۲- و نیز گذاشتن عقیقی که اسماء مقدسه‌ی چهارده معصوم علیهم السلام بر آن نقش بسته شده زیر زبان میّت.
- ۳- سفارش فرمودند بر احترام به پدر و مادر زنده باشند یا مرده و زیارت بقاع متبرکه ائمه (ع) و اولاد آن‌ها و تعظیم و تکریمشان.
- ۴- سفارش فرمود بر ذریه‌ی سادات (فرزندان سادات)
- ۵- و سفارش فرمود بر خواندن قرآن و نماز شب و فرمود ای سید تأسف بر اهل علمی که عقیده‌شان انتساب به ماست و لیکن این اعمال را انجام نمی‌دهند.
- ۶- سفارش فرمود بر تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها و زیارت سیدالشهدا از دور و نزدیک و زیارت اولاد ائمه علیهم السلام و صالحین و علما و حفظ خطبه‌ی ششقیّه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام و خطبه‌ی زینب علیها السلام در مجلس یزید.

### حکایت سوم

در اقامتم در سر من رأی (سامراء) شب‌هایی را در سرداب مقدس بیتوته کردم، آن هم شب‌های زمستانی. در یکی از شب‌ها آخر شب صدای پایی شنیدم با این که در سرداب بسته بود و قفل بود، ترسیدم زیرا عده‌ای از دشمنان اهل بیت (ع) به دنبال کشتن من بودند. شمعم خاموش شده بود.

ناگاه صدای دلربایی شنیدم که سلام داد به این نحو «سلامٌ علیکم یا سید» و نام مرا برد. جواب دادم گفتم: شما کیستید؟ جواب داد: یکی از بنی اعمام (پسر عموهای) تو. گفتم: در بسته بود از کجا آمدی؟ فرمود: خداوند بر هر چیزی قدرت دارد. پرسیدم: اهل کجایید؟ فرمود: حجاز

سپس سید حجازی فرمود: به چه جهت آمده‌ای این جا در این وقت شب؟ گفتم: جهت حاجت‌هایی فرمود: برآورده شد.

سپس سفارش فرمود نماز جماعت و مطالعه‌ی فقه و حدیث و تفسیر و صله‌ی رحم و رعایت حقوق استاد و معلمین و سفارش فرمود به مطالعه‌ی نهج‌البلاغه و حفظ دعای صحیفه‌ی سجادیه<sup>۱</sup>.

یک امشب که در آغوش ماه تابانم

ز هر چه در دو جهان است روی گردانم

بگیر دامن خورشید را دمی ای صبح

که مه نهاده سر خویش را به دامانم

ندانم از شب وصل است یا ز صبح فراق

که همچو مرغ سحرگاه من غزل خوانم

هزار سال اگر بگذرد از این شب وصل

ز داستان لطیفش هزار داستانم

مخوان حدیث شب وصل خویش را «هندی»

که بیمناک ز چشم بد حسودانم

۱ - کسانی که در زمانهای متأخر به خدمت حضرت ولی عصر (عج) تشریف یافته‌اند، بسیاریند. از جمله سیدبن طاووس، علامه‌ی حلی، وحید بهبهانی، علامه‌ی بحرالعلوم و دیگران که ماجرای آنها در کتب زیادی از جمله کتاب نجم الثاقب علامه نوری آمده است.

## به علمدار کربلا متوسل شوید

از آیه الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته نقل شد که فرمودند:

یکی از علمای نجف اشرف که مدتی به قم آمده بود، برای من چنین نقل کرد که من مشکلی داشتم. به مسجد جمکران رفتم و درد دل خود را به محضر حضرت بقیه الله حجة بن الحسن العسکری امام زمان علیه السلام عرضه داشتم و از وی خواستم که نزد خدا شفاعت کند تا مشکلم حل شود.

برای این منظور مکرر به مسجد جمکران رفتم ولی نتیجه‌ای ندیدم. روزی هنگام نماز دلم شکست و عرض کردم: مولا جان؛ آیا جایز است که در محضر شما و در منزل شما باشم و به دیگری متوسل شوم؟ شما امام منید، آیا زشت نیست با وجود امام حتی به علمدار کربلا قمر بنی هاشم علیه السلام متوسل شوم و او را نزد خدا شفیع قرار دهم؟!

از شدت تأثر بین خواب و بیداری قرار گرفته بودم. ناگهان با چهره‌ی نورانی قطب عالم امکان حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام مواجه شدم.

بدون تأمل به حضرتش سلام عرض کردم. حضرت با محبت و بزرگواری جوابم را دادند و فرمودند: نه تنها زشت نیست و نه تنها ناراحت نمی‌شوم به علمدار کربلا متوسل شوی، بلکه شما را راهنمایی هم می‌کنم که به حضرتش چه بگویی.

چون خواستی از حضرت ابوالفضل علیه السلام حاجت بخواهی، این چنین بگو: «یا اباالغوث ادرکنی، ای آقا پناهم بده.»<sup>۱</sup>

## ایران و عنایت ویژه‌ی ولی عصر

مرحوم حاج شیخ محمود حلبی نقل می‌کند که:

در زمان جنگ جهانی اول مرحوم آیه الله العظمیٰ نایینی شکوه‌ها و شکایت‌های زیادی به ساحت امیرالمؤمنین و ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام می‌کرده است به خصوص

۱ - علی ربانی خلخالی، چهره‌ی درخشان قمر بنی‌هاشم (ع)، ج ۱، ص ۴۱۹.

شکایت‌های این پیشامد عظیم را به پیشگاه مبارک امام زمان علیه السلام می‌برده است که «یابن العسکری ایران چنین و چنان شده است؛ مردم بی سر و سامان و بی‌پناه شده‌اند، نظم و امنیت بر باد رفته است» این چنین به محضر امام زمان علیه السلام شکایت می‌کرده است.

این داستان را مرحوم نایینی برای میرزا مهدی اصفهانی و ایشان برای من نقل فرموده است.

استاد بزرگوارم فرمود، مرحوم میرزای نایینی فرمودند: من خیلی نالیدم و متوسل شدم و به حضرت امام زمان علیه السلام شکایت کردم. یک روز همین طور که متوسل بودم، بر من مکاشفه‌ای شد و حضرت بقیه‌الله را زیارت کردم. دیدم حضرت ایستاده‌اند و دیوار مرتفع سر به فلک کشیده‌ای در حدود ده بیست متر در آن جا بود.

حضرت با انگشت به من اشاره کردند که نگاه کنم. دیوار به طرز وحشتناکی کج شد، قاعده‌ی دیوار حدوداً نیم متر مورّب شده است اما بالای آن حدود پنج شش متر از جای اصلی‌اش حرکت کرده است. بعد دیدم انگشت حضرت به طرف دیوار است و به من اشاره کردند که نگاه کن.

**بعد حضرت فرمودند:**

«این دیوار، ایران است، کج می‌شود اما با انگشتان نگاهش داشته‌ایم، نمی‌گذاریم خراب شود. این جا شیعه‌خانه‌ی ماست، کج می‌شود اما نمی‌گذاریم خراب شود.»

این عین عبارتی است که استاد من از زبان استادش میرزای نایینی که اعلم علمای متأخر بوده است نقل کرد. همه‌ی این آیات عظام، آقای شاهرودی، آقای خویی و مرحوم آقای حکیم شاگردان آقای نایینی بوده‌اند. این سرّ را مرحوم نایینی به شاگرد خاص خود مرحوم میرزای مهدی اصفهانی گفته بود<sup>۱</sup>.

## حکایتی از آیت الله کوهستانی درباره تشرّف به حضور امام عصر

دکتر طاهری می نویسد:

عبدالرحمان باقرزاده نویسنده‌ی کتاب توجهات ولی عصر می نویسد در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۴۶ در کوهستان از حوالی شهرستان بهشهر مازندران در مدرسه‌ی آیت الله العظمی کوهستانی مشغول به تحصیل علوم دینی بودم. در آن زمان پیرمردی به نام «آیت الله حاج شیخ محمود کُمله‌ای»<sup>۱</sup> برای زیارت آیت الله کوهستانی آمده بود، ولی بر خلاف دیگران مدت ۱۰ الی ۱۵ روز در آن جا می ماند. وی به آیت الله کوهستانی سخت علاقه مند بود، آقا نیز برای ایشان احترام خاصی قائل بود. این مرد بزرگ داستانی دارد که خود نقل می کرد و ضمن نقل داستان، به خود سخنان جسارت آمیزی می گفت که چرا من در حین تشرّف به محضر امام زمان علیه السلام آقا را نشناختم.

او می گفت: «در نجف رسم طلبه‌ها و آقایانی که علاقمند به امام زمان علیه السلام و مشتاق دیدار او بودند، این بود که اربعین می گرفتند. کیفیت آن بدین ترتیب بود که چهل چهارشنبه متوالی به مسجد سهله‌ی کوفه می رفتند و آن شب را به دعا و عبادت و تضرّع در درگاه الهی و زیارت امام زمان علیه السلام می پرداختند و در طول این مدت، علاوه بر مراقبت‌های لازم که مبدا معصیتی از آن‌ها سرزند، نوعی ریاضت غذایی نیز داشتند، از پرخوری و خوردن غذاهای مقوی از قبیل گوشت، روغن و امثال این‌ها پرهیز می کردند و به اصطلاح غذای «حیوانی» نمی خوردند.

آقای «کمله‌ای» می فرمود: من هم به این سنت حسنه اقدام کردم و چهارشنبه‌ها به مسجد سهله می رفتم و مراقب خود بودم و غذای اندک و غیر حیوانی می خوردم. در حدود چهارشنبه ۳۴ یا ۳۵ بود که شبی در مسجد به هنگام دعا و عبادت، دیدم مرد عربی آمد در کنارم نشست. ابتدا قرآن خواند و سپس مرا به سخن گرفت. من پاسخ او را با اکراه می دادم و نخواستم با او حرف بزنم، زیرا او را مانع کارم می دانستم، در این هنگام، سفره باز کرد و به

۱ - کمله در حوالی شهرستان لنگرود و در استان گیلان قرار دارد.

خوردن غذای چرب و پراز گوشت (پُلُو تَه چین) پرداخت و به من نیز اصرار می کرد که بیا با من غذا بخور. از او اصرار بود و از من امتناع. سرانجام به او گفتم من در شرایطی هستم که غذای «حیوانی» نمی خورم.

آن مرد گفت: بیا بخور، آن چه را شنیدی معنایش آن است که «مثل حیوان نخور» نه آن که «حیوانی نخور» (یعنی انسان نباید مانند حیوان غذا بخورد که پای بند به حلال و حرام و طهارت و نجاست نیست، نه آن که از محصولات حیوانی از گوشت و روغن و پنیر استفاده نکند، زیرا اینها را خداوند بر انسان حلال کرده است، اگر حرام باشد، نان خشک هم حرام است و اگر حلال و پاک باشد گوشت و ماهی دریا و مرغ هوا نیز حلال است و مصرف آن مانعی ندارد).

آقای کمله ای می فرمود: آقا پس از آن که این جمله را فرمود، از نظرم غایب شد و من تازه فهمیدم آن کسی که من در طلب او اربعین گرفتم، همین آقا بود، ولی من او را نشناختم.

نکته: اهل دل و کمال در این داستان به جمله ای که آقا امام زمان علیه السلام به شیخ محمود کمله ای فرمود: «مثل حیوان نخور نه آنکه حیوانی نخور»، دقت بیشتری داشته باشند که تمام رمز موفقیت و رسیدن به سعادت و نیل به دیدار امام زمان علیه السلام در همان جمله اول است که فرمود: «مثل حیوان نخور، زیرا ریاضت اصلی این است». کاری که مخصوصاً در این دوران مشکل است، **أَعَاذَنَا اللَّهُ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا وَ وَقَّفْنَا بِلِقَاءِ مَوْلَانَا ضَاحِبِ الزَّمَانِ (عج) ۱**. از بدی های خودمان و بدی های کارهایمان به خدا پناه می بریم و از خداوند می خواهیم که به دیدار امام زمان (عج) موفقمان بدارد. ان شاء الله.

# فصل هشتم

## چهارده پرسش و پاسخ درباره‌ی حضرت مهدی (عج)

در این فصل برآنیم به چهارده پرسش که غالباً در ذهن افراد درباره‌ی حضرت مهدی (عج) پدید می‌آید، به اختصار پاسخ گوئیم و شبهات و ابهامات ذهنی شما خواننده‌ی عزیز را برطرف کنیم.

پرسش ۱ - چرا باید زیاد نام حضرت صاحب زمان را ببریم و از ایشان یاد کنیم؟

پاسخ: زیرا تعظیم شعائر الهی به فرمایش خداوند در قرآن از آثار تقوی است و مؤمنان برای حفظ تقوی و تقویت آن ملزم به تعظیم و تکریم آن‌ها هستند.

قرآن مجید در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی حج این چنین می‌فرماید: **وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ** و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد و به نشانه‌های آیین خداوند و پرچم‌های اطاعت او احترام بگذارد، این از تقوای دل‌هاست.

کوتاه سخن این که تمام آن چه در برنامه‌های دینی وارد شده و انسان را به یاد خدا و عظمت آیین او می‌اندازد، شعائر الهی است و بزرگداشت آن نشانه‌ی تقوای دل‌هاست.

شیخ طبرسی در این باره می‌فرماید: **تعظیم شعائر یعنی بزرگداشت دین خدا و علامت‌هایی که برای اطاعت خویش قرار داده است.**

از این سخن چنین نتیجه گرفته می‌شود که ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام چون از علایم و مشخصه‌های مهم دین هستند، باید با زنده نگه داشتن نام آن‌ها به بهانه‌ی شهادت امام یا میلاد این بزرگواران، آیین و مکتب ایشان را زنده نگه داریم. به ویژه حضرت مهدی (عج) که در پرده‌ی غیبت تشریف دارند.

زنده نگه داشتن نام آن بزرگواران روحیه‌ی طاعت و بندگی را در انسان ایجاد و تقویت می‌کند.<sup>۱</sup>

پرسش ۲ - منظور از ریسمان الهی در آیه‌ی «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» چیست؟

پاسخ: در کتاب غایة المرام از تفسیر ثعلبی آمده که به سند خود از امام صادق (ع) روایت کرده است: ما یم ریسمان خداوند که خدای تعالی فرموده: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا<sup>۲</sup>

پرسش ۳ - آیا مفهوم غیبت را به آن تعبیری که شیعه برای امام زمان علیه‌السلام می‌آورد، قرآن تأیید می‌کند؟

پاسخ: در کمال‌الدین از امام صادق (ع) درباره‌ی آیه‌ی شریفه آمده است که آن حضرت فرمود: آن کس که به قیام قائم (عج) ایمان آورده است.

در روایت دیگری از آن حضرت است که فرمود: «غیب» حجت غایب است و شاهد آن فرموده‌ی خداوند عزوجل است که فرمود: و کافران می‌گویند چرا آیتی از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟ پس بگو منتظر باشید که ما نیز از منتظران هستیم.<sup>۳</sup>

پرسش ۴ - آیا صله‌ی رحم مخصوص خویشاوندان است یا شامل ائمه‌ی معصومین به ویژه امام مهدی (عج) هم می‌شود؟<sup>۴</sup>

۱ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۵۹۹.

۲ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۵۹۴ - آل عمران ۱۰۳.

۳ - همان منبع - سوره‌ی یونس آیه‌ی ۲۰. ۴ - مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۷۷.



پاسخ: در کافی به سند صمیمی از عمر بن زید روایت شده است که گفت: به حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام عرض کردم: منظور آیهی الَّذِينَ يَصَلُّونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ،<sup>۱</sup> چیست؟ امام (ع) فرمودند: (دربارهی رَحِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است دربارهی صلهی رحم و نزدیکان تو نیز هست.) در حدیث دیگری امام علی بن الحسین (ع) فرمود: به درستی که حق نزدیکان ابوبن دینمان محمد و علی صلوات الله علیهما و اولیائهما، از قرابت‌های ابوبن نسبی ما برتر است، ابوبن دینمان ابوبن نسبی ما را راضی خواهند کرد ولی ابوبن نسبی ما نمی‌توانند ابوبن دینمان را از ما راضی کنند.<sup>۲</sup>

با توجه به دو حدیث فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که ارحام به غیر از نزدیکان و بستگان، شامل اهل بیت علیهم السلام هم می‌شود که باید حق ایشان را با تبعیت و پیروی ادا کرد.

پرسش ۵ - آیا پیروی کردن از ائمه یک عهد و پیمان الهی است؟<sup>۳</sup>

پاسخ: بله. در حدیثی امام صادق (ع) در این باره می‌فرمایند: «ما ذمّه و حرمت خدا و عهد الهی هستیم، پس هر که به پیمان ما وفا کند، عهد الهی را وفا کرده و هر کس آن را بشکند، حرمت و عهد الهی را شکسته است.»

در مرآت الأنوار از امام صادق (ع) دربارهی آیهی شریفه: إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا مگر آن کس که نزد خداوند عهدی گرفته باشد.<sup>۴</sup> آمده است:

«یعنی آن کس که به ولایت علی و امامان بعد از او علیهم السلام برای خدا دین‌داری می‌کند که همان است عهد او نزد خداوند.»

در این زمینه اخبار و روایات زیادی نقل شده است که ما به دو نمونه اشاره کردیم و اما وفای به عهد یاد شده به شش طریق تحقق می‌یابد.

۱ - یقین قلبی به امامت و ولایت ایشان و تسلیم به آن چه از ایشان وارد شده است.

۲ - میکال المکارم، ج ۱، ص ۴۷۸.

۱ - سورهی رعد، آیهی ۲۱.

۴ - سورهی مریم، آیهی ۸۷.

۳ - میکال المکارم، ج ۱، ص ۴۵۶.

۲ - مودت قلبی به آنان.

۳ - بغض دشمنان آنها و کسانی که بر ایشان پیش گرفته‌اند.

۴ - اطاعت و پیروی از آنان در تمام اوامر و نواهی ایشان.

۵ - اظهار اعتقاد قلبی به آنان با زبان و اعضای بدن به مقدار توانایی و استطاعت

۶ - یاری کردن آنها در هر حال به مقتضای آن

این عناوین شش‌گانه در دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه‌السلام و درخواست

تعجیل فرج آن حضرت از خداوند تحقق می‌یابد و این مطلب روشن است و نیازی به بیان ندارد.

پرسش ۶ - فلسفه‌ی غیبت طولانی امام مهدی چیست؟<sup>۱</sup>

پاسخ: نخست باید توجه کرد که غیبت امام از دیدگاه ما به این معنی نیست که او در

جهان دیگری جز این جهان زندگی می‌کند یا وجود جسمانی او به وجود ناپیدایی مانند

امواج تبدیل شده است، بلکه معنی غیبت امام (ع) این است که او در میان مردم زندگی

می‌کند و مردم وی را می‌بینند ولی نمی‌شناسند و ایشان از یک زندگی طبیعی برخوردار است.

اما چرا غیبت او طولانی است و فلسفه‌ی این غیبت ممتد چیست؟ در برابر این پرسش

باید گفت: برنامه‌ی حضرت مهدی (عج) با برنامه‌ی پیامبران و سایر پیشوایان یک تفاوت

کلی دارد و آن این است که برنامه‌ی ایشان، یک برنامه‌ی به تمام معنی اجرایی است نه

قانون‌گذاری آن هم نه در یک قسمت از جهان بلکه در تمام جهان، به این معنی که ایشان

ماموریت دارد تمام اصول تعلیمات اسلام را در جهان اجرا کند و اصول عدالت و داد و حق

و حقیقت را در میان همه افراد بشر بسط و گسترش دهد. درست است که پیامبران و امامان

نیز قسمت‌هایی از این برنامه را اجرا کرده‌اند، ولی بر اثر نبودن آمادگی در بسیاری از مردم

جهان، این موضوع جنبه‌ی جهانی و عمومی به خود نگرفت و پس از نفوذ در شعاع معینی از

جامعه‌های انسانی، متوقف ماند.

روشن است که اجرا شدن یک چنین برنامه‌ی انقلابی جهانی که با آن اصول عدالت و دادگری و حق و حقیقت در میان همه‌ی مردم جهان گسترش یابد، شرایط و مقدماتی لازم دارد. که مختصراً به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

## ۱- آمادگی روحی

در درجه‌ی نخست باید مردم جهان برای اجرای این اصول، تشنه و آماده شوند. تا در مردم جهان تقاضایی نباشد، «عرضه»ی هر نوع برنامه‌ی مادی و معنوی مؤثر نخواهد بود. قانون عرضه و تقاضا تنها در نظام زندگی اقتصادی حکمفرما نیست. تا تقاضایی از مردم برای کالایی نباشد، عرضه‌ی آن کالا کم اثر خواهد بود. عین این نظام در عرضه‌ی برنامه‌های معنوی و اصول اخلاقی و مکتب‌های سیاسی و انقلابی نیز حکم فرماست و تا در اعماق دل مردم برای این نوع امور تقاضا و درخواستی نباشد، عرضه‌ی آن با شکست روبه‌رو می‌شود کاری از پیش نمی‌رود.

البته گذشت زمان و شکست قوانین مادی و پدید آمدن بن بست‌های جهان و کشیده شدن بشریت بر لب پرتگاه جنگ، مردم جهان را خسته خواهد کرد و آنان را به این حقیقت خواهد رساند که اصول قوانین مادی و سازمان‌های به اصطلاح بین‌المللی نمی‌توانند مشکلات زندگی را حل و عدالت را در جهان حکم فرما کنند. همین خستگی و یأس، مردم دنیا را برای پذیرش یک انقلاب بنیادی مهیا و آماده می‌کند و می‌دانیم که این موضوع نیاز به گذشت زمان دارد تا تجربه‌های تلخ زندگی ثابت کند که تمام نظام‌های مادی و سازمان‌های بشری در اجرای اصول عدالت و احقاق حق و برقراری امنیت و آرامش، عاجز و ناتوان‌اند و سرانجام، بر اثر یأس و نومیدی، این تقاضا در مردم گیتی برای تحقق چنان آرمان الهی، پدید آید و زمینه برای عرضه‌ی یک انقلاب جهانی به دست یک مرد الهی و آسمانی از هر نظر مساعد شود.

## ۲- تکامل علوم و فرهنگ‌های انسانی

از سوی دیگر برای برقرار کردن یک حکومت جهانی بر اساس عدل و داد، نیاز فراوانی دارد به پیشرفت علوم و دانش‌ها و فرهنگ‌های اجتماعی و مردمی که آن نیز بدون پیشرفت فکری و گذشت زمان، ممکن و میسر نمی‌شود.

برقراری حکومت جهانی که در سراسر جهان عدل و داد و قانون حکومت کند و همه‌ی مردم جهان از تمامی مزایای فردی و اجتماعی اسلام بهره‌مند شوند، بدون وجود یک فرهنگ پیشرفته در تمامی شئون بشری امکان‌پذیر نیست و هرگز بدون یک فرهنگ کامل، جامعه‌ی عمل به خود نمی‌پوشد. این نیز به گذشت زمان نیاز دارد.

## ۳- تکامل وسایل ارتباط جمعی

از دیگر سو چنین حکومتی نیاز به وجود وسایل کامل ارتباط جمعی دارد تا در پرتو آن بتواند مقررات و احکام و اصول انسانی را از طرق مختلف در مدت کوتاهی به مردم جهان اعلام کند. این موضوع نیز بدون تکامل صنایع انسانی و گذشت زمان میسر نمی‌شود.

## ۴- پرورش نیروی انسانی

از همه‌ی این‌ها گذشته پیشبرد چنین هدفی و پی‌ریزی چنان انقلابی به یک نیروی فعال و سازنده‌ی انسانی نیاز دارد که در واقع ارتش انقلاب جهانی را تشکیل می‌دهد و تشکیل چنین ارتشی، به وجود آمدن چنین افراد جانباز و فداکاری که در راه هدف و حقیقت از همه چیز بگذرند، نیاز به گذشت زمان دارد.

اگر در برخی از روایات می‌خوانیم که فلسفه‌ی طولانی شدن غیبت امام زمان، همان امتحان و آزمایش مردم است، ممکن است ناظر به همین قسمت باشد. زیرا امتحان و آزمایش در منطق اسلام نه به معنی آزمون‌های معمولی و کشف امور پنهانی است، بلکه مقصود از آن پرورش روحيات پاک و پدید آوردن حداکثر ورزیدگی در افراد است. مجموع این جهات چهارگانه نیاز به این دارد که زمان قابل ملاحظه‌ای بگذرد و جهان از

بسیاری از جهات پیش برود و آمادگی روحی و فکری برای پذیرش حکومت جهانی بر اساس حق و عدالت در مردم پدید آید. آن گاه این برنامه با وسایل و امکانات خاصی در سطح جهانی به دست حضرت مهدی (عج) اجرا می شود. این است فلسفه غیبت طولانی امام (عج).

پرسش ۷- آیا این آیه «و من نعمه ننکسه فی الخلق افلا یعقلون» هر که را عمر طولانی دهیم، خلقت او را دگرگون و وارونه گردانیم (یعنی نیروها و قوای او را تدریجاً می گیریم) این آیه با طول عمر امام زمان (عج) چگونه سازش دارد؟

پاسخ: این آیه در حقیقت یک ناموس طبیعی و قانون الهی را توضیح می دهد. یعنی افراد انسان مطابق سیر طبیعی پس از آن که به سر حد تکامل جسمی رسیدند، تدریجاً نیروهای خود را یکی پس از دیگری از دست می دهند و به ضعف و ناتوانی روز اول بازگشت می کنند. این منحنی ضعف و قدرت یک قانون عمومی برای تمام موجودات زنده است و همگی روی سیر طبیعی و معمولی این سرنوشت را خواهند داشت، ولی در موضوع طول عمر امام زمان (عج) با این که یک سلسله مطالعات علوم طبیعی چنین طول عمری را طبق موازین علمی امری کاملاً ممکن معرفی می کند، در عین حال باید اعتراف کرد که این طول عمر فعلاً جنبه استثنایی دارد. به عبارت دیگر، عمر هزار ساله و بیشتر برای انسانی مطابق اصول علمی امروز به هیچ وجه محال نیست، به دلیل این که دانشمندان علوم طبیعی برای طولانی کردن عمر انسان همواره مشغول مطالعاتی هستند یا نوید می دهند که روزی موفق شوند از طرق علمی طول عمر انسان را به مراتب افزایش دهند. این خود نشانه امکان و معقول بودن چنین طول عمری است.

ولی نمی توان انکار کرد که فعلاً چنین طول عمری جنبه استثنایی دارد و هنوز انسان از طریق معمولی موفق به آن نشده است. بنابراین خداوند برای اصلاح جامعه بشری یکی از بندگان برگزیده خود را طول عمر فوق العاده ای داده که در موقع معینی قیام کند و جهان را مملو از عدالت گرداند. پر واضح است آیه مزبور که نظر به افراد معمولی و عادی دارد، شامل حال چنین فردی نخواهد شد که وضع او یک وضع فوق العاده است و از جریان های

معمولی برکنار است.<sup>۱</sup>

پرسش ۸- آیا احتمال جنگ سوم جهانی (جنگ اتمی) با ظهور مصلح جهانی منافات دارد؟  
پاسخ: پیش بینی هایی که برای وقوع جنگ اتمی می شود، غالباً جنبه حدس و گمان دارد و با توجه به اینکه حوادث سیاسی تحت هیچ برنامه و قانونی نیست، غالباً قابل پیش بینی قطعی نیست.

بنابراین عقیده‌ی عموم مسلمانان و به ویژه جمعیت شیعیان دنیا که طبق مدارک مسلم دینی در انتظار یک مصلح جهانی به سر می‌برند، با این گونه حدس‌ها که درباره‌ی وقوع جنگ سوم می‌شود، هیچ گونه منافاتی ندارد. زیرا همان‌گونه که گفته شد، این پیش‌بینی‌ها متکی به یک اساس قطعی و مسلم نیست و صرفاً روی احتمالاتی است که از شرایط موجود به نظر می‌آید و هیچ بعید نیست که اضطراب و ناراحتی و پریشانی فعلی به منظور آماده شدن دنیای بشری برای پذیرفتن این حکومت الهی باشد. زیرا وقتی دنیای مادی ببیند با اصول مادی‌گری نه تنها قدرت اصلاح جامعه‌ی بشری را ندارد، بلکه روز به روز وضع را وخیم‌تر و وحشتناک‌تر می‌کند، ناچار تن به یک حکومت الهی خواهد داد.<sup>۲</sup>

پرسش ۹- اگر شرط ظهور حضرت امام مهدی گسترش فساد روی زمین است، چرا با فساد مبارزه کنیم؟

پاسخ: باید توجه کرد که شرط ظهور امام هرگز منحصر به گسترش فساد در اجتماع انسانی نیست، بلکه هرگاه مردم جهان از نظر رشد فکر و کمالات روحی به حدی برسند که بتوانند ارزش وجود امام را درک کنند و شایسته‌ی رهبری او شوند، در این صورت امام (ع) بدون هیچ قید و شرطی ظهور می‌کند و از پس پرده‌ی غیبت بیرون می‌آید. در کتاب‌های عقاید و مذاهب به طور مبسوط و گسترده بحث و بررسی شده است که مانع اساسی برای غیبت امام، اخلاق و روحیات و آماده نبودن جامعه‌ی انسانی برای ظهور و حکومت آن

۱- پرسش‌ها و پاسخ‌های مذهبی، جلد اول، ص ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۵.

۲- پرسش‌ها و پاسخ‌های مذهبی، ج اول، ص ۲۳۹.

حضرت است و اگر این مانع برطرف شود، دوران غیبت او سپری خواهد شد.<sup>۱</sup>

پرسش ۱۰ - دعای فرج چه آثار و فوایدی برای دعا کننده دارد؟

پاسخ: با توجه به احادیث و روایات زیادی که از ائمه‌ی معصومین (ع) رسیده است، دعای حضرت صاحب الامر نتایج و فواید زیادی برای منتظران و دعا کنندگان آن حضرت دارد. این فواید به صورت فهرست وار و خلاصه از این قرارند:

- ۱ - فرمایش حضرت ولی عصر علیه السلام که «بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که فرج شما در آن است.» (یعنی گشایشی در کار خودتان است)
- ۲ - سبب زیاد شدن نعمت‌هاست.
- ۳ - اظهار محبت قلبی است
- ۴ - نشانه‌ی انتظار
- ۵ - زنده کردن امر ائمه علیهم السلام
- ۶ - مایه‌ی ناراحتی شیطان لعین
- ۷ - نجات یافتن از فتنه‌های آخر الزمان
- ۸ - ادای قسمتی از حقوق آن حضرت است.
- ۹ - تعظیم خداوند و دین خداوند است.
- ۱۰ - حضرت صاحب الزمان علیه السلام در حق او دعا می‌کند.
- ۱۱ - شفاعت امام عصر (عج) شامل حال او می‌شود.
- ۱۲ - شفاعت پیامبر (ص) شامل حال او می‌شود.
- ۱۳ - مایه‌ی اجابت دعا‌های دیگر می‌شود.
- ۱۴ - ادای اجر رسالت است.
- ۱۵ - مایه‌ی دفع بلاست.
- ۱۶ - سبب وسعت روزی است.

- ۱۷ - باعث آمرزش گناهان می شود.
- ۱۸ - تشریف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب
- ۱۹ - رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت
- ۲۰ - وفای به عهد و پیمان خداوندی است.
- ۲۱ - زیاد شدن اشراق نور امام علیه السلام در دل دعاکننده
- ۲۲ - طولانی شدن عمر انسان ان شاء الله تعالی
- ۲۳ - هدایت به نور قرآن
- ۲۴ - هنگام مرگ به او مژده می رسد و با او به نرمی رفتار می شود.
- ۲۵ - با امیرالمؤمنین علیه السلام و در درجهی آن حضرت خواهد بود.
- ۲۶ - محبوب ترین افراد نزد خداوند خواهد بود.
- ۲۷ - ان شاء الله از اهل بهشت خواهد بود.
- ۲۸ - خداوند متعال در عبادت او را تأیید فرماید.
- ۲۹ - هفتاد هزار نفر از گنه کاران را شفاعت می کند.
- ۳۰ - بی حساب داخل بهشت می شود.
- ۳۱ - از تشنگی قیامت در امان خواهد بود.
- ۳۲ - مایهی خراش روی ابلیس و مجروح شدن دل اوست.
- ۳۳ - روز قیامت هدیه های ویژه ای دریافت می دارد.
- ۳۴ - مجلسی که در آن برای حضرت قائم (عج) دعا شود، محل حضور فرشتگان می شود.
- ۳۵ - فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.
- ۳۶ - باعث دوری غصه ها می شود.
- ۳۷ - دعا برای حضرت صاحب الامر، دعای تمسک به ثقلین (کتاب و عترت) است.
- ۳۸ - دعای برای آن حضرت چنگ زدن به ریسمان الهی است.
- ۳۹ - سبب کامل شدن ایمان است.



۴۰ - از شفاعت حضرت زهرا (س) بهره مند می شود.<sup>۱</sup>

پرسش ۱۱ - توقیع چیست؟

پاسخ: به جوابیه‌هایی که از ناحیه‌ی مقدسه‌ی امام زمان (عج) برای سؤال کنندگانی که به واسطه نواب ایشان ارسال شده است، توقیع گویند. در ذیل نام افرادی را که مکاتباتی با آن حضرت داشته‌اند، متذکر می شویم.

۱ - محمد بن عبدالله حمیری

۲ - ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید ره)

۳ - ابن ابی غانم قزوینی و جماعتی از شیعیان

۴ - اسحاق بن یعقوب

۵ - ابوالحسن محمد بن جعفر اسدی

۶ - عثمان بن سعید و محمد بن عثمان (نایب اول و دوم امام زمان (عج))

۷ - احمد بن اسحاق

۸ - خضر بن محمد<sup>۲</sup>

پرسش ۱۲ - بعد از ظهور حضرت ولی عصر (عج) چه نعماتی به برکت آن حضرت بر زمین نازل می شود؟

ظاهر شدن معادن، گنج‌ها، جمع اموال، تقسیم اموال عمومی و بیت المال به تساوی.  
پاسخ: در این باره روایات فراوانی از ائمه‌ی معصومین نقل شده است که به اختصار دو روایت از آن‌ها را بیان می کنیم:

امام حسن مجتبی (ع) در حدیثی می فرمایند: «خدا در آخر الزمان مردی را برمی انگیزد، زمین نباتات خود را خارج می کند، آسمان برکات خود را می بارد و زمین گنج‌های خود

۱ - مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۱، ص ۳۵۱. (خوانندگان عزیز می توانند برای آگاهی بیشتر از آثار و فواید دعا برای امام زمان (عج) به این کتاب مراجعه فرمایند.)

۲ - علامه مجلسی، مترجم علی دوانی، کتاب مهدی موعود ترجمه‌ی جلد سیزدهم بحار الانوار.

آشکار می‌کند.»

در جای دیگر امام باقر (ع) در حدیثی این چنین می‌فرمایند: «و او قائم (عج) اموال را چنان می‌بخشد که کسی قبل از او نبخشیده باشد. و زمین را از عدل و داد و نور پر می‌کند، چنان که از ظلم و بیداد و پلیدی پر شده باشد.»<sup>۱</sup>

پرسش ۱۳ - آیا اهل سنت هم به امام زمان و ظهور آن حضرت اعتقاد دارند یا این اعتقاد مخصوص شیعه است؟

پاسخ: در این باره در کتاب به اختصار در چند جمله به این امر اشاره شده است که در این جا به نظریات علمای اهل سنت در این باره می‌پردازیم.

۱ - محمد بن طلحه حلبی شافعی در کتاب خود ضمن بحث گسترده‌ای می‌نویسد: «باب دوازدهم در باره‌ی حضرت مهدی علیه السلام است» و آن گاه ضمن بر شمردن نام‌ها و القاب آن حضرت، می‌نویسد او در شهر تاریخی سامرا دیده به جهان گشود.

۲ - محمد بن یوسف کنجی شافعی از دیگر علمای بزرگ اهل سنت در کتاب خویش می‌نویسد: حضرت مهدی (ع) فرزند جناب حسن عسکری (ع) است. که وجود گرانمایه، زنده و در اوج سلامت و طراوت از زمان غیبت خویش تا کنون در جهان زندگی می‌کند.

۳ - عبدالوهاب شعرانی عالم دیگر اهل سنت در کتاب خویش تحت عنوان نشانه‌های نزدیک شدن رستاخیز، از جمله قیام و ظهور حضرت مهدی (عج) را می‌نویسد. آن گاه می‌افزاید، امام مهدی (عج) فرزند امام حسن عسکری (ع) است و در پانزدهم شعبان به سال ۲۵۵ به دنیا آمده و او زنده و باقی است تا طبق روایات رسیده از پیامبر (ص) با حضرت عیسی (ع) که به هنگام ظهور او از آسمان‌ها فرود می‌آید، دیدار کند.

واضح است که اگر بخواهیم اعترافات و تصریحات همه‌ی دانشمندان اهل سنت را در این زمینه ترسیم کنیم، کتاب طولانی و بحث خسته‌کننده می‌شود.

در پایان به این اشاره می‌کنیم طی تحقیقاتی که چند تن از علما از جمله آقایان آیت الله

صافی و ثامر عمیدی انجام داده‌اند، نام ۱۲۰ و ۱۲۸ نفر از علمای اهل سنت را به دست آورده‌اند.<sup>۱</sup>

پرسش ۱۴ - جعفر کذاب که بود، علت انحراف او از مسیر امامت چه بود و سرانجام کار وی به کجا انجامید؟<sup>۲</sup>

پاسخ: جعفر از فرزندان حضرت امام هادی (ع) بود که بدبختانه از راه و رسم پدران گران قدرش انحراف پیدا کرد و راه هواپرستی و گناه را پیش گرفت. علت انحراف وی کوتاهی پدر بزرگوارش امام هادی در تربیت او نیست، همان‌گونه که نباید او را ساخته‌ی محیط نامناسب خانوادگی به حساب آورد، بلکه عامل انحراف وی دوست و همنشینان فاسدش بودند که او را از خط امامت منحرف کردند.

پس از شهادت امام حسن عسکری (عج) ادعای امامت کرد که به دلیل نداشتن ویژگی‌های آن، ادعای دروغینش افشا و پیش همگان رسوا شد.

پایان کار وی از نظر مورخان و محدثان متفاوت است بعضی‌ها بر این باورند که وی از گمراهی خویش بازگشت و در صراط مستقیم قرار گرفت و بعضی دیگر بر این باورند که وی موفق به توبه نشده است.

«والله العالم»

۱ - امام مهدی از ولادت تا ظهور، آیه الله فقیه محمد کاظم قزوینی، ترجمه‌ی علی کرجی و سید محمد

حسینی، ص ۱۶۷ و ۱۷۱. ۲ - همان منبع، ص ۲۳۸ و ۲۶۲.

# فصل نهم

## ولایت فقیه

از آن جا که منظور ما نشر احکام اسلام و هدایت جامعه به ویژه جوانان ارزشمند و گران قدر شیعه است، در این قسمت از کتاب، نظر عزیزان را به ولایت فقیه جلب می‌کنیم تا پرسش‌هایی که در ذهن عزیزان بزرگوار هست، پاسخ داده شود و ان شاء الله هم خودمان و هم فرزندان این مرز و بوم هدایت شویم و در صراط مستقیم حرکت کنیم. «عبادت خداوند» همان «صراط مستقیم» است. زیرا در آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی یس می‌فرماید: **أَنِ اعْبُدُونِي** هذا صراطٌ مستقیم. مرا پیوستید که راه مستقیم این است. این پیمانی است که خداوند از یک یک انسان‌ها و پیش از خلقت گرفته است. حال اگر پرستش خدا در زندگی ما نباشد، پرستش شیطان است زیرا برای روز به شب رساندن و به عکس باید کسی را پرستش کنیم و نقطه‌ی مقابل خدا شیطان است.

امام صادق (ع) می‌فرمایند: **«کسی که انسانی را در معصیت پروردگار اطاعت کند او را پرستش کرده است»<sup>۱</sup>**

---

۱- وسایل ج، ۱۸ ص، ۹۱ حدیث ۸ و ۹ و تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۴۲۶.

و همان امام همام می فرمایند: «هرکس به سخن کسی گوش فرا دهد (و سخنش را بپذیرد) او را پرستش کرده است. اگر ناطق سخن خدا می گوید، شنونده خدا را پرستش کرده و اگر از سوی شیطان سخن می گوید، شیطان را پرستش کرده است.»<sup>۱</sup>

و در این زمینه علی (ع) هشدار می دهند که: «ای بندگان خدا از این دشمن خدا (شیطان) برحذر باشید، مبادا شما را به بیماری خویش (کبر و غرور) مبتلا سازد و با ندای خود شما را به حرکت درآورد و با لشکریان پیاده و سواره اش شما را جلب کند. به جان خودم سوگند او تیری خطرناک برای شکار کردن شما به چله‌ی کمان گذاشته، و آن را با قدرت و شدت تا سرحد توانایی کشیده و از نزدیک‌ترین مکان شما را هدف قرار داده است. هم او گفته است، پروردگارا به سبب آن که مرا اغوا کرده‌ای، زرق و برق زندگی را در چشم آن‌ها جلوه می‌دهم و همه‌ی آن‌ها را فریب خواهم داد (به درستی که خداوند سبب گمراهی او نبود بلکه هوای نفسش او را گمراه کرد).»<sup>۲</sup>

با توجه به نکات فوق و این که تقلید از مراجع مایه‌ی هدایت و سعادت است و تقلید نکردن گمراهی است و با توجه به مسأله‌ی اول تمامی رساله‌های عملیه که چنین است:

**مسأله‌ی ۱ - هیچ مسلمانی نمی‌تواند در اصول دین تقلید کند بلکه باید آن‌ها را از روی دلیل به فراخور حال خویش بداند ولی در فروع دین یعنی احکام و دستورات عملی اگر مجتهد باشد (یعنی بتواند احکام الهی را از روی دلیل به دست آورد) به عقیده‌ی خود عمل می‌کند و اگر مجتهد نباشد، باید از مجتهدی تقلید کند. همان‌گونه که مردم در تمام اموری که تخصص و اطلاع ندارند به آگاهان مراجعه و از آن‌ها پیروی می‌کنند.**

همان‌گونه که قرآن در آیه‌ی ۷ سوره‌ی انبیا و آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نحل می‌فرماید: اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر بپرسید.

۱ - همان منبع.

۲ - نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲ و تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۴۲۸.

## ذکر چیست؟ و اهل ذکر کیانند؟

ذکر را به «قرآن» و «پیامبر» تفسیر کرده‌اند.

**اهل الذکر** را به امامان معصوم تفسیر کرده‌اند، زیرا امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌فرمایند: «ما اهل ذکریم و باید از ما سؤال شود»<sup>۱</sup> و امام باقر (ع) می‌فرمایند: «ذکر، قرآن است و اهل بیت پیامبر (ص) اهل ذکرند و از آن‌ها باید سؤال کرد»<sup>۲</sup> در بعضی از روایات می‌خوانیم که ذکر «پیامبر (ص)» و اهل بیت او «اهل الذکر» هستند.<sup>۳</sup>

در تفسیرهای دوازده‌گانه‌ی اهل سنت از ابن عباس در ذیل آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نحل آمده‌که: «اینان محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اجمعین هستند. آن‌ها اهل ذکر و اهل علم و عقل و بیان و امامان معصومین که اهل بیت و وارث علم او هستند روشن‌ترین مصداق اهل الذکرند.

ولی قبول این موضوع هیچ‌گونه منافاتی با عمومیت مفهوم آیه و همچنین مورد نزول آن که دانشمندان اهل کتاب است، ندارد و به همین دلیل علمای اصول و فقهای ما در مباحث مربوط به اجتهاد و تقلید و پیروی ناآگاهان در مسایل دینی از آگاهان و مجتهدین به این آیه استدلال کرده‌اند.<sup>۴</sup>

باز هم در ذیل آیه‌ی ۷ سوره‌ی انبیا اهل الذکر را چنین تفسیر کرده‌اند که: «بدون شک «اهل الذکر» از نظر مفهوم لغوی، تمام آگاهان و مطلعان را در بر می‌گیرد و آیه‌ی فوق بیانگر یک قانون کلی عقلانی در باره‌ی «رجوع جاهل به عالم» است هر چند مصداق آیه دانشمندان اهل کتاب بودند ولی این مانع کلیت قانون نیست.<sup>۵</sup>

۱ - تفسیر نورالثقلین، جلد ۳، ص ۵۵ و ۵۶. ۲ - همان.

۳ - همان. ۴ - تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۴۴.

۵ - تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۶۱.

در زمان رسول گرامی (ص) افرادی را تربیت و علوم اسلامی آموزش می دادند و آنها را به مناطق تازه مسلمان شده می فرستادند تا مردم تازه مسلمان را با احکام و شرایع دینی آشنا کنند. از جمله پیامبر (ص) **مصعب بن عمیر را به مدینه و سعد بن معاذ را به یمن فرستادند** و نیز فرمودند: «فقها تا زمانی که وارد دنیا نشده اند، امین پیامبرانند.»

سؤال شد ورود به دنیا یعنی چه؟ فرمود: «**ورودشان به دنیا، یعنی پیروی از سلطان. هنگامی که چنین کنند، برای حفظ دینتان از ایشان دوری کنید.**»<sup>۱</sup>

**نشاندهی فقیه حقیقی در سخنان علی (ع):** «او کسی است که از رحمت خدا ناامید نشود و از عذاب خدا ایمنی نبخشد و به مردم اجازه‌ی گناه ندهد و قرآن را ترک نکند.»  
**مشخصات فقیه از نظر امام حسین (ع):** «سامان اداری (ملت و کشور) و صدور احکام (قضایی) به دست علمایی است که امین حقوق الهی و دارای حرام و حلال خداوندند.»

**امام سجاد (ع) فرمود:** «خداوند به دانیال نبی وحی فرمود که منفورترین بندگانم نادانی است که حقّ علما را سبک شمرد و از آنان پیروی نکند.»

**امام باقر (ع) می فرمایند:** به سوی کسی روی آورید که احادیث ما را روایت می کند و به حلال و حرام ما توجه دارد و احکامی را که از جانب ما بیان شده است، امت می شناسد. به درستی که آنان را بر شما حاکم قرار دادیم و هنگامی که حکمی دادند، هرکس از آنان قبول نکرد، همانا حکم خدا را خوار شمرده و ما را قبول نکرده و کسی که قول ما را رد کند، قول خدا را رد کرده و رد قول خداوند به منزله‌ی شرک به خداوند است. (منتهی الآمال)

امام باقر (ع) فرمود: عالمی که از علم او بهره برند، از هفتاد هزار عابد برتر است.<sup>۲</sup>  
 امام صادق (ع) فرمود: «دانشمندان، وارثان پیامبرانند و پیامبران درهم و دینار به ارث نگذاشتند، بلکه احادیثی به جای گذاردند که هرکس از آن بهره گیرد، فایده‌ی بسیاری برده است. پس نیکو بنگرید که علم خود را از که می گیرید زیرا در خاندان ما اهل بیت در هر

عصر جانشینان عادل‌ی هستند که دین را از تحریف تند روان و نادانان و خرابکاران حفظ می‌کنند.<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) فرمود: «اگر فقیه مؤمنی از دنیا برود، رخنه‌ای در اسلام به وجود می‌آید که چیزی آن را نمی‌تواند به بندد.»<sup>۲</sup>

امام موسی کاظم فرمود: «فقها و دانشمندان دژهای اسلام‌اند. همچون حصار اطراف شهرهای تفویض ولایت از طرف امام زمان (عج) به فقها.

در حوادث و پیش آمدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجّت من بر شمایند و من حجّت خدا بر آنان هستم.»<sup>۳</sup>

### شرایط فقیه صالح از نظر امام صادق (ع)

فقهای که نفس خود را از حرام حفظ کنند، حافظ و نگه‌دار دین خدا و مخالف هوای نفس و مطیع ائمه باشند، مردم موظف‌اند از آنان تقلید کنند.

امام در همین حدیث بیان می‌فرمایند که شماری از علمای شیعه دارای چنان پرهیزکاری و تقوایی هستند نه همه‌ی آنها.<sup>۴</sup>

#### بنابراین:

۱ - تفویض ولایت از نظر قرآن و سنت مجاز است و در این زمینه پیامبر گرامی (ص) و ائمه‌ی معصومین فقها را برای فتویٰ دادن انتخاب و به آنان ولایت شرعیّه داده‌اند.

۲ - نوع ولایتی که ائمه‌ی طاهرین به فقها داده‌اند، ولایت دینی و ولایت حکومتی است.

۱ - کتاب کافی، ج ۱، ص ۳۹. ۲ - کتاب کافی، ص ۴۶.

۳ - منتهی الآمال ولایت فقیه ص ۱۰۳ نقل از وسائل الشیعه.

۴ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۵.



۳- ائمه مردم را به تقلید و فرمانبرداری از علمای با تقوا و پرهیزکار خوانده‌اند و آنان رهبر و مراجع مردم خواهند بود. این ولایت تفویض شده، همان ولایت پیامبر و امام معصوم است.

### از چه مجتهدی باید تقلید کرد؟

از مجتهدی باید تقلید کرد که دارای این شرایط باشد:

۱- مرد ۲- بالغ ۳- عاقل ۴- شیعه دوازده امامی ۵- حلال‌زاده ۶- زنده ۷- عادل (یعنی حالت خداترسی باطنی داشته باشد که او را از ارتکاب گناه کبیره و اصرار بر گناه صغیره باز دارد) ۸- اعلم باشد.

که یکی از شرایط حکومت اسلامی که زمامدار باید آن را دارا باشد، علم به قانون است. چون حکومت اسلام حکومت قانون است و برای زمامدار علم به قوانین لازم است. چنان که در روایت آمده نه فقط زمامداری بلکه هر شغل و وظیفه و مقامی در حکومت داشته باشد چنین علمی ضرورت دارد؛ متهی حاکم باید اعلم (داناتر) و افضلیت علمی داشته باشد و ائمه‌ی ما برای امامت خودشان به همین مطلب استدلال کرده‌اند که امام باید افضل بر دیگران علم داشته باشد و اشکالاتی هم که علمای شیعه بر دیگران وارد کرده‌اند، همین بوده که فلان حکم را از خلیفه پرسیدند، نتوانست جواب بگوید؟ پس لایق خلافت و امامت نیست. فلان کار را بر خلاف احکام اسلام انجام داد، پس لایق امامت نیست.

امام رضا (ع) می‌فرمایند: «اگر کسی پرسد چرا خدای حکیم «اولی الامر» قرار داده و به اطاعت آنان امر کرده است، به علل و عوامل زیادی جواب داده خواهد شد. از آن جمله:

۱- چون مردم بر طریقه‌ی مشخص و معینی نگه داشته شده‌اند و دستور یافته‌اند که از آن طریقه تجاوز نکنند وگرنه دچار تخطی خواهند شد.

۲- از طرفی این امر تحقق نمی‌یابد و مردم بر طریقه‌ی معین نمی‌روند و نمی‌مانند و قوانین الهی را برپا نمی‌دارند، مگر فرد با قدرت و امین و پاسداری بر ایشان گماشته شود.

۳- ما هیچ یک از فرقه‌ها یا هیچ یک از ملت‌ها و پیروان مذاهب مختلف را نمی‌بینیم که جز به وجود یک برپا نگه‌دارنده‌ی نظم و قانون و یک رییس و رهبر توانسته باشد به حیات خود ادامه دهد و باقی بماند.

۴- اگر برپا نگه‌دارنده‌ی نظم و مجری قانون نبود، دین به کهنگی و فرسودگی دچار خواهد شد و آیین از میان خواهد رفت و سنن و احکام اسلامی دگرگون و وارونه خواهد شد.

۵- برای زمانی که اسلام تضعیف و ایمان و محتوی ایمان دگرگون شود این تغییر موجب فساد همگی مردمان می‌شود. از این رو تشکیل حکومت و وجود «ولی امر» را لازم آورده است و اختصاص به زمان و مکان محدود و خاصی ندارد.

### فرق ایمان و بیعت

ایمان جنبه‌ی اعتقادی است اما بیعت در عمل است. ایمان به پیامبر از نظر شرعی واجب است اما برای بیعت از نظر دنیوی و حقوقی هیچ الزامی نیست. البته از نظر اخروی عقوبت در پی دارد که چرا از پیامبر(ص) در عمل اطاعت نکردی. پس بیعت لازم است.

نقش مفهوم بیعت در باره‌ی امامان معصوم صلوات الله علیهم اجمعین موجب تحقق بخشیدن و ایجاد حکومت اسلامی است. مسلمانان باید علی(ع) را انتخاب و بیعت می‌کردند ولی از نظر امام این چنین نیست که حتماً بپذیرد. علی(ع) می‌فرمایند: «پیامبر(ص) به من عهد کرد که اگر مردم آمدند و تو را انتخاب کردند، حکومت تشکیل بده ولی اگر تو را نپذیرفتند، از آن‌ها کناره بگیر تا خداوند مقدراتش را اجرا کند.»

اگر مردم امامت امام را پذیرفتند، امام رهبری جامعه را به عهده می‌گیرد. ولی اگر نپذیرفتند، امام وظیفه ندارد که مردم را اجبار کند.

اما پیشوایی ظاهری آنان که خلافت ظاهری بر مردم است، وقتی تحقق می‌یابد که مردم بپذیرند. چنان که علی(ع) شرط تحقق یافتن امامت ظاهری را بیان می‌فرمایند: «ای مردم

سزاوارترین شخص برای خلافت، تواناترین مردم و داناترین مردم به امر خداوند است... خلافت تا وقتی که همه‌ی مردم حاضر نباشند تحقق نیابد، اما کسانی که اهل شناخت آن هستند و در جمع حاضران خلافت را قبول کردند بر آنان که هنگام تعیین پیشوا حاضر نبودند حکم می‌کنند (و آنان را ارشاد و به پیشوای تعیین شده هدایت می‌کنند) پس آن که حاضر بوده نباید نقض عهد و دوباره دیگری را اختیار کند.<sup>۱</sup>

بنابراین در مسأله‌ی امامت به سه مورد نکته‌ی مهم برمی‌خوریم:

- ۱ - امامت به معنای وصی و جانشین پیامبر (ص): که همچون نبی یا رسول مرجع دینی است، محل مراجعه و سؤال مردم است و هدایت آنان را از نظر دینی بر عهده می‌گیرد.
- ۲ - امامت یا ولایت به عنوان خلافت: **تشکیل حکومت الهی و رهبری قوم به عنوان خلیفه‌ی مسلمین** برای اجرای دستورات الهی و حدود الهی و قرار گرفتن در رأس حکومت مسلمین که شرط **وجوب و تحقق آن پذیرش مردم است**.
- ۳ - امامت یا ولایت تکوینی: که شامل هدایت باطنی (هدایت به امر خدا) و هدایت و نظارت بر اعمال بندگان و سیر آن اعمال به سوی خداوند است. همین ولایت کلی که بر تمام جهان هستی دارند و مردم هیچ‌گونه دخالتی در آن نداشته و نخواهند داشت و آن **ولایت به تصرف در عالم وجود است**.<sup>۲</sup>

### ویژگی‌های امام

امام، انسان کاملی است که خداوند به عنوان الگو و پیشوا و پیشرو قوم برای امت در نظر گرفته است. او مخزن اسرار و علوم الهی است<sup>۳</sup> و به واسطه‌ی وجود اوست که زمین استقرار

۱ - خطبه‌ی ۱۷۲ ص ۵۵۸ نهج البلاغه شرح فیض الاسلام.

۲ - ولاء و ولایت‌ها، آیت الله شهید مطهری - تفسیر المیزان.

۳ - اصول کافی، ج اول.

دارد و آسمان‌ها بر پا داشته شده است.<sup>۱</sup>

خداوند در آیه‌ی ۸۳ سوره‌ی نساء می‌فرماید: «و هنگامی که خبری از پیروزی و شکست به آن‌ها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می‌کنند و اگر آن را به پیامبر و پیشوایان **اولی‌الامر** (که قدرت تشخیص کافی دارند) ارجاع کنند از ریشه‌های مسایل آگاه خواهند شد و اگر فضل و رحمت خدا نبود، همگی (جز عده‌ی کمی) از شیطان پیروی می‌کردند.

**منظور از اولی‌الامر (صاحبان فرمان) در این جا کسانی هستند که قدرت تشخیص و احاطه‌ی کامل به مسایل مختلف دارند و می‌توانند (حقایق) را از «شایعات بی‌اساس» و مطلب راستین را از نادرست برای مردم روشن کنند. که در درجه‌ی اول پیامبر(ص) و ائمه‌ی اهل بیت (ع) جانشینان او و در درجه‌ی بعد دانشمندانی هستند که در این گونه مسایل صاحب‌نظرند.**

چنان که در تفسیر نورالثقلین از امام باقر(ع) در ذیل این آیه نقل شده که فرمود: «هم الائمه» یعنی منظور از این آیه ائمه‌ی اهل بیت هستند.

و این یک قانون کلی است برای تمام اعصار و قرون و مختص زمان پیامبر(ص) نیست. در زمان امامان معصوم و پس از آنان، در این عصر غیبت به روایت کنندگان حدیث (فقها - صاحب‌نظران) باید مراجعه کرد.

و در آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی نساء می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر را و صاحبان امر را و هرگاه در چیزی نزاع کردید، آن را به خدا و پیامبر(ص) ارجاع دهید. اگر ایمان به خدا و روز رستاخیز دارید، این برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

در این آیه سه اطاعت را اعلام کرده است: ۱ - خداوند که واجب‌الاطاعه‌ی بالذات است. ۲ - پیامبر (ص) که واجب‌الاطاعه‌ی بالغیر است. ۳ - مرحله‌ی سوم

۱ - بِكُمْ يُمِسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِهِ إِذْنُهُ (از دعای جامعه‌ی کبیره) به واسطه‌ی وجود شما آسمان‌ها برپاست و به زمین جز به اذن خداوند فرود نمی‌آید.

فرمان به اطاعت از اولوالامر می‌دهد که از متن جامعه‌ی اسلامی برخاسته و حافظ دین و دنیای مردم است.

بنابراین با توجه به آیات و روایات به ویژه روایتی که از امام صادق (ع) در باره‌ی شرایط ولی فقیه و نیز روایتی که حضرت حجة ابن الحسن العسکری (عج) که فرموده‌اند در حل اختلافات به روایت کنندگان حدیث ما مراجعه کنید، ولایت فقیه عبارت است از: فرد لایقی که دو خصلت ۱ - علم به قانون ۲ - عدالت را داشته باشد. اگر چنین کسی به پا خیزد و تشکیل حکومت اسلامی بدهد، همان ولایتی را که حضرت رسول (ص) در امر اداره‌ی جامعه داشت، داراست و بر همه‌ی مردم لازم است که از او اطاعت کنند.<sup>۱</sup>

فقها در اجرای قوانین و فرماندهی سپاه و اداره‌ی جامعه و دفاع از کشور و دادرسی و قضاوت محل اعتماد پیامبرند.

امام رضا (ع) می‌فرمایند: «برای مردم، امام قیّم حافظ امین لازم است.» و پیامبر (ص) می‌فرمایند: «فقها امنای رسل هستند. از این دو سخن بر می‌آید که فقها باید رییس ملت باشند تا نگذارند اسلام مندرس و احکام آن تعطیل شود.

### ضرورت پیروی از فقها و تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت

در این قسمت لازم است قبل از پرداختن به بحث ضرورت پیروی از فقها، به لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت حضرت ولی عصر (عج) از زبان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره) اشاره‌ای شود: «بدیهی است ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم (ص) را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز ادامه دارد. طبق آیه‌ی شریفه هذا بلاغ للناس ولینذروا به و لیعلموا أنّها هو اله واحد و لیزکر اولوالالباب<sup>۲</sup>، این قرآن عظیم حجّت بالغ برای

۱ - کتاب نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء. ۲ - سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۵۲.

«جمع مردم است تا خلاق پند گرفته خداترس شوند و قادر به تعلیمات آیات توحید آن»  
 عموم بشر خدا را به یگانگی بشناسند و تا صاحبان خرد متذکر شوند و هوشیار گردند.»  
 احکام اسلام محدود به زمان و مکانی نیست و تا ابد باقی و لازم الاجراست.<sup>۱</sup> امام خمینی  
 پس از این استدلال، لزوم تشکیل حکومت اسلامی را در عصر غیبت لازم می‌داند و  
 می‌فرماید: «چون اجرای احکام پس از رسول اکرم (ص) تا ابد ضرورت دارد، تشکیل  
 حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره ضرورت می‌یابد. بدون تشکیل حکومت و بدون  
 دستگاه اجرا و اداره که همه‌ی جریانات و فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام تحت  
 نظام عادلانه در آورد، هرج و مرج به وجود می‌آید و فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی  
 پدید می‌آید. پس برای این که هرج و مرج و عنان گسیختگی پیش نیاید و جامعه دچار فساد  
 نشود، چاره‌ای نیست جز تشکیل حکومت و انتظام بخشیدن به همه‌ی اموری که در کشور  
 جریان می‌یابد. بنابراین به ضرورت شرع و عقل آن چه در دوره‌ی حیات رسول اکرم (ص) و  
 زمان امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) لازم بود، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره پس  
 از ایشان و در زمان ما لازم است.<sup>۲</sup>»

پس از بیان ضرورت تشکیل حکومت از زبان امام خمینی به ضرورت پیروی از فقیه  
 در عصر غیبت و حاکمیت ولایت فقیه در رأس حکومت اسلامی اشاره می‌شود.  
 ضرورت پیروی از ولایت فقیه و حاکمیت آن در رأس حکومت اسلامی مرجعیت فقها  
 از ابتدای غیبت کبری (سال ۳۲۹ هـ ق) آغاز شد. چرا که ارتباط مستقیم با حضرت ولی  
 عصر (عج) قطع شده و ولایت از سوی امام علیه‌السلام به فقها واگذار شده است. مردم برای  
 حل مشکلات خویش باید به مراجع وقت مراجعه کنند که این عمل هم دلیل فطری دارد، و  
 هم دلیل عقلی و هم دلیل نقلی.

۱ - دلیل فطری: قبل از این که دلیل فطری طرح شود، لازم است فطرت را تعریف کنیم.

۱ - کتاب ولایت فقیه، آیه العظمی امام خمینی (ره)، ص ۱۸.

۲ - آیه العظمی امام خمینی (ره) همان منبع، ص ۱۹.

فطرت مجموعه شناخت‌ها و تمایلاتی است که ریشه‌اش صفات کمالی الهی است و انسان بر اساس آن آفریده شده است. عامل تمایز انسان از حیوان است و انسان را به سوی کمال انسانیت، الهی شدن و مقام خلیفه‌ی الهی سوق می‌دهد. امور فطری دارای این ویژگی‌هاست:

- ۱ - خدادادی و غیر اکتسابی ۲ - در تمام انسان‌ها وجود دارد و تفاوتی در نوع و نژاد انسان یا زمان و مکان آن‌ها ندارد ۳ - بدون آموزش برای انسان شناخته شده است و به آن توجه و عمل می‌کند. ۴ - با تبلیغ و عوامل مختلف نابود نمی‌شود.

حال که با تعریف فطرت و خصوصیات آن آشنایی حاصل شد به دلیل فطری بودن پیروی مرجع و مجتهد جامع شرایط از زبان مرحوم آخوند محمد کاظم خراسانی (ره) از مراجع معظم تقلید اشاره می‌شود. تقلید و رجوع به عالم، یک امر بدیهی، جبلی و فطری است که احتیاج به دلیل ندارد.<sup>۱</sup>

**۲ - دلیل عقلی:** هر چند با بیان دلیل فطری نیاز به بیان دلیل عقلی منتفی به نظر می‌رسد، اما عقل انسان برای ضرورت تقلید و پیروی از عالم برهان ارائه می‌کند. هر انسانی در حرکت و تکاپو است و برای این حرکت نیاز به شناخت دارد و برای کسب این شناخت یا باید خود عالم باشد یا به عالم مراجعه و از نظراتش پیروی کند. دلیل عقلی برای ضرورت تقلید را مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی (ره) از مراجع معظم تقلید چنین بیان می‌کند: «کیفیت اطاعت احکام الهی مبتنی بر علم به احکام است و این علم یا از طریق شنیدن سخن معصوم (ع) و نظایر آن است یا به اجتهاد یا با تقلید. راه اول برای مردم زمان غیبت ممکن نیست، راه دوم برای عموم مردم میسر نیست. پس عقل حکم می‌کند که باید تقلید کرد.<sup>۲</sup>

**۳ - دلیل نقلی:** دلیل نقلی به دو دسته تقسیم می‌شود. اولین دلیل قرآن است که در آیه‌ی اهل ذکر یا آیه سؤال به مؤمنین چنین فرمان می‌دهد. فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون اگر

۱ - سید طالقانی، هدایت الله، کتاب مرجعیت، ص ۱۶.

۲ - سید طالقانی، هدایت الله، کتاب مرجعیت، صص ۱۹ و ۲۰.

مطلبی را نمی‌دانید، از اهل ذکر - افراد مطلع و کارشناس - سؤال کنید.<sup>۱</sup>  
دومین دلیل احادیثی هستند که از پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام در این باره رسیده است.

اسحاق بن یعقوب کلینی نامه‌ای برای حضرت ولی عصر (عج) می‌نویسد و از مشکلاتی که برایش رخ داده سؤال می‌کند و محمد بن عثمان عمری نماینده‌ی آن حضرت، نامه را می‌رساند. جواب نامه به خط مبارک صادر می‌شود که: «و اما الحوادث الواقعة، فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا. فانهم حجّتی علیکم أنا حجة الله.» در حوادث و پیش آمدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم.<sup>۲</sup>

از مجموع این آیات و روایات چنین استنباط می‌شود که پیروی از فقیه و مجتهد جامع شرایط که مرجع تقلید شناخته می‌شود، در زمان غیبت امری ضروری و لازم است و همچنین رسالت هدایت و رهبری جامعه‌ی اسلامی به دست اوست. اوست که باید به عنوان جانشین پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) امر و نهی کند؛ از دین خدا حفاظت کند و در اجرای احکام شرع بکوشد.

### شرایط ولی فقیه، رهبر سیاسی، اجتماعی و مذهبی در عصر غیبت از آن جا

که ولی فقیه، فقیهی است که نه تنها به امور مذهبی مردم نظارت دارد، بلکه باید به مسایل اجتماعی سیاسی جامعه‌ی اسلام هم بپردازد، لذا باید شرایطی خاص داشته باشد که آن را حضرت امام حسن عسکری (ع) بیان فرموده‌اند: فامّا من کان الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینه، مخالفاً علی هواه، مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلّدوه، و ذلک لایکون الابعض فقها الشیعه لا کلّهم

هر فقیهی که ۱ - نگه‌دارنده‌ی خویش (از لغزش‌ها و گناهان) ۲ - حفظ‌کننده‌ی دین خود ۳ - مخالف هوای نفس خویش ۴ - مطیع امر مولای خود باشد، پس بر مردم واجب است که از او تقلید کنند و این اوصاف در همه‌ی فقهای شیعه نیست، بلکه در

۱ - قرآن کریم، سوره‌ی انبیا آیه‌ی ۷.

۲ - آیه‌ی الله العظمی امام خمینی ره، کتاب ولایت فقیه ص ۶۸.



بعضی از آنهاست.<sup>۱</sup>

امام حسن عسکری (ع) پس از بیان شروط ولی فقیه متذکر می‌شوند که این شرایط در تمام فقها محقق نیست. از این رو می‌توان استنباط کرد که ولی فقیه کسی است که از بین فقها انتخاب می‌شود.

امام زمان (عج) فرمودند: «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا» در حوادث و پیش آمدها به راویان حدیث ما رجوع کنید.

امام صادق (ع) همین روایت فرموده است و مردم را به تبعیت از آنان و تقلید از اعمال و گفتارشان فرا خوانده است. چنین بیان می‌دارد: «فقهای که نفس خود را از حرام حفظ نموده و حافظ و نگهدارنده‌ی دین خدا و مخالف هوای نفس و مطیع ائمه باشند مردم موظفند که از آنان تقلید کنند.<sup>۲</sup>

۱ - بنابراین نوع ولایتی که ائمه به فقها داده‌اند ولایت دینی و ولایت حکومتی است.

۲ - ائمه مردم را به تقلید و فرمانبرداری از علمای با تقوی و پرهیزگار فرا خوانده‌اند.

۳ - در مسائل روز که همان حوادث الواقعة فقهای شیعه بایستی از قرآن و احادیث نقل شده مطالب و جوابهایی مورد نظر را با دلیل استخراج نموده و برای حل مشکلات کوشش نمایند.

### دلایل شیعه برای استنباط احکام

الف: قرآن؛ ب: سنت پیامبر (ص) و ائمه هدی علیهم السلام که شامل گفتار و اعمال آنان در طول زندگی‌شان می‌باشد. ج - اجماع یعنی در مورد یک مسأله اکثر علمای شیعه نظر واحد داشته باشند.

عقل به عنوان چهارمین دلیل مبنای استنباط احکام شیعه است که گویند هر چیز به آن

۱ - آیه الله العظمی امام خمینی ره، همان منبع ص ۲۱۰.

۲ - کتاب حکومت الهی ولایت تا زعامت، مهندس سیدمصطفی آیت اللهی، ص ۲۱۲. به نقل در وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۵.

حکم می‌کند عقل نیز حکم می‌کند و این دلیل فطری بودن دین را بیشتر نمایان می‌سازد.<sup>۱</sup>

### درباره‌ی تقلید نکردن

اکنون که درباره‌ی ولایت فقیه به طور کامل بررسی و رفع اشکال شد و دریافتیم که ولایت فقیه از زمان پیامبر (ص) تاکنون بوده است و تبعیت از فقیه لازم است تا ان شاء الله در جهان آخرت دچار اشکال نشویم، آخرین بحث را از امامان معصوم صلوات الله علیهم اجمعین درباره‌ی تقلید نکردن یاد آور می‌شویم و قضاوت را به عهده‌ی خواننده‌ی گرامی قرار می‌دهیم تا با انتخاب راه مستقیم که عقل و شرع و عرف تأیید می‌کند، خود و خانواده و جامعه‌ی اسلامی را از هرگونه گزند و خطری محفوظ نگه دارد.

۱ - امام موسی کاظم (ع) فرمودند: «بدعت گذار نباشید. هرکس به نظر خود عمل کند، هلاک می‌شود و هرکس اهل بیت پیامبر را ترک کند، به هلاکت می‌رسد. هرکس کتاب قرآن و کلام پیامبر (ص) را نادیده بگیرد، کافر است.»

۲ - امام باقر (ع) فرمودند: «هر آن چیز که سرانجامش اقرار و تسلیم است، آن ایمان است و هر چه که منجر به انکار می‌شود، کفر است.»

۳ - امام صادق (ع) می‌فرمایند: «خداوند فریض را بر بندگان به عنوان واجبات لازم دانسته است. هرکس فریضه‌ای از این واجبات را ترک کند و به آن‌ها عمل نکند و منکر آن‌ها شود، کافر است.»

۴ - امام صادق (ع) می‌فرمایند: «خداوند فرماید ما راه را به انسان نشان دادیم؛ یا شکرگزار است، یا کافر. مقصود آن است که هرکس آن‌ها را بگیرد و عمل کند، شاکر است و هرکس ترک گوید، کافر است.»

## منابع و مأخذ کتاب

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف	مترجم	انتشارات
۱	مهدی موعود ج ۱۳ بحار الانوار	علامه مجلسی	علی دوانی	دارالکتب الاسلامیه
۲	تفسیر نمونه	زیر نظر استاد مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان		دارالکتب الاسلامیه
۳	فی التفسیر القرآن	سید محمد حسین طباطبایی	سید محمد باقر موسوی همدانی	کانون انتشارات محمدی
۴	نهج البلاغه	حاج علی نقی فیض الاسلام		
۵	امام مهدی از ولادت تا ظهور	سید محمد کاظم قزوینی	علی کریمی و سید محمد حسینی	
۶	دادگستری جهان	ابراهیم امیری		انتشارات دارالفکر - قم خیابان ارم دارالکتب الاسلامیه - تهران بازار سلطانی انصاریان - قم خیابان شهدا نشر کوکب
۷	نوید امن و امان	صافی گلپایگانی		مسجد جمکران - قم مرکز فرهنگی امام مهدی تحقیقات انتشارات بدر کوروش کبیر دفتر نشر کوکب
۸	گفتار دلنشین چهارده معصوم	تدوین از سازمان تبلیغات اسلامی حسین تاجری	محمد محمدی اشتهاردی	
۹	انتظار بذر انقلاب			
۱۰	کرامات المهدی			
۱۱	امام مهدی (عج)	مهدی حکیمی		
۱۲	آفتاب صبح امید	صدرالدین هاشمی دانا		
۱۳	ادیان و مهدویت	محمد بهشتی		
۱۴	امام مهدی و امید ملت‌ها	حسن موسی الصفار	محمد علی مجیدیان	
۱۵	طول عمر و ملاقات امام زمان	محسن علوی پیام		انتشارات نصر
۱۶	توجهات ولی عصر به علما و مراجع	عبدالرحمان باقرزاده		انتشارات ابراهیمی
۱۷	شیفتگان حضرت مهدی	احمد قاضی زهدایی		مؤسسه‌ی نشر مطبوعات حاذق

از مؤلف کتابهای زیر به چاپ رسیده که با ۴۰ درصد قیمت پشت جلد تقدیم می‌دارد

- ۱- اباصالح المهدی، ج ۱
- ۲- اباصالح المهدی (عج)، ج ۲، به مبلغ ۱۳۰۰ تومان
- ۳- قیام امام حسین (ع) به مبلغ ۱۳۰۰ تومان
- ۴- هدایت و تقلید و تشیع به مبلغ ۸۰۰ تومان
- ۵- عبادت و تکامل انسان به مبلغ ۱۰۰۰ تومان
- ۶- رمضان به مبلغ ۴۰۰ تومان
- ۷- راهنمای سعادت به مبلغ ۳۶۰ تومان
- ۸- رستگاران به مبلغ ۴۰۰ تومان

ضمناً کتابهای تجوید الفجر و هدایت المتقین در سه نوبت چاپ و تقدیم عاشقان اهل البیت علیهم السلام گردیده است.